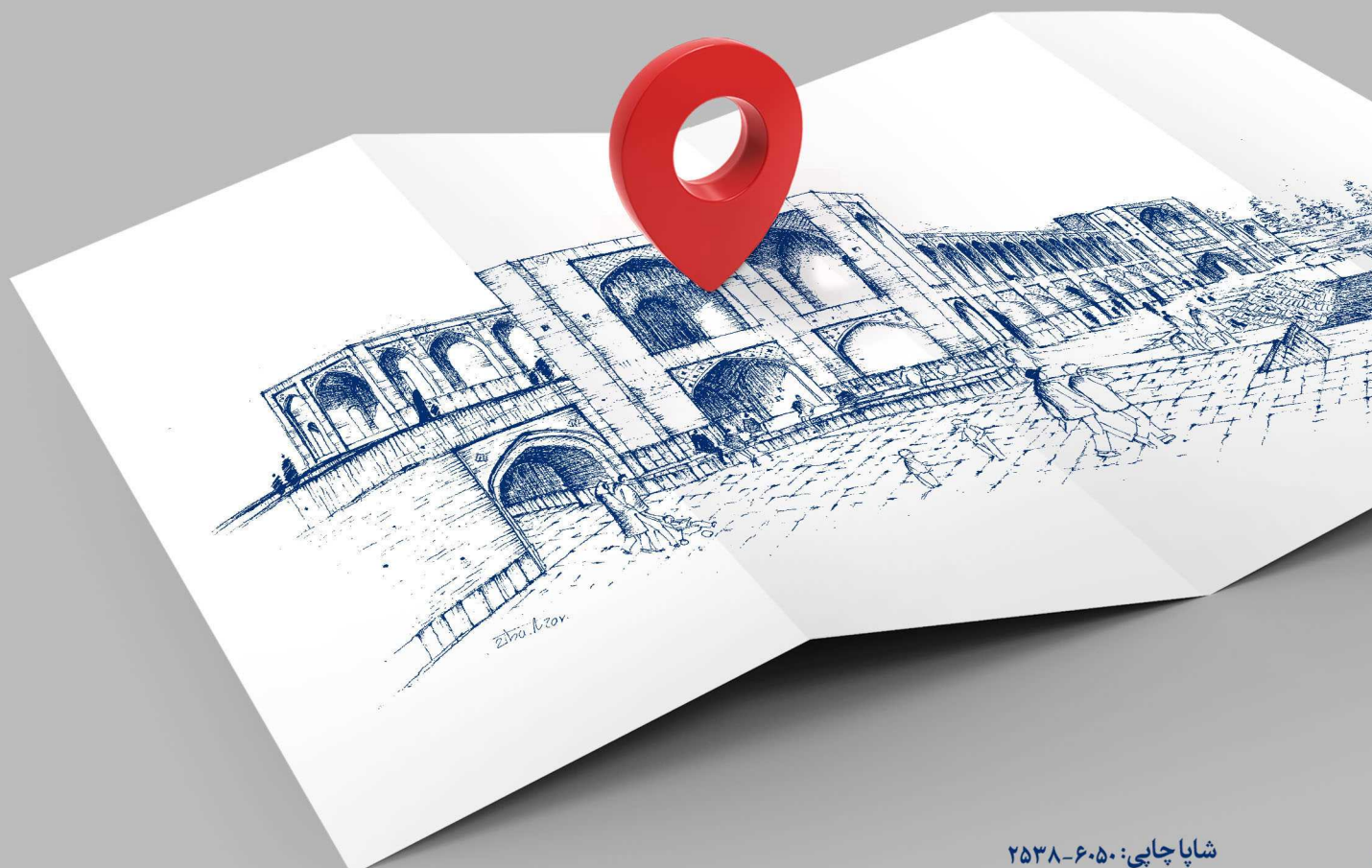


فصلنامه پژوهش های مکانی فضایی

دوره ششم، پیاپی (۲۵)، زمستان ۱۴۰۱



- خاستگاه های اندیشه و روش زمینه گرایی در شهرسازی، معماری و حوزه های تأثیرگذار برای این دوازدهه ۱۹۶۰ تاکنون
- تحلیل وضعیت استفاده از پیل های عابر پیاده اصفهان (مطالعه موردی: منطقه ۷)
- مطالعه تطبیقی آرامستان تخت فولاد و گلستان شهدا اصفهان در برخورداری از کیفیت «معنویت» در فضاهای شهری
- معیارهای تعیین مرز محلات تاریخی اصفهان (نمونه مطالعاتی: منطقه ۹)
- نقش عنصر آب در شکل گیری و ایجاد مکان پایدار در شهر اصفهان صفوی
- تأثیر عوامل کالبدی و غیرکالبدی بر هویت محله ای (نمونه مورد مطالعه: محله ستار، منطقه ۱۵ شهر اصفهان)





فصلنامه علمی پژوهش‌های مکان فضایی



دوره ششم، پیاپی (۲۵)، زمستان ۱۴۰۱



مدیر اجرایی: خاطره امیری

مدیر تحریریه: الهام قاسمی

کارشناس اجرایی: ریحانه سجادی

ویراستار ادبی: سعیده هرنندی زاده

ویراستار انگلیسی: رضوان ظفری

طراح جلد و یونیفرم: عرفان غلامی

کروکی روی جلد: زیبا آذر

صفحه آرا: جعفر خدادی

صاحب امتیاز: جهاد دانشگاهی

مدیر مسئول: مهدی ژیانپور

سر دبیر: محمد مسعود

دبیر تخصصی: احسان رنجبر

هیئت تحریریه:

نعمت‌الله اکبری، حامد بخشی، فروزنده جعفرزاده پور،

علی حسنی، نعمت‌الله فاضلی، محمود قلعه‌نویی،

محمد مسعود، مهدی منتظرالحجه، مرتضی میرغلامی

مقالات این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه خواهد شد:

www.noormags.com

www.magiran.com

www.Civilica.com

www.ensani.ir

سایت اختصاصی: www.jspr.jdisf.ac.ir

ایمیل: jsprjdisf@gmail.com

مجاز شماره ۷۸۵۳۹ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ISSN: 2538-6050

فهرست مقالات

خاستگاه‌های اندیشه و روش زمینه‌گرایی در شهرسازی، معماری و حوزه‌های تأثیرگذار بر این

دو از دهه ۱۹۶۰ تا کنون ۵

محمود قلعه‌نویی

تحلیل وضعیت استفاده از پل‌های عابر پیاده اصفهان (مطالعه موردی: منطقه ۷) ۲۹

فرشاد طهماسبی‌زاده، آزاده وسیلی

مطالعه تطبیقی آرامستان تخت فولاد و گلستان شهدا اصفهان در برخورداری از کیفیت

«معنویت» در فضاهای شهری ۴۹

الهام قاسمی، سید مهدی خاتمی، مهدی مطیح، محمدرضا پورجعفر

معیارهای تعیین مرز محلات تاریخی اصفهان (نمونه مطالعاتی: منطقه ۹ شهر اصفهان) ۶۹

سیما خالقیان، شیما قندهاری

نقش عنصر آب در شکل‌گیری و ایجاد مکان پایدار در شهر اصفهان صفوی ۸۷

فروغ مدنی اصفهانی، احد نژاد ابراهیمی

تأثیر عوامل کالبدی و غیر کالبدی بر هویت محله‌ای نمونه مورد مطالعه: محله ستار، منطقه ۱۵

شهر اصفهان ۱۰۹

مریم کریمی آذر، مهری شاهزیدی

مجله «پژوهش‌های مکانی فضایی» یکی از چند تلاش سازنده برای معرفی مفهوم «شهرشناسی» و بازسازی حوزه «مطالعات شهری» در مجموعه جهاد دانشگاهی واحد اصفهان است. این هدف‌گذاری از درک یک شکاف برمی‌آید؛ شکاف میان موقعیت این حوزه در جهان و ایران. مطالعات شهری در اوایل قرن بیستم مورد پذیرش دانشگاهی قرار گرفت، و در اوایل دهه ۱۹۷۰ به سرعت گسترش یافت. برخی از صاحب‌نظران نیز بر این عقیده‌اند که حوزه مطالعات شهری هرگز تا این اندازه نیرومند نبوده است. با این وجود در سپهر علمی پژوهشی کشورمان این حوزه هنوز به رسمیت شناخته نشده و عمدتاً به یکی از رشته‌های زیرمجموعه‌اش فروکاسته شده است. مطالعات شهری بر اساس اجماع مراکز معتبر علمی در دنیا حوزه‌ای میان رشته‌ای است که اصلی‌ترین هدفش شناخت و فهم شهرها از دیدگاه‌های علمی و نظری معتبر است. این حوزه میان رشته‌ای انجمن‌های حرفه‌ای، مجلات و نظریات خود را دارد و عمدتاً از روش‌های علوم اجتماعی استفاده می‌کند. محققین رشته‌های شهرسازی، معماری، و طراحی شهری همچنین تاریخ، جامعه‌شناسی، جغرافیا، اقتصاد، علوم سیاسی و مردم‌شناسی بیشترین دانش مطالعات شهری را تولید کرده‌اند.

مجله «پژوهش‌های مکانی فضایی» با تایید این گزاره که با وجود موضوعات نو و چالش‌برانگیزی که در قرن ۲۱ بوجود آمده است اکنون هم بهترین و هم بدترین زمان برای مطالعه شهرهاست، برای اجتناب از دامن زدن به آشفتگی نظری و روش‌شناختی موجود با تعهد به مرزهای حوزه مطالعات شهری از میان موضوعات بی‌شمار بر مطالعه «فضای شهری» متمرکز خواهد بود. مرکزیت یافتن این موضوع مفهوم مستلزم اعتقاد به پیچیدگی شهر به عنوان یک پدیده چندوجهی با ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیطی است. بر این اساس تلاش شده است اعضای هیات تحریریه مجله صاحب‌نظرانی متناسب با این ابعاد باشند.

در پایان ضمن دعوت از همه محققین، صاحب‌نظران و فرهیختگان علاقه‌مند به موضوع شهر و حوزه مطالعات شهری به مشارکت مجدانه در انتشار دستاوردهای علمی‌شان، امیدوارم تلاش مجموعه جهاد دانشگاهی و گروه علمی اجرایی مجله منجر به تقویت نگاه میان‌رشته‌ای به موضوعات مختلف از جمله شهر، به رسمیت‌شناسی حوزه مطالعات شهری و مفهوم شهرشناسی و ورود ایده‌ها و رویکردهای جدید به موضوع فضای شهری باشد.

مهدی ژبانیپور

مدیر مسئول

خاستگاه‌های اندیشه و روش زمینه‌گرایی در شهرسازی، معماری و حوزه‌های تأثیرگذار بر این دو از دهه ۱۹۶۰ تاکنون^۱

محمودقلعه‌نویی^۲

دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی، دوره ششم، پیاپی ۲۵، زمستان ۱۴۰۱، صص ۵ - ۲۸

چکیده

مفاهیمی چون گسست تاریخی، کارکردگرایی، سبک بین‌الملل و استانداردهای همگی از ویژگی‌های مدرنیسم است. با پیدایش پست مدرنیسم، لزوم توجه به زمینه در ابعاد مختلف از سوی اندیشمندانی از حوزه‌های مختلف همچون تاریخ، فرهنگ، فلسفه، زبان، محیط زیست، روانشناسی و پدیدارشناسی مورد تأکید قرار گرفت؛ اما زمینه‌گرایی در شهر، فضا و به‌طور کلی محیط مصنوع، نیاز به بازشناسی موشکافانه‌تری به‌ویژه در ارتباط با حوزه‌هایی چون نشانه‌شناسی، معناگرایی و ساختارگرایی و نیز رویکردهایی چون سنت‌گرایی و بوم‌گرایی که چهارچوب‌های نظری آن را ایجاد نموده‌اند، دارد. با توجه به خاستگاه‌های گوناگون، بازگشت به زمینه‌گرایی از سال‌های ۱۹۶۰ تاکنون با دگرگونی‌هایی در نگرش، ابعاد، اصول و روش‌ها همراه بوده است. پژوهش حاضر با مروری بر اندیشه‌های تأثیرگذار بر زمینه‌گرایی در شهرسازی و معماری، به دنبال شناخت تأثیر جنبش‌ها، رویکردها و پارادایم‌های گوناگون در حوزه‌های مختلف در بازه زمانی ۱۹۶۰ تا کنون می‌باشد. روش پژوهش حاضر توصیفی بوده و با تشریح اندیشه‌های صاحب‌نظران زمینه‌گرایی در رشته معماری و شهرسازی و نیز رشته‌های مرتبط و پیشرویی همچون فلسفه و زبان‌شناسی که آبخشور اندیشه‌های این دو رشته‌اند، سه گروه اصلی و متمایز را دسته‌بندی می‌نماید. از سه دسته شناسایی شده، دسته نخست که بیشتر تحت تأثیر فلسفه و زبان‌شناسی اندیشمندان فرانسوی هستند؛ دسته دوم که تمرکز بیشتری بر روی تاریخ، فرهنگ، سنت‌گرایی، بوم‌گرایی و توده‌گرایی دارد و دسته سوم که با توجه به تاریخ، سنت، فرهنگ بومی و بوم‌گرایی، تلاش در همزیستی با محیط زیست داشته و در راستای همگرایی با اصول توسعه پایدار تلاش کرده است.

واژگان کلیدی: شهرسازی، معماری، پست مدرنیسم، زمینه‌گرایی، پیچیدگی

۱. مقاله حاضر، برگرفته از بخش نظری پژوهش دوره فرصت مطالعاتی نویسنده است که از مهرماه ۱۳۹۷ به مدت یک نیمسال در دانشگاه تور (فرانسه) انجام شده است.

۲. نویسنده مسئول: mghalehnoee@au.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

می‌کند. شهرها و محیط‌های شهری نمی‌توانند با این روش موفق باشند (Schnabel, 2007). هدف پژوهش حاضر شناخت سیر تحول «زمینه‌گرایی» در شهرسازی و معماری در این بازه زمانی (۱۹۶۰ تا کنون) با مروری بر تأثیرپذیری آن از آراء اندیشمندان حوزه‌های مرتبط است.

مبانی نظری

در ادبیات پست‌مدرن در معماری و شهرسازی، ابعاد و جنبه‌های گوناگون زمینه و زمینه‌گرایی همچون تاریخ‌گرایی، معناگرایی و بوم‌گرایی جایگاه ویژه‌ای دارد. «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکا» اثر جین جیکوبز «تأملات در معماری» کریستین نوربرگ شولتز^۱ (۱۹۶۵)، «یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم» کریستوفر الکساندر^۲ (۱۹۶۴)، «پیچیدگی و تضاد» رابرت ونتوری^۳ (۱۹۶۵)، «معماری شهر» آلدو روسی^۴ (۱۹۶۶)، «جهاتی نو در معماری مدرن امریکا: پی‌نوشتی در مرز مدرنیسم» رابرت استرن^۵ (۱۹۶۹)، «زبان معماری پسامدرن» چارلز جنکز^۶ (۱۹۷۷)، «شهر چهل‌تکه» کالین رو و فرد کوتر^۷ (۱۹۷۸) و «مدرنیته و سنت کلاسیک» اثر آلن کولکوهن^۸ (۱۹۹۱) از نخستین و مهم‌ترین آثار هستند که در دسته کارهای زمینه‌گرا قرار می‌گیرند (نسبیت، ۱۳۹۲).^۹ بوم‌گرایی را می‌توان رویکرد یا آموزه‌هایی دانست که خواستار بازگشت

زمینه‌گرایی و وابستگی به بستر محلی، ویژگی جهان‌شمول و ناگزیر معماری و شهرسازی یا به عبارتی هرگونه محیط ساخته‌شده پیش از دوران مدرن است. جنبش مدرن با مطرح ساختن مفاهیمی چون کارکردگرایی، سبک بین‌الملل و گسستگی از تاریخ، تلاش در نفی هرگونه زمینه دارد. ما به ازای صریح این مفاهیم در رابطه با شهر، چهار رکن اصلی یعنی مسکن، تفریح، کار و آمدو شد و متأثر از آن پهنه‌بندی عملکردی است که مصداق آن، شهر درخشان لوکوربوزیه برای قلب پاریس است؛ اما در سال‌های دهه ۱۹۶۰ با پیدایش بحران‌های ناشی از نگرش مدرن به واسطه تضادهای درونی و نقدهای بیرونی آن، مفهوم پسامدرن یا پست‌مدرن شکل گرفت که از دل مدرنیسم بر آمده بود و تلاش داشت رویکرد متفاوتی داشته باشد. ایده «Plug-in City» در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ که توسط گروه آرکیگرام مطرح شد، ایده محوری‌اش نقد انعطاف‌ناپذیری ساختمان‌هاست. آن‌ها با توجه به اصول معماری مدرن، به جای آپارتمان‌های غیرانعطاف‌پذیر استاندارد شده، پیشنهاد ساخت خانه‌هایی سازگار با شرایط مختلف اجتماعی و اقتصادی، سازگار با شرایط مختلف را می‌دهند. آن‌ها بر این باورند که شهرها و محیط‌های شهری نمی‌توانند با توجه به اصول مدرنیسم و سبک بین‌الملل و بی‌توجهی ارادی به هرگونه بستر استقرار خود، به‌طور موفقیت‌آمیزی طراحی شوند. تعبیر ماشین هوشمند لوکوربوزیه از شهرها یک شکست بزرگ است. از آنجا که ماشین‌ها نمی‌توانند بیندیشند و خودشان را تغییر دهند، بنابراین قادر به سازگاری با تغییر نیستند. پس از طراحی، آن‌ها تنها می‌توانند با تمام اجزای سازنده خود کار کنند؛ اگر یک جزء به شکست برسد، کل سیستم کار را متوقف

1. Christian Norberg-Schulz: "Intentions in Architecture"

2. Christopher Alexander: "Notes on the Synthesis of Form"

3. Robert Venturi: "Complexity and Contradiction in Architecture"

4. Aldo Rossi: "The Architecture of the City"

5. Robert Arthur Morton Stern: "New Directions in American Architecture"

6. Charles Jencks: "The language of Post-Modern Architecture"

7. Colin Rowe & Fred Koetter: "Collage City"

8. Modernity and the Classical Tradition: Architectural Essays, 1980-87 MIT Press, 1991

9. Nesbitt Kate

به آیین‌ها، باورها و ارزش‌های فرهنگی بومی است. بوم‌گرایی در باورهایی چون مقاومت در برابر فرهنگ غیر، ارج نهادن به هویت راستین قومی خویش و بازگشت به «سنت فرهنگی آلوده نشده بومی» ریشه دارد. معماری بدون معمار نیز رویکردی است که با افرادی چون برنارد رودوفسکی^۱ تلاش داشت تا با ارائه معماری ساده و بی‌آلایش نقاط دور افتاده در دنیا نمایانگر آداب، رسوم، روحيات، احساسات، اندیشه، سلیقه و هنر آفرینندگان بومی آن باشد. در شکل‌گیری این معماری، روابط اجتماعی و اقتصادی در محیط طبیعی در قالب نمادهای فرهنگی به‌گونه‌ای ماهرانه بازتاب می‌یابد (بانی مسعود، ۱۳۸۷). در دهه‌های اخیر، جنبش نوشهرسازی^۲ با اعلام مواضع روشن هم از نظری تئوری و هم در عمل با کارهای افرادی چون آندرس دوانی و الیزابت پلاتر زیبرک^۳ تلاش داشته تا نماینده چنین رویکردی باشد (Hebbert, 2003). در حوزه عمل، افرادی چون رابرت ونتوری و اسکات براون عمدتاً در زمینه معماری و کامپوزیت، آلدو روسی و راب و لئون کریر با نقد رویکرد مدرنیستی، نگاه به زمینه تاریخی و محلی راهگشای دانند. به این ترتیب زمینه‌گرایی (کالبدی و اجتماعی)، تاریخ‌گرایی، منطقه‌گرایی، کثرت‌گرایی و مردم‌گرایی از ویژگی‌های جنبش پست مدرن است (بحرینی، ۱۳۷۸). همچنین تعداد دیگری از آثار در همین چهارچوب به شکل زیر قابل دسته‌بندی خواهند بود:

پیشینه پژوهش

در پژوهشی با عنوان «تبیین روش‌های طراحی

زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی در معماری ایران» اکبری و دیگران (۱۳۹۶) با اذعان به استفاده از روش تحلیلی-تطبیقی و با مشاهده میدانی، ضمن تأکید بر تفاوت میان «زمینه‌گرایی» و «منطقه‌گرایی» چهار بنای معماری معاصر ایران شامل کاخ شهربانی (۱۳۱۶)، موزه هنرهای معاصر (۱۳۵۶)، ساختمان جدید مجلس (۱۳۸۰) و پردیس سینمایی ملت (۱۳۸۷) را با دو دسته معیارهای زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی مورد بررسی قرار داده و نتیجه می‌گیرند که کاخ شهربانی در مجموع از دو دسته معیار زمینه‌گراتر و پردیس سینمایی ملت در این دو دسته غیرزمینه‌گراتر بوده است.

در مقاله‌ای با عنوان «زمینه‌گرایی در آثار معماران غیر ایرانی در دوره پهلوی اول (مدرسه البرز و ایرانشهر)» خاک زند و دیگران (۱۳۹۷) میزان انطباق با زمینه این آثار مورد ارزیابی قرار گرفته و نتیجه‌گیری شده است که دو اثر کمابیش متأثر از نظام‌های حکومتی و مدرنیسم قرار گرفته و یک اثر یعنی مدرسه ایرانشهر تا حدود بیشتری به زمینه توجه نموده و آموزه‌های ایرانی را در نظر گرفته است. در این پژوهش معیارهای دارای اهمیت در زمینه‌گرایی در ارتباط با عملکرد (پویایی، ارتباط بصری)، کالبد (تناسبات و مقیاس انسانی، روح مکان، ارتباط با پیرامون و زیرساخت)، فرهنگ و تاریخ (جنبه تاریخی و ارزش‌های اجتماعی)، طبیعت و معماری (نقش طراح و طرح معماری) دسته‌بندی و بررسی شده است.

ماجدی و دیگران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «شهر نشان‌دار به‌مثابه شهر زمینه‌گرا» با تأکید بر شهر به‌مثابه یک «کل منسجم» و تلقی زمینه به‌مثابه رویدادی تکاملی به دنبال شناخت نشانه‌ها و دسته‌بندی آن‌ها در یک نظام نشانه‌ای در زمینه کالبدی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی و انسان‌گرایانه متأثر از فرهنگ، باورها، تاریخ

1. Bernard Rudofsky
2. New Urbanism
3. Andres Duany and Elizabeth Plater-Zyberk (2000): "Suburban Nation: The Rise of Sprawl and the Decline of the American Dream"
- Andres Duany and Elizabeth Plater-Zyberk (2009): "The Smart Growth Manual"

و ارزش‌های حاکم بر جامعه با تأکید بر زمینه‌گرایی شده و با الزامات عصر خود تبیین دوباره کردند تا از هستند. به این ترتیب نویسندگان تأکید می‌کنند که نظام نشانه‌های شهر که ریشه در زمینه‌های نشانه‌ای نسل‌های پیشین باید بازشناسی و باز تعریف گذشته و حال دارد، مورد ارزیابی قرارگیرد.

جدول شماره (۱): مروری بر گزیده‌ای از اندیشمندان و رویکردهای مرتبط با زمینه‌گرایی در معماری و شهرسازی

رویکرد		مقیاس		شالوده اصلی اندیشه و رویکرد	اندیشمندان کلیدی
منطقه‌گرایی	پدیدارشناسی	زمینه‌گرایی	معماری		
■		■	■	با دگرگونی و دگردیسی رخ داده مفاهیم مرتبط، از «منطقه‌گرایی» تا «منطقه‌گرایی انتقادی» ^۱ روند کلی «منطقه‌گرایی اکنون» ^۲ به سمت «توسعه پایدار» رهنمون می‌گردد. مفهومی که در دهه‌های پایانی قرن بیستم با منطقه‌گرایی تلاقی داشته است.	Zoghi Hoseini, Diba, Kamelnia, and Mokhtabad (2018)
■		■	■	پیوسته با جنبش نوشهرسازی ^۳ با معرفی رشد و کدهای هوشمند ^۴ ، در مقیاس‌های گوناگون از ساختمان تا منطقه، اصول و روش‌های ارتباط با محیط کالبدی تشریح شده.	Duany, Speck, and Lydon (2010)
■		■	■	در دهه ۷۰ با پیدایش مفهوم مرکز-پیرامون توجه به منطقه‌گرایی فزونی می‌گیرد.	Storm (2003)
■	■	■	■	تئوری زمینه کالبدی عنصری از تداوم فرهنگی در معماری برای درک مکان و زمان	Fritsch (2001)
■		■	■	روح مکان ماهیتی نو شونده است که به نشانه زنده بودن، با گذشت زمان متغیر است. ^۵	Valena (1994)
■	■	■	■	تأکید بر ویژگی یگانه و منحصر به سایت آثار معماری (خردگرایی ایتالیا) در مقیاس خرد.	Etlin (1991)
■		■	■	توجه به زبان، فرهنگ فولکلور، صنایع دستی و معماری بومی از دل خوانش منطقه‌گرایی	Thiesse (1991)
■		■	■	پیدایش مفهوم ناسیونالیسم و هویت منطقه‌ای از دل مفهوم منطقه‌گرایی در اروپای غربی	Applegate (1990)
■		■	■	با بازشناسی مفاهیم کلاسیسیسم، رمانتیسیسم، تاریخ‌گرایی و خردگرایی نتیجه می‌گیرد که همه این رویکردها تا به امروز در بستر نو به نو شونده معنی تاریخ شکل گرفته‌اند.	Colquhoun (1989)
■		■	■	درونمایه معماری و شهرسازی سنتی همچون توجه به سازمان فضایی ساختار کالبدی، نما و طراحی میدان‌ها، راهنمایی برای برون رفت از مشکلات ناشی از آموزه‌های مدرن است.	Site (1986)

1. Critical Regionalism

2. Regionalism Now

3. New urbanism

4. Smart Growth and Smart Codes

۵. برای استدلال ولنا درک معماری به‌عنوان عنصر میانجی بین گونه ساختمان جهانی (Typus) و ویژگی‌های منحصر به سایت (Topos) اساسی است.

رویکرد			مقیاس		شالوده اصلی اندیشه و رویکرد	اندیشمندان کلیدی
منطقه‌گرایی	پدیدار شناسی	زمینه‌گرایی	شهر	معماری		
		■	■	■	تأکید بر اهمیت زمینه در تئوری «نقش-زمینه» در شکل‌گیری معماری و فضای شهری	Trancik (1986)
		■	■		درک کالبد شهر با زمینه روانی-فرهنگی و امتداد فرهنگ، سیاست و خواست شهروندان	Rowe and Koetter (1983a)
	■	■		■	معماری تنها در صورتی زنده و ماندگار می‌ماند که با روح مکانی که به همان منظور شکل گرفته ارتباط برقرار کرده و گفتگو داشته باشد و بدون ارتباط با محیطش بی‌معناست.	Ungers, Borsano, and Ferlenga (1982)
		■	■	■	حصول شکل معماری و شهری از زمینه هم به معنای فرم مصنوع و هم فرم فرهنگی	Hurt (1982)
	■	■	■	■	جانمایی هر ساختمان یا شهر، در جهان کلاسیک مهم‌ترین گام بود. تأثیر روح و الوهیت مکان بر سایت انکارناپذیر است و برای معماران رنسانس نیز همواره اهمیت ویژه‌ای داشته است. هرچند در زمان پالادیو و پس از او جنبه توپوگرافی و عملکردی پیدا کرد.	Rossi, Eisenman, Ghirardo, and Ockman (1982)
	■			■	روح مکان؛ معماری که مکان را با عناصر ذاتی و منحصر به خود آن شناسایی می‌کند.	Norberg-Schulz (1979)
		■	■	■	تأکید بر ارزش‌های زمینه در فضای شهری با بررسی نمونه‌هایی پرشماری از بافت تاریخی	Krier and Rowe (1979)
		■		■	شمول‌گرایی ^۱ در معماری که هم‌زمان دغدغه معنای معماری سنتی و متعارف ^۲ را دارد.	Venturi, Stierli, and Brownlee (1977)
		■	■	■	زمینه‌گرایی به‌مثابه فلسفه طراحی چند وجهی ^۳ برای پروژه‌های معماری و شهری	Cohen (1974)
		■	■		میان زمینه ^۴ که آشتی دهنده دو عنصر متضاد یعنی بافت سنتی و بافت جدید شهر است.	Schumacher (1971)
		■	■	■	در طراحی، فرم با داشتن ویژگی «سازگاری و هماهنگی» ^۵ با زمینه، راه‌حل مسأله است.	Alexander (1964b)
		■	■	■	شناخت درونمایه زیبایی‌شناختی منظر شهر در زمینه‌های تاریخی با تأکید بر تدرج تاریخی	Cullen (1961)
	■			■	هویت پیوست به معماری نیست و ارتباط به عالم هر پدیده و بستر پدیداری آن دارد.	Heidegger and Buschor (1954)

1. Inclusivism
2. conventional
3. faceted design philosophy
4. middle ground
5. fitness and coherence

در مقاله‌ای با عنوان «کاربست رویکرد زمینه‌گرایی در بازآفرینی بافت‌های تاریخی» هاشم‌پور و دیگران (۱۳۹۷) زمینه‌گرایی را در چهار بعد کالبدی، تاریخی، اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی و در مقیاس‌های کلان، میانی و خرد ضمن مروری بر سیر تحولات مداخلات شهری در بازآفرینی شهری در میدان صاحب‌الامر تبریز مورد بررسی قرار داده‌اند. در نهایت در نمونه مورد بررسی به این نتیجه دست یافته‌اند که در ابعاد کالبدی و تاریخی نیاز به توجه بیشتری بوده و در زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی وضعیت بهتر بوده است.

شاملو و دیگران (۱۳۹۳) در اثر خود با عنوان «واکاوی رویکردها و زمینه‌های نظری و تدوین چارچوب مفهومی منظرشهر» دیدگاه‌ها و نظریه‌های برتر در پارادایم‌های اصلی منظرسازی از ۱۹۶۰ تا زمان چاپ مقاله را در پنج محور اصلی مورد بررسی قرار داده‌اند که یکی از این دوره‌ها یعنی جنبش منظرشهر تا جنبش منظرسازی (۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰) به‌عنوان منظر زمینه‌گرا در دو دسته رویکرد «ادراک فضایی- بصری» و «ادراک بصری- رفتاری» معرفی شده است. انو فریتش موضوع طراحی معماری زمینه‌گرا را زیر چتر دو حوزه «زمینه‌گرایی» و «پدیدارشناسی» بررسی می‌کند. از نظر او پروژه‌های طراحی و بازنمودهای نظری رد رابطه با زمینه هر دو فرآیند غیرخطی هستند که تحت تأثیر شرایط فردی و جمعی قرار گرفته و به این ترتیب میزان همپوشانی و برهم‌کنش آن‌ها در طراحی معماری قابل تجویز نیست. با این حال، از رهگذر تئوری زمینه کالبدی به‌عنوان عنصری از تداوم فرهنگی، طراحی معماری به ابزار درک موقعیت مکانی و زمانی ما در جهان تبدیل می‌شود. با بررسی طیف‌های گوناگونی از نمونه‌های موردی و پاسخ‌های معماری آن‌ها به

زمینه، موضوع تعادل بین فضای هنجاری شهری و اجزای ویژه سایت مورد تأکید قرار می‌گیرد. از نظر وی زمینه کالبدی در معماری خود فرآورده انباشت تاریخی فرهنگی^۱ است (Fritsch, 2001).

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد بنیادی پارادایم‌ها، نظریه‌ها و رویکردهای مؤثر بر حوزه اندیشه در راستای زمینه‌گرایی در شهرسازی و معماری را بررسی نموده و از این رهگذر سیر تحولات را در سه گروه متمایز دسته‌بندی نموده است. نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری اسناد با بررسی متون و گرایش‌های اندیشمندان، به شکل کتابخانه‌ای انجام شده است. محتوای آثار مرتبط هر دوره از نظر ارتباط با موضوع زمینه و زمینه‌گرایی شناسایی شده است. روش‌شناسی رویکردهای زمینه‌گرا و نیز حوزه‌های مختلف اندیشه مؤثر بر زمینه‌گرایی از جمله فلسفه و زبان، علوم اجتماعی و فرهنگ به‌عنوان حوزه‌های اصلی و زیرحوزه‌هایی چون نشانه‌شناسی، معنا، ساختارگرایی و پساساختارگرایی و نحوه تأثیر آن‌ها بر موضوع زمینه‌گرایی محورهای اصلی در بخش روش‌شناسی این پژوهش بوده‌اند.

شهر یک سیستم پیچیده و پیوسته در حال گرگونی با توجه به نگرش اتمیستی، کارکردگرا، تخصص‌گرا و تک بعدی جنبش مدرن، مفاهیمی چون عدم قطعیت، آشوب، پیچیدگی، سیستم، فراکتال و کل‌گرایی از محورهای بارز نگرش پست‌مدرن محسوب می‌شوند. از نگاه پست‌مدرن «نظم» هم مفهومی مرتبط با موقعیت فیزیکی، شرایط زیستی و ادراک انسانی ما از هستی است. آشوب که خود در لغت به معنی در هم ریختگی و بی‌نظمی است، در تئوری به مفهوم نظم در بی‌نظمی

است؛ رفتاری به ظاهر تصادفی است که در یک سیستم ساده رخ داده و تعیین پذیر است. یک سیستم زمانی یک سیستم پیچیده خوانده می شود که تدوین معادلاتی که بتوانند آن را پیشگویی کند، غیرممکن باشد. شهرها از جهات گوناگون می توانند به عنوان سیستم های پیچیده تلقی شوند. در مرحله نخست، همه شهرها در یک فرآیند تغییر و دگرگونی پیوسته البته با ریتم های متفاوت قرار دارند که می تواند با توجه به زمان و مکان متغیر باشد، اما به هر حال این روند تغییر جزئی از ماهیت شهرهاست. یک سیستم پیچیده، متغیرها و درون کنش های بی شماری دارد و نمی تواند با روش های سنتی اداره شود و این دلیلی است که به این منظور ساده سازی شده و با مدل های دقیق شناخت و ارزیابی آنها میسر شود (Batty, 2005). با در نظر گرفتن شهرها به عنوان سیستم های پیچیده، آنها حاصل جمع اجزای تشکیل دهنده نیستند و تلاش برای به هم چسباندن همه قطعات تشکیل دهنده به منظور کارایی آنها، نتیجه کج فهمی بزرگ از ماهیت آنهاست (Alexander, 2002; Batty, 2007, 2009). به مانند سایر پدیده های پیچیده، شهرها می توانند به مثابه پدیده هایی پیوسته در حال تولید و باز تولید تلقی شوند (Baynes, 2009).

سیستم شهری به بیان اجتماعی - فضایی بروز می یابد، فرآورده ای که منطبق آن با نقشه ها، پلانها، آرشیوها و مصاحبه ها می تواند بازشناسی شده و چگونگی کارکرد آن و ساز و کارش با دیگرگام نمایش داده شود (Crawford, 2016). پارادایم پیچیدگی سیر تکامل «پایین به بالا» را به جای «بالا به پایین» با تأکید بر فعالیت های محلی به جای فراگیر و جهانی به رسمیت می شناسد (Batty, 2007). در واقع نقطه عطف دانش پیچیدگی، نظمی است که از دل فعالیت ها و تصمیماتی

دیده می شود که افراد از طریق آن به محیط خود و دیگران در قالب رقابت و همکاری و به شکل «از پایین به بالا» می دهند (Alexander, 1964b). مبتنی بر کار پی یو یو، رویکرد به شهر از زاویه ای دیگر ممکن است؛ و آن رویکرد ساختارگرا به منظور فهم رابطه دیالکتیک میان رفتارهای اجتماعی و چهارچوب فضایی است. به طور کلی، گروه های اجتماعی بسته به مکانیزم های عینیت اجتماعی در بافت شهری توزیع می گردد (Bourdieu, Accardo, & Balazs, 1993).

زمینه گرایی و روش شناسی

در رابطه با آموزش، روانشناسی و توسعه انسانی می توان سه پیش فرض یا به باور استفان پیر «سه فرضیه جهان شمول» را در نظر گرفت: نگرش مکانیستی، نگرش ارگانیک و نگرش زمینه گرا (Pepper, 1942). درون مایه هر یک از این دیدگاه ها از نظر مجموعه باورهای آن درباره چیستی حقیقت (هستی شناسی)، چگونگی شناخت حقیقت (شناخت شناسی) و چگونگی آزمون آن شناخت به شکل متناسب (روش شناسی) با یکدیگر متفاوت است. مکانیست ها بر این باورند که یک حقیقت یگانه وجود دارد که حتی اگر قابل شناسایی نباشد از این نظر که جنبه های فرضی حقیقت قابل آزمون است، می تواند در بوته آزمایش قرار گرفته و نادرستی آن تأیید شود. پوپر برای روش مکانیست ها با تکیه بر روابط علی - معلولی استعاره پایه «ماشین» را یادآور می شود. باورمندان به روش ارگانیک هم به شناخت حقیقتی یگانه معتقدند اما تأکید دارند که این حقیقت هرگز با متغیرهای کنترل

۱. مکانیست ها باور دارند که جنبه های گوناگون حقیقت هرگز نمی تواند تأیید شود چرا که هر آن ممکن است واقعییتی مغایر بروز یابد و به این ترتیب بهترین تئوری ها یا واقعیات آنها می هستند که هنوز نادرست ارزیابی نشده اند. روش های مورد کاربرد مکانیست ها جملگی بر طرح تحقیق تجربی مبتنی بر کنترل دقیق با هدف آزمون فرضیه های علت - معلولی یا پرسشنامه های بسته استوارند.

رویکرد	استعاره	هستی‌شناسی	شناخت‌شناسی	روش‌شناسی
مکانیستی	ماشین	باور به حقیقتی یگانه	مبتنی بر روش علی- معلولی	تحقیق تجربی، آزمون فرضیه
ارگانیسیست	بدن انسان	ویژگی‌های پویای حقیقت	سیستماتیک و دیالکتیک	شناخت میان‌کنش جنبه‌های بی‌شمار
زمینه‌گرا	رویداد تاریخی	حقیقت یگانه وجود ندارد	توسعه بسته به زمینه، متفاوت	تفسیر رخدادها در بستر ویژه آن‌ها

در ارتباط مستقیم‌تر با شهرسازی «پدیدارشناسی» به‌عنوان یکی از پارادایم‌های تعیین‌کننده پست مدرنیته قابل دسته‌بندی است. پدیدارشناسی خود تمرکز بر زمینه است و تأکید خود و البته اصالت پژوهش را بر رابطه میان کنش متقابل میان کالبد و محیط با کاربر قرار می‌دهد. انتقاد از منطق علمی و روش تفکر پوزیتیویستی که مسأله هستی^۳ را از ارزش انداخته بود، به روش - نظریه پدیدارشناسی رونق بخشید. در این چهارچوب حواس پنج‌گانه انسان، ابزارهای غریزی درک و دریافت هرچه کامل‌تر و بی‌واسطه‌تر محیط هستند که با هر چیز دیگری برای شناخت ترجیح داده می‌شوند؛ آنچه که پیشتر و در نگرش مدرن کاملاً نادیده گرفته شده بود. در دوران پسامدرن صاحب‌نظران بسیاری به

مطالعه دوباره پیوندهای کالبدی و ناآگاهانه با محیط از دیدگاه پدیدار شناختی پرداخته‌اند. آثار ادموند هوسرل مبتنی بر پژوهش نظام‌مند آگاهی و موضوعات آن از جمله «چیزها و فضا»، «ساختن، باشیدن، اندیشیدن» اثر مارتین هایدگر^۴ و «شاعرانه‌های فضا» از گاستون باشلار^۵، «پدیدار مکان» و «وجود، فضا و معماری» از

که تصور هر یک از این دیدگاه‌ها با اجزای دیگری قابل تصور نخواهد بود؛ به عبارت دیگر کاربرد روش‌های مکانیستی برای «آزمون» برخی از جنبه‌های نظریه ارگانیسیست یا زمینه‌گرا بی‌معنی خواهد بود؛ همچنین استفاده از روش‌های زمینه‌گرا به‌منظور «آزمون» یک نظریه مکانیست معنی نخواهد داشت.

3. Being
4. Edmund Husserl: "Thing and Space"
5. Martin Heidegger: "Building Dwelling Thinking" (German: Bauen Wohnen Denken)
6. Gaston Bachelard: "The Poetics of Space" (French: La

دقیق در یک طرح پژوهش تجربی به دست نخواهد آمد چرا که روابط علی- معلولی ساده وجود خارجی ندارند. در عوض ارگانیسیست‌ها از «ویژگی‌های پویای» همه جنبه‌های حقیقت یاد می‌کنند؛ واقعیتی که پیوسته به شکل سیستماتیک یا دیالکتیک از کنش مقابل پارامترهای مرتبط سر بر می‌آورد. استعاره پایه برای رویکرد ارگانیک «بدن انسان» است. به باور زمینه‌گرایان یک حقیقت یگانه برای شناسایی وجود ندارد بلکه تنوعی از حقایق گوناگون وجود دارد که هر یک بسته به چگونگی بستر ویژه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی که در آن واقع شده‌اند، متفاوت هستند. پوپر استعاره پایه برای نگرش زمینه‌گرا را «رویداد تاریخی» می‌داند^۶ (Daniels et al, 2012).

۱. برای نمونه آب از هیدروژن و اکسیژن تشکیل شده است اما آنچه از کنش متقابل این دو عنصر به وجود می‌آید بیش از جمع جبری این دو عنصر است. به همین طریق توسعه انسانی پدیده‌ای است که از کنش متقابل بین جنبه‌های مختلف رشد فرد و بسترهای اجتماعی و کالبدی آن رخ می‌دهد. به هر روی، ارگانیسیست‌ها باور دارند که سرانجام نتایج توسعه می‌تواند مشخص شود و این توسعه به‌طور ویژه از زمان تولد و در گذر از جوانی در چهارچوب نظم مخصوص خود شکل می‌گیرد.

۲. همانند طرفداران رویکرد ارگانیک، زمینه‌گراها هم حقیقت را به‌مثابه ماهیتی هر لحظه در حال دگرگونی متأثر از عوامل بسیار (شخصی، بستر و زمان) تلقی نموده‌اند اما از این نظر با ارگانیسیست‌ها متفاوت‌اند که باور دارند که سرانجام توسعه بسته به نوع بستری که در آن قرار گرفته متفاوت است. هر چند طرفداران این دیدگاه موضع روشنی در رابطه با توسعه و رویداد تاریخی ارائه نمی‌کنند اما آنچه که از رویداد تاریخی مد نظر پوپر است بیشتر ناظر بر رویدادهای موجود است. او یادآور می‌شود که تنها افعال باید برای تجسم استعاره‌ها در این مورد استفاده شوند؛ بچه‌ها بازی می‌کنند، بزرگ‌ترها غذا را آماده می‌کنند، مردم با دوستانشان گفتگو می‌کنند. رویداد تاریخی شامل رویداد زنده در زمان رخدادش می‌شود همانند اتفاقاتی که در هر فراز از یک داستان می‌افتد. با نگاهی به ویژگی‌های متفاوت هستی‌شناختی، شناخت‌شناختی و روش‌شناختی سه دسته مورد اشاره، آنچه که به‌عنوان یک واقعیت مهم است این است

کریستین نوربرگ شولتز^۱ و «هنده احساس: نگاهی به پدیدارشناسی معماری» از یوهانی پالاسما^۲ به عنوان تأثیرگذارترین‌ها در این چهارچوب شناخته می‌شوند (Borret, 1997). در رویکرد پدیدارشناسی توجه به جزئیات، هویت فرهنگی، تاریخ، معنا و متافیزیک اهمیت می‌یابد.

زمینه‌گرایی در فلسفه، زبان و معنا

با توجه به تأثیرپذیری معماری و شهرسازی از رشته‌هایی چون زبان‌شناسی و فلسفه به‌ویژه از رهگذر معنا، نگاهی به زمینه‌گرایی در این حوزه‌ها مفید خواهد بود. از نظر تاریخی در آغاز، زمینه‌گرایی در فلسفه زبان مطرح شده و کانون توجه آن نیز تئوری واژگان جمله‌ها بوده است. این تئوری تأکید دارد که معنای برخی از واژگان (یا در خوانشی دگرگونه، همه واژگان) بستگی به زمینه‌ای دارد که در آن مطرح شده‌اند (Tappolet, 2006). به این ترتیب یک واژه بسته به بستر طرح آن می‌تواند معانی متفاوتی داشته باشد. نظریه زبان‌شناسی پارادایمی مهم در تجزیه و تحلیل دغدغه کلی اندیشمندان پسامدرن یعنی «خلق و دریافت معنا» است. نشانه‌شناسی^۳، ساختارگرایی و به‌ویژه پساساختارگرایی (دیکانستراکتیوسم) در شکل‌گیری دوباره بسیاری از رشته‌ها همچون فلسفه و جامعه‌شناسی مؤثر بوده است. افرادی چون ژک

دریضاء، رولان بارت^۴ و ژک لاکان^۵ در این زمینه صاحب‌نظران تأثیرگذاری بوده‌اند.

بسیاری از آثار در حوزه زمینه‌گرایی متأثر از زبان‌شناسی هستند. این پارادایم‌ها ضمن تأثیر بسزایی که در اندیشه دهه ۱۹۶۰ داشته‌اند، توجهی دوباره و هم‌زمان به معنا و نمادگرایی در معماری داشته‌اند. آن‌ها در جستجوی این هستند که معنا چگونه در زبان انتقال می‌یابد و از طریق «هماندی زبان‌شناختی» با معماری، دانش زبان‌شناسی را به کار می‌بندند. معماران پسامدرن دانش زبان‌شناسی را به‌منزله روشی در تدوین و سازمان‌دهی معنای معماری در قالب یک نظام مورد استفاده قرار می‌دهند. «نشانه‌شناسی و شهرسازی» (۱۹۶۷) نوشته رولان بارت فرآیندی را نشان می‌دهد که در آن خوانش شهر به‌مثابه یک متن ارائه می‌شود و آثار موجود در زمینه ادراک شهر متأثر از آن هستند. در این اثر الگویی زیباشناختی از معنا به کار گرفته می‌شود که از نسبت‌های ساختاری میان ابژه‌ها در شهر برگرفته شده است. به باور بارت لینگ با تبیین عناصر ادراکی پنج‌گانه (راه، لبه، گره، نشانه و پهنه) به مسأله نشانه‌شناسی شهر نزدیک شده است اما مفهوم مورد نظر او از شهر بیشتر گشتالته است تا ساختاری. نوربرگ شولتز و دیگر پدیدارشناسان از دیدگاه‌های لینگ (Lynch, 1960) در تأیید اهمیت مکان بهره‌می‌گیرند. کتاب متن شهری از گاندلسوناس نمونه دیگری در این حوزه و متأثر از

زبان‌شناسی و از طریق نشانه‌شناسی به دنبال روشی در خواندن شهر و معماری است. وی با به‌کارگیری مفهوم «توجه شناور» زیگموند فروید در سیستم‌های شهری تلاش دارد تا خوانش جدیدی از شهر شیکاگو را با تمرکز بر ویژگی‌های بصری نقشه شطرنجی شهر

Poétique de l'Espace

1. Christian Norberg-Schulz: "The Phenomenon of Place" and "Existence, Space and Architecture"
2. Juhani Pallasmaa: "The Geometry of Feeling: a look at the phenomenology of architecture"
3. Semiotics:

اصطلاح چارلز سندرز پیرس و همچنین فردینان دو سوسور (Ferdinand de Saussure) است که رویکرد علمی به زبان داشته و آن را نظامی از نشانه‌ها در نظر می‌گیرد که دارای وجه ساختاری و معناشناختی است. روابط ساختاری، نشانه‌ها و اجزای آن یعنی «دال و مدلول» (signifier-signified) را به هم می‌پیوندد و بین نشانه‌ها روابط نحوی می‌بندد. روابط معناشناختی (semantic) به معناها یعنی روابط بین نشانه‌ها و ابژه‌هایی که بر آن‌ها دلالت دارد، می‌پردازد.

4. Jacques Derrida

5. Roland Barthes

6. Jacques Lacan

و ارتباط بین واقعیت کالبدی و انتزاعی آن ارائه کند (نسبیت، ۱۳۹۲). کریستین تپوله در فلسفه (اخلاق) سه نوع زمینه را مطرح می‌کند: الف) زمینه‌گرایی شناخت‌شناختی که بر پایه شناخت اخلاقی بنا شده، ب) زمینه‌گرایی معنایی که مبتنی بر معنای واژگان و بیان اخلاقی است و ج) زمینه‌گرایی ماهوی که به دانستن برنامه زندگی (آنچه باید انجام دهیم) مربوط می‌شود (Tappolet, 2006). در زبان‌شناسی گونه‌های مختلفی از زمینه در نظر گرفته می‌شود. در یکی از متداول‌ترین آن‌ها دو نوع زمینه اصلی قابل تصور است: یکی مبتنی به واژگان پیش و پس از یک واژه یا عبارت است که پیوسته با آن مطرح می‌شوند که این زمینه خاص‌تری از دومین حالت است یعنی زمینه جغرافیایی و فرهنگی که گفتگو در آن شکل می‌گیرد و می‌تواند وابسته به موارد پیش گفته تفاسیر و یا معانی متفاوتی بسته به نوع و تعداد مخاطبان، تجربه آن‌ها، دانش و دایره لغت آن‌ها و نیز نقش آن‌ها در این گفتگو داشته باشد (Shen, 2012).

در نظریه ساختارگرا ماهیت و گوهر حقیقی چیزها نه در خود آن‌ها که در روابطی است که در میان آن‌ها وجود دارد. جهان به وسیله زبان که ساختاری از روابط معنا دار میان نشانه‌های دلخواه است، ساخته می‌شود. به این ترتیب از نگاه ساختارگرایان در نظام‌های زبان شناختی، تنها تفاوت‌ها هستند که وجود دارند و نه گزاره‌های اثباتی. «ساختارگرایان بر رمزگان^۱، قراردادهای و فرآیندهایی که باعث فهم‌پذیری یک اثر، یعنی چگونگی ایجاد معنای قابل حصول اجتماعی می‌شوند، تأکید می‌ورزند». ساختارگرایان زبان‌شناسی را همچون یک روش به کار می‌گیرند و می‌کوشند تا «دستور زبان‌هایی» را ایجاد کنند که

شکل دهنده فرم و معنای آثار ادبی‌اند؛ یعنی فهرستی از عناصر نظام‌مند یا سیستماتیک و امکان در هم آمیختن آن‌ها. پس ساختارگرایی نیز از حوزه زبان‌شناسی و به تعبیر حال فاستر^۲ از رولات بارت به عاریت گرفته می‌شود. پس ساختارگرایی، تداوم و در عین حال رد ساختارگرایی است چرا که همچنان برخی از باورهای ساختارگرایی را با خود دارد؛ اما باز هم زبان محور تفاوت بین این دو است (بانی مسعود، ۱۳۹۲). مفاهیم مطرح شده توسط بارت در مورد کار، اثر و متن بازتاب دهنده تغییر تمرکز و توجه در فرآورده‌های هنری ادبی است، از آفرینش مدرن که مبتنی بر یک امر واحد است به آفرینش پسامدرن که اساسش «فضایی چند بعدی» و دارای یک «گستره روش شناختی» است، منجر می‌گردد. با وجودی که قائل شدن مرز مشخص میان ساختارگرایی و پس ساختارگرایی ساده نیست، اما فاستر اثر و متن را به این منظور به کار می‌گیرد. شالوده شکنی یکی از مهم‌ترین نمودهای پس ساختارگرایانه است که دوگانه‌های مفهومی مفروض را مورد تحلیل و سؤال قرار می‌دهند، چنان که گویا پیشتر نهادینه نشده‌اند. آن‌ها به دلیل مفروض بودن اندیشه را محدود می‌کنند (نسبیت، ۱۳۹۲). در همین چهارچوب می‌توان کارهای معمارانی چون پیتر آیزنمن را بررسی نمود چرا که وی با دوگانه‌های سنتی معماری همچون «معماری - منظره»، «درون - بیرون»، «مرکز - حاشیه»، فرآورده - فرآیند» و «ثبات - ناپایداری» وارد چالش‌های اساسی می‌شود.

زمینه‌گرایی در مطالعات شهری

راه‌حل‌های مناسب همواره نیاز به فهم همه سویه زمینه یا بستر دارند. زمینه زیست محیطی، تاریخی، اجتماعی و سایر زمینه‌ها از آن جمله‌اند (Thomas, 2003).

2. Hal Foster

1. Codes

جدول شماره (۳): دوقطبی «etic/emic»، ریشه و ویژگی‌های روش‌شناختی در ارتباط با زمینه‌گرایی بر اساس (Moudon 1992)

مفهوم	ریشه	برابر نهاد	رویکرد	تأکید روش‌شناختی	چیستی	ارتباط با بستر
-etic	Phonetic La langue	Generic, non-specific	پوزیتیویست	پژوهش اسنادی/ باواسطه	سیستم ساختار یافته آواها و نشانه‌ها، گرامر	غیر زمینه‌گرا
-emic	Phonemic La parole	Culture specific, contextual	تفسیرگرا	مواجهه بی‌واسطه با موضوع مورد مطالعه	سیستم آواها (داری ساختار)	زمینه‌گرا

را مطرح می‌سازد. این دو مفهوم از حوزه مردم‌شناسی وام گرفته شده‌اند ریشه در زبان‌شناسی داشته به باور وی توسط آموس راپاپورت به حوزه مطالعات شهری راه پیدا کردند.^۲ (Moudon, 1992).

در همین چهارچوب الکساندر کاتبرت نیز بر ماهیت کاملاً زمینه‌مدار طراحی شهری در عمل اشاره داشته و تأکید می‌کند که باوجود اهمیت رویکرد عام^۳ در آموزش و عمل در طراحی شهری، جنبه‌ها و جلوه‌های ویژه فرهنگ، گروه‌های قومی، سیستم‌های سیاسی و اقتصادی، جنس و سبک‌های زندگی باید در راستای دستیابی به آینده پایدار جوامع و بهبود آن مورد توجه قرار گیرد (Cuthbert, 2001).

در مقیاس شهر، موضوع طراحی هم می‌تواند موضوعی صرفاً عام باشد و هم متأثر از ویژگی‌های بستر محلی همچون فرهنگ، جغرافیا، اقتصاد و سیاست.^۴ به

شهر و ابعاد گوناگون آن به بستری که در آن واقع شده است وابسته است و نمی‌توان بدون توجه به زمینه و زمان آن را مورد پژوهش قرار داد. تولایی (۱۳۸۰) در مقاله خود با عنوان زمینه‌گرایی در شهرسازی سه دسته زمینه را که باید مورد توجه شهرسازی زمینه‌گرا قرار گیرد را در قالب: زمینه‌گرایی کالبدی، زمینه‌گرایی تاریخی و زمینه‌گرایی اجتماعی-فرهنگی مورد توجه قرار می‌دهد. در زمینه‌گرایی کالبدی تأکید بر چگونگی و میزان انطباق اثر معماری و شهر با بستر استقرار آن‌هاست. در این راستا مفاهیمی چون کلاژ شهر از کالین رو (Rowe & Koetter, 1983b) و روانشناسی گشتالت (Gosling, 1996) و نیز مفاهیم بین و یانگ از فلسفه شرقی چین در رابطه با نظریه شکل-زمینه (Ashihara, 1983) مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در رابطه با زمینه‌گرایی تاریخی با مروری بر مفاهیمی چون سنت‌گرایی (Geddes, 1949; Kostof, 1991)، نو-سنت‌گرایی (Krier & Rowe, 1979; Rossi, 1984) و معنی‌شناسی (King & King, 1996; Rapoport, 1977) پیوستگی تاریخی مورد تأکید قرار گرفته و این باور تاریخ‌گرایان مورد بررسی قرار می‌گیرد که گذشته برای معماری و شهرسازی همچنان درس‌ها و مصادیق عینی کاربرد دارد (تولایی، ۱۳۸۰). مودون در رابطه با چیستی پژوهش^۱ دوگانه etic/emic

۲. ریشه این دو از دو واژه فرانسه *la parole* و *la langue* می‌باشد و به ترتیب به *phonetic* و *phonemic* اشاره دارند. اولی اشاره به سیستم ساختار یافته آواها و نشانه‌ها داشته و به خاطر منطبق درونیش مطالعه می‌شود و دومی همان اندازه ساختار یافته است اما با این وجود تنها سیستم ماهرانه آواهاست. دوگانه *وابی/واجی* که در پژوهش‌های مردم‌شناسی و فرهنگ کاربرد دارند، به ماهیت منبع اطلاعات گردآوری شده مربوط می‌شوند. به عبارتی می‌توان گفت در اینجا تأکید بر فاصله میان پژوهشگر و منبع داده‌هاست. در حالت اول داده‌ها سایر منابع هستند و پژوهشگر با میانجی یا میانجی‌هایی بدان‌ها دست می‌یابد در حالی که در حالت دوم، منبع همان شخص مشاهده شده است. مودون در مقاله خود که برای طراحان شهری نگاشته است ضمن اذعان به میان‌رشته‌ای بودن طراحی شهری، تأکید دارد که دانش شهری می‌تواند از هر دو نوع «اتیک» یا «امیک» بوده و ضرورت توجه به این نکته را یادآور می‌شود.

3. generic
4. Culture specific

1. Research ethos

این ترتیب نظام ارزش‌های حاکم بر جامعه می‌تواند بر محتوا و نحوه عمل در کلیه تصمیم‌ها در سطوح مختلف در پژوهش‌های شهری داشته باشد. مفاهیمی چون آرمانشهر، محرومیت، فضا و عرصه‌های عمومی و خصوصی آن، محله، انسجام فرهنگی و اجتماعی و جنبه‌های نمادین شکل، فضا و فعالیت همگی در چهارچوب یک نظام ارزشی خاص معنا می‌یابد (بحرینی، ۱۳۷۷). کریستوفر الکساندر یکی از شناخته‌شده‌ترین زمین‌گرایان در شهرسازی است. او در کتاب «یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم» یادآوری می‌کند که اساس مسأله طراحی کوششی برای رسیدن به سازگاری^۱ بین دو موجودیت «فرم» و «زمینه» است. او می‌نویسد هرگاه در مورد فرم صحبت می‌کنیم موضوع اصلی تنها فرم نیست، بلکه مجموعه‌ای است که شامل فرم و زمینه‌اش می‌شود. سازگاری خوب نیز ویژگی مورد انتظار از این مجموعه است که ناظر به گونه‌های خاصی از رابطه فرم و زمینه است. از دید او از همین رهگذر، شهرنشینی نیز مجموعه‌ای است شامل شهر و رفتار آن که در این حالت، نیاز به ساختمان‌ها و محیط فیزیکی جدید، با زمینه‌های موجود قابل رفع شدن بوده و زمینه‌ای را برای فرم رشد شهر می‌سازند. در رابطه با پیوند فرم و زمینه الکساندر توضیح می‌دهد که فرم بخشی از جهان است که اختیارش در دست طراح است و او می‌خواهد آن را شکل بدهد در حالی که چنین امکانی را برای بقیه جهان یعنی زمینه ندارد. زمینه بخشی از دنیاست که نیازها را بر فرم مترتب می‌سازد و هر آنچه که در جهان نیاز را بر شکل‌گیری فرم موجب می‌شود، زمینه است و سازگاری، توانایی ارتباط دوجانبه میان این دو است. در طراحی، می‌خواهیم فرم و زمینه را در

راستای نوعی پیوند پیش ببریم که ناهنجاری در این بین وجود نداشته باشد و نوعی همزیستی بدون ایراد ایجاد شود (Alexander, 1964b). او در کتاب «شهر درخت نیست»^۲ نیز تأکید مشابهی دارد. او با مطرح ساختن دوگانه فرآیند خودآگاه و ناخودآگاه طراحی از سویی تأکید دارد که در طراحی‌های امروزی به دلیل پیچیدگی‌های بسیار، آشنایی یک طراح با زمینه در شکل متعارف به دلیل نیاز به تسلط با تخصص‌های مختلف که تخصصی هم در آفرینش فرم ندارند و زمان بر بودن آن تقریباً غیرممکن است و از سوی دیگر برای رسیدن به فرآورده، طراح به شکلی یک سویه و تک بعدی عمل کرده و ابعاد مختلف بسیاری را فدای یک بعد خواهد نمود. به این ترتیب راه‌حل پیشنهادی او برای رسیدن به طرح بهتر یا سازگارتر با زمینه‌ای است که باید مسأله محدود و به مسائل کوچک‌تر دیگری تقسیم شود. او این راه‌حل و ساختار منطقی صریح و تعمیم‌پذیر را از زبان ریاضی و نظریه مجموعه‌ها الگوبرداری نموده و باور دارد که برای خرد کردن مسأله باید به ساختاری دست یافت که با دسته‌بندی متغیرها به صورت لایه‌لایه، ما را تا شناسایی خردترین متغیر یک مسأله طراحی که هدف آن رسیدن به «سازگاری میان فرم و زمینه» است، یاری دهد. در عین حال اشاره می‌کند که برای دستیابی به یک فرم خوب پیش از سازگاری با زمینه، نیاز به «سازگاری درونی»^۳ اجزایی که از آن ساخته شده و «هماهنگی درونی»^۴ که تأکید بر سازگاری شبکه روابط اجزای فرم با یکدیگر است، دارد (Alexander, 1964a).

در مطالعات شهری، پژوهش بسیار چالش برانگیز نیومن و کنورثی (۱۹۸۹) که آغازگر بحث‌های جدی

2. A city is not a tree
3. Internal fitness
4. Internal coherence

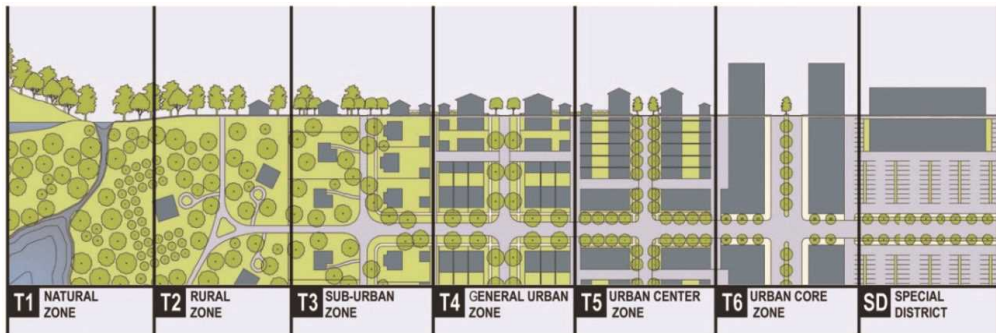
1. fitness

در مورد «شهر فشرده» به‌عنوان یک مدل تجویز شده بود نمونه بسیار مناسبی است. معیارهای به‌کار رفته در این پژوهش در پروژه‌های ارزیابی بسیاری در سراسر دنیا مورد استفاده قرار گرفت. در این پژوهش نیومن و همکارش رابطه دو متغیر «وابستگی به خودرو» و «فشرده‌گی شهرها» را مورد بررسی قرار می‌دهند. آن‌ها نشان می‌دهند که بین این دو متغیر همبستگی وارونه وجود دارد: با کاهش تراکم شهر، وابستگی به خودرو افزایش می‌یابد. بر اساس این پژوهش برای کاهش وابستگی به خودرو که پیامدهای آن همواره منفی و آسیب‌زا بوده‌اند، افزایش تراکم شهرها ضروری است و این یعنی بازگشت به فرم شهری کمتر پراکنده که پیشتر وجود داشت. از دید این دو پژوهشگر، شهرهای بسیار گسترده، آلوده و دارای مصرف بالای انرژی، در برابر ایده شهر فشرده به‌عنوان مدل ایده‌آل شهر در زمینه حمل‌ونقل پایدار قرار می‌گیرند. این پژوهش پیشنهادی کاربردی به‌منظور کاهش وابستگی به خودرو را مبتنی بر ایده فشرده‌گی فرم شهر همچون روستا-شهر^۱، دهکده ترانزیت^۲، توسعه مبتنی بر حمل‌ونقل^۳ را ارائه می‌دهد. با توجه به اینکه این دو پژوهشگر نمونه‌هایی از ۳۲ کلانشهر از سراسر دنیا را مورد مطالعه قرار دادند، عدم توجه به بستر اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و جغرافیایی متفاوت شهرهای مورد پژوهش، از جمله نقدهای اصلی انجام شده توسط کارشناسان و سایر پژوهشگران بود. از جمله مهم‌ترین انتقادها بر مطالعه مورد اشاره، قیمت سوخت در کشورهای مختلف بوده است. از نظر این منتقدین قیمت سوخت عامل بسیار تعیین‌کننده‌تری در رابطه با استفاده یا عدم استفاده خودروی شخصی

1. urban village
2. Transit village
3. TOD (Transit Oriented Development)

بوده تا فرم و به‌طور خاص تراکم شهر (Ewing & Cervero, 2017). به باور گومز-ایبانز (۱۹۹۱) بستر اجتماعی-اقتصادی باید در این پژوهش به‌طور ویژه در نظر گرفته می‌شد. بر اساس دیدگاه وی در نظر گرفته شدن تراکم به‌عنوان تنها متغیر در حالی که متغیرهایی چون سبک زندگی یا درآمد برای تشریح و توجیه رفتار آمد و شد بسیار تأثیرگذارند، اجتناب‌ناپذیر است (Burton, Jenks, & Williams, 2003). افراد دیگری تأکید دارند که باید در مورد داده‌های استفاده شده همچنین توصیه‌هایی که در قالب افزایش تراکم برای نمونه‌های مورد مطالعه خود ارائه می‌کنند به دلیل ناهمگن بودن کلان‌شهرهای مطالعه شده باید با احتیاط عمل کرد چرا که آن‌ها دارای بسترهای متفاوت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و اداری هستند (Kolb, Long, & Marty, 2016).

بیشتر پژوهش‌هایی که فرم فشرده شهر را به‌عنوان الگوی برتر معرفی می‌کنند، متغیرهای اجتماعی-فرهنگی را در نظر نمی‌گیرند، در حالی که آن‌ها می‌توانند تأثیر چشمگیری بر الگوهای آمدوشد داشته باشند. توجه به این نکته نیز ضروری است که اقلتره اجتماعی مختلف عمدتاً به شکل یکنواختی در گستره شهر پراکنده نشده‌اند (Nessi, 2010). این نکته هم از نظر تحلیل‌گران دور نمانده که موضوع انتخاب وسیله حمل‌ونقل که مستلزم یک رقابت واقعی بین روش‌های مختلف آمد و شد است، تنها در حالتی معنی دار است که جایگزین‌های خودرو، به‌ویژه آمد و شد همگانی، اساساً به‌عنوان یک وزنه برابر، وجود داشته باشند. به‌جز مورد پاریس که استثناست، در فرانسه به دلیل انعطاف‌ناپذیری و سرعت پایین سایر روش‌های حمل‌ونقل (به‌جز خودروی شخصی) تنها یک نفر از هر چهار نفر ممکن است روش



تصویر شماره (۱): پهنه‌بندی مبتنی بر برش عرضی، گونه‌های متنوعی از پهنه‌های زیستی از گسترده‌ترین پهنه‌های ممزوج با طبیعت تا فشرده‌ترین پهنه‌های شهری (Duany et al, 2010)

ارزیابی و مداخله بسته به تخصص و رویکرد می‌تواند بسیار متنوع باشند. به‌عنوان نمونه در طراحی شهری در سه سطح راهبردی^۱ در مقیاس شهر^۲ و منطقه^۳، راهبردی در مقیاس بخش‌های شهری^۴ و خرد فضا یا مجموعه‌ای از فضاها به‌مانند محله یا مرکز محله^۵ در نظر گرفته شوند که در هر یک موضوع مطالعه و مداخله می‌تواند متفاوت باشد و البته اسناد تولیدی و مورد مطالعه نیز به فراخور هر یک تفاوت داشته باشند (Frey, 2003). معمولاً مقیاس‌های گوناگون با ویژگی‌های مختص به خود در قالب پهنه‌های فرهنگی می‌توانند در کنار هم به‌مانند قطعات پازل قرار گرفته یا همپوشانی داشته باشند (Allain, 2004). ویژگی‌های اقلیمی-جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، نهادی، اجتماعی که می‌توانند هم‌نشینی و ترکیب‌های بی‌شمار و گوناگونی را ایجاد کنند در هر آن بازتاب ویژه‌ای خواهند داشت. همپوشانی همه بسترهای ممکن در یک پهنه فیزیکی می‌تواند مفهومی را با عنوان «واحد بستر»^۶ تعریف کند. آنچه که در رویکرد رشد هوشمند

جایابی خود را از خودروی شخصی به چیز دیگری تغییر دهند (Niel, 1998). از دید برهنی (۱۹۹۵) سایر اقدامات و پارامترهای مبتنی بر بستر همچون جستجوی تکنولوژی‌های نوآورانه برای خودروها یا افزایش قیمت سوخت، عوامل مؤثرتری در مقایسه با اقدامات فشرده‌سازی هستند (Breheny, 1995). موارد پیش‌گفته ضرورت ارزشیابی «حساس به بستر» که در آن‌ها پارامترهای مختلفی از زمینه را مانند متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی دیده شده، رهنمون می‌گردد (Maggetti, Radaelli, & Gilardi, 2012).

مقیاس و موقعیت

در هر گونه مطالعه و ارزیابی توجه به مقیاس و در نظر گرفتن واحد تحلیل مشخص، ضروری است. راه‌حل‌های مناسب نیز به فراخور مقیاس مورد نظر و توجه به آن قابل تصورند. در زمینه مطالعات شهری مقیاس از یک ساختمان که معمولاً واحدی برای تعریف فضای خصوصی است فراتر رفته و شامل بلوک ساختمانی، محله، شهر و منطقه می‌شود (Thomas, 2003). این دسته‌بندی‌ها در منابع مختلف بسته به رویکرد می‌توانند متفاوت باشند. سطوح

1. strategic
2. city
3. region
4. district
5. neighborhood or neighborhood center
6. Unit of context

توسط دوانی و زیرک در قالب پهنه‌بندی مبتنی بر برش عرضی به‌منظور تدوین کدهای هوشمند انجام شده، رویکرد مشابهی دارد (شکل ۳).

این تغییرات، تنوع وضعیت‌های گوناگون ممکن و ضرورت به‌کارگیری رویکردهای مبتنی بر بستر را که در آن لایه‌های مختلف بستر که در آن پارامترها و متغیرهای پیوسته در حال تغییر در طول زمان و از مکانی به مکان دیگر و از مقیاسی به مقیاس دیگر را توضیح می‌دهد. در اینجا مفهوم پارامتر معمولاً مرتبط با فاکتورهایی است که تعیین‌کننده دامنه‌ای از تغییرات هستند (Schnabel, 2007). داده‌های واحد بستر از طریق سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) قابل گردآوری خواهد بود و به این ترتیب هر واحد بستر دارای ویژگی‌های منحصر به خود خواهد بود. طبیعی است که هر واحد ویژگی‌های منحصر به خودش را خواهد داشت. ویژگی‌های اقلیمی - جغرافیایی، اجتماعی - فرهنگی، تاریخی، اقتصادی هر یک بسته به مقیاس مورد نظر دارای تفاوت‌های کم یا زیادی با سایر واحدها خواهند بود (Kyttä, Broberg, Haybatollahi, & Schmidt-Thomé, 2016).

بستر فرهنگی - اجتماعی معماری و فرم شهری

اگر فارغ از رویکرد مدرنیستی به معماری و شهر، فرم شهری را تبلور سیاست‌های جامعه شهری، فرهنگ و نظام ارزشی حاکم در نظر بگیریم، هرگونه مطالعه فرم‌شهر نیازمند شناخت دقیق عوامل مؤثر در آفرینش آن است (ربانی، ۱۳۸۹). فضا هم واسطه روابط اجتماعی است هم فرآورده‌ای مادی است که می‌تواند روابط اجتماعی را تحت‌تأثیر قرار دهد. این ایده دیالکتیکی انگاره اصلی «جامعه‌شناسی شهری جدید» است (ثرکمه، ۱۳۹۴). جامعه‌شناسی شهری اساساً بر این بعد از شهر متمرکز است، جایی که جامعه و

فرهنگ با همه تنوع خود باعث ایجاد هویت خاص و منحصر به فرد برای هر شهر یا پهنه‌های مختلف شهر می‌شود. به باور برخی از صاحب‌نظران، تأثیر ابعاد فرهنگی - اجتماعی^۱ به‌عنوان زمینه، در شکل‌گیری محیط مصنوع بیشتر از ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی (طبیعی) است. این به‌طور ویژه دیدگاه راپاپورت است که در اثر وی «انسان‌شناسی مسکن^۲» تبیین شده است. وی با تمرکز بر مسکن بومی و با بررسی نمونه‌هایی در گوشه و کنار دنیا به این نتیجه رسیده است که شکل مسکن در اقلیم‌های مشابه می‌تواند ناشی از فرهنگ، باورها و آیین‌های جوامع گوناگون، بسیار متفاوت باشد (Rapoport, 1972).

از سایر افرادی که به موضوعات اجتماعی در این زمینه توجه داشته‌اند می‌توان به حسن فتحی^۳ اشاره کرد. وی بیشتر تلاش خود را مصروف مبارزه‌ای بی‌سازش با روند فزاینده «جهانی‌سازی» کرد. از نظر او سنت کهنه و مترادف با بی‌حرکتی و سکون نیست بلکه در مفهوم اجتماعی آن برابر با عادت‌های شخصی است و همان نقش را در قلمرو هنر دارد، یعنی رها کردن هنرمند از تصمیمات غیر مهم و حاشیه‌ای تا امکان یابد تا توجهش را بر امور حیاتی متمرکز سازد. او البته در عین ترویج توجه به بوم‌گرایی، انزوای منطقه‌ای را توصیه نمی‌کند. معماری خود او هم از عناصر مناطق گوناگون در مصر در هم می‌آمیزد؛ اما تلاش اصلی وی بر تأکید بر شناخت و احترام به بستری است که در آن طراحی می‌کنند. آثار نادر خلیلی نیز که با هدف

۱. از دیدگاه راپاپورت در همین اثر، فرهنگ عبارت است از مجموعه اندیشه‌ها، نهادها و فعالیت‌هایی که برای یک ملت یا قوم به شکل یا عنوان قدرتی قراردادی در آمده است. او با ارجاع به رد فیلد (Robert Redfield)، پارامترهای دیگری چون اخلاق، جهان بینی و خصوصیت ملی را عوامل سازنده فاکتور اجتماعی-فرهنگی می‌داند. این موارد در مجموع، نظام ارزشی یک جامعه را شکل می‌دهند.

2. Pour une anthropologie de la maison

3. Hassan Fathy (1976): "Architecture for the Poor: An Experiment in Rural Egypt"

زمینه‌گرایی و فرم شهری

در زمینه پژوهش فرم شهری باید با فراتر از مفاهیم کارایی فرم گذاشت تا بتوان آنچه را که لوی اشتراوس «فرآورده انسانی به معنای واقعی» نامیده را فراچنگ آورد (Salat & Labbé, 2011). مفهوم زمینه‌مداری در رابطه با فرم شهری که نخستین بار در قالب «تئوری» توسط توماس شوماخر در رابطه زمینه و بافت شهری^۴ مطرح شد، بر همزیستی شهرسازی مدرن با شهرهای قدیمی و سنتی به‌جای گزینه تخریب پهنه‌های شهری در مرکز شهرها تأکید دارد (Ozten & Anay, 2017). این تئوری تلاش دارد تا مقدمه تفاهم میان گونه‌ای از انجماد و «بن‌بست توسعه» غیرواقع‌گرایانه که اجازه هیچ‌گونه تغییر و نو شدن را نداده و منجر به نابودی کامل بافت شهری و همه کیفیات آن می‌شود، بیابد. به همین دلیل زمینه‌گرایی تأکید را روی دو مفهوم «نقش و زمینه»^۵ و «ساختمان‌های متمایز»^۶ قرار می‌دهد. او بر این موضوع تأکید دارد که بین پر و خالی در بافت شهری رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد و هر دو می‌توانند جایگاه «نقش» را داشته باشند؛ اما فضای شهری را نمی‌توان بدون وجود «توده» تعریف کننده‌اش به همین روال شناسایی نمود، چرا که خود به‌تنهایی ماهیت متمایزی ندارد که به‌مثابه «نقش» بر روی «زمینه» عمل کند. به این ترتیب او مفهوم «طراحی نقش - زمینه»^۷ را به‌عنوان ابزار تحلیلی اساسی به‌منظور تبیین شخصیت فرم شهری یک پهنه مورد نظر، مطرح می‌کند؛ تئوری‌ای که پس از این، در اثر راجر ترنسیک با عنوان «یافتن

احیای سازه‌های سنتی، توجه ویژه‌ای به کاربران داشته و مواد و مصالح بومی در آن‌ها به‌گونه‌ای متفاوت بکار می‌رود، در همین دسته قرار می‌گیرند و وجه مشترک معماری این دو «خاک و گل» است. او «گلتافتن» که یک طرح ابتکاری اختراعی بود را با آمیزش مصالح سنتی و جدید و کاربرد نوین آن به نام خود ثبت نمود. آثار وی با عنوان‌های «تنها دویدن»^۸، «خانه‌های سرامیکی و معماری زمین»^۹ و «پیاده‌روهای ماه»^{۱۰} بسیار تأثیرگذار بودند (بانی‌مسعود، ۱۳۸۷). در کتاب زبان الگو الکساندر به‌ضرورت وجود پهنه‌های متمایز با ویژگی‌های فرهنگی متفاوت و متمایز به‌منظور ایجاد قلمروهای فضایی متمایز و هویت‌مند اشاره می‌کند. او معتقد است همگن‌سازی بافت اجتماعی شهر به کاهش سبک‌های زندگی، ضعف شخصیت افراد به دلیل تمایل به شبیه‌سازی هویت و رفتار خود با دیگران و هژمونی سبک مسلط، منجر می‌شود (Alexander, 1977). الکساندر در کتاب «راه بی‌زمان ساخت» هر الگو را دارای قاعده‌ای سه بخشی می‌داند که شامل ارتباط میان یک «زمینه»، یک «مسأله» و یک «راه‌حل» است. از نظر وی هر الگو از آن جهت که جزئی از عالم است، ارتباطی است میان زمینه‌ای مشخص، سیستم نیروهایی مشخص که مکرراً در آن زمینه رخ می‌دهد و ترکیبی فضایی که امکان می‌دهد این نیروها خود را آزاد سازند. به این ترتیب هر الگو از آن جهت که جزئی از زبان است، دستورالعملی است که نشان می‌دهد چگونه می‌توان مکرراً و هر جا که «زمینه» اقتضا کند از آن ترکیب فضایی برای آزاد ساختن آن سیستم نیروهای مفروض استفاده کرد (Alexander, 1979).

4. Contextualism; In one of his interviews, Schumacher stated that, he believed that the approach was first called "contextualism" as an attempt of combining the words "context" and "texture". When the visuals of the period projects are examined, it is seen that their main focus is the "urban" texture.

5. figure-ground

6. differentiated buildings

7. figure-ground drawing

1. Racing Alone (1983)

2. Ceramic houses & Earth architecture (2000)

3. Sidewalks On the Moon (1993)

فضای گم شده؛ نظریه‌های طراحی شهری» هم به‌عنوان یکی از سه تئوری مطرح شده، دیده می‌شود که در آن تأکید بر سطح اشغال شده زمین با ساختمان‌ها (نقش) و فضای خالی (زمینه) است (Trancik, 1986). در مفهوم دوم ساختمان‌های شاخص مد نظر هستند که خود دارای ویژگی برجسته و منحصر به فرد و در معرض تنش پیوسته با تغییرات سایت اطراف خود هستند که به شخصیت و تصویرپذیری گشتالت^۱ آن‌ها بی‌توجه است. به باور شوماخر از طریق همین مفاهیم می‌توان شهر قرن بیستم را که ترکیبی ناهمگون و به هم ریخته از دو مفهوم ساده پیش گفته است را نجات داد. شهر قدیمی که از شبکه خیابان‌های راهرو مانند و میدان‌ها که با ساختمان‌های مرتب محصور شده، شکل گرفته به‌گونه‌ای که همه این عناصر و احجام به‌اتفاق، فضای شهری را تعریف و تحدید می‌کنند و خبری از خودنمایی حجم تک ساختمان‌ها نیست؛ اما شهر مدرن کاملاً وارونه عمل می‌کند تا جایی که شوماخر آن را «شهر در پارک»^۲ می‌نامد یا تعبیر پترسون برای آن ضد فضاست^۳ (Peterson, 1980). تلاش زمینه‌گرایی این است که راهی برای استقرار این فرم‌های ایده‌آل در قالب کلاژ در زمینه‌ای خاص بیابد (Shumacher, 1971). در ارتباط با فرم شهری و با تأکید زمینه‌گرایی کالبدی و اجتماعی شهر، به باور تیبالدز (۱۳۸۷)، شکل‌گیری فضای شهری با تمرکز بر ماهیت عرصه‌های عمومی باید با طرح قبلی انجام شود و فضای شهری به‌مانند رویکرد دوران مدرن «پسمانده» چینش ساختمان‌ها بر گستره سایت نباشد و شبکه سنتی دسترسی‌ها و کوچه‌ها، خیابان‌های

1. Gestalt imageability
2. city-in-the-park

3. پترسون در اثرش هم «ضد فضای شهری» و هم «ضد فضای» معماری را با ارائه مصادیقی تعریف و تبیین کرده است؛ اینجا منظور ضد فضای شهری است.

باریک و کوچه پس‌کوچه‌ها و کاربری‌های خرد با محصوریت در مقیاس انسانی حفظ شوند.

یافته‌ها

جدول زیر نظریه‌ها، پارادایم‌ها و رویکردهای مهم تأثیرگذار بر «زمینه‌گرایی» با آغاز پست مدرنیسم را از یک سو و صاحبان اندیشه را از سوی دیگر در قالب یک ماتریس نشان می‌دهد (جدول ۴).

به این ترتیب در جدول ۴ تأثیر دیدگاه اندیشمندان در حوزه‌های مرتبط با معماری و شهرسازی بر زمینه‌گرایی مشخص شده است. در این جدول سه حوزه قابل شناسایی هستند: دسته نخست نسل اول اندیشمندان را در بر می‌گیرد که بیشتر تحت تأثیر فلسفه و زبان‌شناسی اندیشمندان فرانسوی هستند و یا مرتبط با حوزه‌های نشانه‌شناسی، معناگرایی و ساختارگرایی هستند که به‌طور مستقیم از آن‌ها تأثیر پذیرفته است. این آثار بیشتر در بازه سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ قرار می‌گیرند. دسته دوم یا نسل دوم آثاری هستند که تمرکزشان بیشتر بر روی تاریخ، فرهنگ، سنت‌گرایی، بوم‌گرایی و توده‌گرایی است. در این دوره با تأثیرپذیری از آثار عمدتاً فکری-فلسفی نسل اول، تبلور و تأثیر اندیشه‌ها در قالب روش و تکنیک در زمینه معماری و شهرسازی هم مشاهده می‌شود؛ از آن جمله است آثار اجرایی افرادی چون حسن فتحی، چارلز جنکز، کارهای متأخر معماری و تئوری و آموزه‌های شوماخر و پترسون برای پیاده‌سازی عملیات توسعه در بافت‌های قدیمی با تکیه بر اصول زمینه‌گرایی تبیین شده توسط آن‌ها. سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ بیشتر دارای این ویژگی هستند. دسته سوم آثار بعد از سال ۱۹۸۰ است که عمدتاً ضمن توجه به تاریخ، سنت و فرهنگ بومی و بوم‌گرایی محلی و منطقه‌ای تلاش در همزیستی با محیط زیست داشته و در راستای همگرایی با اصول

جدول شماره (۴): اندیشمندان و پارادایم‌ها، نظریه‌ها و رویکردهای مؤثر بر زمینه‌گرایی

نظریه‌ها/ پارادایم‌ها/ رویکردهای مهم تأثیر گذار بر زمینه‌گرایی با آغاز پست مدرنیسم														
توسعه پایدار	محدت زیست‌گرایی	پنچ‌پدگی/اکل‌گرایی	پدیدارشناسی/ مکان	ساختار زدایی	(پسا) ساختارگرایی	روانشناسی گشتالت	خوانش و معناگرایی	نشانه‌شناسی	فلسفه، زبان‌شناسی	توده‌گرایی ^۱	نوم‌گرایی	منطقه‌گرایی	فرهنگ‌گرایی	تاریخ/ سنت‌گرایی
						■	■	■						لینچ (۱۹۶۰، ۱۹۸۴)
							■			■	■	■	■	جیکوبز (۱۹۶۱)، استرن (۱۹۶۹)
		■					■	■		■	■		■	ونتوری (۱۹۶۲، ۱۹۶۵، ۱۹۷۲، ۱۹۷۷)
					■						■	■	■	الکساندر (۱۹۶۴، ۱۹۷۷، ۱۹۷۹)
			■		■		■	■						نوربرگ شولتز (۱۹۶۵، ۱۹۷۱)
											■		■	روسی (۱۹۶۶، ۱۹۸۴)
			■	■	■		■	■	■					سوسور (۱۹۶۶) دریدا (۱۹۶۷)
			■	■	■		■	■	■					بارت (۱۹۶۷، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳، ۱۹۷۷)
			■										■	باشلار (۱۹۶۹)
										■	■	■	■	آرکیگرام (۱۹۷۰)
						■	■	■	■		■		■	هایدگر (۱۹۷۱)
											■	■	■	شوماخر (۱۹۷۱)
■	■						■	■	■	■	■	■	■	فتحی (۱۹۷۶)
	■							■	■	■	■			جنکز (۱۹۷۷)
										■	■	■		راپاپورت (۱۹۷۷)
		■				■				■				رو و کوتر (۱۹۷۸، ۱۹۸۳)
									■					پری (۱۹۷۹)
						■					■	■		پترسون (۱۹۸۰)
							■							آشی هارا (۱۹۸۳)
■	■									■	■	■	■	خلیلی (۱۹۸۳، ۱۹۹۳، ۲۰۰۰)
					■		■							ترانسیک (۱۹۸۶)
									■					پالاسما (۱۹۸۷)
■	■		■										■	کولکوهن (۱۹۹۱)
								■			■			کاستف (۱۹۹۱)
							■							کینگ و کینگ (۱۹۹۶)
■	■												■	دوانی و دیگران (۲۰۰۰، ۲۰۰۹)
■	■										■	■		توماس (۲۰۰۳)

صاحبان اندیشه

1. Populism

توسعه پایدار تلاش کرده‌اند. از آن جمله‌اند آثار افرادی چون نادر خلیلی، آندرس دوانسی و الیزابت پلاتر زیبرک و همچنین راندال توماس که این گروه متمایز را تشکیل می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

بازگشت رویکرد زمینه‌گرایی در شهرسازی و معماری کمابیش با آغاز جنبش پست مدرن از سال‌های ۱۹۶۰ تاکنون دگرگونی زیادی را تجربه کرده است. این رویکرد در آغاز بیشتر با تأثیر از حوزه‌هایی چون فلسفه و زبان‌پشتوانه‌های فکری یافته و با نشانه‌شناسی، معناگرایی و ساختارگرایی به تکامل بیشتری در زمینه معماری و شهرسازی دست یافته و به فراخور آموزه‌های خود دارای ویژگی‌ها و ابعاد متفاوتی بوده است. از ویژگی‌های تقریباً ثابت آن در طول دوره تحولش می‌توان به تاریخ‌گرایی، بازگشت به سنت و فرهنگ بومی و منطقه‌ای اشاره نمود. این تحولات از سال ۱۹۶۰ تاکنون سه دوره نسبتاً متمایز را تشکیل می‌دهد. دسته اول دوره متأثر از فلسفه و زبان؛ دسته دوم بیشتر متأثر از تاریخ‌گرایی، بوم‌گرایی و توده‌گرایی بوده و روش‌هایی به پشتوانه اندیشه بسط یافته در دوره اول در عمل و اجرا در زمینه معماری و شهرسازی مشاهده می‌شود. در دسته سوم که دوره متأخرتر است ضمن توجه به تاریخ‌گرایی، بوم‌گرایی و منطقه‌گرایی، اقبال به سوی گرایش‌های زیست محیطی و توسعه پایدار بیشتر می‌شود. با توجه به قرابت و تأثیرپذیری رویکرد زمینه‌گرایی از پست مدرنیسم، به نظر می‌رسد که این رویکرد کم و بیش برخی از ویژگی‌های پسامدرن را نیز با خود دارد. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به عدم انسجام در روش و پراکندگی در روش‌های مورد استفاده آن اشاره نمود. زمینه‌گرایی مد نظر شوماخر و پترسون با آنچه رو و کووتر مطرح

می‌کنند متفاوت است. یا مثلاً آنچه که حسن فتحی در مصر با بازگشت به سنت‌ها (با تأکید بر ساده بودن روش‌های اجرا تا جایی که روستاییان هم بتوانند محیط خود را بسازند)، با آموزه‌های نادر خلیلی متفاوت است. خلیلی ضمن داشتن محور مشترک در مصالح و ساخت با حسن فتحی (خاک و گل)، تکنولوژی را هم با آن در می‌آمیزد و فرآورده‌ای نو به وجود می‌آورد. زمینه‌گرایی الکساندر بیشتر تأکید بر فرم دارد و سازگاری آن یا زمینه که تنوع بسیار گسترده‌ای از آنچه در زندگی وجود دارد را شامل می‌شود اما زمینه‌گرایی مطرح شده توسط شوماخر و بعدتر پترسون در قالب تئوری نقش و زمینه بیشتر ویژگی کالبدی دارد و اساساً در رابطه با فرم و بافت شهر مطرح می‌شود تا ابعاد دیگر. برای دسته متأخر، زمینه‌گرایی در قالب شعارگونه توسعه پایدار جهانی بیندیش، محلی عمل کن، رخ می‌دهد و آن‌ها ویژگی‌های بومی و محلی را در ابعاد مختلف از جمله اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی می‌بینند. تأکید آموس راپاپورت بر فرهنگ و ویژگی‌های فرهنگی و آیین‌ها و رسوم محلی است و بر این باور است که این ویژگی‌ها می‌توانند در حوزه‌هایی دارای سایر ویژگی‌های زمینه‌ای مشترک باعث تفاوت زیاد در کالبد محیط مصنوع شوند. پدیدارشناسان تمرکز را بر رابطه کاربر و محیط قرار داده‌اند و شناخت و تجربه زیسته وی را تعیین‌کننده‌تر از آموزه‌های اکتسابی می‌دانند. آن‌ها با نقد روش‌های پوزیتیویستی، به ابعادی همچون روح، عاطفه و احساس می‌پردازند که در این روش نادیده انگاشته شده است.

فهرست منابع

— بانی مسعود، امیر. (۱۳۸۷). پست مدرنیته و معماری. نشر

- خاک، چاپ اول.
- بحرینی، حسین. (۱۳۷۸). تجدد، فراتجدد و پس از آن در شهرسازی. انتشارات دانشگاه تهران.
- ترکمه، آیدین. (۱۳۹۴). درآمدی بر تولید فضای هانری لفور. انتشارات تیس، تهران، گردآوری و ترجمه، چاپ یکم.
- تیبالدز، فرانسیس. (۱۳۸۷). شهرسازی شهروند گرا، ارتقای عرصه‌های همگانی در شهرها و محیط‌های شهری. ترجمه محمد احمدی نژاد، نشر خاک، چاپ دوم.
- ربانی، رسول. (۱۳۸۹). جامعه شناسی شهری. انتشارات دانشگاه اصفهان (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ویرایش دوم، چاپ چهارم.
- نسبیت، کیت. (۱۳۹۲). نظریه‌های پسامدرن در معماری. ترجمه و تدوین: محمدرضا شیرازی، نشر نی، چاپ پنجم.
- ورنز مودون، آن. (۱۳۸۰). آنچه طراحان شهری باید بدانند. ترجمه بهرام معلمی، فصلنامه عمران و بهسازی شهری هفت شهر، ۳ (۶-۷).
- اکبری، علی اکبر؛ بذرافکن، کاوه؛ تهرانی، فرهاد؛ سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۵). تبیین روش‌های طراحی زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی در معماری ایران (نمونه مطالعاتی: اثرهایی شاخص با دوره‌های زمانی متفاوت از معماری شهر تهران). نشریه مدیریت شهری، ۴۸، ۳۲۷-۳۴۲.
- شاملو، شبنم، نقی زاده، محمد؛ حبیب، فرح. (۱۳۹۷). واکاوی رویکردها و زمینه‌های نظری و تدوین چارچوب مفهومی منظر شهر. نشریه معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۲۳، ۱۹۷-۲۰۹.
- بنی هاشمی، محمدعلی. (۱۳۹۷). ارزیابی توسعه میان افزا در محله‌های شهری با رویکرد زمینه‌گرایی در
- افزایش تعاملات ساکنین (مطالعه موردی: کوی دانش تبریز). نشریه دانش شهرسازی، ۲ (۲)، ۷۹-۹۳.
- تولایی، نوین. (۱۳۸۰). زمینه‌گرایی در شهرسازی. نشریه هنرهای زیبا، ۱۰، ۳۴-۴۳.
- بابایی، سعید؛ خاک زند، مهدی. (۱۳۹۷). زمینه‌گرایی در آثار معماران غیر ایرانی در دوره پهلوی اول (مدرسه البرز و ایرانشهر). نشریه مطالعات معماری ایران، ۱۴، ۱۸۹-۱۷۱.
- زارع زاده، معصومه؛ دانشمند، سارا؛ علی‌آبادی، محمد. (۱۳۹۴). چگونگی مداخله زمینه‌گرا در پایداری و باز زنده سازی بافت‌های تاریخی با بهره‌گیری از روش چیدمان فضا (نمونه موردی: پیشنهاد طراحی مجموعه گردشگری ابرکوه). مجله معماری و شهر پایدار، ۱ (۳)، ۹۰-۷۵.
- ماجدی، حمید؛ سعیده زرابادی، زهرا سادات. (۱۳۸۹). شهر نشان دار به‌مثابه شهر زمینه‌گرا. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۳ (۳)، ۲۱-۱.
- مهدوی نژاد، محمدجواد؛ بمانیان، محمدرضا؛ ملایی، معصومه. (۱۳۹۰). فرآیند طراحی زمینه‌گرا-تجربه معماری ۸۹-۱۳۸۸. مجله نقش جهان، ۱ (۱)، ۳۴-۲۱.
- هاشم پور، پریسا؛ ابراهیمی نژاد، احد؛ یزدانی، ثنا. (۱۳۹۷). کاربست رویکرد زمینه‌گرایی در بازآفرینی بافت‌های تاریخی (نمونه موردی: میدان صاحب‌الامر تبریز). مجله معماری و شهر پایدار، ۱ (۶)، ۱۲۶-۱۰۵.
- Alexander, C. (1964a). A city is not a tree, Vol. 124.
- Alexander, C. (1964b). Notes on the Synthesis of Form (Vol. 5): Harvard University Press.
- Alexander, C. (1977). A pattern language: towns, buildings, construction: Oxford uni-

- Bourdieu, P. Accardo, A. & Balazs, G. (1993). *La misère du monde* (Vol. 476): Seuil Paris.
- Breheny, M. (1995). The compact city and transport energy consumption. *Transactions of the institute of British Geographers*, 81-101.
- Burton, E. Jenks, M. & Williams, K. (2003). *The compact city: a sustainable urban form?*: Routledge.
- Cohen, S. J. O. (1974). *Physical Context/Cultural Context; Including it all.* (2), 1-40.
- Colquhoun, A. (1989). *Modernity and the classical tradition: architectural essays, 1980-1987*: Mit Press.
- Crawford, R. J. (2016). *What can complexity theory tell us about urban planning?*: New Zealand Productivity Commission, Te Kōmihana Whai Hua o Aotearoa.
- Cullen, G. (1961). *The Concise Townscape* (London: Reed Educational and Professional Publishing.
- Cuthbert, A. (2001). Going global: Reflexivity and contextualism in urban design education. *Journal of Urban Design*, 6(3), 297-316.
- Daniels, H. Lauder, H. & Porter, J. (2012). *Educational theories, cultures and learning: A critical perspective*: Routledge.
- Duany, A. Speck, J. & Lydon, M. (2010). *The Smart Growth Manual*: McGraw-Hill Education.
- Etlin, R. A. (1991). *Modernism in Italian* university press.
- Alexander, C. (1979). *The timeless way of building* (Vol. 1): New York: Oxford University Press.
- Alexander, C. (2002). *The nature of order: The phenomenon of life*: Taylor & Francis.
- Allain, R. (2004). *Morphologie urbaine* (Vol. 12). Paris: Arman Colin.
- Applegate, C. (1990). *A nation of provincials: The German idea of Heimat*: Univ of California Press.
- Ashihara, Y. (1983). *The aesthetic townscape*.
- Batty, M. (2005). *Cities and complexity: understanding cities through cellular automata, agent-based models and fractals*. In: *The MIT Press*.
- Batty, M. (2007). *Cities and complexity: understanding cities with cellular automata, agent-based models, and fractals*: The MIT press.
- Batty, M. (2009). *Urban modeling*. *International encyclopedia of human geography*. In: Elsevier, Oxford.
- Baynes, T. M. (2009). *Complexity in urban development and management: historical overview and opportunities*. *Journal of Industrial Ecology*, 13(2), 214-227.
- Borret, K. J. A. (1997). Kate Nesbitt (ed.), *Theorizing a new agenda for architecture: an anthology of architectural theory 1965-1995*. (1997/3), 91-91.

- l'agglomération de La Rochelle. Bulletin de l'association de géographes français. Géographies, 93(93-4), 387-407.
- Kostof, S. (1991). The city shaped: urban patterns and meanings through history.
 - Krier, R. & Rowe, C. (1979). Urban space: Academy editions London.
 - Kytä, M. Broberg, A. Haybatollahi, M. & Schmidt-Thomé, K. (2016). Urban happiness: context-sensitive study of the social sustainability of urban settings. Environment Planning B: Planning Design, 43(1), 34-57.
 - Lynch, K. (1960). The image of the city (Vol. 11): MIT press.
 - Maggetti, M. Radaelli, C. M. & Gilardi, F. (2012). Designing research in the social sciences: Sage.
 - Moudon, A. V. (1992). A catholic approach to organizing what urban designers should know. Journal of Planning Literature, 6(4), 331-349.
 - Nessi, H. (2010). Formes urbaines et consommation d'énergie dans les transports.
 - Niel, X. (1998). Pourquoi se passer de sa voiture?
 - Norberg-Schulz, C. (1979). Genius loci: towards a phenomenology of architecture. NY: Rizzoli Embedding Architectural Education in an Ethical Disposition. In: International Publications. Pallasmaa, J. (1994). Six themes for the next ...
 - architecture, 1890-1940: MIT press Cambridge, MA.
 - Ewing, R. & Cervero, R. (2017). "Does compact development make people drive less?" The answer is yes. Journal of the American Planning Association, 83(1), 19-25.
 - Frey, H. (2003). Designing the city: Towards a more sustainable urban form: Taylor & Francis.
 - Fritsch, E. (2001). Context: Physical and Psycho-cultural: A design for the concert hall in Sarajevo, Bosnia. Massachusetts Institute of Technology.
 - Geddes, P. (1949). Cities in evolution: William and Norgate Limited, London.
 - Gosling, D. (1996). Gordon Cullen: visions of urban design: Academy Editions London.
 - Hebbert, M. (2003). New urbanism—the movement in context. Built Environment, 29(3), 193-209.
 - Heidegger, M. & Buschor, M. (1954). Bauen, wohnen, denken: Neske Pfullingen.
 - Hurr, S. J. T. C. J. o. A. (1982). Conjectures on Urban Form. The Cornell Urban Design Studio 1963-1982. 2, 54-78.
 - King, R. & King, R. (1996). Emancipating space: geography, architecture, and urban design: Guilford Press New York.
 - Kolb, V. Long, N. & Marty, P. (2016). Une approche exploratoire des inégalités environnementales et écologiques dans

- chitectural Design Futures (CAADFutures) 2007 (pp. 237-250): Springer.
- Schumacher, T. J. C. b. (1971). Contextualism. *Urban Ideals and Deformation.* (359), 78-86.
 - Shen, L. (2012). *Context and Text. Theory Practice in Language Studies*, 2(12).
 - Shumacher, T. (1971). Contextualism: Urban ideals+ deformations. *The Italian journal Casabella.*
 - Sitte, C. (1986). *City planning according to artistic principles.*
 - Storm, E. J. E. H. Q.(2003). *Regionalism in history, 1890-1945: The cultural approach.* 33(2), 251-265.
 - Tappolet, C. (2006). *Le contextualisme. Thiaw-Po-Une L. Questions d'éthique contemporaine, Paris, Stock, 276-291.*
 - Thiesse, A.M. (1991). *Écrire la France: le mouvement littéraire régionaliste de langue française entre la Belle-Époque et la Libération: FeniXX.*
 - Thomas, R. (2003). *Sustainable urban design: an environmental approach: Taylor & Francis.*
 - Trancik, R. (1986). *Finding lost space: theories of urban design: John Wiley & Sons.*
 - Ungers, O. M. Borsano, G. & Ferlenga, A. (1982). *Architettura come tema= Architecture as theme.*
 - Valena, T. (1994). *Beziehungen: über den*
 - Ozten, U. & Anay, H. (2017). Contextualism as a basis for an environmental architectural design in a globalized world. *International Journal of Advances in Mechanical Civil Engineering*, 4(4), 91-95.
 - Pepper, S. C. (1942). *World hypotheses: A study in evidence: Univ of California Press.*
 - Peterson, S. K. (1980). *Space and Antispacespace. The Harvard Architecture Review*, 1, 101-102.
 - Rapoport, A. (1972). *Pour une anthropologie de la maison.*
 - Rapoport, A. (1977). *Human aspects of urban form: towards a man—environment approach to urban form and design: Elsevier.*
 - Rossi, A. (1984). *The architecture of the city, New York. The Institute for Architecture Urban Studies The Massachusetts Institute of Technology.*
 - Rossi, A. Eisenman, P. Ghirardo, D. Y. & Ockman, J. (1982). *The architecture of the city: MIT press Cambridge, MA.*
 - Rowe, C. & Koetter, F. (1983a). *Collage city (Vol. 102): Cambridge: MIT Press.*
 - Rowe, C. & Koetter, F. (1983b). *Collage city: MIT press.*
 - Salat, S. & Labbé, F. (2011). *Les villes et les formes: sur l'urbanisme durable (L. d. m. urbaines Ed.): Hermann.*
 - Schnabel, M. A. (2007). *Parametric designing in architecture. In Computer-Aided Ar-*

- Ortsbezug in der Architektur: Ernst & Sohn.
- Venturi, R. Stierli, M. & Brownlee, D. B. (1977). Complexity and contradiction in architecture (Vol. 1): The Museum of modern art.
 - Verschueren, J. (2008). Context and structure in a theory of pragmatics. *Studies in Pragmatics*, 10, 13-23.
 - Zoghi Hoseini, E. Diba, D. Kamelnia, H. & Mokhtabad, M. J. C. C. D. (2018). New Trends in Critical Regionalism through the Lens of Tzonis and Lefavre. 2(1), 7-20.

تحلیل وضعیت استفاده از پل‌های عابر پیاده اصفهان (مطالعه موردی: منطقه ۷)

فرشاد طهماسبی زاده

مدرس گروه شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

آزاده وسیلی^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، مؤسسه آموزش عالی دانش پژوهان پیشرو، اصفهان، ایران.

فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی، دوره ششم، پیاپی ۲۵، زمستان ۱۴۰۱، صص ۲۹ - ۴۸

چکیده

پل عابر پیاده در دهه‌های اخیر در سامانه حمل و نقل شهرهای ایران به‌عنوان تسهیلات حرکتی عابرین به‌عنوان یک گزینه جدی مطرح و استفاده شده است. این پژوهش بر آن است تا وضعیت استفاده از پل‌های عابر پیاده را از دیدگاه شهروندان در منطقه ۷ شهر اصفهان مطالعه نماید. این پژوهش از نوع کاربردی و بر مبنای ماهیت روش از نوع توصیفی - موردی و تحلیلی است. در گردآوری داده‌ها از روش میدانی به شکل پرسشنامه و در تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آزمون تی تک‌نمونه‌ای، آزمون یک دنباله راست میانگین و یک دنباله چپ میانگین در نرم افزار spss استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد پل‌های عابر پیاده منطقه ۷ شهر اصفهان از نظر مکان یابی و جانمایی، طراحی و منظر شهری، هندسه و کارکرد، زیبایی شناختی و تعدادی از شاخص‌های امنیت در وضعیت نامطلوب قرار دارند. به‌طور کلی از نظر کاربران، توجه به انسان‌محوری در ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری پل‌های عابر منجر به استفاده بهینه عابرین از این تسهیلات می‌گردد.

واژگان کلیدی: پل‌های عابر پیاده، اصفهان، پیاده‌مداری، آزمون تی تک‌نمونه‌ای.

۱. نویسنده مسئول : vasili.mgh@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

مسیرهای جدید، مسیرهای پیوسته و ایمن عابر پیاده را دچار گسست کرده است (تقوایی، ۱۳۸۹: ۲۰) و راهکار گذرهای غیرهمسطح به ویژه پل‌های عابر پیاده در اصفهان موجب افزایش این پل‌ها در خیابان‌های مناطق مختلف شهر شده است. ایمن ساختن مسیر پیاده از طریق جداسازی مسیر حرکت آن از سواره مهم‌ترین مزیت پل‌های عابر پیاده است با وجود چنین مزیت ارزشمندی ولیکن استفاده عابرین پیاده از پل‌های عابر و میزان اقبال از آن‌ها همواره در حاله‌ای از ابهام است که برنامه‌ریزان را به تحقیق در این مسئله ترغیب می‌نماید (سلطانی و مزینی، ۱۳۸۹: ۹۵). این پژوهش بر آن است تا وضعیت استفاده از پل‌های عابر پیاده را از دیدگاه شهروندان منطقه ۷ اصفهان به‌عنوان یکی از مناطق پرجمعیت شهری و با تنوع پهنه‌های پیاده مورد مطالعه قرار دهد.

در بهبود کیفیت فضای شهری، ارائه تسهیلات در جهت ایمنی و امنیت عابریان پیاده از ضروریات است (منعم و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). بسیاری از صاحب نظران مدیریت شهری بر این باورند که زندگی در شهرها وابسته به حضور بیشتر انسان پیاده است تا انسان سوار بر اتومبیل، این جایگاهی‌ها بایستی همراه با ایمنی باشد تا باعث تشویق مردم به پیاده‌روی گردد (معینی، ۱۳۹۰: ۳۹) زمانی که جهان با خلاقیت اوژن هنارد در سال ۱۹۰۵ با موضوع تقاطع‌های غیرهمسطح آشنا شد، فقط ۵۰ سال طول کشید تا در ۱۹۶۰ اولین پل عابر پیاده در شهر مینی‌آپولیس اجرا گردد و استفاده از آن به‌سرعت الگویی برای دیگر شهرهای جهان باشد در ایران سابقه اولین پل عابر پیاده به نیم قرن پیش باز می‌گردد (نیکومرام، وظیفه دوست و خان، ۱۳۸۶: ۵). پل‌های عابر پیاده تنها یکی از راه‌های افزایش ظرفیت شبکه جاده‌ای هستند. اگر حرکت عابرین پیاده از عرض خیابان را به‌عنوان یکی از عوامل ترافیکی پرمخاطره در نظر گرفته شود، اهمیت ایجاد گذرگاه‌های ایمن و غیرهمسطح

پیاده‌روی و الگوی حرکت پیاده همواره یکی از الگوهای اصلی، پرطرفدار، سالم و جذاب در برنامه‌ریزی ترافیک شهری است الگویی که حتی در شرایط همه‌گیری بیماری کرونا بالاترین سهم در بین الگوهای حرکت را به خود اختصاص داده است (گزارش سالانه جهانی ایمنی جاده، ۲۰۲۱: ۱۰). در این بین گذر از خیابان به‌عنوان یک ضرورت پرتکرار در زندگی شهری، پدیده‌ای است که سلامت شهروندان را به‌وسیله حرکت پرسرعت ماشین‌ها تهدید می‌کند (محمدزاده، ۱۳۹۴: ۸۳). شهرها پیکره‌ای در هم تنیده از انواع راه‌ها، مسیرها و شبکه معابر هستند، فضاهایی که نقش حرکت و دسترسی را در جریان حضور شهروندان فراهم می‌آورند، طراحی و تسهیلات این مسیرها باید به‌گونه‌ای باشد که زمینه‌ساز ایجاد تجارب نامیدکننده برای عابرین پیاده نشود (شاهپوندی و قلعه‌نویی، ۷۴). سبک خیابان‌کشی و شهرسازی شهرهای ایران، عابرین پیاده را در انبوهی از مسیرهای سواره و خودرو محور محصور کرده و حرکت ایمن را محدود کرده است (برآبادی، ۱۳۸۴: ۱۷۱). آمارها گویای آن است که تلفات ناشی از تصادف عابریان پیاده در ایران از میانگین جهانی بالاتر است (زادولی و زادولی، ۱۳۹۳: ۲۹) و این در شرایطی است که گروه‌های مختلف سنی اعم از سالخوردگان و خردسالان برای رسیدن به مقاصد خود همواره گذر پیاده از مسیرهای متفاوت را انتخاب می‌کنند (معینی، ۱۳۹۴: ۹۵). با توجه به حجم بالای استفاده‌کنندگان پیاده از معابر و گذرهای شهری، افزایش ایمنی خیابان‌ها و ایجاد زیرساخت امن از جمله ضرورت‌های مدیریت ترافیک در شهرها است (احمدی بافنده، ۱۳۹۰: ۵۶). در پاسخ به این نیاز شهری پل عابر پیاده از جمله راهکارهایی است که شرایط عبور ایمن از عرض خیابان را فراهم می‌کند (محمدی و فلاح‌نعمتی، ۱۳۹۷: ۱۱). در شهر اصفهان همواره خیابان‌کشی و توسعه

دوچندان می‌شود. با در نظر گرفتن منافع و ایمنی حاصل از پل‌ها، چگونگی استفاده عابران از این تسهیلات نکته‌ای حائز اهمیت است؛ به‌ویژه آن‌که عابران در اولین مواجهه خود تمایل ندارند سطح مسیری را که طی می‌کنند تغییر دهند (رامادانی^۱، راهمانی^۲ و گازالی^۳، ۲۰۱۸: ۲). در این خصوص همچون سایر بخش‌های مدیریت ترافیک که موفقیت آن منوط به هماهنگی سه عامل انسانی، مهندسی و قوانین و مقررات است؛ عامل انسانی و درک آنچه که موجب تسهیل استفاده وی از پل‌های عابر می‌شود، بسیار تعیین‌کننده است (عبدالرحمانی، حبیب‌زاده و نادرپور، ۱۳۸۹: ۱۰۳). امروزه آنچه که در مورد پل‌های عابر در اولویت قرار است مسئله کاربرپسند بودن این پل‌ها است چرا که ضرورت احداث آن‌ها از بعد مهندسی ترافیک ضرورتی دارای توجیه است (سولیز^۴ و پیرز لویز^۵، ۲۰۲۲: ۲). شهروندان در خودآگاه و ناخودآگاه خود برای گزینش مسیر و استفاده از پل پس از بررسی دسته‌ای از عوامل تصمیم‌گیری می‌کنند. لذا موفقیت یا شکست این سازه‌های عمرانی تابعی از نحوه استفاده عابران از آن‌ها است که متأثر از عوامل متعدد است و نمی‌توان به ساخت پل بدون در نظر گرفتن عوامل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بهره‌گیری از آن اکتفا نمود (شرفی، ۱۳۹۴: ۱۰۲ و ۱۰۳). استفاده از پل عابر پیاده مستلزم فرضیاتی در مورد چگونگی واکنش عابران پیاده به ویژگی‌های محیط در هنگام انتخاب مسیر است. پیچیدگی موضوع آن‌جاست که عابران پیاده ناهمگون‌ترین گروه کاربران خیابان هستند، به‌منظور بهبود نرخ استفاده از پل و در نتیجه ایمنی عابر پیاده، مهم است که چه عواملی بر

1. Ramadani
2. Rahmani
3. Gazali
4. Soliz
5. Pérez-López

استفاده یا عدم استفاده از پل توسط عابرین پیاده تأثیر می‌گذارند (راسانن^۶ و همکاران، ۲۰۰۷: ۹۷۰). با لحاظ ملاحظات، پل عابر پیاده به یک گزینه منطقی در غلبه بر مشکلات ترافیکی و ایجاد احساس امنیت و آسایش با ایجاد دسترسی ایمن تبدیل می‌شود و نهایتاً در غلبه بر عارضه اختلال حرکت عابرین پیاده با جریان عبور و مرور خودرو، پل عابر همچنان به‌عنوان یک گزینه عملی مطرح است (راهماواتی^۷ و فیریزا^۸، ۲۰۲۱: ۱). در این رابطه عوامل مؤثر بر تمایل استفاده‌کنندگان از پل‌های عابر شامل چه مواردی هستند؟ و اینکه وضعیت استفاده از پل‌های عابر از نگاه عابران در شهر اصفهان بیشتر تحت تأثیر کدام عوامل است؟ جستجوی پاسخ این پرسش‌ها پژوهشگران را بر آن داشت تا این موضوع را از زاویه نگاه شهروندان منطقه ۷ شهر اصفهان مورد بررسی قرار دهند.

پیشینه پژوهش

در نیم قرن اخیر موضوع پل‌های هوایی و عوامل اثرگذار بر آن مورد توجه پژوهشگران است و هریک به بخشی از مسئله از زاویه نگاه پژوهشی خود پرداخته‌اند. پیشینه پژوهش در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است.

مبانی نظری

پل عابر پیاده و ویژگی‌های آن

سازه‌ای که موجب عبور ایمن و روان عابرین پیاده از سطح سواره‌روها (عرض معابر) می‌شود و به‌صورت روگذر و زیرگذر وجود دارد. هدف از طراحی این پل‌ها تسهیل عبور و مرور پیاده همراه با افزایش ایمنی تردد،

6. Rasanen
7. Rahmavati
8. Fireza

جدول شماره (۱): پیشینه پژوهش‌های خارجی

نویسندگان	سال	عنوان	نتیجه	روش
کاتوپولا، ماشیلی و هاسلبرگ	۲۰۲۲	درک عابر پیاده از پل‌های عابر پیاده مطالعه‌ای کیفی در دارالسلام	عابرین استفاده مستقیم از مسیر را به دلیل صرفه جویی در زمان ترجیح می‌دهند. تحقیق بر اهمیت مشارکت جوامع محلی و سایر ذینفعان در طول برنامه‌ریزی برای پل‌ها تأکید می‌کند.	کیفی تحلیل محتوا
محتشم امیری و همکاران	۲۰۲۲	عوامل مؤثر بر پل‌های عابر پیاده در شمال ایران	مهم‌ترین دلایل استفاده از پل‌ها امنیت و رعایت قوانین و مهم‌ترین دلایل عدم استفاده صرفه جویی در زمان، تنبلی و کیفیت نامناسب پل بوده است	توصیفی تحلیلی
راهماواتی و فیریزا	۲۰۲۱	مطالعه پاسخ کاربران پل عابر پیاده در شهر پکنبارو	نتیجه نشان می‌دهد که ایمنی، راحتی، تداوم و جذابیت ملاحظات اولیه کاربران در استفاده از پل عابر پیاده است.	توصیفی تحلیلی
لاندا بلانکو و آویلیا	۲۰۲۰	عوامل مرتبط در استفاده از پل‌های عابر پیاده در بین دانشجویان هندوراس	عجله داشتن، باور سریع‌تر عبور از خیابان، تصور اینکه استفاده از پل‌های عابر خسته‌کننده است، همگی باعث کاهش احتمال استفاده از پل می‌شود	توصیفی تحلیلی
رامادانی، راهمانی و گزالی	۲۰۱۸	بررسی کارایی پل عابر پیاده در مسیر پانگراگ آتاساری، بنجارماسین	درصد عابرانی که از پل استفاده نمی‌کنند بسیار زیاد و حدود ۸۷٪ در ساعت شلوغی است، راهکار ارائه شده ایجاد نرده در دو طرف جاده و محدود کردن حرکت پیاده از عرض مسیر است	توصیفی تحلیلی
راسان و همکاران	۲۰۰۷	گزارش عابران پیاده از عوامل تأثیرگذار بر استفاده از پل‌های عابر	اگر مزایای ایمنی و راحتی استفاده از پل بدون اتلاف زمان قابل توجه برای عابران پیاده به‌وضوح قابل مشاهده باشد، احتمالاً نرخ استفاده بهبود خواهد یافت.	توصیفی تحلیلی
رن و همکاران	۲۰۱۱	بررسی رفتارهای عبوری عابران در تقاطع‌های نشانه‌گذاری شده، مطالعه موردی در چین	مدلسازی رفتار عابرین پیاده در گذر عرضی از خیابان، عوامل مؤثر بر رفتار انتخابی عابرین شامل صرفه‌جویی در زمان، همراه داشتن کودک، جریان راه، فاصله اضافی برای عبور از پل، فاصله اضافی برای عبور از خط‌کشی چراغ‌دار	توصیفی تحلیلی

احداث می‌شوند. باید در نظر داشت که ایجاد پیاده‌گذرهای غیرهمسطح می‌تواند بر هزینه، غیرجذاب، غیرکاربردی و مشوقی برای ارتکاب جرم و خرابکاری بوده و حتی در صورت طراحی و اجرای نامناسب باعث کاهش ایمنی شود. از آنجا که عابران پیاده برای استفاده از پیاده‌گذرهای غیرهمسطح، باید تغییر ارتفاع دهند، لازم است که دسترسی آن‌ها به پیاده‌گذر با استفاده از پله، شیب‌راه و آسانسور تأمین شود. (آیین‌نامه طراحی معابر شهری، بخش دهم: مسیرهای پیاده، ۱۳۹۹: ۵۶).

پل‌های عابر پیاده و سیستم حمل و نقل فعال

مدیریت شهری در حوزه ترافیک از طریق ساخت «پل‌های عابر پیاده» در خیابان‌های اصلی و حتی محلی به نگرانی‌های مربوط به جریان ترافیک پاسخ داده است. با وجود علاقه روبه‌رشد سیاست‌گذاران به گسترش زیرساخت‌های

جلوگیری از حوادث و نیز کاهش مشکلات ترافیکی معابر است. ارتفاع آزاد و مجاز پل عابر در معابر شریانی ۴٫۸ متر و در آزادراه‌ها و بزرگراه‌ها ۵٫۲۰ متر می‌باشد. حداقل عرض روگذر ۱٫۸ متر است. روگذر باید در مقابل عوامل جوی محافظت شود. لبه پله نباید تیز بوده و باید دارای قوس ملایمی باشد. کف پله باید دارای شیب ۰٫۲٪ باشد. کف عرشه، راه پله و شیب‌راه روگذر باید غیرلغزنده و مطابق ضوابط، شیب‌بندی شود تا تجمع آب‌های آزاد باعث لغزندگی و یخ‌زدگی آن در زمستان نشود. پاگرد پله‌ها باید دارای اندازه حداقل ۳ گام باشد. محور راه پله نباید مستقیم باشد، از پاگرد و پیچ ۹۰ درجه، از طول پلکان کاسته شود (پایدار، ۱۳۹۶). گذرگاه‌های غیر همسطح از جمله تسهیلات پیاده‌روی هستند که به‌منظور جداسازی عمودی ترافیک پیاده و سواره به‌صورت زیرگذر یا روگذر

جدول شماره (۲): پیشینه پژوهش‌های داخلی

نویسندگان	سال	عنوان	نتیجه	روش
محمدی و فلاح تفتی	۱۳۹۷	تأثیر عوامل دموگرافیک بر رفتار عبور غیرمجاز عابران پیاده در محدوده پل عابر پیاده محدوده مطالعه: اصفهان و یزد	صرفه‌جویی در زمان عبور، عدم جانمایی مناسب، عدم اعمال جریمه برای عابرین متخلف و تأمین امنیت عوامل مؤثر در استفاده نکردن از پل‌ها هستند.	توصیفی پیمایشی
میرمحمدی و جلوخانی نیارکی	۱۳۹۷	به‌کارگیری روش تصمیم‌گیری گروهی چند معیاره مکانی در تعیین مکان‌های بهینه پل‌های هوایی (مطالعه موردی: منطقه یک شهر مشهد)	با استفاده از روش تحلیلی چند معیاره مکان‌های پیشنهادی مردم جهت احداث پل‌های هوایی استخراج گردید	تحلیل تصمیم گیری چند معیاره
کاشانی جو، محمدی و صالحی	۱۳۹۶	ارزیابی تطبیقی گذرگاه‌های همسطح و پل‌های عابر پیاده در قابلیت پیاده‌مداری خیابان‌های شهری مطالعه موردی: خیابان کریم خان زند تهران	بر اساس نقطه نظرات بهره‌برداران به ترتیب معیارهای امنیت و ایمنی، جایجایی و دسترسی و شرایط فیزیکی، درجه اهمیت بالاتری نسبت به سایر معیارها در انتخاب پل‌های عابر پیاده برای گذر از عرض خیابان دارند	توصیفی تحلیلی
شربتی	۱۳۹۵	تحلیل عوامل اثرگذار بر عدم تمایل شهروندان به استفاده از پل‌های عابر پیاده (مطالعه موردی: شهر گرگان)	مکان یابی نامناسب، ناکافی بودن برنامه‌های آموزشی و فرهنگ‌سازی و وضعیت نامناسب جسمی عابرین عوامل مؤثر در استفاده نکردن از پل‌ها هستند.	توصیفی تحلیلی
حسینعلی و عزیزخانی	۱۳۹۵	توسعه مدلی عامل-بنیان برای شبیه‌سازی مکان‌مند رفتار عابران در گذر از خیابان و استفاده از پل‌های عابر پیاده	عامل انتخاب مکان مناسب، مناسب‌سازی برای گروه‌های سنی و ایجاد جاذبه‌های تفریحی بر روی پل‌ها عوامل اثرگذار بر نحوه استفاده شهروندان هستند.	تحلیل مکانی مدل عامل بنیان
شرفی	۱۳۹۴	جایگاه پل‌های هوایی در امنیت اجتماعی ترافیکی شهروندان مطالعه موردی: مناطق ۱ و ۵ شهر کرمان	ضرورت توجه به ابعاد فرهنگ‌سازی، آموزش، مکان‌یابی دقیق و اهمیت مناسب‌سازی ورودی پل‌ها برای گروه‌های کم‌توان	توصیفی تحلیلی
جعفری و مهرآبادی و سجودی	۱۳۹۴	بررسی وضعیت امنیت زنان در فضاهای شهری (نمونه موردی: پل‌های عابر پیاده شهر رشت)	پل‌های عابر پیاده از دیدگاه شاخص‌های امنیت فضایی: کالبدی (مکانی)، کارکردی (عملکردی)، محیطی-رفتاری (ذهنی) برای استفاده زنان مناسب نیستند	توصیفی تحلیلی
محمدزاده	۱۳۹۳	بررسی کیفیت پل‌های عابر پیاده منطقه ۳ شهر تبریز	لزوم به‌کارگیری روش‌های تشویقی و هدایتی و ارتقاء کیفیت پل‌ها عابر پیاده	توصیفی تحلیلی
سلطانی و مزینی	۱۳۸۹	بررسی عوامل اثرگذار بر تمایل شهروندان به استفاده از پل‌های عابر پیاده	ضرورت مناسب‌سازی پل‌ها برای گروه‌های مختلف مردمی، آموزش و اعمال جرائم قانونی	توصیفی تحلیلی
نیکومرام، وظیفه‌دوست و خانی	۱۳۸۷	ارزیابی و اثربخشی پل‌های عابر درون شهری (مطالعه موردی: شهر تهران)	دلایلی چون عدم مکان‌یابی مناسب، عدم کاربرد برای همه اقشار، عرض کم خیابان، زمان بر بودن، عوامل مزاحم موجب کاهش اثربخشی پل‌ها شده‌اند	میدانی

حمل و نقل فعال (پیاده‌روی و دوچرخه سواری، استفاده از ویلچر)، نابرابری‌های مرتبط با تحرک فعال توجه بیشتری را می‌طلبد. در بسیاری از شهرها، سرمایه‌گذاری‌های بالا در توسعه خودرو محور منجر به نابرابری‌های اجتماعی- فضایی شدید شده است. توسعه سیستم‌های حمل و نقل فعال- از جمله زیرساخت‌های قابل دسترس مانند پل‌های عابر پیاده برای تسهیل حرکت پیوسته پیاده، دوچرخه و

صندلی چرخ‌دار- یک چالش محیطی مبرم است (سولیز و پیرز لوپز، ۲۰۲۲: ۲). آنچه که مسلم است طراحی‌های انسان‌محور سطح رضایت عابران پیاده و درک جامعه از پیاده‌روی را بهبود می‌بخشد. عناصر زیرساختی تأثیر قابل توجهی بر رضایت عابرین پیاده دارند که عمدتاً شامل وجود یک مسیر پیاده روی پیوسته از مبدأ تا مقصد؛ وجود پل‌های عابر پیاده مناسب و وجود و عملکرد چراغ‌های

خیابانی در مسیرهای پیاده‌روی برای افزایش ایمنی به‌ویژه در ساعات شب می‌شود (نگ^۱ و همکاران، ۲۰۲۰: ۲۳۵۹ و ۲۳۶۰).

پل‌های عابر پیاده و مفهوم مکان

پل‌های عابر در بافت شهرهای پر تراکم، به‌مثابه تونل‌های شهری تلقی می‌شوند، مکان‌هایی عمومی برای حرکت و فعالیت‌های شهری با ساختی سه بعدی در فضای شهر که در کیفیت فضای آن از بعد اتصال، رشد عمودی و پیچیدگی در زندگی روزمره شهروندان نمود دارند. از دهه ۱۹۷۰ بسیاری از محققان مکان را از منظر انسان‌گرایانه مطالعه کرده‌اند و تأکید بر تجربیات روزمره شهروندان منجر به تحقیقات در مفهوم انسانی مکان شد. کانتر^۲ (۱۹۷۷) یکی از اولین کسانی است که یک چارچوب نظری را برای مفهوم مکان از کنار هم قرار دادن سه عنصر اصلی مفاهیم، فعالیت‌ها و ویژگی‌های فیزیکی پیشنهاد داد (وانگ^۳، سیو^۴ و نگ^۵، ۲۰۱۶: ۲). از آنجایی که مخاطب پل‌های عابر طیف وسیعی از شهروندان با تنوع سنی و اقلشار گوناگون عابری را در بر می‌گیرد، لازم است که در برنامه ریزی و طراحی آن به ابعاد انسانی ساخت آن توجه ویژه شود (شرفی، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

پل عابر پیاده و رفتار انتخابی عابری

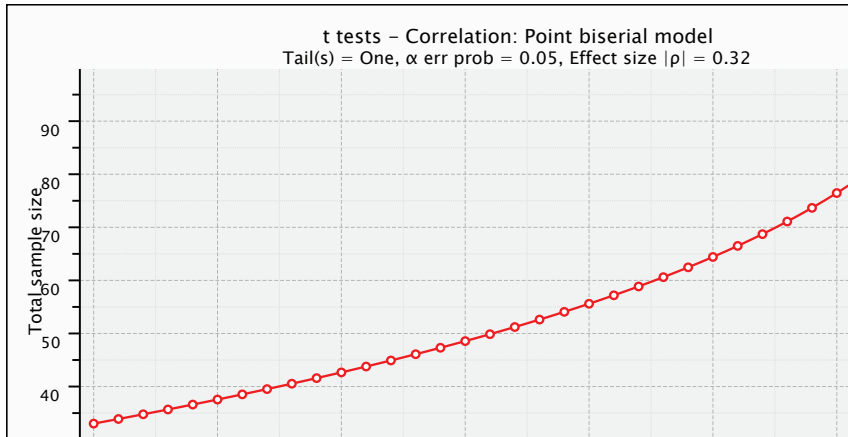
عابری در هر نقطه که بتوانند از خیابان عبور می‌کنند و در این میان عبور سالمندان، معلولین، کودکان و افراد همراه با کودک با مشکلات بیشتری روبرو است. عابری خود را ملزم به عبور از نقاط ویژه و تعیین شده در گذرگاه‌های پیاده نمی‌دانند (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۱۴۶). تصمیم عابری برای عبور از خیابان و انتخاب آن‌ها بین گذر عرضی و یا استفاده از پل عابر عاملی معنادار

است. انتخابی که احتمال تصادفات منجر به فوت را با اثری جبران‌ناپذیر افزایش می‌دهد (افندی‌زاده و جمشیدی، ۱۴۰۰: ۱۱۶). استفاده از پل یک عادت است تا رفتار تصادفی، علاوه بر این، پیشنهاد شده است که یک ویژگی خوداجباری (توپوگرافی، نرده‌ها و غیره) وجود داشته باشد تا عابر پیاده را ملزم به استفاده از پل کند، پل در حالت ایده‌آل باید در مسیر عادی عابر پیاده باشد (راسانن و همکاران، ۲۰۰۷: ۹۶۹). رفتار تصمیم‌گیری انتخاب مسیرها و استفاده از پل‌های عابر پیاده و به‌طور مشابه، رفتار عبور از جاده، مانند هر رفتار ایمنی جاده‌ای دیگر، با نگرش در مورد نحوه استفاده از خیابان‌ها، فشار اجتماعی یا هنجارها و توانایی درک شده کاربر تعیین می‌شود. اغلب عابریان پیاده باید هنگام عبور از جاده، ایمنی را فدای راحتی کنند یا برعکس. مسئله اینجا است که دانش کسانی که ساخت پل‌های عابر پیاده را بر عهده دارند همیشه با باورها، نیات و رفتار عابریان پیاده نسبت به عبور از جاده مطابقت ندارد. مردم با وجودی که دلیل ساخت پل عابر و فواید آن‌را می‌دانند اما اکثریت عبور از سطح خیابان را ترجیح می‌دهند، این رفتار به‌عنوان مقاومت درک شده تعبیر می‌شود؛ و به این معنا است که علیرغم تلاش‌های دولت برای محافظت از عابریان پیاده، از طریق مداخلاتی مانند ساخت پل‌های عابر پیاده، جاده برای کاربران آسیب‌پذیر، خطرناک‌تر می‌شود چون فرض رانندگان وسایل نقلیه این است که عابریان از پل استفاده می‌کنند و بنابراین سطح جاده برای رانندگی، ایمن و عاری از عابر پیاده است. توجه به این نکات اهمیت مشارکت مردمی در هنگام برنامه‌ریزی و مراحل ساخت پل را خاطر نشان می‌سازد (کاتاپولا، فردیدک و ماری، ۲۰۲۲: ۹).

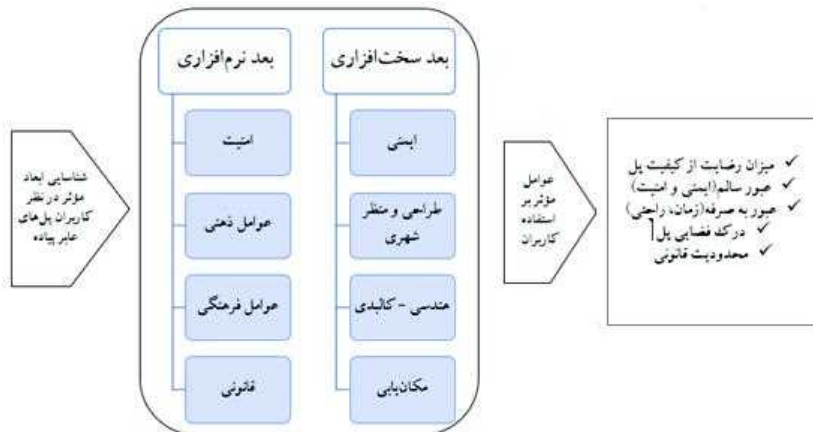
پل عابر پیاده و نقش اجتماعی خیابان

در ریخت‌شناسی شهرها خیابان یکی از پر اهمیت‌ترین

1. Nag
2. Canter
3. Wang
4. Siu
5. Wong



شکل شماره (۱): محاسبه حجم نمونه با نرم افزار جی پاور



شکل شماره (۲): مدل مفهومی و فرآیند پژوهش

عناصر فضای شهری است که فرصت ایجاد ارتباطات اجتماعی را در قالب فعالیت‌های گوناگون در بستر خود فراهم می‌آورد. جابجایی و دسترسی، یک اصل در پویایی شهرها است. در مورد مسیر حرکت عابرین پیاده، پیوستگی مسیر بدون گسست حرکتی همراه با حفظ ایمنی از جمله عوامل مطلوب در طراحی محیط شهری است (جهانگیر، صارمی و کلانتری خلیل‌آباد، ۱۳۹۸: ۴۸). بخصوص که پیاده‌ها در خیابان شهری حرکت عرضی پیوسته و متعددی دارند. طیف شهروندان حاضر در خیابان از گستردگی بالایی برخوردار است و به طبع آن دامنه رفتاری بسیار متنوع و بزرگی را در بر می‌گیرد. تمهیدات کالبدی خیابان می‌بایستی به‌گونه‌ای باشد که علاوه بر پذیرش این دامنه وسیع از رفتارها، ایمنی افراد حاضر را نیز تضمین کند (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۱۵۹). پارادایم پیاده‌مداری که پویایی اجتماعی را در پی دارد بر حضور هر چه بیشتر عابرین پیاده و روانی حرکت ایشان تأکید می‌کند، این گونه طراحی

روایی و پایایی

در روایی پرسش‌نامه از نظر متخصصان استفاده و نظرات انتقادی و پیشنهادی اصلاحی آنان اعمال شد. وضعیت پایایی پرسش‌نامه در جدول ۳ با استفاده روش آلفای کرونباخ ارائه شده است. بر این اساس ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰,۷۰۱ است؛ بنابراین، پایایی پرسش‌نامه مطلوب است.

جدول شماره (۳): پایایی پرسشنامه

رتبه	تعداد	میانگین	انحراف	پهنایی	کمیته	میانگین	رتبه
۱۰۳	۲۵	۸۹,۲۹	۷۷,۶۲	۱۳	۹۰	۰,۷۰۱	۱

محدوده مورد مطالعه

از نظر موقعیت جغرافیایی منطقه ۷ در شمال شهر اصفهان واقع شده است. مساحت محدوده قانونی این محله ۱۳۵۷ هکتار است؛ و جمعیت آن ۱۶۸۷۳۲ نفر (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵) می‌باشد. این منطقه از شمال به خیابان لوله گاز قبل از جاده دولت‌آباد، از شرق به خیابان بعثت و میدان لاله، از جنوب به میدان قدس امتداد خیابان مدرس و ادیب و فلکه شهدا و از غرب به فلکه شهدا امتداد کاوه و بزرگراه معلم محدود شده است.

یافته‌ها

ویژگی‌های عمومی نمونه آماری

در جدول ۴ ویژگی‌های عمومی نمونه آماری ارائه شده است. بر این اساس ۳۸,۸ درصد از پاسخگویان به پرسشنامه مرد و ۶۱,۲ درصد زن بوده‌اند. بیشترین سهم پاسخگویان با ۲۷,۲ درصد در گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال قرار دارند و از نظر تحصیلات گروه سیکل با ۳۹ درصد و دیپلم و فوق دیپلم با ۳۶ درصد بیشترین سهم را داشته است.

منجر به تشویق افراد برای حضور پیاده در شهر می‌شود. در این میان مسئله عبور عرضی، نقش پل‌های عابر پیاده را در روانی حرکت پررنگ می‌کند، تسهیلاتی که حرکت سواره را از مسیر ایمن پیاده دور می‌کند و امکان دسترسی عابر پیاده را به دیگر طرف خیابان هموار می‌نماید (کاشانی‌جو و همکاران، ۱۳۹۶).

روش پژوهش

این پژوهش بر اساس ماهیت هدف از نوع کاربردی و بر مبنای ماهیت روش از نوع توصیفی - تحلیلی است. در گردآوری داده‌ها مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه‌ای و گردآوری داده‌های مرتبط با نمونه موردی از روش میدانی و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. متغیرهای مؤثر بر استفاده از پل‌های عابر از مطالعه ادبیات موضوع و پیشینه تحقیقات پیشین در دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری استخراج گردید، بعد سخت‌افزاری شامل ایمنی، طراحی و منظر شهری، هندسی کالبدی و مکان‌یابی؛ و بعد نرم‌افزاری شامل امنیت، عوامل ذهنی، عوامل فرهنگی و قانونی می‌شود. قلمرو مکانی پژوهش، پل‌های عابر واقع در منطقه ۷ شهر اصفهان بود. جامعه آماری شامل کاربران پل‌های عابر منطقه ۷ به تعداد ۱۶۸۷۳۲ نفر (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵) می‌باشند. در انتخاب حجم نمونه آماری از نرم افزار جی پاور استفاده شده است بر این اساس با مطابق با نوع آزمون‌های مورد استفاده، ضریب تأثیر ۰,۳۲ و توان ۹۵ درصد حجم نمونه ۹۷ به دست آمده است در این پژوهش تعداد ۱۰۳ مورد پرسشنامه جهت رسیدن به نتیجه بهتر توزیع شده است.

مدل مفهومی

در شکل ۱ مدل مفهومی و فرآیند پژوهش در دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری ارائه شده است. بر این اساس ابعاد مورد بررسی در پژوهش شامل دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است که هر کدام متغیرهای خاص دارد.

جدول شماره (۴): ویژگی‌های عمومی نمونه آماری

درصد	تعداد			درصد	تعداد		
۳	۳	بی سواد	گروه سنی	۳۸,۸	۴۰	مرد	
۳۹	۳۹	سیکل		۶۱,۲	۶۳	زن	
۳۶	۳۶	دیپلم و فوق دیپلم		۲۹,۱	۳۰	کمتر از ۱۸ سال	
۲۲	۲۲	لیسانس و فوق لیسانس		۲۷,۲	۲۸	۱۸ تا ۳۰	
۰	۰	حوزوی و دکترا		۲۶,۲	۲۷	۳۰ تا ۴۵	
				۱۴,۶	۱۵	۴۵ تا ۶۰	
			۲,۹	۳	بیشتر از ۶۰		

جدول شماره (۵): تجربه عابرین در استفاده از پل عابر پیاده

درصد	تعداد	تجربه عابرین در استفاده از پل	
۶۵	۶۷	عبور از روی پل عابر	کدام یک از روش‌های ذیل را برای عبور از خیابان ترجیح می‌دهید
۳۵	۳۶	عبور به‌طور مستقیم از عرض خیابان	
۱۹,۴	۲۰	بله	تجربه تصادف در هنگام عبور عرضی از خیابان
۸۰,۶	۸۳	خیر	
۹۲,۲	۲۸	سالم بدون مشکل حرکتی	وضعیت سلامت
۳,۱	۳	دارای مشکل حرکتی بدون استفاده از وسیله کمکی	
۳۳,۳	۳۲	دارای مشکل حرکتی با استفاده از عصا	
۳۳,۳	۳۲	دارای مشکل حرکتی با استفاده از ویلچر	
۹۲,۲	۹۵	وجود مانع و میله در وسط خیابان	دلیل استفاده از پل عابر
۵,۸	۶	طولانی بودن عبور عرضی	
۱	۱	سرعت بالای خودروها در خیابان	
۱	۱	استفاده از پل در هر شرایطی	

عوامل مؤثر بر تجربه، تمایل و اولویت‌های عابرین در استفاده از پل عابر پیاده

در جدول ۵ تجربه عابرین در استفاده از پل عابر پیاده بر اساس نمونه آماری ارائه شده است. بر این اساس ۶۵ درصد از پاسخگویان به عبور از روی پل و ۳۵ درصد عبور مستقیم از عرض خیابان را ترجیح می‌دهند. ۸۰,۶ درصد تجربه تصادف نداشته‌اند و از نظر سلامت حرکتی گروه سالم بدون مشکل حرکتی با ۹۲,۲ درصد بیشترین سهم را داشته است. از نظر پاسخگویان وجود میله و مانع در وسط خیابان با ۹۲,۲ درصد مهم‌ترین دلیل استفاده از پل عابر ذکر شده است. همچنین تفکیک ترجیح پاسخگویان با توجه به تجربه

جدول شماره (۶): مقایسه ترجیح پاسخگویان در انتخاب عبور از پل با داشتن تجربه تصادف

درصد	تعداد	ترجیح برای عبور از خیابان	آیا تجربه تصادف از عبور عرضی از خیابان را داشته‌اید؟
۶۰	۱۲	عبور از روی پل	تجربه تصادف هنگام عبور عرضی از خیابان را داشته‌ام
۴۰	۸	عبور مستقیم از عرض خیابان	
۶۶	۵۵	عبور از روی پل	تجربه تصادف هنگام عبور عرضی از خیابان را نداشته‌ام
۳۴	۲۸	عبور مستقیم از عرض خیابان	

از نظر اولویت‌بندی عوامل، ۷۷٫۲ درصد از پاسخگویان عامل ایمنی و ۵۰ درصد عامل راحتی را دارای اولویت بالا و ۵۵٫۴ درصد عامل زمان مورد نیاز برای جابجایی از طریق پل را دارای اولویت متوسط می‌دانند. نتایج در جدول ۸ بر اساس نمونه آماری ارائه شده است.

تحلیل وضعیت پل‌های عابر پیاده

تحلیل وضعیت پل‌های عابر پیاده در دو دسته ابعاد سخت‌افزاری و ابعاد نرم‌افزاری ارائه شده است. ابعاد سخت‌افزاری شامل هندسی - کالبدی، ایمنی، طراحی و منظر شهری و مکان‌یابی و ابعاد نرم‌افزاری شامل امنیت، عوامل ذهنی، عوامل فرهنگی - اجتماعی و عوامل قانونی می‌شود.

تحلیل وضعیت هندسی - کالبدی پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ از نگاه کاربران

در جدول ۹- تحلیل وضعیت هندسی - کالبدی با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای و سنجش آن با استفاده از آزمون یک دنباله چپ میانگین و آزمون یک دنباله راست میانگین بر اساس سطح مطلوبیت ۳ ارائه شده است. بر این اساس میانگین وضعیت در مؤلفه‌های بعد هندسی - کالبدی شامل «مناسب بودن ورودی‌های پل برای دوچرخه و ویلچر»، «مناسب بودن پل برای کودکان و سالخورده‌گان» و «راحتی بالا رفتن از پله‌های غیرمکانیزه» به ترتیب ۲،۳۸۸۳، ۲،۰۹۷۱ و ۲،۴۳۶۹ نامطلوب و کم‌تر از حد مبنای ۳ می‌باشد. در بعد هندسی - کالبدی اهمیت «تجهیز پل به پله‌های

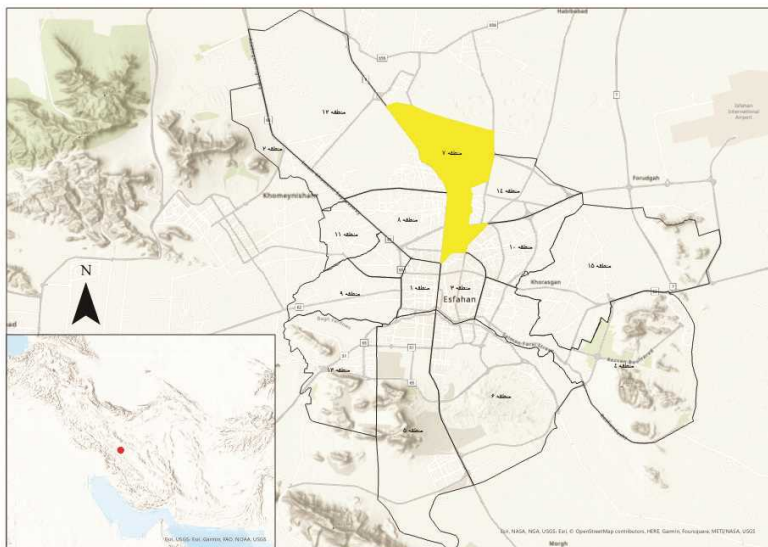
تصادف در جدول ۶ نشان داده شده است، نتایج نشان می‌دهد که ۶۶٪ از پاسخگویان که تجربه تصادف هنگام عبور عرضی از خیابان را نداشته‌اند؛ عبور از روی پل عابر را به عبور مستقیم از خیابان ترجیح می‌دهند و در عین حال ۴۰٪ از پاسخگویان با وجود داشتن تجربه تصادف همچنان رفتار پرخطر عبور عرضی از خیابان را به عبور ایمن از پل عابر ترجیح می‌دهند.

در پاسخ به این سؤال که «کدام یک از عوامل تأثیرگذاری بیشتری بر کاهش تمایل کاربران بر استفاده از پل عابر پیاده دارد؟»، پاسخگویان پله‌های غیرمکانیزه را مهم‌ترین عامل معرفی کرده‌اند. نتایج در جدول ۷ بر اساس نمونه آماری و با روش فراوانی چندپاسخه ارائه شده است.

جدول شماره (۷): عوامل محدودکننده بر تمایل عابریان

در استفاده از پل‌ها

درصد	تعداد	عنوان
۱۶٫۵	۵۴	شیب زیاد پله‌ها
۱۸٫۶	۶۱	پله‌های غیرمکانیزه
۱۱٫۹	۳۹	فاصله زیاد از محل کار
۱۱٫۹	۳۹	ارتفاع زیاد پل
۱۵٫۹	۵۲	روشنایی ناکافی در شب
۱۰٫۴	۳۴	طراحی غیر جذاب پل
۱۴٫۹	۴۹	نامناسب بودن مکان احداث پل



شکل شماره (۳): محدوده مورد مطالعه

در بهبود وضعیت استفاده از آن تا حدودی مؤثر است. در بین مؤلفه‌های بعد هندسی - کالبدی سهولت استفاده از پل‌های عابر پیاده در قالب پله‌ها و ورودی‌های مناسب برای گونه‌های مختلف شیوه‌های سفر (پیاده، دوچرخه و ویلچر) و همچنین گروه‌های مختلف سنی باز نمود قابل توجهی داشته است، به‌ویژه آنکه از نظر ۵۴٪ پاسخگویان، «شیب زیاد پله» و از نظر ۶۱٪، «پله‌های غیر مکانیزه» به‌عنوان عوامل محدودکننده (مطابق جدول ۷) ذکر شده‌اند و در عین حال برای ۵۰٫۱٪ پاسخگویان عامل «راحتی» (مطابق جدول ۸) در اولویت بالایی برای استفاده از پل می‌باشد. لذا نامطلوب بودن عوامل دارای اولویت در بعد هندسی - کالبدی اهمیت

مکانیزه» با میانگین ۴,۵۱۴۶ و «نقش پله‌های مکانیزه در ترغیب کاربران به استفاده از پل» با میانگین ۳,۰۰۹۹ و سطح معناداری ۰,۰۰۰ در حد مطلوبی قرار دارند همچنین میانگین «ضروری بودن فضاهای توقف» با میزان ۳,۰۰۹ بیشتر از حد مبنای ۳ شده است که نسبتاً نزدیک به میانگین حد مطلوبیت عددی است و با توجه به مقدار آماره تی (۰,۰۸۰) و سطح معناداری در آزمون یک دنباله راست میانگین که ۰,۹۳۶ می‌باشد و مقدار سطح معناداری که با تقسیم بر دو حاصل آن بیشتر از ۰,۰۵ شده است و مقدار آن بیشتر از ۰,۰۵ است، بنابراین دارای مطلوبیت نسبی است و از نظر کاربران «وجود فضاهای توقف بر روی پل»

جدول شماره (۸): اولویت‌بندی عوامل در استفاده از پل‌های عابر پیاده

زمان مورد نیاز برای جابجایی از طریق پل		راحتی		ایمنی		اولویت
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	اولویت بالا
۲۸,۷	۲۹	۵۰,۵	۵۱	۷۷,۲	۷۸	اولویت بالا
۵۵,۴	۵۶	۳۸,۶	۳۹	۱۵,۸	۱۶	اولویت متوسط
۲۸,۷	۱۶	۱۰,۹	۱۱	۶,۹	۷	اولویت پایین

جدول شماره (۹): تحلیل وضعیت هندسی - کالبدی پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ از نگاه کاربران

مطلوبیت	مطلوبیت عددی آزمون = ۳					میانگین	وضعیت هندسی-کالبدی	
	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی			آماره t
	حد بالا	حد پایین						
نامطلوب	-۰,۶۵۱۳	-۱,۱۵۴۵	-۰,۹۰۲۹۱	۰,۰۰۰	۱۰۲	-۷,۱۱۸	۲,۰۹۷۱	مناسب بودن ورودی پل برای دوچرخه و ویلچر
مطلوب	۱,۶۷۱۵	۱,۳۵۷۷	۱,۵۱۴۵۶	۰,۰۰۰	۱۰۲	۱۹,۱۴۸	۴,۵۱۴۶	اهمیت تجهیز پل به پله‌های مکانیزه
نامطلوب	-۰,۳۶۹۶	-۰,۸۵۳۷	-۰,۶۱۱۶۵	۰,۰۰۰	۱۰۲	-۵,۰۱۲	۲,۳۸۸۳	مناسب بودن ورودی‌های پل برای کودکان و سالخوردگان
مطلوب	۰,۲۵۵۷	-۰,۲۳۵۹	۰,۰۰۹۹۰	۰,۹۳۶	۱۰۰	۰,۰۸۰	۳,۰۰۹۹	ضروری بودن فضاهای توقف
نامطلوب	-۰,۳۰۶۹	-۰,۸۱۹۴	-۰,۵۶۳۱۱	۰,۰۰۰	۱۰۲	-۴,۳۵۹	۲,۴۳۶۹	راحتی بالا رفتن از پله‌های غیرمکانیزه
مطلوب	۱,۴۴۳۳	۱,۰۴۶۹	۱,۲۴۵۱۰	۰,۰۰۰	۱۰۱	۱۲,۴۶۰	۴,۲۴۵۱	اهمیت پله‌های مکانیزه در ترغیب کاربران به استفاده از پل

جدول شماره (۱۰): تحلیل وضعیت پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ در بعد ایمنی از نگاه کاربران

مطلوبیت	مطلوبیت عددی آزمون = ۳					میانگین	وضعیت ایمنی	
	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی			آماره t
	حد بالا	حد پایین						
مطلوب	۴,۲۷۸۰	۳,۹۳۷۷	۴,۱۰۷۸۴	۰,۰۰۰	۱۰۱	۴۷,۸۸۵	۴,۱۰۷۸	ضروری بودن وجود پل‌های عابر
مطلوب	۴,۲۵۵۸	۳,۸۴۱۲	۴,۰۴۸۵۴	۰,۰۰۰	۱۰۲	۳۸,۷۳۷	۴,۰۴۸۵	سرعت بالای اتومبیل‌ها

جدول شماره (۱۱): تحلیل وضعیت طراحی و منظر شهری پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ از نگاه کاربران

مطلوبیت	مطلوبیت عددی آزمون = ۳					میانگین	وضعیت طراحی و منظر شهری	
	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی			آماره t
	حد بالا	حد پایین						
مطلوب	۰,۶۴۱۲	۰,۱۴۳۲	۰,۳۹۲۱۶	۰,۰۰۲	۱۰۱	۳,۱۲۴	۳,۳۹۲۲	اهمیت زیبایی چشم‌انداز محیط از روی پل
نامطلوب	۰,۰۱۴۸	-۰,۴۴۲۰	-۰,۲۱۳۵۹	۰,۰۶۶	۱۰۲	-۱,۸۵۵	۲,۷۸۶۴	اهمیت وجود تابلوهای تبلیغاتی

بهبود آن‌را در استفاده کاربران از پل‌های عابر در منطقه ۷ ۳ ارائه شده است. بر این اساس میانگین شاخص «ضروری بودن وجود پل عابر» و «تأثیر سرعت دوچندان می‌کند»

تحلیل وضعیت پل‌های عابر غیرمکانیزه منطقه ۷ در بعد ایمنی از نگاه کاربران

در جدول ۱۰- تحلیل وضعیت ایمنی با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای و بر اساس سطح مطلوبیت

جدول شماره (۱۲): تحلیل وضعیت پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ در بعد مکان‌یابی از نگاه کاربران

مطلوبیت	مطلوبیت عددی آزمون = ۳					میانگین	وضعیت مکان‌یابی	
	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی			آماره t
	حد بالا	حد پایین						
نامطلوب	-۰,۴۵۳	-۰,۹۰۸۹	-۰,۶۷۹۶۱	۰,۰۰۰	۱۰۲	-۵,۸۷۸	۲,۳۲۰۴	نزدیکی مکان پل به محل زندگی و کار
نامطلوب	-۰,۰۵۳۷	-۰,۰۵۰۸	-۰,۲۷۷۲۳	۰,۰۱۶	۱۰۰	-۲,۴۶۰	۲,۷۲۲۸	دور شدن از مقصد با استفاده از پل

منطقه ۷ به خود اختصاص داده است، چنانچه تنها ۱۰,۴٪ پاسخگویان به «طراحی غیر جذاب» به‌عنوان عاملی محدودکننده اشاره کرده‌اند.

تحلیل وضعیت استفاده از پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ در بعد مکان‌یابی از نگاه کاربران
در جدول ۱۲- تحلیل وضعیت مکان‌یابی پل‌های عابر با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای و بر اساس سطح مطلوبیت ۳ ارائه شده است. بر این اساس میانگین شاخص «نزدیکی مکان پل به محل زندگی و کار» و شاخص «دور شدن از مقصد» با استفاده از پل به ترتیب با میانگین‌های ۲,۳۲۰۴ و ۲,۷۲۲۸ و سطح معناداری کمتر ۰,۰۵ در وضعیت نامطلوبی هستند که نشان می‌دهد مکان‌یابی پل‌های عابر در منطقه ۷ منطبق با نیازهای جابجایی و دسترسی جامعه محلی نمی‌باشد و این مسئله بر استفاده مؤثر از پل‌های عابر اثرگذار است.

تحلیل وضعیت امنیت پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ از نگاه کاربران

در جدول ۱۳- تحلیل وضعیت امنیت پل‌های عابر با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای و بر اساس سطح مطلوبیت ۳ ارائه شده است. بر این اساس میانگین شاخص «تجربه مزاحمت و سرقت» با میانگین ۲,۵۷۲۸ و سطح معناداری ۰,۰۰ در حد نامطلوب بوده

عامل ایمنی را دارای اولویت بالا در عبور از پل ذکر کرده‌اند (مطابق جدول ۸). محل پل‌های عابر پیاده منطقه ۷ بیشتر در خیابان‌های شریانی با ماهیت بزرگراهی بوده که نشان از ریسک بالای عبور عرضی برای عابر پیاده داشته و لزوم اهمیت پل‌های عابر را در حفظ ایمنی عبور عرضی عابرین در این منطقه نشان می‌دهد.

تحلیل وضعیت طراحی و منظر شهری پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ از نگاه کاربران

در جدول ۱۱- تحلیل وضعیت طراحی و منظر شهری با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای و بر اساس سطح مطلوبیت ۳ ارائه شده است. بر این اساس میانگین شاخص «اهمیت زیبایی چشم‌انداز محیط» با عدد ۳,۳۹۲۲ و سطح معناداری ۰,۰۰۲ دارای مطلوبیت است. شاخص «اهمیت وجود تابلوهای تبلیغاتی» با میانگین ۲,۷۸۶۴ و آماره منفی ۱,۸۵۵ و مقدار سطح معناداری آن ۰,۰۶۶ و با توجه به آزمون یک دنباله راست میانگین و منفی بودن آماره تی و مقدار سطح معناداری که با تقسیم بر دو حاصل آن کمتر از ۰,۰۵ شده است بنابراین با مقدار کمتر از ۳ در وضعیت مطلوبی نمی‌باشد؛ و وجود یا عدم وجود آن در استفاده کاربر تأثیری ندارد. به‌طور کلی «طراحی غیر جذاب پل» نسبت به سایر ابعاد تأثیر کمتری را در وضعیت پل‌های

جدول شماره (۱۳): تحلیل وضعیت امنیت پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ از نگاه کاربران

مطلوبیت	مطلوبیت عددی آزمون = ۳					میانگین	وضعیت احساس امنیت	
	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی			آماره t
	حد بالا	حد پایین						
نامطلوب	-۰,۲۶۶۲	-۰,۵۸۸۲	-۰,۴۲۷۱۸	۰,۰۰	۱۰۲	-۵,۲۶۳	۲,۵۷۲۸	تجربه مزاحمت و سرقت هنگام عبور از پل عابر
مطلوب	۰,۹۹۶۶	۰,۵۱۸۰	۰,۷۵۷۲۸	۰,۰۰	۱۰۲	۶,۲۷۷	۳,۷۵۷۳	احساس امنیت هنگام عبور از پل عابر
مطلوب	۰,۳۸۱۶	۰,۱۰۶	۰,۱۹۶۰۸	۰,۳۸	۱۰۱	۲,۰۹۷	۳,۱۹۶۱	میزان بزهکاری، ولگردی و کارتن‌خوابی روی پل عابر

جدول شماره (۱۴): تحلیل وضعیت پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ در بعد فرهنگی - اجتماعی از نگاه کاربران

مطلوبیت	مطلوبیت عددی آزمون = ۳					میانگین	وضعیت فرهنگی-اجتماعی	
	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی			آماره t
	حد بالا	حد پایین						
مطلوب	۱,۲۹۵۴	۰,۸۹۸۸	۱,۰۹۷۰۹	۰,۰۰۰	۱۰۲	۱۰,۹۷۲	۴,۰۹۷۱	ضرورت فرهنگ‌سازی و آموزش برای استفاده صحیح از پل
مطلوب	۱,۰۱۶۱	۰,۵۹۵۵	۰,۸۰۵۸۳	۰,۰۰۰	۱۰۲	۷,۶۰۰	۳,۸۰۵۸	عبور از پل به‌عنوان یک وظیفه شهروندی
نامطلوب	۰,۱۷۴۸	-۰,۲۵۲۴	-۰,۰۳۸۸۳	۰,۷۱۹	۱۰۲	-۰,۳۶۱	۲,۹۶۱۲	رعایت نظافت پل

جدول شماره (۱۵): تحلیل وضعیت استفاده از پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ در بعد ذهنی از نگاه کاربران

مطلوبیت	مطلوبیت عددی آزمون = ۳					میانگین	عوامل ذهنی کاربران در استفاده از پل	
	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی			آماره t
	حد بالا	حد پایین						
مطلوب	۳,۴۵۱۰	۲,۹۳۷۴	۳,۱۹۴۱۷	۰,۰۰۰	۱۰۲	۲۴,۶۷۰	۳,۱۹۴۲	ترغیب عابرین بر استفاده از پل در صورت وجود پل عابر
مطلوب	۳,۵۵۴۴	۳,۰۹۳۷	۳,۳۲۳۵۳	۰,۰۰۰	۱۰۱	۲۸,۶۸۲	۳,۳۲۳۵	تأثیر عبور دیگران از پل عابر بر استفاده از پل
نامطلوب	۳,۲۰۰۹	۲,۷۴۰۲	۲,۹۷۰۵۹	۰,۰۰۰	۱۰۱	۲۵,۵۸۲	۲,۹۷۰۶	ارتفاع پل

جدول شماره (۱۶): تحلیل وضعیت استفاده از پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ در بعد قانونی از نگاه کاربران

مطلوبیت	مطلوبیت عددی آزمون = ۳					میانگین	قانونی	
	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی			آماره t
	حد بالا	حد پایین						
مطلوب	۰,۳۸۷۷	-۰,۰۳۴۸	۰,۱۷۶۴۷	۰,۱۰۱	۱۰۱	۱,۶۵۷	۳,۱۷۶۵	میزان آشنایی با قوانین عبور عرضی

جدول شماره (۱۷): تحلیل وضعیت پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ از نگاه کاربران برای اساس تمامی شاخص‌ها

مطلوبیت	مطلوبیت عددی آزمون = ۳					میانگین	وضعیت پل‌های عابر منطقه ۷	
	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی			آماره t
	حد بالا	حد پایین						
مطلوب در حد متوسط	۳,۳۱۸۵	۳,۱۵۵۶	۳,۲۳۷۰۵	۰,۰۰۰	۹۲	۷۸,۹۶۱	۳,۲۳۷۰	وضعیت پل‌های عابر منطقه ۷

پل‌های عابر با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای و بر اساس سطح مطلوبیت ۳ ارائه شده است. بر این اساس میانگین شاخص «ضرورت فرهنگ‌سازی و آموزش برای استفاده صحیح از پل» و «انتخاب عبور از پل به‌عنوان یک وظیفه شهروندی» به ترتیب با میانگین‌های ۴,۰۹۷۱ و ۳,۸۰۵۸ و با سطح معناداری ۰,۰۰۰ مطلوب بوده و شاخص «رعایت نظافت پل» با میانگین ۲,۹۶۱۲ و آماره منفی ۰,۳۶۱ و مقدار سطح معناداری آن که با تقسیم بر دو حاصل آن بیشتر از ۰,۰۵ شده است، در وضعیت نسبتاً نامطلوبی می‌باشد. بر این اساس لزوم توجه به مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی در بهبود وضعیت پل‌های عابر منطقه ۷ قابل توجه است.

تحلیل وضعیت استفاده از پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ در بعد ذهنی از نگاه کاربران منطقه ۷

در جدول ۱۵- تحلیل وضعیت عوامل ذهنی اثرگذار بر استفاده از پل‌های عابر با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای و بر اساس سطح مطلوبیت ۳ ارائه شده

که نشان‌دهنده وقوع کم آن برای پاسخگویان است و همچنین شاخص «احساس امنیت» هنگام عبور از پل با میانگین ۳,۷۵۷۳ و سطح معناداری ۰,۰۰۰ در حد مطلوب است که نشان‌دهنده وجود احساس امنیت پاسخگویان در استفاده از پل‌ها است. شاخص «میزان بزهکاری، ولگردی و کارتن‌خوابی» با میانگین ۳,۱۹۶۱ و سطح معناداری ۰,۳۸ که با تقسیم بر دو حاصل آن بیش‌تر از ۰,۰۵ شده است، نشان‌دهنده مطلوبیت نسبی نزدیک به حد مبنا است که نشان‌دهنده حضور بزهکاران، ولگردان و کارتن‌خوابان روی پل‌های عابر است. به‌طور کلی پاسخگویان در استفاده از پل‌های عابر منطقه ۷ احساس امنیت داشته ولیکن حضور بزهکاری، ولگردی و ناهنجاری‌های اجتماعی همچنان به‌عنوان تهدیدی برای کیفیت استفاده از پل مطرح است.

تحلیل وضعیت استفاده از پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ در بعد فرهنگی-اجتماعی از نگاه کاربران منطقه ۷

در جدول ۱۴- تحلیل وضعیت فرهنگی-اجتماعی

به نتیجه بهتر تحلیل وضعیت آزمون در سطح مطلوبیت ۴ نیز انجام شد که نتایج نشان می‌داد فاصله بسیاری بین وضعیت پل‌ها با مطلوبیت در سطح زیاد وجود دارد لذا با توجه به اینکه در شرایط کنونی وضعیت نهایی در حد متوسط است نیاز به رفع ضعف‌های موجود در پل‌ها وجود دارد.

نتیجه‌گیری

پیاده‌مداری، سرزندگی شهری، حضور پذیری و توسعه پایدار، مفاهیمی روشن از رشد نگاه جامعه شهری نسبت به ضرورت حضور انسان در محیط شهر است. حرکت شکلی از تعامل انسان و محیط است و الگوی پیاده‌روی با ویژگی‌های منحصر به فرد خود که هنوز هیچ‌یک از نمودهای تکنولوژی از جمله خودرو توان رقابت با مزیت‌های آن را نداد، الگویی مأنوس، راحت و سالم در بین شیوه‌های سفر است. پارادایم‌های نوین در مباحث شهرسازی همگی بر تغییر نگاه به شهر از زاویه عابر پیاده تأکید داشته و ایجاد پیوستگی مسیرهای ایمن را برای عابرین توصیه می‌کند. در نظام‌های شهرسازی دهه‌های اخیر ایران خودرو عنصر مسلط بر شبکه راه‌ها بوده و انسان برای روانی حرکت ماشین‌ها به ارتفاع بالاتر یا پایین‌تر از سطح منتقل شده است. اینجاست که نقش پل عابر پیاده بیش از پیش در معابر خودرو محور پررنگ می‌شود. شهر اصفهان که با گستردگی مسیرها و حجم زیاد جابجایی شهروندان با شیوه‌های مختلف سفر روبرو است، از جمله شهرهای ایران است که همچنان ساخت پل‌های هوایی در سامانه حمل و نقل آن به عنوان تسهیلات حرکت عابر پیاده به عنوان یک گزینه جدی مطرح است. به دنبال کاهش در خصوص استفاده از این تسهیلات شهری این پژوهش بر اساس پیشینه تحقیقات گذشته بر مبنای ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری وضعیت پل‌های منطقه ۷ را از نگاه کاربران

است. بر این اساس میانگین شاخص‌های «ترغیب عابرین بر استفاده از پل در صورت وجود پل عابر»، «ترغیب عابرین در صورت عبور دیگران از پل عابر» به ترتیب با میانگین ۳،۱۹۴۲، ۳،۳۲۳۵ و سطح معناداری ۰،۰۰۰ با فاصله اطمینان ۹۵٪ دارای سطح مطلوبیت است که نشان‌دهنده اثر وجود پل و عبور دیگران به صورت ذهنی بر استفاده بیشتر از پل دارد. شاخص «ارتفاع پل» با میانگین ۲،۹۷۰۶ و سطح معناداری ۰،۰۰۰ نامطلوب است و نشانگر وجود عامل ارتفاع به عنوان یک عامل محدودکننده در استفاده از پل عابر است. تحلیل وضعیت استفاده از پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ در بعد قانونی از نگاه کاربران در جدول ۱۶- تحلیل آشنایی با قوانین عبور عرضی در استفاده از پل‌های عابر منطقه ۷ ارائه شده است. بر این اساس شاخص «آشنایی با قوانین عبور عرضی» با میانگین ۳،۱۷۶۵ و سطح معناداری برابر ۰،۰۵ نشان‌دهنده عدم مطلوبیت نسبی است که نشان‌دهنده اثر عدم آشنایی یا آشنایی اندک بیشتر پاسخگویان با قوانین عبور عرضی و اثر آن در استفاده از پل‌های عابر است. تحلیل وضعیت پل‌های عابر پیاده غیرمکانیزه منطقه ۷ از نگاه کاربران برای اساس تمامی شاخص‌ها در جدول ۱۷- تحلیل وضعیت پل‌های عابر منطقه ۷ با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای ارائه شده است بر این اساس میانگین وضعیت مطلوبیت پل‌های عابر پیاده در شرایط موجود ۳،۲۳ شده است با توجه به اینکه حد مطلوبیت پل‌ها در آزمون تی در سطح متوسط یا ۳ مبنای بوده است نتایج آزمون نشان می‌دهد که با مقدار آماره ۷۸،۹۶ و درجه آزادی ۹۲، سطح معناداری کمتر از ۰،۰۵ شده است بنابراین به احتمال ۹۵ درصد وضعیت پل‌های عابر پیاده منطقه ۷ شهر اصفهان در وضعیت متوسط قرار دارد. به منظور رسیدن

مورد بررسی قرار داده است. بررسی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که:

- **در بعد هندسی - کالبدی؛** از نظر کاربران ورودی پل‌های عابر پیاده مناسب شیوه‌های مختلف سفر بدون خودرو از جمله دوچرخه و ویلچر نیست. همچنین در طراحی ورودی‌ها ملاحظات سنی برای گروه‌های کودکان و سالخوردگان انجام نشده است و بالا رفتن از پله‌های غیرمکانیزه برای کاربران راحت نمی‌باشد و با سختی همراه است در جهت آسان‌سازی استفاده از پل، کاربران به‌ضرورت پله‌های مکانیزه و همچنین وجود فضاهای توقف بر روی پل اشاره کرده‌اند. کاربران شیب زیاد پله‌ها و عدم راحتی بالا رفتن از پل را عواملی محدودکننده می‌دانند.

- **در بعد ایمنی؛** کاربران وجود پل عابر را ضروری دانسته و عامل سرعت اتومبیل‌ها را عاملی مؤثر در افزایش استفاده از پل عابر می‌دانند. ۲، ۷۷٪ از کاربران عامل ایمنی را به‌عنوان عامل با اولویت بالا ذکر کرده‌اند.

- **در بعد طراحی و منظر شهری؛** اهمیت زیبایی چشم‌انداز محیط از روی پل عاملی دارای مطلوبیت است و در عین حال به زعم کاربران اهمیت وجود تابلوهای تبلیغاتی و یا طراحی غیرجذاب پل بر استفاده از آن تأثیری ندارد.

- **در بعد مکان‌یابی؛** به زعم کاربران مکان پل‌های عابر به محل زندگی و کار ایشان نزدیک نبوده و در صورت استفاده کاربر از مقصد خود دور می‌شود، لذا در بعد مکان‌یابی پل‌های عابر در منطقه ۷ منطبق با نیازهای جابجایی و دسترسی جامعه محلی نمی‌باشد و این مسئله بر استفاده مؤثر از پل‌های عابر اثرگذار است.

- **در بعد امنیت؛** میانگین تجربه مزاحمت و سرقت کمتر از حد مطلوبیت بوده که نشان‌دهنده کم بودن وقوع آن برای کاربران است. همچنین شاخص احساس امنیت در حد مطلوب بوده و حضور بزه‌کاران و ولگردان و

کارتن‌خوابان با مطلوبیت نسبی نزدیک به حد مبنا بوده است. به‌طور کلی پاسخگویان در استفاده از پل‌های عابر منطقه ۷ احساس امنیت داشته ولیکن حضور بزهکاری و لگردی و ناهنجاری‌های اجتماعی همچنان به‌عنوان تهدیدی برای کیفیت استفاده از پل مطرح است.

- **در بعد فرهنگی - اجتماعی؛** شاخص‌های ضرورت فرهنگ‌سازی و آموزش برای استفاده صحیح از پل دارای مطلوبیت بوده و کاربران عبور از پل را به‌عنوان یک وظیفه شهروندی می‌دانند. وضعیت نظافت پل‌ها دارای حد مطلوبیت نسبی است.

- **در بعد ذهنی؛** شاخص «ترغیب عابرین بر استفاده از پل عابر» و «ترغیب عابرین در صورت عبور دیگران از پل» دارای حد مطلوبیت است؛ که نشان‌دهنده اثر وجود پل و عبور دیگران به‌صورت ذهنی بر استفاده بیشتر از پل دارد. شاخص «ارتفاع پل»، دارای حد نامطلوب است که نشان‌دهنده ارتفاع به‌عنوان یک عامل محدودکننده در استفاده از پل است.

- **در بعد قانونی؛** شاخص «میزان آشنایی با قوانین عبور عرضی» در حد نامطلوب است که نشان‌دهنده عدم آشنایی با یا آشنایی اندک کاربران با قوانین عبور عرضی است. به‌طور کلی کاربران توجه به ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری پل عابر را با مؤلفه‌های بیان شده دارای اهمیت دانسته‌اند. نتایج این پژوهش در ابعاد هندسی - کالبدی، ایمنی، مکان‌یابی، فرهنگی - اجتماعی، ذهنی و قانونی با تحقیقات (افشاری و ابوطالبی، ۱۳۹۹؛ شرفی، ۱۳۹۴؛ محمدی و فلاح‌تفتی، ۱۳۹۷؛ نیکومرام، وظیفه‌دوست و سروش‌خانی، ۱۳۸۶؛ سلطانی و مزین، ۱۳۸۸؛ نگ و همکاران، ۲۰۱۹؛ وانگ و همکاران، ۲۰۱۶؛ راسانن و همکاران، ۲۰۰۷؛ کانتیلو^۱، آرلانا^۲ و رولونگ^۳، ۲۰۱۵؛ کاتوپیللا، ماشیلی و

1. Cantillo
2. Arellana
3. Rolong

هاسلبرگ، ۲۰۲۲) همسو بوده و با نتایج تحقیق (جعفری مهرآبادی و سجودی، ۱۳۹۴) در رابطه با بعد امنیت و با تحقیق (نیکومرام، وظیفه‌دوست و سروش‌خانی، ۱۳۸۶) در بعد طراحی و منظر شهری متفاوت است.

بررسی عوامل اثرگذار بر وضعیت استفاده کاربران پل‌های عابر در این پژوهش نشان از ضرورت توجه به طراحی انسان‌محور این سازه‌های حمل و نقلی در جزئیات همچون ورودی‌ها، شیب پله‌ها، راحتی و فضای روی پل دارد، همچنین کاربر انسانی بر ضرورت وجود پل به‌عنوان عامل ایمنی‌ساز تأکید می‌کند ولیکن در مسئله مکان‌یابی به نظر می‌رسد صرف توجه به الزامات کارشناسی و قانونی، تأثیری بر استفاده مخاطب اصلی پل ندارد و انتخاب مکان در صورت مشارکت مردم انتخابی بهینه خواهد بود. در بعد امنیت با وجود مطلوب دانسته شدن شرایط امنیت پل به‌زعم کاربران، وجود ناهنجاری‌های اجتماعی و رخنه آن در محیط پل تهدیدی بر استفاده از آن است. در زمینه فرهنگی-اجتماعی لزوم فرهنگ‌سازی و آموزش دو گروه عابری‌ن و رانندگان در استفاده از پل عابر همچنان یک ضرورت شهروندی است و به نظر می‌رسد شهروند با توجه به آشنایی با پل به‌عنوان یک فضای شهری عبور از آن را حداقل در مواجهه اولیه به‌عنوان یک وظیفه شهروندی می‌شناسد. مسائلی مثل نظافت پل بر کیفیت محیطی آن می‌افزاید. طراحی و منظر شهری پل اگرچه به‌عنوان یک عنصر فضایی دارای اهمیت است لیکن بر افزایش استفاده از آن تأثیر قابل توجهی ندارد که البته چشم‌انداز محیطی پل مزیت قابل توجهی برای آن ایجاد کرده است. در بعد قانونی شهروندان بر اهمیت آشنایی با قوانین عبور عرضی صحنه گذاشته‌اند و کمابیش نسبت به کلیات آن آگاهی دارند.

به‌منظور بهبود استفاده از پل‌های عابر پیشنهاد می‌شود در هنگام طراحی پل‌ها به جزئیات انسانی به‌ویژه در رابطه با ورودی‌ها توجه شود. انتخاب مکان پل به‌صورت مشارکتی

با جامعه محلی در کنار نظرات و الزامات کارشناسی و قانونی صورت گیرد. در بعد امنیت حضور بزه‌کاران، کارتن‌خوابان و ولگردان بر روی پل مورد ارزیابی قرار گرفته و پل‌های پراسیب شناسایی شوند. فرهنگ‌سازی و آموزش به‌عنوان زمینه‌های آگاهی‌بخش مورد توجه جدی قرار گیرد.

فهرست منابع

- ابوطالبی اصفهانی، محسن و افشاری، علیرضا. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر احداث پل عابر پیاده مکانیزه در کاهش تصادفات و افزایش ایمنی عابران کم‌توان (مطالعه موردی: شهر اصفهان). توسعه پایدار شهر، ۱(۱)، ۴۹-۵۸.
- افندی‌زاده، شهریار و جمشیدی، صدف. (۱۴۰۰)، مدل انتخاب روش عبور عابر پیاده از معابر شریانی شهری با رویکرد متغیر پنهان. فصلنامه علمی پژوهشی حمل و نقل، سال هجدهم، ۲ (۶۷)، ۱۳۶-۱۱۵.
- آیین نامه طراحی معابر شهری، بخش دهم: مسیرهای پیاده، تیرماه (۱۳۹۹). معاونت حمل و نقل وزارت راه و شهرسازی، ص ۶۱-۵۶.
- باقری، سید رامین، صفارزاده، محمود، اسدالهی، رضا. (۱۳۸۹). مقایسه تجهیزات گذرگاه‌های عابر پیاده در معابر شهری برای افزایش ایمنی. فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک، ۱۹، ۱۲-۲.
- برآبادی، محمود. (۱۳۸۴). تهران، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور. ۴۰۲.
- پایدار، علی، (۱۳۹۶). ارزیابی عوامل مؤثر در تشویق کاربران در استفاده از پل‌های عابر پیاده درون شهری (مطالعه موردی: محدوده معابر اصلی شهرداری ملارد). پایان نامه کارشناسی ارشد مهندسی عمران گرایش حمل و نقل. دانشگاه ملارد.
- جعفری مهرآبادی، مریم، سجودی، مریم. (۱۳۹۴). بررسی امنیت زنان در فضاهای شهری (نمونه موردی: پل‌های عابر پیاده رشت). پژوهشنامه جغرافیای انتظامی،

- سال سوم، شماره ۱۰: ۸۶-۶۱.
- جهانگیر، صبا، صارمی، حمیدرضا و کلانتری خلیل‌آباد، حسین، (۱۳۹۸). امکان‌سنجی ارتقاء پیاده‌مداری با رویکرد سرزندگی در فضاهای شهری مطالعه موردی: طراحی خیابان امام خمینی سنندج. شهر ایرانی اسلامی. سال نهم. شماره ۳۵، ۹۳-۴۷.
- حسینعلی، فرهاد و عزیزخانی، محمد. (۱۳۹۵). توسعه مدلی عامل-بنیان برای شبیه‌سازی مکان‌مند رفتار عابران در گذر از خیابان و استفاده از پل‌های عابر پیاده. نشریه علمی پژوهشی مهندسی فناوری اطلاعات مکانی. سال چهارم، شماره ۲: ۸۱-۶۵.
- زادولی خواجه، شاهرخ و فاطمه زادولی. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر در تصادفات عابران پیاده در شهر ارومیه. فصلنامه علمی-ترویجی راهور. سال یازدهم. شماره ۲۷: ۵۱-۲۷.
- سلطانی، علی و مزینی، سمانه. (۱۳۸۹). نشریه علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی (دانشگاه تبریز). سال ۱۵. شماره ۳۲: ۹۵-۱۲۴.
- شاهپوندی، احمد و قلعه‌نویی، محمود. (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل قابلیت پیاده‌مداری مسیرهای عابر پیاده شهر اصفهان. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، ۳۱، ۹۱-۷۳.
- شرفی، حجت‌اله. (۱۳۹۴). جایگاه پل‌های هوایی در امنیت اجتماعی-ترافیکی شهروندان مطالعه موردی: مناطق ۱ و ۵ شهر کرمان. فصلنامه آمایش محیط. ۳۳: ۱۱۲-۹۵.
- عبدالرحمانی، رضا، حبیب‌زاده، اصحاب و نادرپور، محمدرضا. (۱۳۸۹). رویکردی جامعه‌شناسانه به مهندسی ترافیک، بررسی تأثیرات فرهنگ و ساختارهای اجتماعی بر ترافیک و مهندسی ترافیک. فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک. سال پنجم. شماره ۱۸: ۱۲۶-۱۰۱.
- کاشانی جو، خشایار، محمدی، حامد و صالحی، نعیمه. (۱۳۹۶). ارزیابی تطبیقی گذرگاه‌های همسطح و پل‌های عابر پیاده در قابلیت پیاده‌مداری خیابان‌های شهری مطالعه موردی: خیابان کریم خان زند شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری. شماره ۲۸: ۴۰-۲۹.
- کاشانی جو، خشایار، (۱۳۹۵). پیاده‌راه‌ها از مبانی طراحی تا ویژگی‌های کارکردی. نشر آذرخش، ویراست اول، ۲۲۶.
- محمدزاده، رحمت. (۱۳۹۴). معماری و شهرسازی آرمان شهر. ۱۵: ۹۱-۸۳.
- محمدی، متین و فلاح‌نفتی، مهدی. (۱۳۹۷). تأثیر عوامل دموگرافیک بر رفتار عبور غیرمجاز عابران پیاده در محدوده پل عابر پیاده. فصلنامه علمی-پژوهشی راهور. سال هفتم. شماره ۲۴: ۴۴-۹.
- معینی، سید مهدی، (۱۳۹۱). شهرهای پیاده‌مدار. نشر آذرخش، ویراست اول، ۲۲۵.
- منعم، محمدرضا و ضرابیان، فرناز. (۱۳۹۰). تأثیر طراحی فضاهای سبز حاشیه بزرگ‌راه‌های درون شهری در ایجاد احساس امنیت، نمونه موردی: بزرگ‌راه شهید همت، آمایش محیط، ۵ (۶)، ۱۶-۱.
- میرمحمدی، فهیمه و جلوخانی نیارکی، محمدرضا. (۱۳۹۷). به‌کارگیری روش تصمیم‌گیری گروهی چند معیاره مکانی در تعیین مکان‌های بهینه پل‌های هوایی (مطالعه موردی: منطقه یک شهر مشهد). نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری. ۹ (۳۳)، ۱۴۸-۱۳۷.
- نیکومرام، هاشم، وظیفه دوست، حسین و خانی، سروش. (۱۳۸۶). ارزیابی و تحلیل اثربخشی پل‌های عابر پیاده درون شهری (مطالعه موردی: شهر تهران). نشریه هویت شهر. ۲ (۲): ۱۲-۳.
- Cantillo, Victor, Arellana, Julian and Rolong, Manuel. (2015). Modelling pedestrian crossing behaviour in urban roads: A latent variable approach. Transportation Research Part

PEDESTRIAN BRIDGE

- Ramadani, Huri Nukta, Rahmani, Hudan and Gazali, Ahmad. MATEC Web of Conferences. 181, 06009 (2018). <https://doi.org/10.1051/mateconf/201818106009>
- Rasanen, Mikko, Lajunen, Timo, Alticafarbay, Farahnaz, Aydin, Cumhur. (2007). Pedestrian self-reports of factors influencing the use of pedestrian bridges, Accident Analysis and Prevention 39 (2007) 969–973.
- Ren, Gang, Zhuping, Zhou, Wei, Wang, Yong, zhang. (2011). Crossing behaviors of pedestrians at signalized intersections: observational study and survey in China. Transportation Research Record Journal of the Transportation Research Board vol. 2264(1). 65-73.
- ROAD SAFETY ANNUAL REPORT (2021): THE IMPACT OF COVID-19, ITF (2021), OECD Publishing, Paris
- Soliz, Aryana and Pérez-López, Ruth. 2022. ‘Footbridges’: pedestrian infrastructure or urban barrier? Current Opinion in Environmental Sustainability. Volume 55, April 2022, 101161. <https://doi.org/10.1016/j.coust.2022.101161>.
- Wang, Weijia, Siu, Kin Wai Michael and Wong, Kwok Choi Kacey. 2016. URBAN DESIGN International 1–18.
- F 32. 56-67.
- IN PEKANBARU CITY. JHSS (Journal of Humanities and Social Studies).(2021). vol.5. No. 1. Pp1-5.
- Katopola, Daudi, Mashili, Fredirick, Hasselberg, Marie. 2022. Pedestrians’ Perception of Pedestrian Bridges—A Qualitative Study in Dar es Salaam. Int. J. Environ. Res. Public Health 2022, 19, 1238. <https://doi.org/10.3390/ijerph19031238>. Pp1-12.
- Landa-Blanco, Miguel, Ávila, Julio. (2020). Factors related to the use of pedestrian bridges in university students of Honduras. Transportation Research Part F 71 (2020) 220–228.
- Mohtasham-Amiri, Zahra, Barge-Gol, Iraj, Kouchakinejad-Eramsadati, Leila, Abedian, Payam, Jafari-Shakib, Helya. 2022. Factors Influencing the Use of Pedestrian Bridges in North of Iran, Bull Emerg Trauma. 2022;10(1):27-32. doi: 10.30476/BEAT.2022.92068.1297.
- Nag, Dipanjan, Bhaduri, Eeshan, Pankaj Kumar, Gujjar, K Goswami, Arkopal, 2020. Assessment of relationships between user satisfaction, physical environment, and user behaviour in pedestrian infrastructure. Transportation Research Procedia 48 (2020) 2343–2363. (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)
- Rahmawati, Yulia and Firza, Yohannes. STUDY OF USER’S RESPONSE ON THE

مطالعه تطبیقی آرامستان تخت فولاد و گلستان شهدا اصفهان در برخورداری از کیفیت «معنویت» در فضاهای شهری^۱

الهام قاسمی

دکترای شهرسازی، پژوهشگر جهاد دانشگاهی، اصفهان، ایران

سید مهدی خاتمی^۲

استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

مهدی مطیع

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان

محمد رضا پورجعفر

استاد گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، گروه شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی، دوره ششم، پیاپی ۲۵، زمستان ۱۴۰۱، صص ۴۹ - ۶۷

چکیده

مدیریت در پیشرفت زندگی بشر در ابعاد فناورانه نقش مهمی ایفا کرده، اما نگاه صرف مادی گرایانه آن، شهرها و فضاهای شهری را با چالش‌های اساسی در زمینه‌های اجتماعی فرهنگی، زیست محیطی و معنوی (ابعاد غیر مادی وجود انسان) روبرو کرده است؛ بنابراین توجه به کیفیت معنویت در ساخت و سنجش فضاهای شهری گام مهمی در مقابله با این چالش‌هاست. از این رو هدف این پژوهش فهم ابعاد کیفیت معنویت در فضاهای شهری و سنجش آن در برخی فضاهای شهری اصفهان است. در بخش کیفی به وسیله مرور سیستماتیک، ادبیات موضوع تبیین شده است. در بخش کمی، آرای دو گروه نخبگان (۵۱ نفر) و شهروندان (۴۰۰ نفر) به منظور رتبه‌بندی ادراک معنویت از ۲۲ فضای منتخب شهر اصفهان بر اساس مقیاس لیکرت به وسیله پرسشنامه بررسی شده و از آزمون فریدمن جهت رتبه‌بندی ادراک معنویت و از تحلیل واریانس جهت مقایسه ادراک حس معنویت در گروه پاسخ‌دهنده استفاده شده است. بر اساس امتیازات دو گروه اساتید و شهروندان به میزان معنویت در فضاهای شهری اصفهان، مسجد جامع بیشترین و بازارچه حسن‌آباد کمترین امتیاز را کسب. همچنین از بین گونه‌های فضا، «آرامستان» بالاترین امتیاز را در برخورداری از معنویت دریافت کرده است. از این رو دو آرامستان مهم اصفهان، آرامستان تخت فولاد (آرامستان عمومی و آرامستان مشاهیر دینی و فرهنگی) و گلستان شهدا به‌عنوان نمونه‌های مورد مطالعه جهت انجام مصاحبه‌های عمیق با شهروندان (۲۱ نفر) انتخاب و مصاحبه‌ها به وسیله تحلیل مضمون،

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکترای الهام قاسمی با عنوان «تبیین چارچوب فضاهای شهری معنویت‌گرا در شهرهای معاصر ایران (مورد مطالعه: شهر اصفهان)» به راهنمایی دکتر سید مهدی خاتمی و مشاوره اساتید دکتر مهدی مطیع و دکتر محمد رضا پورجعفر است که در گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران انجام شده است.

۲. نویسنده مسئول: S.Khatami@modares.ac.ir

تحلیل شدند. نتایج حاکی از آن است که سکوت، خلوت، آرامش، معماری اسلامی بناها و بقعه‌ها، تلفیق طبیعت و عناصر طبیعی با آرامستان، نمایانی آسمان و وسعت محدوده؛ و نیز ابعاد ذهنی فضا اعم از حس ذکر، حس جدایی از دنیا، اتصال با اولیای الهی و بزرگان دینی از مهم‌ترین عوامل ایجاد معنویت در این آرامستان‌هاست. **واژگان کلیدی:** معنویت، کیفیت فضای شهری، فضای شهری معنوی، آرامستان تخت فولاد، گلستان شهدا، اصفهان.

مقدمه و بیان مسئله

و منفعت جمعی هدایت کند. علاوه بر این، از آنجا که مسائل مربوط به خدا و وجود انسانی از موضوعات مورد اهمیت مردم است، معنویت یک زمینه سازنده برای ساخت یک پارادایم جدید در مطالعات شهری است. از آنجا که فضاهای شهری و محیط‌های ساخته شده نقش اساسی در شکل‌دهی به عناصر فرهنگی دارند و زندگی کنونی بشر یک زندگی شهری است، محیط ساخته شده و فضای شهری بهترین بستر جهت پاسخ به مشکلات عظیمی است که شهرهای معاصر در معرض آن قرار دارد؛ و پاسخ جدی به این شرایط نیازمند جهان‌بینی مبتنی بر معنویت در قالب یک نگاه فرادینی است. در شهرهای تاریخی و کهن ایران به دلیل عجیب بودن زندگی مردم با معنویت، تجلی این مفهوم در فضاهای شهری آشکار است و همین ویژگی‌ها، شهرها و فضاهای شهری کهن ایرانی را بعد از گذشت قرون متمادی قابل زیست کرده است؛ اما شهرسازی معاصر ایرانی با تکیه بر جنبه‌های برون‌زا و عناصر شهری مدرنیستی و گاه غربی بدون توجه به زمینه نتوانسته است به موفقیت‌های شهرسازی تاریخی خود دست یابد. با توجه به این که پژوهش‌های شهری در زمینه‌ی معنویت و فضاهای شهری بسیار اندک است، این پژوهش با هدف سنجش کیفیت معنویت در فضاهای شهری اصفهان انجام شده است. از این رو فضاهایی از اصفهان در مقیاس‌های مختلف محلی، فرامحلی و شهری توسط گروه نخبگان و شهروندان

مدرنیسم، به‌ویژه در قرن بیستم به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در خلق ایدئولوژی، نگرش‌ها، شیوه‌ها و هنجارهای اجتماعی، نگاه سرمایه‌داری و صنعتی شدن در دهه‌های گذشته، سنت را کنار گذاشته و پیشرفت، عقلانیت، سکولاریزاسیون، تمرکززدایی، صنعتی شدن، شهرنشینی و مادی‌گرایی را در دستور کار خود قرار داده است. دستاورد مدرنیسم پیشرفت‌های چشمگیر فناوری است اما به دنبال آن چالش‌های اساسی به‌خصوص در ابعاد اجتماعی و زیست محیطی به وجود آورده است. با توجه به این که نگاه مدرنیستی و حتی پست مدرنیستی قادر به حل مشکلات کنونی بشر نبوده، لزوم تغییر نگرش از سوی بسیاری از اندیشمندان مطرح شده است. برخی از محققان معاصر از ابعاد غیرمادی به‌صورت خاص از معنویت به‌عنوان ابزاری برای حل مشکل دنیای کنونی به‌خصوص در حیطه اجتماعی و زیست محیطی یاد می‌کنند. فیلسوف معاصر کن ویلبر بیان می‌کند که چگونه معنویت می‌تواند به‌عنوان یک رشته اتصال محکم مردم را در سطوح بالاتری از توسعه معنوی برای پاسخ به بیماری‌ها و بحران‌های امروز قرار دهد. همچنین هر فردی را با آموزه‌ها، شیوه‌ها، آرزوها و نگرش‌های مختلف هدایت می‌کند تا اعمال، اندیشه‌ها، احساسات و روابط خود را فراتر از خودخواهی، نگاه نژادی و قبیله‌ای و دیگر منافع شخصی به سمت خیر مشترک

از لحاظ داشتن حس معنویت مورد ارزیابی قرار گرفته و نمونه‌هایی که بیشترین امتیاز را دریافت کرده‌اند به‌عنوان نمونه‌های مورد مطالعه، انتخاب شدند تا با انجام مصاحبه‌های عمیق از شهروندان، شاخصه‌های اصلی آنان در برخورداری از معنویت مورد تحلیل قرار گیرند.

مبانی نظری

تعریف واژه معنویت

معنویت حرکت به‌سوی تعالی و کمال، ارتباط و اتصال (ارتباط با خود، خدا، طبیعت و دیگران- جامعه)، داشتن معنا و هدف در زندگی و اعتقاد به قدرت بالاتر (الوهیت یا غیر از آن) تبیین شده‌است (Burkhardt, 1989; Reed, 1991; Emblen, 1992; Harrison, 1997; Relf, 1997). در نظریه واتسون (۱۹۸۹)، معنویت به‌عنوان نوعی خودآگاهی و توانمندی انسان در راستای فراتر رفتن از خود عادی و به کمال رسیدن است (Dyson et al, 1997). معنویت مفهومی است که در زمینه‌های متفاوتی به کار می‌رود و برای افراد مختلف در زمان‌ها و در فرهنگ‌های مختلف معانی متفاوتی دارد. این مفهوم شامل چند مضمون اساسی است، اعم از داشتن معنا، ارزش، تعالی، ارتباط و شدن (به مفهوم کمال) (Martsolf & Mickley, 1998). معنویت شامل ۱- «مفاهیم متعال» و یا فراتر از درک و محدودیت آگاهی فردی؛ ۲- ارتباط اساسی فرد با دیگران، طبیعت و / یا (اما نه لزوماً) الوهیت؛ ۳- اعمال، آیین‌ها و تجربه‌ها و ۴- حس معناگرایی وجودی است (Bermudez, 2016).

چهار گونه دیدگاه در مورد معنویت وجود دارد:

۱. معنویت دینی، مبتنی بر یک سنت خاص دینی است و بر چارچوب و سیستم اعتقادی خاصی استوار است.
۲. معنویت غیردینی یا سکولار، بر مبنای انکار وجود

خدا یا وحدت وجود است.

۳. معنویت مشاهیر دینی، تجربه‌ی شخصی افرادی است که ممکن است به‌عنوان شیوه‌ها یا فرقه‌های فرعی یک دین، مانند یهودیت، مسیحیت و اسلام باشد.

۴. معنویت فرادینی که در آن توجه به گوهر دین است. گوهر هر دین همان چیزی است که به وحدت ادیان رهنمون می‌سازد، آنچه در معنویت فرادینی مهم است، آموزه‌ها و تعالیم عملی و اخلاقی زنده و پویایی است که در هر دین یا هر مکتب حتی غیردینی نیز ممکن است یافت شود.

بر اساس مرور منابع، تعریف مناسب معنویت که در برگیرنده تمام ابعاد دینی و غیردینی و ابعاد انسانی و محیطی است و مناسب پژوهش پیش روست به شرح زیر است: معنویت مفهومی فرادینی (دربگیرنده دین و غیر دین) است که در زمینه‌های متفاوتی به کار می‌رود و برای افراد مختلف در زمان‌ها و فرهنگ‌های مختلف معانی متفاوتی داشته و با این مفاهیم ارتباط نزدیک دارد: داشتن احساس «هدف»، «معنا» و «ارتباط» - با خود، دیگران، طبیعت، خدا، جستجوی کمال و وحدت، امید و هماهنگی، اخلاقیات، اعتقاد به موجود یا موجودات مرتبه متعال و برتر و در نظر گرفتن ابعاد متعال در همه ابعاد زندگی، در راستای این احساس که در زندگی چیزی بیشتر از زندگی مادی و قابل تجربه هم وجود دارد و به زندگی افراد «معنا» و «ارزش» و «آرامش» می‌بخشد. این تعریف می‌تواند در حوزه طراحی شهری در قالب فضاهای شهری و شهر معنویت‌گرا مورد استفاده قرار گیرد.

ابعاد شهر و فضای شهری معنویت‌گرا^۱

کیفیت معنویت در ساخت فضاهای شهری بر اساس

1. Spiritual urban space

مذاهب و قومیت‌های مختلف به فضا از طریق علائم، نشانه‌ها، حکاکی‌ها و نقاشی دیواری، هنرعمومی و .. که نمایشی از فرهنگ و تقدس مذاهب است، فضا را معنادار می‌سازد (Marinic, 2016). از این رو این گونه فضاها غالباً دارای منظر فرهنگی یا منظر صوتی ویژه‌ای با نمادها و نشانه‌های هویت‌مند هستند که منعکس‌کننده فرهنگ یا مذهب جوامع مختلف است نظیر صدای اذان، ناقوس کلیسا، موسیقی‌های مذهبی و موسیقی‌های نواحی و.. (Mattis, Palmer, & Hope, 2019).

از لحاظ کالبدی، فضای شهری معنوی هویت فرمی خاصی دارد که دارای فرم‌های کالبدی هویت‌مند و یا مقدس نظیر گنبد، مناره، چهارطاقی، فضای مکث و خالی و .. با رنگ‌ها، مصالح، هندسه، تزیینات معماری و اجزای محیطی ویژه مانند فرم یادبود اشخاص، مجسمه‌ها، هنرعمومی، فرم‌های کالبدی خاص (Birch & Sinclair, 2013) یا دیوارنگاری‌ها با مضامین معنوی نظیر ایمان، شفقت، عدالت، امید و غیره است (McGlymont, 2018). از لحاظ بصری، فضای شهری معنوی هویت بصری دارد که عناصر شاخص مذهبی با کالبد هویت‌مند در منظر آن‌ها هویداست. مذهب، اعتقادات و فرهنگ خاص زمینه در طراحی و ساماندهی اماکن و ایجاد مناظر و چشم‌اندازهای آن نقش اساسی دارد. نظم طبیعی و نظم هماهنگ در آن‌ها درک می‌شود (Ardalan et al. 1973)؛ عموماً مقیاس انسانی دارند از این جهت که به عابریاده و انسان احترام می‌گذارد و فعالیت‌های انسانی از قبیل انواع فعالیت‌های سرزنده، آواز، موسیقی و غیره را در بر می‌گیرد (Bermudez, 2016).

طراحی این فضاها بر پایه احترام به طبیعت و سازگاری با آن و توجه به محدودیت‌های طبیعت انجام شده‌است. طراحی‌های دوستدار طبیعت که بر اساس

سه رکن احترام به طبیعت، احترام به انسان و جامعه و ارتباط با قدرت بالاتر که در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف معانی متفاوتی دارد (الوهیت یا ...)، شکل می‌گیرد. هر کدام از ابعاد فضای شهری و کیفیت‌های طراحی شهری که در فضای شهری به ایجاد و تقویت این سه رکن کمک نماید باعث ایجاد و یا تقویت معنویت در فضای شهری می‌شود. همان‌طور که از نگاه کرمونا، فضای شهری ابعاد کالبدی، اجتماعی، ادراکی، عملکردی، بصری و زمانی دارد (Carmona et al, 2010)، ویژگی‌ها و ابعاد فضای شهری معنوی را نیز می‌توان در این ابعاد دسته‌بندی کرد با این تفاوت که هر بعد شاخصه‌های متفاوت‌تری دارد و ابعاد متعال، طبیعی و روانشناختی به اقتضای مفهوم معنویت به ابعاد فضای شهری از دیدگاه کرمونا اضافه می‌شود. فضای شهری معنوی دارای کیفیت‌هایی است که یا در «ساخت» چنین فضایی نقش داشته و یا حس معنویت در «تجربه و ادراک» آن نقش محوری داشته است. در بعد ادراکی، فضای شهری معنوی دارای کاراکتر و هویت منحصر به فرد است. این هویت برگرفته از هویت عملکردی به علت داشتن عملکرد خاصی نظیر اماکن مقدس مثل مساجد، کلیساها، آرامستان‌ها، بقعه افراد مشهور یا مقدس و یا کاربری‌های هویت‌مند مانند کاربری‌های فرهنگی است (Omobowale, 2020) که معنای ویژه‌ای به فضا بخشیده است؛ یا از لحاظ فرم کالبدی، منظر بصری و منظر فرهنگی خاص دارد. تجربه فضایی به علت تأثیر مذهب یا فرهنگ از لحاظ القای کالبد، معنا و فعالیت خاص در بستر یک زمان یا فرهنگ خاص باعث خاطره‌انگیزی فضا شده که همین امر حس معنوی خاصی به فضا می‌دهد و برای تجربه‌کنندگان حس مکان منحصر به فردی دارد (Fang & Yang, 2017). رنگ تعلق فرهنگ‌ها،

اهمیت آب (Naghizadeh, 2014)، پوشش گیاهی، طراحی‌های سبز بر مبنای ایجاد تعادل بین روح انسان و محیط زیست و بهره‌وری انرژی است در این فضاها نمایان است (Abbas, 2014). عناصر طبیعی، پوشش گیاهی، محیط‌های طبیعی بکر، تجربه شکوه و عظمت و ارتباط با قدرت بالاتر (خدا یا ...) را هویدا می‌سازد و از این رو در بهره‌یستی معنوی افراد و ادراک آنان از معنویت در فضا نقش بسزایی دارد (Cornah, 2006). غیر از عناصر طبیعی، عناصر سبز مصنوع نظیر باغ‌ها و فضاهای دارای باغبانی شهری و فضاهای عمومی سالم و پاک و تفریحات مبتنی بر طبیعت (Bramadat, 2019)، ورزش‌های آبی، کوهنوردی و غیره (Baur, 2018) به علت ایجاد فضای آرام ذهنی و روحی و القای حس ارتباط با طبیعت و قدرت بالاتر، باعث ایجاد تفکر و آرامش و نهایتاً معنویت در افراد می‌شود (Mmako, Courtney-Pratt, & Marsh, 2020).

در بعد اجتماعی فضای شهری معنوی فضایی است که در آن عدالت اجتماعی وجود دارد (Sheridan, 2015)؛ تعاملات اجتماعی مطلوبی رقم می‌خورد و افراد به خود و دیگران احترام می‌گذارند. حس تعلق و انسجام اجتماعی در بین افراد وجود دارد و رویدادهای اجتماعی فرهنگی معنادار یا مراسمات مذهبی اعتقادی خاص هر بوم در اماکن تاریخی مقدس، جشن‌ها، جشنواره‌ها و آداب و رسوم‌های فرهنگی در بستر فضا اتفاق می‌افتد که هر کدام از این موارد به علت ایجاد معنای ویژه در ذهن افراد و ارتباط با بعد روحانی انسان باعث ایجاد معنویت در فضا می‌شود (López Villalba, 2019). هویت‌های فرهنگی نظیر شاخصه‌های تاریخی فضا، اعمال عبادی، غذاها، موسیقی، ادبیات، آداب و رسوم و در کل آنچه به‌عنوان فرهنگ ناملموس شناخته می‌شود در ایجاد حس معنا و معنویت نقش اساسی

دارد. حکمت، عقلانیت، دانش و خرد ورزی به‌واسطه حضور اندیشمندان در ساخت و طراحی چنین فضاها نقش مهمی دارد و این‌گونه فضاها عموماً باعث ارتقاء سطح دانش و آگاهی و یا افزایش سطح معرفت شهروندان نیز می‌شود (Ardalan, 2016).

اهمیت فضاهای معنوی از لحاظ روانشناختی هم بر اساس زمینه ایجاد فضا و هم بر اساس اثراتی است که این‌گونه فضاها بر روح انسان دارد به گونه‌ای که باعث آرامش، حس ذکر، تفکر، تجربه خلوت و دوری از زندگی روزمره می‌شود (Naor & Mayselless, 2020). این مسئله باعث اهمیت یافتن ابعاد فردی در حوزه رشد و کمال شخصی می‌شود از طرف دیگر فضاهایی که در بستر و زمینه خود عواملی دارند که حس آرامش، خلوت، سکوت و ذکر را القا می‌کند و باعث ایجاد حس معنویت در افراد می‌شود به‌عنوان یک بستر پیشینی زمینه‌ساز شکل‌گیری فضاهای معنوی را امکان‌پذیر می‌سازد (Waked & Albarmelgy, 2018).

از طرف دیگر ارزش‌های اعتقادی و مذهب، اخلاق و بنیان‌های فرهنگی هر جامعه نوعی زمینه برای ایجاد معنویت در شهرها و فضاهای شهری است به‌طوری که نوعی نیروی محرک و پیشینی برای ساخت و شکل‌دهی به این‌گونه فضاهاست (Farrés et al, 2015; Fisher, 2011). از طرف دیگر اثرات قابل توجهی با شکل‌گرفتن فضاهای شهری معنوی ایجاد خواهد شد. از جمله اثرات معنوی آن ایجاد فرصتی برای خلوت، ذکر، تفکر و ارتباط با خدا و هستی و جدایی انسان از مشغله و هیاهوی دنیای روزمره (Barrie et al, 2015; Grabalov & Nordh, 2020; Hegner & Margry, 2016; Naor & Mayselless, 2020) و اثرات روانشناختی بر پایه تقویت سلامت روان و بهره‌یستی ذهنی افراد با ایجاد یک محیط آرام و شفافبخش است.



شکل شماره (۱): چارچوب نظری فضای شهری معنوی

روش پژوهش

این پژوهش با اتکاء به روش‌های ترکیبی در صدد ترکیب هر دو رهیافت کمی و کیفی است (جدول ۱). تحقیق با روش‌های ترکیبی، متأخرترین جهت‌گیری روش‌شناختی در علوم اجتماعی- رفتاری معاصر است، که به دنبال دوره‌ای نسبتاً طولانی از مناقشه‌های بین دو رویکرد پارادایمی کمی گرا و کیفی گرا، ظهور پیدا کرده است. این نوع تحقیق که از نظر فلسفی مبتنی بر پارادایم «عمل‌گرایی»^۱ است، با تأکید بر همگرایی پارادایمی و اجتناب از موضع‌گیری‌های کمی کیفی متعارف، در صدد ترکیب هر دو رهیافت کمی و کیفی در یک مطالعه واحد به‌طور همزمان، متوالی یا تغییر پذیر است. در مرحله اول از روش مرور سیستماتیک جهت مرور ادبیات موضوع بهره گرفته شده است. مرور سیستماتیک^۲ به‌وسیله پایگاه اسکوپوس با جستجوی

واژه‌های «معنویت» و «فضای شهری»^۳ انجام شد که ۵۶ پژوهش در بازه زمانی سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ استخراج گردید، از این میان ۳۸ مقاله ژورنالی، ۲ مقاله کنفرانسی، ۴ کتاب و ۸ مورد فصلی از یک کتاب و ۴ مورد مرورهای کتب، مورد بررسی قرار گرفت و ۱۷ مورد از آن به علت عدم ارتباط موضوع معنویت با مفهوم فضای شهری و شهرسازی از فرآیند تحلیل خارج شدند. در مراحل بعدی از پرسشنامه و مصاحبه عمیق در دریافت آرای دو گروه اساتید و شهروندان بهره گرفته شده است.

جهت رتبه‌بندی میزان تجربه و ادراک حس معنویت در هریک از فضاهای منتخب شهر اصفهان از افراد پاسخگو در دو گروه «شهروندان» و «اساتید و نخبگان» خواسته شد تا به میزان ادراک حس معنویت از ۲۲ فضای پیشنهادی اصفهان بر اساس طیف لیکرت از ۱ تا ۵ از فضای دارای معنویت بسیار کم تا بسیار زیاد

1. Pragmatism
2. Systematic Review

3. Spirituality AND Urban space

مرحله تحقیق	روش گردآوری داده	توضیحات تکمیلی	نوع روش	روش نمونه‌گیری	اندازه نمونه	روش تحلیل	روش تقلیل	نتیجه
مرور ادبیات موضوع و مبانی نظری	مرور سیستماتیک	مرور سیستماتیک پایگاه اسکوپوس با جستجوی پژوهش‌های دارای واژه «معنویت» و «فضای شهری» بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰	روش کمی	هدفمند و سیستماتیک	۵۶ پژوهش	تحلیل مضمون (تحلیل تماتیک)	کدگذاری باز، محوری، موضوعی	چارچوب نظری تحقیق
پرسش از نخبگان و اساتید	پرسشنامه	پرسش‌های بسته (امتیازدهی فضاهای شهری اصفهان بر مبنای طیف لیکرت)	روش کمی	هدفمند	۵۱ نفر از نخبگان و اساتید	آزمون «من» «آیا» جهت مقایسه امتیازدهی دو گروه نخبگان و شهروندان	-	رتبه بندی ۲۲ مورد از فضاهای شهری اصفهان بر اساس دارا بودن معنویت
پرسش از شهروندان	پرسشنامه	پرسش‌های بسته (امتیازدهی فضاهای شهری اصفهان بر مبنای طیف لیکرت)	روش کمی	تصادفی	۴۰۰ نفر از شهروندان (بر اساس فرمول کوکران)	آزمون «من» «آیا» جهت مقایسه امتیازدهی دو گروه شهروندان	-	رتبه بندی ۲۲ مورد از فضاهای شهری اصفهان بر اساس دارا بودن معنویت
	مصاحبه عمیق	پرسش‌های باز فضا	روش کیفی	نیمه هدفمند	۲۱ نفر از شهروندان (بر اساس اشباع داده)	تحلیل مضمون (تحلیل تماتیک)	کدگذاری باز، محوری، موضوعی	تحلیل مقایسه‌ای آرامستان تخت فولاد و گلستان شهدا اصفهان

جدول شماره (۱): انواع روش‌های تحقیق استفاده شده در پژوهش

امتیاز دهند. به منظور ارزیابی آرای اساتید و شهروندان به صورت جداگانه، از «آزمون فریدمن» استفاده شده است. آزمون فریدمن برای تجزیه واریانس دوطرفه (برای داده‌های ناپارامتری) از طریق رتبه‌بندی و همچنین مقایسه میانگین رتبه‌بندی گروه‌های مختلف به کار می‌رود. استفاده از این روش سبب می‌شود تا تعیین تجربه و ادراک حس معنویت در هر فضای شهری کاملاً براساس نظر گروه نمونه از جامعه آماری صورت گیرد و اهمیت هر مؤلفه به صورت مستقل و نه بر اساس روابط موجود میان فضاهای شهری منتخب (متغیرهای مستقل و وابسته) تبیین گردد.

در مرحله بعدی از آزمون من-ویتی که یک آزمون مقایسه‌ای برای مقایسه وضعیت دو گروه مستقل است جهت مقایسه آرای گروه نخبگان و شهروندان استفاده

شده است. وقتی داده‌های یک مطالعه به صورت کیفی ترتیبی باشند بهتر است از این آزمون که یک آزمون غیر پارامتری و معادل آزمون دو نمونه مستقل T است، استفاده کرد. جدول ۱ انواع روش‌های بکار گرفته شده در روند پژوهش را نشان می‌دهد.

بر اساس رتبه‌بندی و نیز گونه‌شناسی فضاهای شهری اصفهان در برخورداری از معنویت، یک گونه در برگیرنده چند فضای شهری اصفهان، به عنوان مورد مطالعه این پژوهش انتخاب شدند. این فضاها از طریق مصاحبه عمیق با شهروندان تحلیل و ابعاد و شاخصه‌ها بصورت مضامین محوری و مضامین سازمان دهنده از طریق تحلیل مضمون ارائه شده است.

انتخاب نمونه مورد مطالعه از فضاهای شهری اصفهان مبتنی بر داشتن مؤلفه‌های کیفیت فضای

شده است. وقتی داده‌های یک مطالعه به صورت کیفی ترتیبی باشند بهتر است از این آزمون که یک آزمون غیر پارامتری و معادل آزمون دو نمونه مستقل T است، استفاده کرد. جدول ۱ انواع روش‌های بکار گرفته شده در روند پژوهش را نشان می‌دهد.

بر اساس رتبه‌بندی و نیز گونه‌شناسی فضاهای شهری اصفهان در برخورداری از معنویت، یک گونه در برگیرنده چند فضای شهری اصفهان، به عنوان مورد مطالعه این پژوهش انتخاب شدند. این فضاها از طریق مصاحبه عمیق با شهروندان تحلیل و ابعاد و شاخصه‌ها بصورت مضامین محوری و مضامین سازمان دهنده از طریق تحلیل مضمون ارائه شده است.

انتخاب نمونه مورد مطالعه از فضاهای شهری اصفهان مبتنی بر داشتن مؤلفه‌های کیفیت فضای

مورد مطالعه	مقیاس	مشخصات فضا	گونه بندی فضاهای شهری	مبنای حرکت و مکث
فضاهای مکث	شهری	میدان عمومی فعال	میدان	
	فرامحلی	میدان عمومی نیمه فعال		
	محلی	میدانچه		
	شهری	آرامستان عمومی	آرامستان	
	شهری	بقعه افراد مشهور (شهدا)		
	فرامحلی	تکیه و بقعه افراد مشهور (مشاهیر دینی)		
	فرامحلی			
	شهری	مسجد	فضای عبادی- مذهبی	
	فرامحلی			
	محلی	امامزاده		
	محلی	حسینیه		
	شهری	کلیسای وانک	کلیسا	
	شهری	پارک جنگلی نازوان	فضای سبز شهری	
	شهری			
	شهری			
فرامحلی	مادی نیاصرم	محور سبز		
فضاهای حرکت- مکث	شهری	بازار مسقف	بازار	
	محلی	بازارچه مسقف		
	شهری	پیاده راه	محور پیاده سبز	
	شهری	پل		
	شهری	پل		

جدول شماره (۲): مشخصات نمونه‌های مورد مطالعه

شهری معنوی

میدان، میدانچه، پیاده‌راه، فضای سبز، آرامستان، حسینیه و تکیه انتخاب صورت گیرد (جدول ۲).

یافته‌های پژوهش

بخش اول: مطالعات کمی: امتیازدهی به ۲۲ فضای شهری اصفهان در برخورداری از معنویت آمار توصیفی اطلاعات پاسخ دهندگان به پرسشنامه به‌منظور امتیازدهی فضاهای شهری اصفهان،

جهت انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه ابتدا فضاهایی در شهر اصفهان شناسایی شدند که ابعاد و ویژگی‌های فضای شهری معنوی را بر اساس مبانی نظری دارا باشند. ضمن اینکه تلاش بر آن بود تا از انواع گونه‌های فضای شهری هم در مقیاس شهری و هم محلی و فرامحلی و نیز گونه‌های مختلف فضا اعم از مسجد،

گروه پاسخ دهنده	تعداد نمونه	نوع نمونه گیری	جنسیت (درصد)		تحصیلات (درصد)					سن (درصد)				
			مرد	زن	کمتر از لیسانس	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری	کمتر از ۲۰	۳۰-۲۰	۴۰-۳۰	۵۰-۴۰	۶۰-۵۰	بیشتر از ۶۰
شهروندان	۴۰۰	تصادفی	۲۶	۷۴	۱۷	۲۳	۲۸	۲۲	۲۲	۲۵/۵	۲۲	۲۲/۲	۱۰/۵	۴/۵
اساتید	۵۱	هدفمند	۵۱	۴۹	۰	۰	۲	۹۸	۰	۴	۴۲	۲۹	۲۲	۲

جدول شماره (۳): اطلاعات پاسخ دهندگان پرسشنامه

پرسشنامه‌ای تهیه شد و در گروه اول ۵۱ نفر از «اساتید و متخصصین» شامل اساتید حوزه شهرسازی و معماری (۱۶ نفر)، علوم قرآن و حدیث (۱۵ نفر)، جامعه‌شناسی (۹ نفر)، روانشناسی (۲ نفر)، جغرافیا، مهندسی و فلسفه (۱۵ نفر) و در گروه دوم ۴۰۰ نفر از «شهروندان» بدان پاسخ دادند که شامل ۲۴ سؤال بسته بود. طراحی سؤالات برای امتیازدهی به فضاها بر اساس طیف لیکرت از ۱ تا ۵ به ترتیب فضای دارای معنویت بسیار کم تا بسیار زیاد انجام شده است.

جدول شماره (۴): آزمون آماری گروه نخبگان

N	۵۱
Chi-Square	۲۲۷,۸۶۳
Df	۲۱
Asymp. Sig.	۰,۰۰۰

جدول شماره (۵): آزمون آماری گروه شهروندان

N	۴۰۰
Chi-Square	۱۵۵۷,۰۱۳
Df	۲۱
Asymp. Sig.	۰,۰۰۰

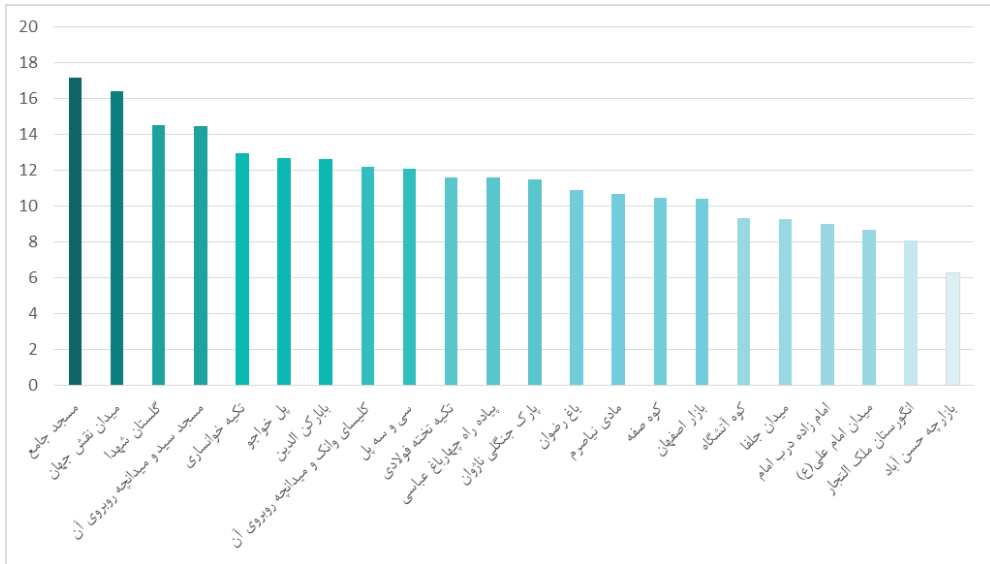
جدول زیر اطلاعات پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه را نشان می‌دهد.

روش تحلیل سؤالات پرسشنامه

امتیازدهی دو گروه اساتید و شهروندان و رتبه‌بندی میزان تجربه و ادراک حس معنویت در هریک از فضاها، بر مبنای نتایج جدول ۴ (پاسخ اساتید و نخبگان) و جدول ۵ (پاسخ شهروندان) و استناد به مقدار آزمون (۲۲۷/۸۶۳ و ۱۵۵۷/۰۱۳) که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار است (sig)، نشان می‌دهد به لحاظ آماری اختلاف بین میزان معنویت در فضاها، شهری مورد بررسی در هر دو گروه اساتید

آزمون فریدمن علاوه بر معناداری، تفاوت یا عدم تفاوت میانگین رتبه فضاها، منتخب از دیدگاه افراد پاسخگو، به اولویت‌بندی فضاها، شهری منتخب مبتنی بر ادراک حس معنویت از دیدگاه افراد نیز می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، این آزمون نشان می‌دهد که میانگین رتبه در کدام فضا بیشتر و در کدام یک کمتر است.

در مرحله بعدی جهت سنجش تفاوت تجربه و ادراک حس معنویت در فضاها، شهری منتخب مورد بررسی در دو گروه نخبگان و شهروندان، از آزمون



نمودار شماره (۱): امتیاز و رتبه بندی نهایی فضاهای شهری اصفهان بر مبنای برخورداری از حس معنویت

جامع اصفهان بالاترین امتیاز و به ترتیب میدان نقش جهان، مسجد سید، گلستان شهدا، کلیسای واک، تکیه بابارکن الدین، پل خواجو، تکیه خوانساری، کوه صفه، پارک جنگلی نازوان، سی و سه پل، پیاده راه چهارباغ عباسی، باغ رضوان، تکیه آقای تخته فولادی، مادی نیاصرم، میدان جلفا، بازار اصفهان، کوه آتشگاه، امامزاده درب امام، انگورستان ملک التجار، میدان امام علی و بازارچه حسن آباد رتبه‌های بعدی را کسب نمودند.

آرای شهروندان در ادراک و تجربه معنویت از فضاهای شهری منتخب نشان می‌دهد مسجد جامع اصفهان (۱۶/۴۵)، میدان نقش جهان (۱۶/۰۷) و گلستان شهدا (میان رتبه ۱۵/۴۶) به ترتیب بالاترین میانگین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند و دارای بالاترین تجربه حس معنویت بوده‌اند. در آرای شهروندان بازارچه حسن آباد، فضای انگورستان ملک التجار و میدان جلفا به ترتیب کمترین میانگین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. بررسی نتایج مقایسه فضاهای شهری منتخب، نشانگر

من- ویتنی استفاده شده است. در این فرآیند فضاهای شهری منتخب، بر حسب میانگین رتبه در دو گروه با یکدیگر قیاس و بررسی شده‌اند. نمودار ۱ میانگین امتیاز و رتبه‌بندی فضاها را بر اساس مقایسه امتیازدهی اساتید و شهروندان نشان می‌دهد.

رتبه‌بندی ۲۲ فضاهای شهری منتخب اصفهان بر مبنای ادراک حس معنویت مبتنی بر آرای «نخبگان» و «شهروندان»

تحلیل ادراک و تجربه معنویت مبتنی بر آرای اساتید و متخصصین در هریک از فضاهای شهری منتخب نشانگر این است که مسجد جامع اصفهان (۱۷/۹۳)، میدان نقش جهان (۱۶/۷۵) و مسجد سید (فضای داخل و میدانه بیرونی) (۱۴/۵۴) به ترتیب بالاترین میانگین امتیاز را در تجربه معنویت به خود اختصاص داده‌اند در این بین بازارچه حسن آباد، میدان امام علی و انگورستان ملک التجار نیز به ترتیب کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس امتیازات، مسجد



نمودار شماره (۲): مقایسه امتیاز انواع گونه‌های فضاهای شهری در برخورداری از حس معنویت بین گروه نخبگان و

شهروندان

چهارباغ عباسی، پارک جنگلی نازوان، باغ رضوان، مادی نیاصرم، کوه صفه، بازار اصفهان، کوه آتشگاه، میدان جلفا، امامزاده درب امام، میدان امام علی (ع)، انگورستان ملک‌التجار و بازارچه حسن آباد رتبه‌های بعدی را کسب نمودند (نمودار ۱).

مسجد جامع اصفهان به علت فرم کالبدی، نوع مصالح و معماری معنادار، عملکرد مذهبی و اجتماعی و حس زمان (به علت وجود فرم‌ها و نقوش مربوط به دوره‌های تاریخی مختلف) اهمیت ویژه‌ای در ادراک معنویت داشته‌است. همچنین ویژگی‌های فرمی کالبد میدان نقش جهان، شکوه و عظمت، عملکردهای مذهبی، رویدادهای اجتماعی فرهنگی، وجود عناصر طبیعی نظیر آب و پوشش گیاهی این فضا، از عوامل ایجاد معنویت ذکر شده‌است.

رتبه‌بندی انواع گونه‌های فضای شهری منتخب اصفهان بر مبنای ادراک حس معنویت مبتنی بر آرای «اساتید و متخصصین» و «شهروندان»

تحلیل نتایج بر اساس امتیازات گونه‌های مختلف فضای شهری نشان می‌دهد دو گونه «آرامستان‌ها شامل بقعه افراد مشهور (مشاهیر دینی و شهدا)» و فضاهای

این است که امتیاز میدان نقش جهان، پل خواجه، مسجد جامع اصفهان، کوه صفه، تکیه بابارکن‌الدین، خیابان چهار باغ عباسی، بازارچه حسن آباد و باغ رضوان، تفاوت چشمگیری در آرای اساتید و نخبگان نسبت به شهروندان وجود ندارد؛ اما میانگین امتیاز فضای میدان امام علی، امامزاده درب امام، مسجد سید، تکیه خوانساری، تکیه آقای تخته فولادی، گلستان شهدا، سی‌وسه پل، بازار اصفهان و انگورستان ملک‌التجار، میانگین رتبه تجربه و ادراک حس معنویت شهروندان از متخصصین بالاتر بوده و میانگین رتبه بالاتری را کسب کرده‌اند. کلیسای وانک، پارک جنگلی نازوان، محور مادی نیاصرم، میدان جلفا و کوه آتشگاه نیز آرای میانگین رتبه تجربه و ادراک حس معنویت در گروه متخصصین و اساتید امتیاز بالاتری را دریافت کرده‌است (نمودار ۱).

به‌طور کلی در مجموع آرای نخبگان و شهروندان، مسجد جامع اصفهان بالاترین امتیاز و به ترتیب میدان نقش جهان، گلستان شهدا، مسجد سید، تکیه خوانساری، پل خواجه، تکیه بابارکن‌الدین، کلیسای وانک، سی‌وسه پل، تکیه آقای تخته فولادی، پیاده‌راه

سن (درصد)				تحصیلات (درصد)				جنسیت (درصد)		نوع نمونه گیری	تعداد نمونه	گروه پاسخ دهنده
بالای ۶۰ سال	۵۰-۶۰	۴۰-۵۰	۳۰-۴۰	۲۰-۳۰	دکتری	فوق لیسانس	لیسانس	کمتر از لیسانس	زن	مرد	نیمه هدفمند	۲۱ شهروندان
۹,۷	۱۴,۲	۲۳,۸	۳۳,۳	۱۹	۱۳,۵	۲۸,۵	۳۸	۲۰	۵۱	۴۹		

جدول شماره (۶): مشخصات مصاحبه شوندگان

شرکت در مراسم دعای عرفه یا مراسم محرم را نیز به عنوان کارکردها و فعالیت‌های خاص فضا اذعان کردند.

گلستان شهدا نیز در برخی مواقع، معنوی دانسته شد به خصوص در زمان‌های خلوت و سکوت، بدون برنامه‌ها و رویدادهای سیاسی تبلیغی. همچنین حس خوب معنوی به علت اتصال و نزدیکی به انسان‌های شریف و آزاده، حس نزدیکی و اتصاف به ارزش‌های اخلاقی نظیر گذشت، ایثار و فداکاری و فضایی برای تجربه جدایی از دنیا به واسطه شهدا، از ویژگی‌های بارز گلستان شهدا بیان شده است. همچنین نظم و سازماندهی داخلی، تمیزی و پاکیزگی محیط نیز از جمله موارد ذکر شده توسط افراد بود. جدول ۷ مضامین مطرح شده در مصاحبه‌های عمیق را در چهار مضمون محوری ویژگی‌های فضای شهری معنوی، عناصر عملکردی، عناصر طبیعی و ابعاد و نوع فعالیت‌های اجتماعی ارائه می‌دهد.

جدول ۸ و ۹ گلستان شهدا و تخت فولاد (تکیه خوانساری، تکیه تخته فولادی و مقبره بابارکن‌الدین) را در برخورداری از عناصر و کیفیت‌های فضای شهری معنوی بر اساس چارچوب نظری و تحلیل مصاحبه‌های مردمی، ارائه می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

کیفیت معنویت در ساخت فضاهای شهری بر اساس سه رکن احترام به طبیعت، احترام به انسان و جامعه

فضای مجازی با آنان گفتگو شد. جدول ۶ مشخصات مصاحبه شوندگان را نشان می‌دهد.

پرسش‌های مصاحبه عمیق حول محور تعریف معنویت، ویژگی‌ها و عناصر فضاهای شهری معنوی در اصفهان و ویژگی‌های گلستان شهدا و آرامستان تخت فولاد در دارا بودن یا نبودن حس معنویت مطرح گردید.

یافته‌های بخش مصاحبه عمیق

تقریباً همه افراد پاسخگو آرامستان تخت فولاد را فضایی کاملاً معنوی قلمداد کردند و علت آن را در سکوت، القای حس خلوت، آرامش، معماری اسلامی بناها و بقعه‌ها، دفن بودن بزرگان و مشاهیر دینی و امکان ارتباط درونی با آنان، تلفیق طبیعت و عناصر طبیعی با قبرستان، نمایانی آسمان و وسعت محدوده و نیز ابعاد ذهنی فضا اعم از حس جدایی از دنیا و توجه به آخرت، حس اتصال با اولیای الهی و ارتباط با خدا مطرح کردند.

رویدادهای فرهنگی مذهبی موجود در تخت فولاد کمتر در مصاحبه‌ها به عنوان عوامل ایجاد معنویت ذکر شد و بیشتر ویژگی‌های طبیعی و تلفیق آرامستان با طبیعت، تشخیص افراد دفن شده، فرم بناها و بقعه‌ها و نیز هنر عمومی و نقوش موجود در آن مورد توجه افراد بود؛ زیرا درک افراد از معنویت بیشتر به واسطه آرامش و سکوت آرامستان است و برنامه‌ها و رویدادهایی که سکوت و آرامش فضا را از بین می‌برند از میزان معنویت نیز می‌کاهند هرچند برخی از پاسخ دهندگان

جدول شماره (۷): تحلیل مضمون ویژگی‌ها و ابعاد فضای شهری بر اساس حس معنویت در دو آرامستان گلستان شهدا و تخت فولاد اصفهان بر اساس مصاحبه عمیق با شهروندان

مضامین سازمان دهنده			
ویژگی‌های مطلوب فضا		ویژگی‌های نامطلوب فضا	
تخت فولاد	گلستان شهدا	تخت فولاد	گلستان شهدا
همه پاسخ‌دهندگان، تخت فولاد را معنوی می‌دانستند.	اکثر پاسخ‌دهندگان، گلستان شهدا را معنوی می‌دانستند.	-	برخی از پاسخ‌دهندگان، رویدادهای سیاسی اجتماعی این فضا را عامل کم شدن حس معنویت می‌دانستند.
<ul style="list-style-type: none"> - حسن خوب به علت نزدیکی به علما، صالحان و اندیشمندان دینی - سکوت - خلوت - سادگی - بی‌آلایش - آرامش بخش - هویت‌مند - حسن مکان - وسعت زیاد و عدم محدودیت مکانی - قدمت و حس اتصال به گذشته - مکان عبرت - مکان ذکر و اتصال به خوبان - نداشتن فعالیت‌ها و رویدادهای دارای جنبه‌های سیاسی - نظم و سازماندهی داخلی - امکان مکث و گذران اوقات - تأمل برانگیز و مکانی برای تفکر - فضایی برای تجربه جدایی از دنیا - خاطره انگیزی به علت دفن اموات (خانواده و آشنایان) 	<ul style="list-style-type: none"> - حسن خوب به علت اتصال و نزدیکی به انسان‌های شریف و آزاده - حسن آرامش - حسن نزدیکی و اتصاف به ارزش‌های اخلاقی نظیر گذشت، ایثار و فداکاری - حسن مکان - نظم و سازماندهی داخلی - امکان مکث و گذران اوقات - تأمل برانگیز و مکانی برای تفکر - فضایی برای تجربه جدایی از دنیا - خاطره انگیزی به علت دفن اموات (خانواده و آشنایان) 	-	<ul style="list-style-type: none"> - آلودگی صوتی (صدای زیاد میکروفون‌ها) ناشی از برخی رویدادهای سیاسی یا تبلیغی - ازدحام در برخی زمان‌ها - مربوط به رویدادهای فرهنگی سیاسی
<ul style="list-style-type: none"> - تکیه‌ها و حسینیه‌ها - آرامگاه‌های اندیشمندان دینی 	<ul style="list-style-type: none"> - مزار شهدا 		عناصر عملکردی
<ul style="list-style-type: none"> - بقعه‌ها - گنبدها - نقوش و فرم‌های هویت‌مند - مصالح خاص با رنگ‌های خاکی (آجر، کاه‌گل و ...) - نظم و سازماندهی داخلی - طراحی‌های محیطی 	<ul style="list-style-type: none"> - بقعه‌ها - نظم و سازماندهی داخلی - طراحی‌های محیطی 	-	عناصر کالبدی
<ul style="list-style-type: none"> - سرسبزی محیطی - بکر بودن محیط طبیعی - نمایانی آسمان - حوض‌ها و آب نماها - باغ‌ها (باغ طوبی و ...) و تلفیق طبیعت و قبرستان 	<ul style="list-style-type: none"> - پوشش گیاهی - آب نماها 		عناصر طبیعی
<ul style="list-style-type: none"> - رویدادهای گردشگری مذهبی - معنوی (بازدید از مزار اندیشمندان دینی) - رویدادهای مذهبی (برگزاری دعای عرفه، مراسم شب‌های قدر، دعای ندبه و ...) 	<ul style="list-style-type: none"> - رویدادهای مذهبی (برگزاری دعای عرفه، مراسم شب‌های قدر و ...) 	-	<ul style="list-style-type: none"> - عدم معنویت فضای میانی - به علت ازدحام افراد در بعضی مواقع

جدول شماره (۸): وضعیت فضاهای شهری دارای امتیاز بیشتر در برخورداری از عناصر فضای شهری معنوی

گلستان شهدا	تکیه بابارکن الدین (تخت فولاد)	تکیه تخت فولادی (تخت فولاد)	تکیه خوانساری (تخت فولاد)	فضای شهری	
				کیفیت	ابعاد
مقبره	گنبد بقعه	بقعه	گنبد مقبره	نماد و نشانه‌های مقدس و فرهنگی	ادراک
اذان و دعا	اذان، دعا	اذان، دعا	اذان، دعا	منظر صوتی مقدس	
-	-	-	-	راه‌ها و مسیرهای مقدس	عملکردی
مقبره	مقبره	مقبره	مقبره	کاربری‌های مقدس	
مقبره	تکیه	تکیه	تکیه	کاربری‌های هویت‌مند	
درخت	درخت	درخت	درخت	عناصر طبیعی	زیست‌محیطی
حوض آب	حوض آب	حوض آب	حوض آب	عناصر سبز مصنوع	
-	ترکیب قبرستان با فضای سبز	ترکیب قبرستان با فضای سبز	ترکیب قبرستان با فضای سبز	همسازی با طبیعت	
-	ترکیب قبرستان با فضای سبز	ترکیب قبرستان با فضای سبز	ترکیب قبرستان با فضای سبز	هویت زیست‌محیطی	
-	-	-	-	تفریح‌ها و ورزش‌های مبتنی بر طبیعت	
عزاداری محرم، احیاء	دعا	چله نشینی	عزاداری محرم، احیاء	رویدادهای مذهبی	
بزرگداشت شهدا، دعا، عزاداری محرم، احیاء	دعا، عزاداری محرم، احیاء	دعا، عزاداری محرم، احیاء	دعا، عزاداری محرم، احیاء	رویدادهای اجتماعی فرهنگی	
عزاداری محرم و احیاء	عزاداری محرم، احیاء	عزاداری محرم، احیاء	عزاداری محرم، احیاء	کاربری‌ها و رویدادهای مذهبی - فرهنگی زمان‌مند	زیست
مسجد و مقبره	مقبره	مقبره	مقبره	معماری مقدس	کالبدی
دیوارنگاری	خوشنویسی آیات قرآن و احادیث	خوشنویسی آیات قرآن و احادیث	خوشنویسی آیات قرآن و احادیث	هنر عمومی (دیوارنگاری، مجسمه‌ها و غیره)	
درختان	-	درختان	فضای سبز	منظر سبز	بصری

حفاظت و احترام به طبیعت و ایجاد حس تعلق به محیط‌های طبیعی و بکر می‌شود. همچنین در محیط مصنوع، به حفاظت از مکان، به وجود آمدن حس مکان و حس تعلق به مکان منتهی می‌شود. تقویت روابط و تعاملات اجتماعی بر پایه بهبود ویژگی‌های اخلاقی نظیر مهربانی، تواضع، یاری‌رسانی و... از اثرات فضای شهری معنویت‌گرا در ارتباط مطلوب انسان با اجتماع حاصل می‌شود. همچنین در بعد فردی، باعث بهبود وضعیت روانی فرد، حس آرامش، آسایش، نشاط و دوری از استرس‌ها و اضطراب‌های روزمره خواهد شد.

نتایج حاصله از مطالعات کمی پژوهش بر اساس امتیازدهی نخبگان و اساتید و شهروندان به ۲۲ فضای شهری اصفهان از لحاظ داشتن معنویت نشان می‌دهد مسجد جامع اصفهان بالاترین امتیاز و به ترتیب میدان نقش جهان، گلستان شهدا، مسجد سید، تکیه خوانساری، پل خواجه، تکیه بابارکن‌الدین، کلیسای وانک، سی و سه پل، تکیه آقای تخته فولادی، پیاده‌راه چهارباغ عباسی، پارک جنگلی نازوان، باغ رضوان، مادی نیاصرم، کوه صفه، بازار اصفهان، کوه آتشگاه، میدان جلفا، امامزاده درب امام، میدان امام علی، انگورستان ملک‌التجار و بازارچه حسن آباد رتبه‌های بعدی را کسب نمودند. بر اساس گونه‌های مختلف فضا نیز، از میان گونه‌های میدان نقش جهان؛ گونه آرامستان‌ها، گلستان شهدا؛ گونه فضاهای عبادی مذهبی، مسجد جامع اصفهان؛ گونه فضاهای سبز شهری، پارک جنگلی نازوان؛ و گونه محورهای پیاده سبز، پل خواجه بیشترین امتیاز را کسب و رتبه اول را دارند. در میان گونه‌های بازارها که در کل امتیاز کمی دریافت کرده‌اند بازار اصفهان تا حدودی بیشترین امتیاز را دارد. با اینکه مسجد جامع اصفهان به‌عنوان

یک فضای عبادی و مذهبی و نیز فرهنگی و میدان نقش جهان به‌عنوان یک میدان در کنار عملکردهای مذهبی فرهنگی اجتماعی و تجاری رتبه اول و دوم مجموع نظرات نخبگان و شهروندان را در میزان معنویت داراست اما در بررسی‌های کلی، گونه آرامستان افراد مشهور نظیر آرامستان مشاهیر دینی (تخت فولاد) و شهدا (گلستان شهدا) امتیاز بیشتری کسب کرده است. به همین علت به‌عنوان نمونه برای انجام مصاحبه عمیق انتخاب شدند. همه افراد پاسخگو آرامستان تخت فولاد را فضایی معنوی قلمداد کردند و علت آن را در سکوت، خلوت، آرامش، معماری اسلامی بناها و بقعه‌ها، دفن بودن بزرگان و مشاهیر دینی و حس ارتباط با آنان، تلفیق طبیعت و عناصر طبیعی با قبرستان، نمایانی آسمان و وسعت محدوده و نیز ابعاد ذهنی فضا اعم از حس جدایی از دنیا و حس اتصال با اولیای الهی و بزرگان دینی و ارتباط با خدا را مطرح کردند. همچنین عمومی بودن فضا و امکان حضور در ۲۴ ساعت شبانه‌روز در محدوده عامل دیگر در توجه شهروندان به این فضا است. گلستان شهدا نیز در برخی مواقع، معنوی دانسته شد به‌خصوص در زمان‌های خلوت بدون برنامه‌ها و رویدادهای سیاسی تبلیغی. همچنین حس خوب معنوی به علت اتصال و نزدیکی به انسان‌های شریف و آزاده (شهدا)، حس نزدیکی و اتصاف به ارزش‌های اخلاقی نظیر گذشت، ایثار و فداکاری (ارزش‌ها و اخلاقیات) و فضایی برای تجربه جدایی از دنیا از ویژگی‌های بارز گلستان شهدا بیان شده است. این مؤلفه‌ها در زمینه فرهنگی اجتماعی (زمینه دینی مذهبی) ایران و شهر اصفهان به دست آمده و با توجه به تعریف معنویت و زمینه‌گرا بودن این مفهوم، ممکن است این نتایج در مکان‌های جغرافیایی دیگر متفاوت باشد.

104-115.

- Birch, R. & Sinclair, B. R. (2013). Spirituality in place: Building connections between architecture, design, and spiritual experience. Paper presented at the ARCC Conference Repository.
- Bramadat, P. (2019). A bridge too far: yoga, spirituality, and contested space in the Pacific Northwest. *Religion, State and Society*, 47(4-5), 491-507.
- Carmona, M. (2010). Contemporary public space, part two: classification. *Journal of urban design*, 15(2), 157-173.
- Carmona, M. Heath, T. Tiesdell, S. & Oc, T. (2010). *Public places, urban spaces: the dimensions of urban design*: Routledge.
- Cornah, D. (2006). *The impact of spirituality on mental health: A review of the literature*: Mental Health Foundation.
- Dyson, J. Cobb, M. & Forman, D. (1997). The meaning of spirituality: A literature review. *Journal of advanced nursing*, 26(6), 1183-1188.
- Fang, C. & Yang, B. (2017). Modern Christian landscape in Nanjing, China: A literature review. *Sustainability (Switzerland)*, 9(11). doi:10.3390/su9112155
- Fisher, J. (2011). The four domains model: Connecting spirituality, health and well-being. *Religions*, 2(1), 17-28.
- Lea, J. Philo, C. & Cadman, L. (2018). The

فهرست منابع

- پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۹۵). فضاهای شهری سنتی در شهرهای ایرانی اسلامی. انتشارات شهرداری تهران.
- رفیعیان، محسن. رفیعیان، مجتبی. بمانیان، محمدرضا. (۲۰۱۹). تحلیلی بر ادراک «کیفیت معنای مکان» با تأکید بر مکان‌های عمومی شهر یزد. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۱ (۲)، ۴۱۱-۴۲۸.
- Abbas, W. H. (2014). Spirituality enhancing into Green Design: Towards a better users' performance within a green building - "HSBC processing centre", Smart Village, Cairo, Egypt.
- Ardalan, N. (2016). The transcendent Dimension of Cities. IN_BO. Ricerche e progetti per il territorio, la città e l'architettura, 7(9), 34-49.
- Ardalan, N. Bakhtiar, L. & Haider, S. G. (1973). *The sense of unity: the Sufi tradition in Persian architecture (Vol. 9)*: University of Chicago press Chicago.
- Barrie, T. Bermudez, J. Geva, A. & Teal, R. (2015). *Architecture, Culture & Spirituality (ACS)*.
- Baur, J. W. R. (2018). Urban green spaces, recreation and spiritual experiences. *Leisure/Loisir*, 42(2), 205-229. doi:10.1080/14927713.2018.1449131
- Bermudez, J. (2016). Arguments for a Spiritual Urbanism. IN_BO. Ricerche e progetti per il territorio, la città e l'architettura, 7(9),

- Naor, L. & Maysseless, O. (2020). The Wilderness Solo Experience: A Unique Practice of Silence and Solitude for Personal Growth. *Frontiers in Psychology*, 11.
- Nasr, S. H. (1990). *Islamic art and spirituality*: Suny Press.
- Omobowale, M. O. (2020). "You Will Not Mourn Your Children": Spirituality and Child Health in Ibadan Urban Markets. *Journal of Religion and Health*.
- Senbel, M. (2015). *From Bioregional to Reverential Urbanism*. Julio Bermudez, *Transcending Architecture*, the CUA Press, Washington, DC, 63-73.
- Sheldrake, P. (2009). *A brief history of spirituality*: John Wiley & Sons.
- Sheldrake, P. (2014). *The spiritual city: Theology, spirituality, and the urban*: John Wiley & Sons.
- Sheridan, M. J. (2015). *Spirituality, Social Justice, and the Built Environment: Creating Sacred Space for All Peoples*.
- Tanyi, R. A. (2002). Towards clarification of the meaning of spirituality. *Journal of advanced nursing*, 39(5), 500-509.
- Waked, H. A. & Albarmelgy, M. A. (2018). The influence of natural elements on spirituality in meditation and worship spaces. *Journal of Engineering and Applied Science*, 65(5), 331-353.
- small stuff of barely spiritual practices. In *Spaces of Spirituality* (pp. 135-154): Taylor and Francis.
- López Villalba, J. M. (2019). Medieval festivities and spirituality. Intervention of the city council in the enshrinement of the urban space. *Studia Historica, Historia Medieval*, 37(2), 113-132. doi:10.14201/SHHME2019372113132
- Marinic, G. (2016). Sacred landscapes: Spirituality and the built environment of Houston's Vietnamese community. *International Journal of Architectonic, Spatial, and Environmental Design*, 10(1), 23-42. doi:10.18848/2325-1662/cgp/v10i01/23-42
- Mattis, J. S. Palmer, G. J. M. & Hope, M. O. (2019). Where our bright star is cast: Religiosity, spirituality, and positive black development in urban landscapes. *Religions*, 10(12).
- McGlymont, K. (2018). Spaces of secular faith? Shared assets and intangible values in diverse, changing communities. *Implicit Religion*, 21(2), 142-164.
- Mmako, N. J. Courtney-Pratt, H. & Marsh, P. (2020). Green spaces, dementia and a meaningful life in the community: A mixed studies review. *Health and Place*, 63.
- Naghizadeh, M. (2004). Iranian culture, water and purification of the built environment. *Journal of Environmental Studies*, 29(32), 71-92+10.

معیارهای تعیین مرز محلات تاریخی اصفهان (نمونه مطالعاتی: منطقه ۹ شهر اصفهان)

سیما خالقیان^۱

پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

شیما قندهاری

کارشناسی ارشد مطالعات معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی، دوره ششم، پیاپی ۲۵، زمستان ۱۴۰۱، صص ۶۹-۸۵

چکیده

امروزه به دلایل گوناگونی ضوابط جدید برای تقسیم بندی محلات مورد استفاده قرار گرفته که تا حد قابل توجهی متفاوت از تقسیم بندی‌های تاریخی این محلات است. در این میان شناخت دقیق عوامل و عناصری که موجب تمییز و تعیین این محدوده‌های شهری گردد ضروری به نظر می‌رسد. برای نیل به محله بندی مطلوب شهری، رعایت نکات کمی شهرسازی لازم است اما رعایت نظر مردم نسبت به محله خود و مرزهای محله نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. محلات تاریخی در گذشته دارای حدود مشخصی بوده اما این حدود با موانع کالبدی و حصارهای امروزی مشخص نمی‌شده است؛ بلکه عوامل مختلف طبیعی و یا گذرها، کوی‌ها نشانه‌های محلی آن را نشان می‌داده است. از طرف دیگر، آگاهی ساکنان و میزان تعلق آنان به محله در کنار سایر عوامل اجتماعی و محیطی، نه تنها هویت محله را شکل می‌داد؛ بلکه محدوده آن را هم معلوم می‌کرد. هدف از نگارش این مقاله، شناخت شاخص‌ها و معیارهای تقسیم بندی محله‌های تاریخی در شهر اصفهان و تعیین عوامل اثرگذار بر تقسیم بندی محله‌ای با استفاده از اسناد، مدارک و گفته‌های ساکنان محل می‌باشد. نتایج حاصل از مصاحبه حضوری با نوزده نفر از اهالی مطلع و حاضر در محلات به تدوین دو دسته کلی عوامل طبیعی و مصنوع (که خود به دو گونه محیطی و اجتماعی تفکیک شد) منجر گردید؛ که در این نوشتار با ذکر نمونه موردی برای هر عامل به تشریح آن پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: معیار مرز محله، محلات تاریخی، عوامل طبیعی و مصنوع، اصفهان.

۱. نویسنده مسئول: S.khaleghian@au.ac.ir

مسکونی در نظام وابسته‌ای که بیانگر قراردادهای اجتماعی است به یکدیگر پیوند خورده بودند. عبور رودخانه زاینده رود از کنار شهر و مادی‌های منشعب آن از میان شهر به‌طور طبیعی مرزهای بین محلات را ایجاد می‌کند. (تولایی، ۱۳۸۶: ۵۱). همچنین محله‌های وسیع به بخش‌های ریزتری چون پایین محله، بالا محله، محلات اصلی و محلات جدید تقسیم می‌شوند که خود دارای مرزهای جداگانه‌ای هستند.

به‌طور کلی در شهرهای گذشته، مبنای تشکیل محلات قومیت و روابط خویشاوندی بود که بر اساس سنت‌ها شکل می‌گرفت. این سنت‌ها در سه دسته کلی به شرح زیر قابل بررسی است:

۱. سنت‌های همزیستی و همجواری سکوتی
۲. رابطه‌های کاری چه در فضای کارهای تولیدی و چه در فضای کارهای خدماتی - عمومی
۳. چگونگی رفتارهای مردم در زمینه آداب و رسوم مذهبی و قومی (تولایی، ۱۳۸۶).

محلات هم به لحاظ ساخت و هم به لحاظ مناسبات اجتماعی از سایرین متمایز می‌شوند. در گذشته صرف نظر از حجم و وسعت، قوانین نانوشته خود را داشته‌اند که برای ساکنان آن‌ها مشخص و قابل شناسایی بوده است. در این پژوهش از طریق مشاهده و مصاحبه حضوری و تهیه پرسشنامه باز با اهالی محله‌ها معیارهایی برای تعیین حدود محلات مشخص شده است. در ادامه دسته بندی کلی این عوامل همراه با شاهدهی برای آن خواهد آمد.

چولدین در تعریف آن بیان می‌دارد: «در اجتماعات محلی کوچک سنتی هر شخصی نسبت به اجتماع محلی که در آن زندگی میکند، احساس تعهد دارد. هر شخص در دوره‌های خاص از زندگیش در آنجا زندگی میکند. همه یکدیگر را میشناسند و اگر کسی

شهر در بستر زمان و اجتماع متولد می‌شود، حیات خویش را به اوج می‌رساند و کم‌کم پس از گذر زمان حیات اجتماع رنگ می‌بازد. فرسودگی نقش غالب آن می‌شود. از همین رو شناخت پهنه‌های فرسوده به سبب تجویز در آن‌ها ضرورتی اجتناب پذیر است.

یکی از رایج‌ترین شیوه‌ها برای به نظم درآوردن فضا در شهرهای تاریخ ایران، اتصال توده ساختمانی به‌طور پیوسته بود. این شیوه در سطح خرد نظیر محله‌ها و در سطح کلان یعنی کل شهر، به چشم می‌خورد (تولایی، ۱۳۸۶). تعریف محله از منظر جامعه‌شناسی به مفهوم واحدهای اجتماعی مجموعه‌ای هستند که تا حدی به‌صورت اتفاقی و ناخودآگاه به وجود می‌آیند و باگذشت زمان توانسته‌اند شکل و فرم ثابت و پایداری پیدا نموده و حریم ویژه و معینی برای خود تعریف کنند. در حقیقت این محله‌ها از مجموعه افرادی با خصوصیات و ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی مشابه تشکیل می‌شوند (خاکساری، ۱۳۸۵: ۱۲۷). این نکته را در تعریف محله نباید فراموش کنیم که معمولاً مرز محلات شهری قدیم در ایران و به‌ویژه در اصفهان با مرز و محدوده‌های خاص ایجاد شده توسط شهرداری متفاوت است. امروزه شاهد به وجود آمدن محلاتی هستیم که غیر از تفاوت در اسمشان هیچ ویژگی متمایز دیگری نسبت به هم ندارند (خادم‌فر و دیگران، ۱۳۸۵) نام برخی از محلات از نام‌های قدیم و باستانی، نام مؤسس و بزرگ آن محل یا حرفه ساکنان گرفته شده بود و تأثیرگذارترین عنصر آن نه راسته و گذر و میدان و بازار و کوی و مسجد که شهروندان محله با اقشار و طبقات مختلف خود هستند که در خانه‌هایی که هیچ تمایزی با یکدیگر نداشتند زندگی می‌کردند. مدرسه، مساجد، بازار و محلات

به‌زحمت افتاد افراد دیگر به کمک او می‌شتابند؛ بنابراین تعلق داشتن به اجتماع محلی، فرد را در یک موقعیت با مسئولیت محدود قرار می‌دهد (چولدین، ۱۹۸۵: ۲۷۳). مک میلان و چاوایس از دیدگاه احساسی، اجتماع محل‌های را تعریف می‌کنند که حس اجتماع محلی با حس تعلق همراه است، حسی که همراه با آن، اعضاء نسبت به هم و نیازهای یکدیگر احساس مسئولیت مینمایند (همان، ۴۷-۴۸). ویکسون آن را ناشی از فرآیندی مکان‌مند میدانند. «محلّه مجموعه‌ای از روابط اجتماعی در میان یک عده نیست؛ اما شریک تمامی وجوه زندگی اجتماعی محلی است. اجتماع محلی فرایند تشریک فعالیتهاست تا از خلال آن ساکنان علائق خود را به اشتراک بگذارند» (ویکسون ۱۹۸۹، ذکر شده در آذری ۱۳۸۹، ۳۸).

در این نوشتار به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر هستیم:

۱. عوامل تعیین کننده حد و مرز یک محلّه تاریخی نسبت به محلات اطرافش چیست؟
۲. حدود و ثغور یک محلّه تاریخی در اصفهان چگونه توسط ساکنان آن تمیز داده می‌شود؟
۳. کدام یک از شاخص‌ها بهتر می‌توانند برای تعیین مرزهای محلّه‌ای در منطقه ۹ شهر اصفهان به کار بروند؟

هجوم موج نوگرایی به ایران باعث دگرگونی‌های عمیق در تمام زمینه‌های زندگی ما شد. این هجوم بیشترین تأثیر را بر کالبد شهرها بافت‌های مسکونی و کلاظواهر زندگی روزمره گذاشت. هویت فرهنگی و اجتماعی و تاریخ ما در تقابل با این موج نوگرایی رنگ باخت. در صد سال اخیر و به تدریج شهرهای ما خالی از روح شرقی شد. کالبد شهرهای ما از هویت خود که روزگاری موجب شکل‌گیری مکاتب مشخص، بلند مرتبه بود عریان شد. حال این میراث دردمند و

پر اشکال به ما رسیده است. برای اینکه روح زندگی را به سیمای شهرهایمان بازگردانیم نیازمند شناخت عمیق از هویت و ویژگی‌های معماری و شهرسازی خود هستیم. محلات تاریخی ما که امروزه به راحتی در حال تقسیم‌بندی به محلات جدید با محدوده‌های نویی است از نمونه‌های این تغییرات نابه‌جا می‌باشد. مستندسازی حدود محلات تاریخی با توجه به روند روبه‌زوال این محلات و منابع آن، از ضرورت‌های کنونی انجام این پژوهش می‌باشد.

روش پژوهش

در فرآیند محلّه‌بندی شهری و تعیین مرز محلات قدیمی، روش کیفی به‌ویژه استفاده از پرسشنامه و مصاحبه با ساکنین، مهم‌ترین اطلاعات میدانی را در اختیار قرار می‌دهد. استفاده از این روش در حوزه‌های قدیمی و با پیشینه طولانی تا حد زیادی محدودۀ محلات را مشخص می‌سازد. اهمیت استفاده از این روش در موقتی و محدود بودن منابع آن به دلیل کهنوت سن مصاحبه‌شوندگان می‌باشد. پس از آن دسته‌بندی و نمونه‌های موردی به کمک اطلاعات پرسشنامه‌ها و مشاهدات حضوری تهیه گردید.

تعریف محلات شهری

ساده‌ترین تعریف از محلّه را می‌توان چنین بیان داشت: «محلّه عبارت است از سکونتگاه گروه‌های قومی - نژادی - مذهبی و صاحبان پیشه‌های مختلف که به یک قسمت از چندین شکل شهر یا قریه و یا قصبه محدود شده منزل و جای فرود آمدن و مقام مردمان است»، تعریف اداری محلّه را می‌توان چنین بیان داشت: «مجموعه ساختمان‌های مسکونی و خدماتی است که از لحاظ بافت اجتماعی ساکنانش خود را اهل آن محل می‌دانند و دارای محدوده معینی است. در تعریف جغرافیایی محلّه چنین آمده است: «محلّه یک

۲۷۳). در سطح محله، روابط گسترده‌ای میان ساکنین برقرار می‌شود. برخوردهای چهره به چهره، استفاده از فضاهای عمومی و تعامل افراد فضای روانی مطلوبی برای ساکنان فراهم می‌سازد. این امر، نتیجه همگنی درونی است، که به هویت بخشی فضا منجر می‌شود. فضای هویت دار، افزایش حس تعلق و تداوم حیات

اجتماعی - کالبدی را به دنبال دارد. در چنین شرایطی، حس تعاون و همیاری میان افراد افزایش می‌یابد و محیط مطلوب زندگی ارمغان آن خواهد بود. تعلق خاطر به محله، کنترل اجتماعی را شدت می‌بخشد و مشارکت مردمی به‌عنوان رمز موفقیت هر طرح و برنامه‌ای، افزایش می‌یابد (قدمی، ۱۳۸۳: ۵۸).

تقسیم بندی انواع ارتباط بین محلات ویژگی‌های کالبدی شهر (فرم) معلول رفتار انسان جامعه در فضا است و رفتار انسان در فضا به کیفیت تصور و درک - ریشه‌دار در فرهنگ - وی از محیط بستگی دارد. در تعیین محدوده محلات شرط اول سطح همگنی اجتماعی - کالبدی است. شدت همسانی و همگنی ساکنان در محلات فقیر نشین و ثروتمند نشین، محلات نوساز و قدیمی و... متفاوت است. همچنین در بسیاری از موارد محدوده محلات (حوزه‌های اجتماعی) به‌صورت قطعی و دقیق قابل تعریف نیست (قدمی، ۱۳۸۳: ۵۸۷). هرچه میزان شباهت میان ساکنین حوزه‌های اجتماعی همجوار بیشتر باشد، ابهام در مرزها شدت می‌گیرد. عموماً در بخش‌های قدیمی تر شهر، محلات همگن تر با مرزهای مشخص تر نسبت به محلات نوساز و محلات مرفه نشین وجود دارد (پورا احمد و دیگران، ۱۳۸۴).

لینچ می‌گوید محلات هم مانند آدمیان گاهی تودار و منزوی و در خود متمرکز هستند و ارتباطی با سایر محله‌های اطراف خود ندارند و گاه فارغ از انزوا یا

واحد جغرافیای شهر است که حدود آن نه عوارض طبیعی بلکه بیشتر قابلیت ارائه خدمات شهری را تعیین می‌کند. بنا به تعریف دیگری از محله می‌توان گفت: محله بخشی از شهر است که ساکنین آن بتوانند نیازمندی‌های روزمره خود را از همان مکان تأمین نمایند (محبوب‌فر، ۱۳۹۲).

«محله، کوی برزن یا یک قسمت از چندین قسمت شهر و یا قریه است». بر اساس این تعریف می‌توان گفت که در قدیم محلات جدای از هم بوده‌اند و در تعاریف برخلاف پیوندها و همبستگی‌های قوی اجتماعی، تنها تعیین کالبدی آن‌ها حائز اهمیت بوده است. محله از منظر برنامه‌ریزی شهری را میتوان به‌صورت بخش قابل شناسایی از محدودهای شهری و یا محدودهای ترکیب شده از کاربری‌های تأمین‌کننده نیازهای ساکنان در ساختار شهر تعریف کرد (کوان، ۲۰۰۰ ذکر شده عبدالهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۰). سیدنی برآور^۱ (۱۹۹۶) معتقد است محله علاوه بر بعد کالبدی، یک مکان اجتماعی است. در تمیز بین اجتماع و محله باید دقت شود که اجتماع به گروه تشکیل‌دهنده واحد اجتماعی اطلاق می‌شود، اما محله با بافت کالبدی، اجتماع محلی را در درون خود جای می‌دهد و اراک^۲ (۲۰۰۰) محله را «واژه اجتماعی به مفهوم ارتباطات اجتماعی افراد در یک ظرف مکانی می‌داند.» (عبدالهی و همکاران ۱۳۸۹، ۹۰). چولدین می‌گوید: «محله به تعداد محدودی از خانواده‌ها گفته می‌شود که منطقه کوچکی را اشغال کرده‌اند، دارای ویژگی‌های اجتماعی مشترک مثل پایگاه اقتصادی - اجتماعی و قومیت مشترک می‌باشند. این افراد دارای روابط چهره به چهره‌اند، همدیگر را به‌خوبی می‌شناسند و به همین دلیل بر رفتار یکدیگر نظارت دارند.» (چولدین ۱۹۸۵،

1. Brower
2. Warrack

ارتباط با سایر محله‌ها در گوشه‌ای جدا از شهر قرار گرفته‌اند. در این صورت می‌توان گفت حوزه دربرگیرنده محله کاملاً واضح و قابل حدس است. دسته دوم به محلاتی اطلاق می‌شود که به سبب ارتباط زیاد با محلات اطرافشان مرز مشخص و جداکننده‌ای برای خود ندارند و این از محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد (لینچ، ۱۳۸۱). شرایط امنیتی ایجاب می‌کند که محله‌ها مترامم در هم طراحی شوند بیشتر محلات از طریق «بند»، «سربند» و بن بست به خانه‌ها مربوط می‌شدند.

محل‌ها با مرزهای آشکار و مجزا شناخته می‌شوند. شاید مرز دارای یک خصلت کالبدی ویژه باشد و به وسیله یک مانع فیزیکی، مانند رود یا یک گذر پرتردد شناخته شود. همچنین احتمال دارد که این مرزها به منظور سهولت بیشتر به صورت قراردادی تقسیم می‌شدند.

محل‌ها با مرزهای آشکار و مجزا شناخته می‌شوند. شاید مرز دارای یک خصلت کالبدی ویژه باشد و به وسیله یک مانع فیزیکی، مانند رود یا یک گذر پرتردد شناخته شود. همچنین احتمال دارد که این مرزها به منظور سهولت بیشتر به صورت قراردادی تقسیم می‌شدند.

محله در شهر اصفهان

شهر اصفهان به‌عنوان یکی از کلان شهرهای ایران، دارای محله‌های بسیاری است. تعدادی از محله‌های قدیمی هنوز به نام‌های سنتی خود پر جای می‌باشند. هرچند خیابان‌کشی‌های جدید گاهی از میان یک محله گذشته و آن را به دو نیم تقسیم کرده یا برخی قسمت‌های آن را حذف کرده است. به همین خاطر مفهوم هویت و محصوریت برای برخی محلات با از بین رفتن حدود آن تقریباً بی‌معنی است. ویژگی عمده محلات اصفهان همسایگی با محورهاست. محور مادی‌ها و محور زاینده رود تعداد زیادی از محلات را مشخص می‌کند. اگرچه برخی از مادی‌ها از وسط محله گذشته است اما عامل مهمی در شناسایی یک محل است. به‌طور کلی عوامل مؤثر بر ایجاد حد و مرز در محلات سنتی اصفهان را می‌توان در دودسته کلی جای داد. هریک از این عوامل از طریق مصاحبه حضوری با ریش سفیدان محل و مطالعات کتابخانه‌ای استخراج شده‌اند. در ادامه با بررسی و توضیح هر عامل و نحوه اثرگذاری آن، نمونه موردی از محله‌های اصفهان، به‌عنوان شاهد آورده خواهد شد:



شکل شماره (۱): محلات سنتی اصفهان، منبع: سیروس شفقی

عوامل طبیعی

اولین و ابتدائی ترین عامل در جدا کردن محلات از یک دیگر و یا شناسایی یک محله نشانه‌های طبیعی موجود در محدوده‌ی آن می‌باشد. عوامل طبیعی از جمله مواردی است که به‌طور کامل در ذهن مردم محل نقش بسته است؛ و برای دادن نشانی مرز محله

لینچ معتقد است اگرچه لبه‌ها در تعیین حد محلات و تفکیک محله از محلات مجاور خود مؤثر است ولی در ایجاد محلات نقشی ندارند (لینچ، ۱۳۵۵). با این

خود از این عوامل که فهم و تشخیص آسان برای سایرین نیز دارد، استفاده می‌کنند.

● ارتفاعات

در برخی موارد عواملی مانند کوه موجب جدا شدن یک محله از محلات مجاور خود می‌شود. در مصاحبه‌های حضوری با ساکنین معمولاً برای آدرس دهی از این عامل استفاده می‌شود. به‌طور مثال محله‌های پشت کوه.

● رود

در شهر اصفهان رودخانه زاینده رود از عناصر طبیعی شهر و یکی از عوامل مهم برای تشخیص محدوده محلات می‌باشد.

● توپوگرافی و اختلاف سطوح

وجود اختلاف سطوح باعث جدا کردن محلات در ارتفاع می‌شود. اختلاف ارتفاع در یک محله سنتی به دلیل عوامل متعددی ایجاد شده و محلات را شکل داده است.

● اراضی و مزارع

وجود برخی مزارع و باغات شخصی در اطراف حدود مرز یک محل نیز می‌تواند عاملی برای جدا کردن آن باشد. برای نمونه محله سیچان اصفهان در محدوده مزارع آن ایجاد شده است.

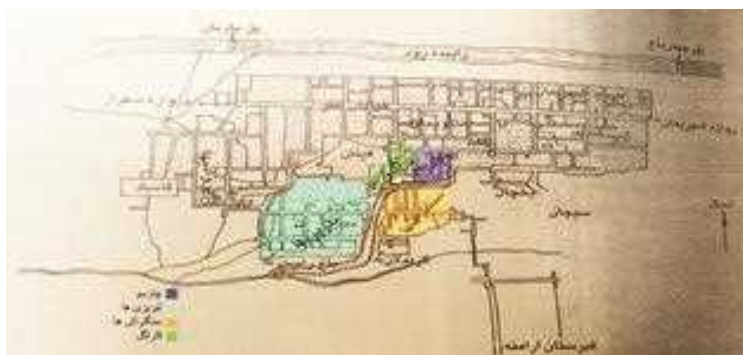
عوامل مصنوعی

اجتماعی

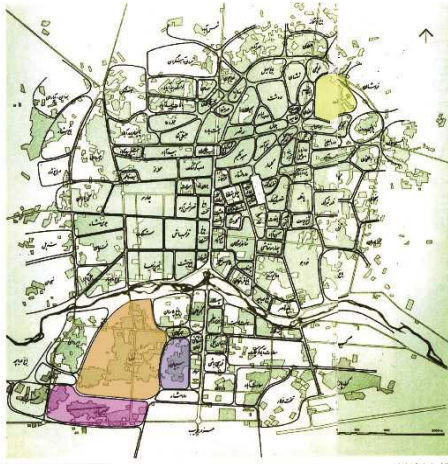
عوامل اجتماعی و فرهنگی در یک محله از جمله وجوه تمایز در میان ساکنین محله‌های مختلف می‌باشد. سبک زندگی، تفکرات، نحوه تعامل مردم با یکدیگر، نحوه نگرش ساکنین به سکونت و معماری ابنیه باعث ایجاد تفاوت‌هایی در نوع زندگی آنان خواهد شد. محلات سنتی در گذشته بر اساس معیارهایی چون شغل، دین و قومیت جدا می‌شده‌اند. این عوامل که به شکل غیر مستقیم حیطه محلات را مشخص می‌کند؛ در سه دسته زیر قابل بازخوانی می‌باشد:

● اصناف

وجود اصناف، مشاغل و حرفه‌های گوناگون در میان ساکنین از جمله عوامل اجتماعی موجود است که باعث تعیین محدوده یک محل می‌شود. ریز محله «سنگتراشان» نمونه‌ای از شکل‌گیری محلات بر اساس شغل می‌باشد. گفته شده کلیه خانوارهای ساکن در آن به شغل سنگ تراشی مشغول بوده‌اند. عامل شغلی در این بخش مشخص کننده حد این محله که در «محله جلفا» واقع است، می‌باشد. آرامنه «شمس آبادی» در اراضی جنوبی جلفا محله «تبریزی‌ها» و محله «دشتی‌ها» را بنا نمودند. این محله به محله «تجار» معروف شد. بناهای



شکل شماره (۲): محله جلفا، تبریزی‌ها، قاراگل و سنگتراش‌های اصفهان.



Plan of the old neighborhoods of Isfahan

نقشه مسطح‌های کهن اصفهان

شکل شماره (۳): مرز محلات بر اساس دین.

● مالکیت‌ها

در محلاتی همچون «باغ کلانتر» مالکیت زمین‌ها و مزارع در اطراف محله باعث ایجاد محدوده و مرز آن شده است.

● محیطی

مردم در هر محیطی که زندگی می‌کنند خود را با آن تطبیق می‌دهند و از میان عواملی که در آن موجود است، پاره‌ای برایشان مشخص‌تر و متمایزتر می‌شود و در ذهنشان جای می‌گیرد.

● گذرها و کوچه‌ها

وجود برخی گذرهای شاخص یا کوچه‌هایی که ویژگی‌های متفاوتی دارند و یا نام خاصی برای آنها انتخاب شده است از دیگر عوامل ایجاد لبه محلات می‌باشد. در بعضی از موارد نیز قرارگیری یک کوچه دقیقاً در حدفاصل بین دو محله، تشخیص آن دو را برای ساکنین راحت‌تر می‌کند.

● حصار شهر

محله «لنجان» از جمله محلات تاریخی است که حصار شهر جدا کننده و مرز آن در قسمت غربی محله می‌باشد (شکل ۴).

این محل که تاکنون نیز باقی مانده است نشان دهنده ثروت اهالی این منطقه می‌باشد. همچنین محلات دیگری از جمله گلاب‌گیرها، آهنگران، صراف‌ها، باغ کاران، داروغه، قاراگل در جلفا (اکثراً نساج و میوه فروش) نیز همان‌طور که با ذکر نام آمده است با مشاغل خاص قابل تفکیک هستند. در شکل ۲ محله سنگ تراش‌ها، قاراگل و تبریزی‌ها در محله جلفا آورده شده است.

● ادیان

از نقش جداکنندگی ادیان برای تشخیص محدوده یک محله نمی‌توان چشم پوشی کرد. محله جوینباره (یهودی نشین)، جلفا (ارمنی نشین)، سیچان و گبرآباد (زرتشتی نشین) که در شکل ۲ (محله‌های اصفهان) قابل شناسایی هستند؛ از جمله محلاتی هستند که دین باعث مرزبندی آن‌ها است. در محله جلفا اعتقادات باعث تأثیراتی بر روی شیوه ساخت و ساز بناها و همچنین ایجاد کلیساهای متعدد در این محدوده شده است. اگرچه قومیت و دین معماران جلفا بر نگارندگان واضح نیست؛ لیکن دین، تفکرات و اعتقادات مردم این محل بر نحوه طراحی بنا برای آن‌ها مؤثر بوده است. از طرفی به دلیل اینکه بعدها به شکل یک جا ساخته شده‌اند. از نظر درجه کهنه و نو بودن و سن و سال بناهای موجود در محل تفاوت و تمایز واضحی به چشم می‌خورد.

● اقوام

سکونت برخی اقوام در بعضی محلات اصفهان نیز از عوامل جداکننده محلات می‌باشد. این مورد نیز چون عامل اصناف و مشاغل باعث ایجاد لبه برای محلات شده است. محله «تبریزی‌ها» در محدوده جلفا و محله «کفشرون» در منطقه آتشگاه که محل سکونت اقوام لر می‌باشد، در این دسته می‌گنجد (شکل ۳).

می‌توانست یک قبرستان برای تدفین ساکنین خود داشته باشد. وجود بیش از یک مورد از این شاخصه از احتمال همسایگی محله دیگر خبر می‌داد. البته در محله آتشگاه اصفهان، با تقسیم یک قبرستان به دو بخش هر دو محله مجاور از آن استفاده می‌کنند.

● نشانه‌های شهری

از دیگر عوامل موجود برای تشخیص حد یک محل، وجود شاخصه‌های عظیم در مقیاس شهری در آن می‌باشد. هر نشانه‌ی مصنوعی شهری می‌تواند تشخیص یک محدوده را برای ساکنین و غیر ساکنین تسهیل ببخشد. در این بخش به بررسی معیارهای تعیین حدود و ثغور محلات در اصفهان پرداختیم. عوامل طبیعی و مصنوعی را در دسته بندی‌های جداگانه بررسی کردیم. در قسمت بعدی تطبیق این معیارها بر نمونه موردی پژوهش، یعنی منطقه ۹ شهر اصفهان که به محلات آتشگاه ملقب می‌باشد صورت خواهد گرفت.

نمونه موردی: منطقه ۹ اصفهان

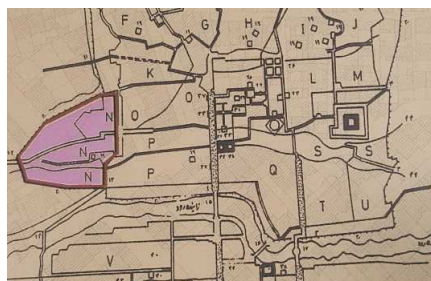
با جست‌وجو در منطقه ۹ اصفهان و تطبیق موارد استخراج شده در بالا برای محلات این منطقه، به صورت نمونه عواملی که در تعیین حدود و ثغور آن مؤثر است؛ به روش پرسشنامه و مصاحبه‌های حضوری استخراج شده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. با توجه به نقشه‌های شهری دریافت شده از شهرداری، تفاوت فاحش مرزهای اصلی و تاریخی محلات با آنچه که امروزه بیان می‌شود و در شهرداری ترسیم شده است قابل توجه می‌باشد (شکل ۵، ۶ و ۷).

معرفی مرزهای برخی از محلات منطقه ۹ اصفهان

۱. محله قلعه فروشان (کوه آتشگاه- مادی- مالکیت- گذر)

این محله در شمال توسط مادی، در شرق توسط

۱. سؤالات پرسشنامه در پیوست آمده است.



شکل شماره (۴): مرز محله لنبان بر روی حصار شهر.

● جهت قرار گیری خانه‌ها (بافت محله)

اهالی قدیمی محله از متفاوت بودن جهت خانه‌ها به عنوان عاملی در شکل گیری و تعیین حد لبه آن یاد می‌کردند. تطبیق این عامل با نقشه‌های محلات صحت این ادعا را نشان می‌دهد.

● مادی‌ها

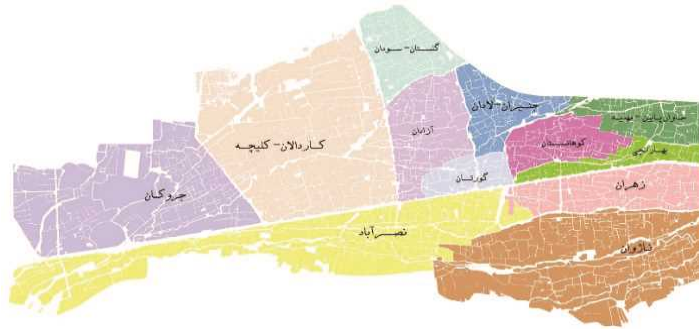
قبل از دوران صفویه مادی‌ها برای آبیاری مزارع در خارج از شهر استفاده می‌شدند؛ اما در دوران صفوی با کشاندن مسیر مادی به داخل شهر و عبور از محله‌های آن، این عامل محیطی به شاخصی برای نشان دادن حدود محله‌ها تبدیل شد.

● باغ‌ها

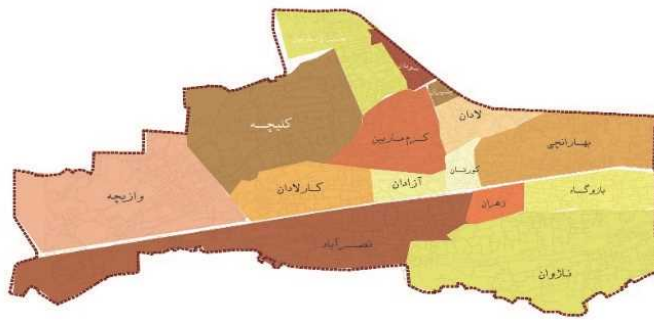
وجود باغ‌ها به عنوان نمونه مصنوعی از اراضی و صحرا موجود در همسایگی محلات، باعث ایجاد تمایز می‌شود. در اکثر موارد مالکان باغ از ساکنین همان محله بود است.

● شاخص‌های محله یا کاربری‌ها

هر محله در شهر حاوی ویژگی‌های و عناصر و اندامهای مخصوص به خود است. همین شاخص‌ها و عوامل هستند که به محله موجودیت و هویت می‌بخشند. وجود کاربری‌هایی چون مسجد محل، قبرستان، تا حدی راسته بازارها، حسینیه و قلعه‌ها را می‌توان در این دسته گنجانند. برای مثال هر محله تنها



شکل شماره (۵): محله بندی امروزی منطقه ۹.

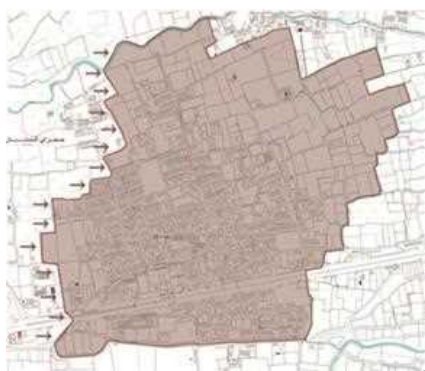


شکل شماره (۶): محله بندی تاریخی منطقه ۹ بر مبنای شهرداری اصفهان، ۱۳۹۱.

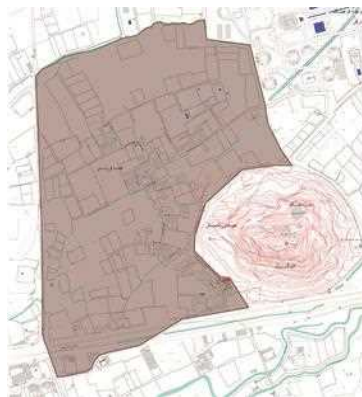


شکل شماره (۷): محله بندی و مرز محلات تاریخی بر اساس اطلاعات پژوهش.

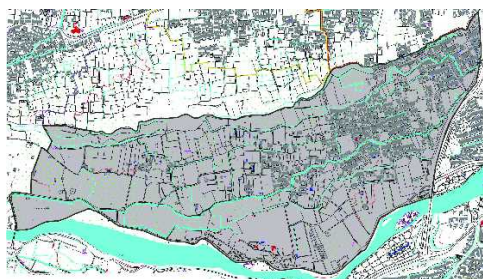
مادی و مالکیت‌ها و کوه آتشگاه، در غرب توسط گذر و در جنوب هم با مالکیت جدا شده است (شکل ۸).
 ۲. محله دنبه (رودخانه زاینده رود - گذر)
 قرار گیری در جنوب رودخانه زاینده رود، باعث شده تا این رود به‌عنوان مرز شمالی این محله از محلات دیگر شناخته شود (شکل ۹).



شکل شماره (۱۰): مرز محله کارلادان.



شکل شماره (۸): مرز محله قلعه فروشان.



شکل شماره (۱۱): مرز محله ناژوان



شکل شماره (۹): جابگیری محله دنبه در جنوب زاینده رود.

۵. محله کفشه‌رون (مادی - قبرستان - قلعه -

مالکیت)

در این مرحله در درجه اول سکونت اقوام لر از جنبه مصنوع و اجتماعی باعث بروز تمایز نسبت به سایر محلات شده است. پس از آن در بخش شمالی و شرقی عبور مادی، در سمت غربی قبرستان محله و در جنوب قلعه و مالکیت عامل جدا کننده مرز محله می‌باشد (شکل ۱۲).

۶. محله موجان و مارمار (مالکیت - رودخانه زاینده رود - گذر - مزارع)

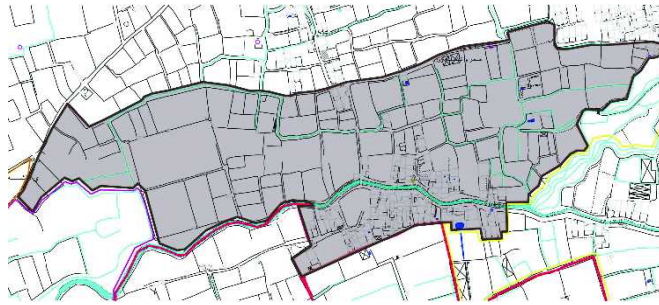
در این محله، مرز شمالی با مالکیت و مرز جنوبی با رودخانه زاینده رود محدود شده است. در غرب گذر و شرق گذر و مزارع لبه آن را تشکیل می‌دهد (شکل ۱۳).

۳. محله کارلادان (مالکیت - گذر - مادی - اختلاف سطح)

این محله در بالا و پائین از طریق مسیر دو مادی جدا می‌شود. در بدنه شرقی مالکیت و وجود گذرها در تعیین مرز این محله کمک می‌کنند. وجود اختلاف سطح یک ونیم متری در لبه غربی این محله، عاملی جدا کننده برای ساکنان آن بوده است (شکل ۱۰).

۴. محله ناژوان (رودخانه زاینده رود - مالکیت - مادی - گذر)

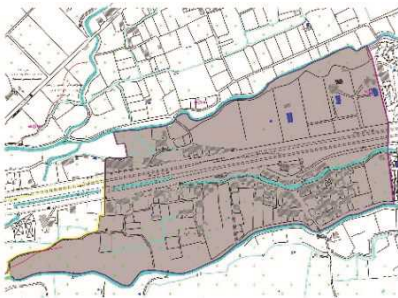
رودخانه زاینده رود در جنوب، مادی و مالکیت در غرب، مادی در شمال و مادی و گذر در شرق از معیارهای تعیین مرز محله آتشفشان می‌باشد (شکل ۱۱).



شکل شماره (۱۲): مرز محله کفشه‌رون.

۸. محله ککنان یا گلنان (باغ امروزی)؛ (مادی - مالکیت)

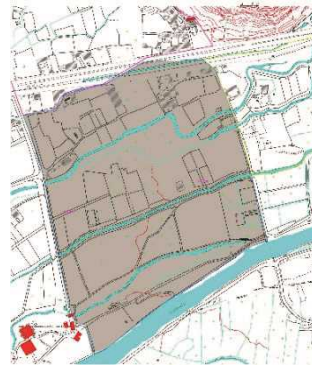
عبور مادی در این محل بیشترین تأثیر جداکنندگی را داشته است. در شمال و جنوب تنها گذر مادی و در غرب مادی همراه با مالکیت مرز را تشکیل می‌دهد. در سمت شرقی محله مالکیت نقش لبه را ایجاد کرده است (شکل ۱۵).



شکل شماره (۱۵): مرز محله ککنان یا گلنان.

۹. محله آتشگاه (کوه آتشگاه - مالکیت - مادی - گذر)

در این محله در بخش شرقی مادی، در جنوب مادی همراه با صحرای منتهی به زاینده رود، در شمال کوه آتشگاه و در غرب مسیر گذر باعث تشخیص محله شده است (شکل ۱۶).

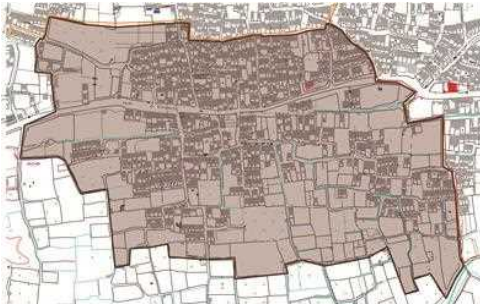


شکل شماره (۱۳): مرز محله موجان یا مارمار

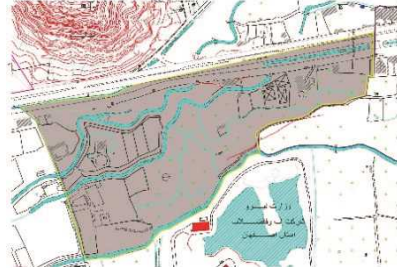
۷. محله آشنستان (مادی - اختلاف سطح - مالکیت) شمال و جنوب محله از طریق گذر مادی‌ها جدا شده است. در غرب مالکیت‌ها و در شرق اختلاف سطح از عوامل تشخیص محله هستند (شکل ۱۴).



شکل شماره (۱۴): مرز محله آشنستان.



شکل شماره (۱۸): مرز محله زهران

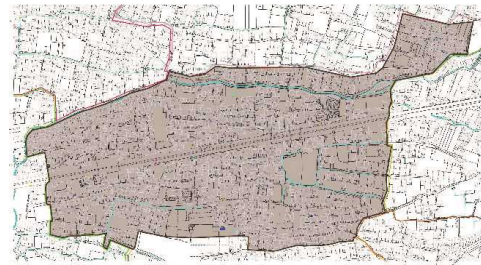


شکل شماره (۱۶): مرز محله آتشگاه.

۱۰. محله بهارانچی (مادی - مالکیت - گذر -

نشانه‌های شاخص)

مادی «قمیش» در شمال، مالکیت در غرب، گذر و مالکیت در شرق و در جنوب مسجد «صاحب‌الزمان» و قبرستان به‌عنوان شاخص محله عامل جدا کننده می‌باشد (شکل ۱۷).



شکل شماره (۱۷): مرز محله بهارانچی

۱۲. محله ده‌چی (مادی - گذر - مالکیت - نشانه‌های شاخص)

شمال و جنوب این محله نیز توسط مادی جدا شده است. در غرب گذر و مالکیت جداکننده است. در قسمت شرق چندین عامل جداکننده وجود دارد که از آن جمله می‌توان مسجد «امام حسن مجتبی» و میدان میوه تره بار قدیمی با گذر و مالکیت را نام برد (شکل ۱۹).



شکل شماره (۱۹): مرز محله ده‌چی.

۱۱. محله زهران (نشانه‌های شاخص - مادی -

مالکیت - گذر)

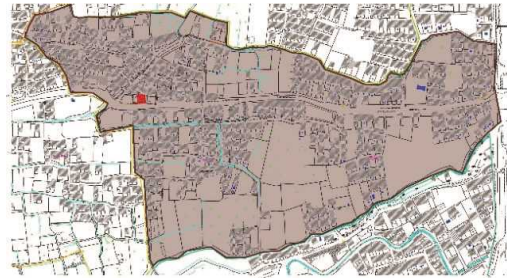
در این محله مسجد صاحب‌الزمان، قبرستان و مالکیت مزارع در شمال، در جنوب مادی و مالکیت، در شرق گذر و مالکیت و وجود یک سقاخانه و در غرب هم مادی نقش تعیین حدود محله را به عهده دارند. لازم به ذکر است باغ کنار قبرستان مربوط به شخصی به نام «زهرانی» می‌باشد که عامل تعیین نام محله نیز می‌باشد (شکل ۱۸).

۱۳. محله بازارگاه یا بازوگاه (مادی - گذر - مالکیت -

نشانه‌های شاخص)

این محل در شمال و جنوب توسط مادی جدا شده است. در شرق عامل مادی با گذر همراه شده و در

غرب، مالکیت، مادی، گذر و سقاخانه از معیارهای جدا کننده مرز محله می باشد (شکل ۲۰).



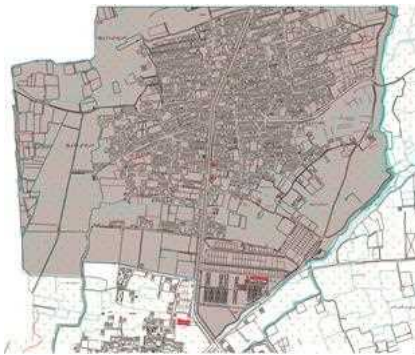
شکل شماره (۲۰): مرز محله بازارگاه.



شکل شماره (۲۲): مرز محله جروگان.

۱۶. محله وازیچه (مادی - مزارع - گذر)

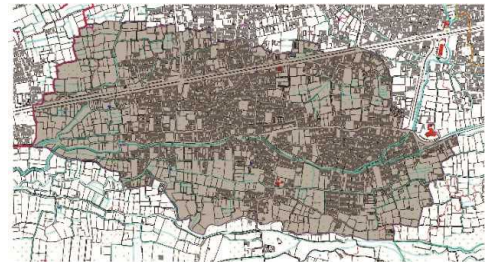
در شمال و غرب این محله، حضور مزارع و باغات باعث جدا شدن این محدوده شده است. در سمت شرق حضور مادی و در جنوب نیز مادی و گذرها معیار تعیین مرز هستند (شکل ۲۳).



شکل شماره (۲۳): مرز محله وازیچه.

۱۴. محله نصرآباد (مالکیت - مادی - گذر - بافت شهر)

مالکیت، مادی و گذر در شمال، مالکیت، گذر و بافت در شرق، مادی در جنوب و مادی، مالکیت و گذر در غرب از جمله معیارهای تعیین کننده مرز محله می باشد (شکل ۲۱).



شکل شماره (۲۱): مرز محله نصرآباد

۱۷. محله گورتان (مادی - مالکیت - گذر - بافت - مزارع)

در جنوب این محله مادی، در غرب مالکیت و گذر و بافت، در شرق هم مادی و مالکیت، در شمال گذر مادی مزارع مالکیت معیارهایی برای تعیین مرزها خواهند بود (شکل ۲۴).

۱۵. محله جروگان یا گورکان (مادی - مالکیت - مزارع - کوه)

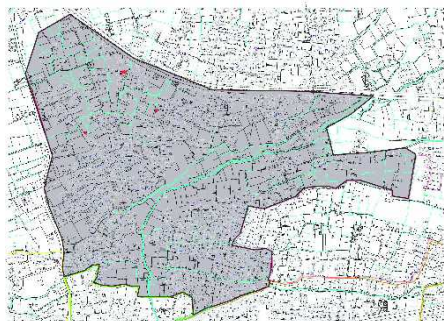
شمال و شرق این محله با مادی و مزارع و مالکیت محدود شده است. در سمت جنوب نیز مادی و در غرب کوه آتشگاه و مالکیتها موجب ایجاد مرز محله شده اند (شکل ۲۲).

۱۹. محله آزادان (گذر-مادی-مالکیت-قلعه)
 در شرق محله آزادان گذر، و در غرب مادی و قلعه و مالکیت معیارهای تعیین مرز هستند. شمال این محله توسط مادی و در جنوب مالکیت و گذر و مادی از عوامل جداکننده لبه هستند (شکل ۲۶).



شکل شماره (۲۴): مرز محله گورتان.

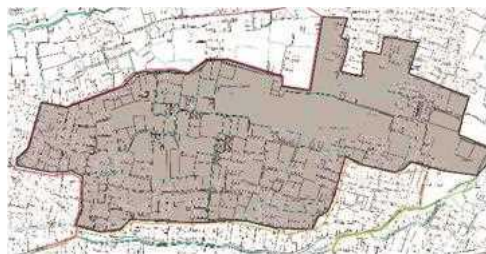
۱۹. محله لادان (مادی-مالکیت-مزارع-گذر)
 در محله لادان از سمت شرق عامل مزارع و مادی و مالکیت، در شمال مزارع و مالکیت و در غرب گذر و مادی و در جنوب مالکیت و مادی و مزارع از عوامل تعیین مرز هستند (شکل ۲۷).



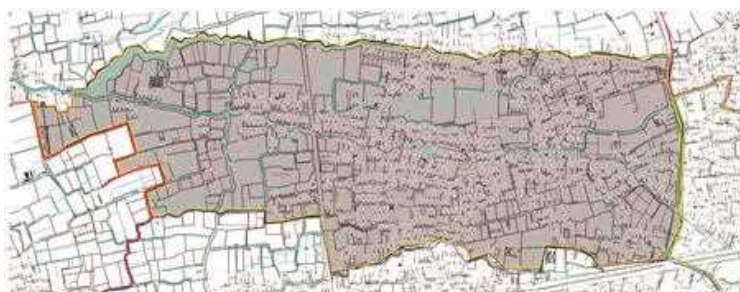
شکل شماره (۲۷): مرز محله لادان

۱۸. محله کوهانستان (مادی-گذر-مالکیت-مزارع)

در محله کوهانستان، مادی در جنوب، و مادی و گذر و مالکیت در غرب معیارهای مرزی هستند. همچنین این محله در شمال توسط گذر و مادی و مزارع و مالکیت، و در شرق مادی و مالکیت و مزارع جداکننده هستند (شکل ۲۵).

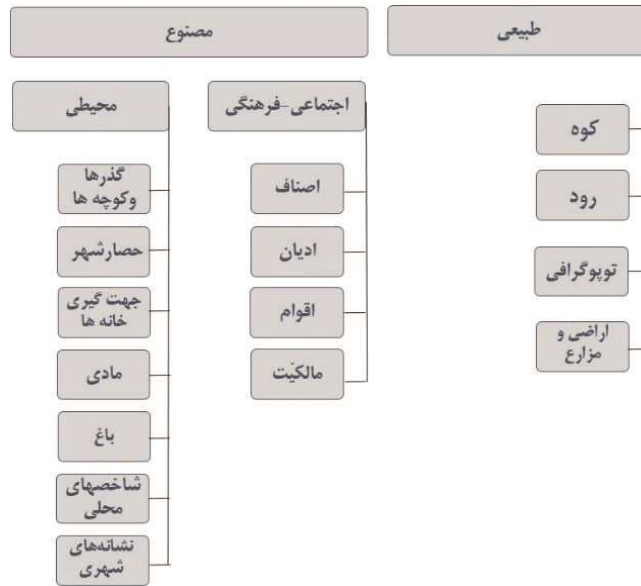


شکل شماره (۲۵): مرز محله کوهانستان.



شکل شماره (۲۶): مرز محله آزادان.

عوامل مؤثر بر تعیین مرز محلات اصفهان



نمودار شماره (۱): تقسیم‌بندی معیارهای مرز محلات اصفهان

نتیجه‌گیری ————— پاسخ به پرسش پژوهش (معیارهای تعیین مرز محلات قدیمی شهر اصفهان) با بررسی منابع مکتوب و همچنین مطالعات میدانی (تهیه پرسشنامه باز و مصاحبه شفاهی) آغاز شد. داده‌های به دست آمده نشان می‌دهد که عوامل متعددی در تعیین حدود و ثغور محلات نقش دارند. دسته‌بندی عوامل در نمودار زیر آمده است. در مورد ذکر مهم‌ترین عامل در شناسایی محلات به نظر می‌رسد عامل مادی بیشترین ارجاع را داشته است. می‌توان گفت علت این اتفاق خصوصیت محوری مادی در طول یک محله یا دقیقاً در نقطه جدا کننده آن باشد. وسعت زیاد این عامل در بخش زیادی از محل باعث می‌شود تشخیص و شناسایی آن ساده و برای همگان (حتی غیر ساکنان) قابل تشخیص باشد. در مورد بیشترین عواملی که ساکنان آن

به تشخیص و اعلام مرزها پرداخته‌اند، عوامل طبیعی و شاخصه‌هایی مثل مساجد، سقاخانه و نشانه‌های شهری را می‌توان نام برد.

فهرست منابع —————

- افروغ، عماد. (۱۳۸۰). ریشه یابی عوامل جدایی‌گزینی و پیامدهای آن در تمرکز فقر و شکل‌گیری خرده فرهنگ‌ها. بی‌چا.

- آذری، نرگس. (۱۳۸۹)، شرحی بر مفهوم محله و تغییرات محله‌ای. مجله جستارهای شهرسازی. سال نهم. شماره ۳۴.

- آراسته خو، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی. تهران: انتشارات چاپ‌نخش.

- آشوری، داریوش. (۱۳۸۱). فرهنگ علوم انسانی. تهران: نشر مرکز. چاپ سوم.

- پوراحمد، احمد؛ قدمی، مصطفی؛ جهان محمدی، غلامرضا. (۱۳۸۴). بررسی روش‌های محله‌بندی شهری (مطالعه موردی: شهر نوشهر و کلاردشت). فصلنامه جغرافیایی سرزمین. سال دوم. شماره ۸.
- پورمحمدی، محمدرضا. (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری، تهران، سمت.
- تولای، نوین. (۱۳۸۶). شکل شهر منسجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جناب، میرسید علی. (۱۳۹۳). احصائیه محلات اصفهان، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- خادم‌فر، الناز. (۱۳۸۷). مجموعه مقالات اولین همایش توسعه محله‌ای. تهران: انتشارات طرح نو.
- دانشپور، زهره. (۱۳۹۰). درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سیف‌الدینی، فرانک. (۱۳۸۱). فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطق‌های شیراز: دانشگاه شیراز. چاپ دوم.
- عبداللهی مجید، مظرصرافی؛ و جمیله توکلی نیا. (۱۳۸۹). بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران. مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۷۲.
- قدمی، مصطفی؛ (۱۳۸۳). پیشنهاد روش ترکیبی در فرایند محله‌بندی شهری. همایش توسعه محله‌های، توسعه شهر تهران: شهرداری تهران.
- کارکین، آلن. (۱۳۸۷). سیاست‌های شهری (رویکرد انتقادی). ترجمه عارف قوامی مقدم. تهران: انتشارات آذرخش. چاپ اول.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۱). سیمای شهر. مترجم: منوچهر مزینی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مهندسان مشاور پارس ویستا؛ (۱۳۸۰). سرانه کاربری‌های خدمات شهری، جلد اول، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- Choldin, Harvey, 1985. cities and suburbs introduction to urban sociology. M.C. Graw.Hill, Inc.
- Coan, Robert. 2000. The dictionary of urbanism. Illustrated by Lucinda Rogers.
- Johnston, R.J. Herbert, D.T. 1978. Social area in cities, processes, patterns and problems.

پیوست

- در این بخش نمونه سؤالاتی که از اهالی و ساکنین چندین ساله محلات به صورت شفاهی و به زبان ساده‌تر پرسیده شده است، بیان خواهد شد. استخراج تعداد قابل توجهی از عوامل جداسازی محلات از یکدیگر بر پایه اطلاعات این افراد صورت گرفته است.
- نمونه سؤالات پرسشنامه معیارهای مرز محله‌ها
- نام و نام خانوادگی: سن:
- نام قدیمی محله و مدت سکونت در آن:
- شغل: قومیت: دین:
- زبان: مذهب:
- آیا در همین محله به دنیا آمده‌اید؟
 - اسم قدیم محله شما چه بوده است؟
 - بناهای یادبود محله شما کدامند؟
 - محله شما دارای چه ویژگی‌هایی است؟
 - تفاوت محله شما با محله‌های مجاور در چیست؟
 - آیا شکل این محله در گذر زمان تغییر کرده است؟

- تفاوت محله شما با محله‌های مجاور در چیست؟
- راه‌های داخلی محله را نام ببرید.
- راه‌های اصلی اطراف محله را نام ببرید.
- چگونه محدوده و مرز محله خود را از محلات همجوار تفکیک می‌کنید؟
- نقاط مشترک شما و هم محله‌ای‌ها در چیست؟ شغل یکسان؟ قومیت؟ لهجه؟
- آیا شکل این محله در گذر زمان تغییر کرده است؟
- آیا مرز محله خود را می‌شناسید؟
- کدام مسجد اصلی‌ترین مسجد محله است یا مسجد یا مساجد محله خود را بیان کنید؟
- به کدام مسجد، حسینیه یا تکیه می‌روید؟
- باغ و زمین‌های همسایه‌ها و هم محله‌ای‌هایتان در خود محله است؟ محدوده آن را می‌شناسید؟
- موقعیت قرارگیری مادی‌ها/ قبرستان/ مسجد/ خانه‌ها/ راسته بازار (در صورت وجود)/ عناصر تاریخی در محله شما چگونه است؟ در اطراف یا مرکز؟
- آخرین نقطه محله شما در شمال/ شرق/ غرب/ جنوب یا بالا/ پائین/ چپ/ راست با چه عاملی از محله کناری جدا می‌شده است؟
- چه میزان مرزهای کنونی محله بر مرزهای قدیمی منطبق است؟
- چه میزان حد عوامل طبیعی (ارتفاعات، رود، دشت و غیره) در مرزبندی محله‌ها تأثیر گذار است؟

نقش عنصر آب در شکل‌گیری و ایجاد مکان پایدار در شهر اصفهان صفوی

فروغ مدنی اصفهانی^۱

دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

احد نژاد ابراهیمی

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی، دوره ششم، پیاپی ۲۵، زمستان ۱۴۰۱، صص ۸۷-۱۰۸

چکیده

عوامل طبیعی از مهمترین عناصر شکل‌دهنده و حیات‌بخش به شهر است که در این میان آب و نحوه تأمین و استفاده از آن در ایجاد و شکوفایی شهر نقش مهمی دارد. با توجه به قرارگیری سطح وسیعی از کشور ایران در اقلیم گرم و خشک، وجود آب و جلوه‌های گوناگون آن در شهر اصفهان یکی از عوامل ترغیب‌کننده شاه عباس برای انتخاب این شهر به عنوان پایتخت بود. زاینده رود و شبکه‌های آبرسانی منشعب از آن از ابتدای شکل‌گیری شهر تأثیر بسزایی در ساختار کالبدی، کارکردی و نظام معنایی آن داشته و در کنار نقش‌های متفاوتی که در کشاورزی و آبرسانی ایفا نموده با تحت پوشش قرار دادن کل شهر، کیفیت زیست محیطی را ارتقا داده و باعث ایجاد مکانی پایدار در ساختار شهری گشته است. آنچه که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد بررسی نقش آب و مظاهر آن در نظام‌های کالبدی، عملکردی، زیست محیطی و به خصوص در نظام معنایی شهر دوران صفوی می‌باشد که منجر به شکل‌گیری یک باغشهر گردیده است. بدین منظور ابتدا به بررسی متون تاریخی و سفرنامه‌های به جا مانده از دوره صفوی و مبانی نظری مکتب شهرسازی اصفهان برای دستیابی به مظاهر و نقش‌های متفاوتی که آب در ساختار شهر و زندگی مردم آن دوره داشته پرداخته شد. سپس با بررسی تطبیقی مؤلفه‌های مکان پایدار این نتیجه به دست آمد که طراحی و به کارگیری عنصر آب در اصفهان صفوی باعث بالا رفتن برخی شاخص‌های پایداری و همین‌طور ارتقاء کیفیت‌های سازنده فضاهای شهری و در نهایت بستری برای ایجاد مکانی پایدار گردیده است.

کلید واژه: آب، مکتب شهرسازی اصفهان، زاینده رود، مادی، صفویه

۱. نویسنده مسئول: fmadani@tabriziau.ac.ir

پرسش‌های پژوهش

آیا شهر اصفهان صفوی، شاخص‌ها و ویژگی‌های لازم برای پایداری که امروزه مطرح شده را دارا بوده است؟ تا چه حد عنصر آب در به وجود آمدن زمینه لازم برای ایجاد پایداری مؤثر بوده است؟

مقدمه

عوامل و نیروهای مختلفی در شکل‌گیری و ایجاد مکان پایدار در شهر مؤثر هستند. مؤلفه‌های کالبدی و عملکردی در کنار مؤلفه‌های ادراکی - معنایی و زیست محیطی زمینه لازم برای ایجاد پایداری مکان را فراهم می‌کنند. هر کدام از این عوامل خود نیز تحت تأثیر عوامل گوناگونی مانند زمینه فرهنگی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی در طول زمان شکل می‌گیرند و کنش این عوامل بر یکدیگر باعث ایجاد نظمی پنهان در نظام شهری و اجتماعی شهر می‌گردد؛ از جمله این نظم‌ها، نظم آب است که دارای اهمیت بسزایی در شکل‌گیری مکتب فکری معماری و شهرسازی اصفهان است.

استفاده از آب در ساختارهای شهری چه به لحاظ کالبدی و عملکردی و چه به لحاظ نظام معنایی در تکاملی هزار ساله در تمدن‌ها و شهرهای مختلف جهان بروز و جلوه‌های گوناگونی را در پی داشته است. با وجودیکه همگان بر تأثیرگذاری عنصر آب در ایجاد، شکل‌دهی و تضمین حیات شهر اذعان دارند اما از نقش این مایه حیات بخش در ایجاد مکانی پایدار با شاخص‌ها و معیارهای کنونی توسعه پایدار تا حدی غفلت شده است. اصفهان به عنوان شهری که در فلات ایران و اقلیم گرم و خشک قرار گرفته، دارای شرایط اقلیمی به خصوصی بوده و عنصر آب و چگونگی استفاده از آن در این اقلیم اهمیت دوچندانی می‌یابد. بعضاً آب تنها به عنوان ماده‌ای حیاتی برای

ایجاد فضاهای شهری و مصارف کشاورزی و صنعتی و همچنین تأمین نیاز شهروندان با دیدی عملکردی نگریسته شده و تا حد زیادی از تأثیر معنایی و ادراکی آن در طول تاریخ بر شهر و ذهنیت شهروندان مهجور مانده و اغلب مطالعاتی که پیرامون این موضوع صورت گرفته در مقیاس معماری و تک بنا انجام شده است.

مکتب معماری و شهرسازی اصفهان بر اساس نظم چهارگانه آب، خاک، هوا و گیاه شکل گرفته است (اهری ۱۳۸۰) و شهر اصفهان به عنوان نمونه‌ای شاخص و درخشان از این مکتب در شهرسازی ایران مطرح می‌باشد. آنچه که در این میان مطرح است نقش نظم آب در شکل‌گیری مکان پایدار در اصفهان دوران صفوی است. همچنین این سوال مطرح می‌گردد که آیا شهر آن دوران، شاخص‌ها و ویژگی‌های لازم برای پایداری که امروزه مطرح شده را دارا بوده و تا چه حد عنصر آب در به وجود آمدن آن مؤثر بوده است؟

هدف پژوهش کنونی، بررسی نقش عنصر آب در نظام‌های کالبدی، عملکردی، معنایی و زیست محیطی شهر اصفهان صفوی می‌باشد. اینکه تا چه اندازه به این عنصر برای ارتقای فضاهای شهری و حتی خصوصی توجه و استفاده شده است و استفاده از نظم آب چگونه بر نزدیک شدن شهر صفوی به عنوان یک مکان پایدار کمک نموده است.

در باره نظم آب در ساختار و سازمان فضایی و عملکردی شهر اصفهان تا کنون مطالعات بسیاری صورت گرفته است. اهری (۱۳۸۰) با تدوین اصول مکتب شهرسازی از آب به عنوان یکی از نظام چهارگانه شکل دهنده این مکتب و ساختار شهری یاد می‌کند. از دیگر دیدگاه‌ها می‌توان به مطالعات تاریخی و جغرافیایی اشاره نمود از آن جمله مطالعات حسینی ابری (۱۳۸۷) که به بررسی تأثیر زاینده رود و ره‌آوردهای آن در طول تاریخ

اصفهان پرداخته و همچنین با بررسی طومار شیخ بهایی و اسناد تاریخی نظام مدیریتی در زمینه آب و آبرسانی دوران صفوی را مورد مطالعه و تحقیق قرار داده است. محور عمده پژوهش های صورت گرفته در سال های اخیر پیرامون هنجار مادی می باشد که به جنبه ها و تأثیرات مختلف آن از دوران گذشته تا کنون پرداخته شده است مانند نقش شبکه مادی ها در تحولات سازمان فضایی اصفهان (نامداریان، بهزادفر، و خانی ۱۳۹۵، ماجدی و احمدی ۱۳۸۷). از دیگر دیدگاه ها نسبت به این موضوع، وجود رویکردهای زیست محیطی و نقش مادی های در ارتقاء کیفیت زیست محیطی شهر می باشد (جمشیدی ۱۳۸۹). این نوشتار با هدف بازشناسی تأثیر نظم آب در نظام شهرسازی پایدار مکتب اصفهان در گام اول به توصیف اصفهان دوره صفوی و تجلی آب در مقیاس های مختلف با استفاده از متون تاریخی پرداخته و در گام بعدی نقش آب در هر یک از مؤلفه های مکان پایدار مورد بررسی قرار گرفته است.

این پژوهش از نوع پژوهش های کیفی می باشد که با روش توصیفی-تحلیلی و تاریخی تفسیری تحقیق شده است. در مطالعات تاریخی می توان از بررسی منابع و اسناد مکتوب و تاریخی، بازدید و برداشت آثار و تفسیر آن ها استفاده نمود (عباس زادگان ۱۳۸۶، ۴۰). پژوهش حاضر با توجه به مقطع تاریخی مورد مطالعه که مربوط به دوران حکومت صفوی است، تنها منابع در اختیار سفرنامه ها و متون تاریخی می باشد که مربوط به آن دوره و یا دوران بعد از آن در شرح دوران صفوی بوده است، می باشد. در مرحله اول با رجوع به آثار مکتوب و انتخاب مدارک و اسناد مرتبط، به مطالعه کلید واژه آب و واژگان مربوط به آن پرداخته شد و در مرحله دوم با توجه به تبیین منطقی محقق و مبانی

نظری موجود در هر یک از نظام ها داده های حاصل از مطالعات مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و در انتها نقش آب در چگونگی دستیابی به مؤلفه های مکان پایدار اصفهان صفوی مورد تحلیل تطبیقی قرار گرفت.

۱- مبانی نظری

۱-۱ نظم آب در اصفهان دوره صفوی

یکی از عوامل مهم که تحولات شهر اصفهان را در دوره های مختلف هدایت می کرد و به سازمان فضایی این شهر در دوره های مختلف نظم می بخشید رودخانه زاینده رود بود که به عنوان نظم طبیعی با نظم انسان ساخت جدید یعنی خیابان چهارباغ ترکیب می شود. کمپفر (۱۳۶۰) در سفرنامه خود به شرح طویلی از زاینده رود می پردازد: «زاینده رود در طول ضلع جنوبی اصفهان جاری است ... رود در یک بستر فوق العاده عریض، که عمق چندانی ندارد، روان است. پایتخت، قسمت اعظم صفا و طراوت خود را مدیون همین رودخانه است» (کمپفر ۱۸۷، ۱۳۶۰). همچنین در این دوره انشعابات رودخانه به نام مادی ها ساماندهی و گسترش داده شده و نقش هدایت توسعه های جدید صفوی در شهر را به عهده می گیرند. سه مادی فدین، فرشادی و نیاصرم از میان هسته اصلی شهر می گذشتند که کمپفر (۱۳۶۰) در توصیف این سازه های آبی اینگونه می گوید: «هر کدام از این انشعابات مخصوص آبیاری دارای اصطلاحات خاص فنی است که بلافاصله معنی دقیقی را متبادر به ذهن شنونده می کند. انشعاب اول را به هر تعداد که باشد مادی می نامند» (کمپفر ۱۸۸، ۱۳۶۰). استفاده از آب در طرح شهر صفوی تنها به عناصر طبیعی محدود نشده بلکه در ترکیب با عناصر مصنوع تمثیلی از شهری بهشت گونه را در ذهن تداعی می کند. پیتر و دلاواله (۱۳۷۰) در توصیف چهارباغ می نویسند: «با فاصله هایی چند

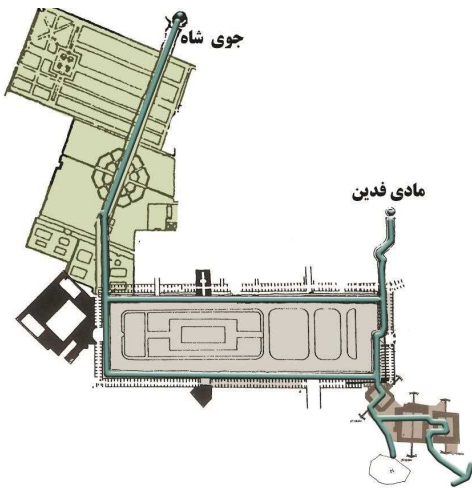
و غالباً در مقابل خانه‌های زیبا حوض‌های بزرگی به اشکال مختلف در وسط خیابان قرار گرفته که مملو از آب است. در بسیاری از این حوض‌ها آب از فواره‌ها جهش می‌کند و در بعضی دیگر به صورت آبشاری کوچک سرازیر می‌شود» (دلاواله ۱۳۷۰، ۴).

۱-۲ مکان پایدار

مکان بخشی از فضا است که توسط یک عامل خارجی بار معنایی به خود می‌گیرد، می‌توان عنوان کرد که مکان ترکیبی از خاطره، تجارب حسسی و روایت‌ها است (یزدانی ۱۳۸۹). به عبارت دیگر مکان عینیتی است که علاوه بر فرم و عملکرد دارای ویژگی‌های معنایی نیز می‌باشد. دیوید کاتر در کتاب روانشناسی مکان خود در سال ۱۹۹۷ نظریه مدل مکان خود را که شامل سه بعد و مؤلفه کالبد، فعالیت و تصاویر ذهنی است، معرفی می‌کند. از جمله صاحب‌نظرانی که با الهام و اقتباس از مدل کاتر روایت دیگری را در تکمیل آن ارائه داد جان پانتر بود که مدل حس مکان خود را تبیین نمود و مؤلفه چهارمی به نام حس مکان را اضافه نمود که می‌توان آن را روایتی در جهت تکمیل از مدل کاتر دانست. گلکار (۱۳۷۹) در راستای تکمیل این مدل و با توجه به رویکرد پایداری در شهرسازی و لزوم توجه به محیط زیست مؤلفه اکوسیستم یا زیست بوم را به سه مؤلفه دیگر اضافه نمود و حاصل ترکیب این چهار مؤلفه را ابعاد تشکیل دهنده مکان پایدار در شهر معرفی نمود.

اصفهان دوره صفوی به عنوان نمونه‌ای از یک باغشهر و نماینده مکتب شهرسازی اصفهان با داشتن شاخص‌ها و مؤلفه‌های به خصوص خود که در اثر ترکیب عناصر طبیعی و مصنوع در این شهر به وجود آمده می‌تواند به عنوان نمونه‌ای برای مطالعه بررسی مکان پایدار قرار گیرد بدین منظور ابتدا به بررسی اثرات حضور آب

در اصفهان از منظر چهار مؤلفه کالبدی-عملکردی-معنایی و زیستی محیطی پرداخته شده است. ۱-۲-۱ مؤلفه کالبدی: در طرح اندازی پایتخت جدید صفوی، رودخانه زاینده رود به عنوان استخوان‌بندی اصلی که شهر پیرامون آن گسترده شده بود ارزشی تازه پیدا می‌کند و محور جدید شهر عمود بر محور طبیعی رودخانه زده می‌شود تا دو سمت رودخانه را به هم متصل کرده و الگوی توسعه شهر را به سوی کرانه جنوبی رودخانه هدایت کند. رودخانه زاینده رود به عنوان نظم طبیعی آب در ترکیب با خیابان چهارباغ که خود ترکیبی از عناصر مصنوع و طبیعی و شامل نظم طبیعی گیاه و آب بوده، ساختار جدیدی را شکل می‌دهند که هم جهت توسعه‌های آتی شهر را مشخص می‌کند و هم دولتخانه جدید صفوی را با باغات شاهی پیوند می‌دهد.



نقشه شماره ۱: عبور مادی‌های فدین و جوی شاه از دولتخانه صفوی و میدان نقش جهان (منبع: نگارنده برگرفته از اهری، ۱۳۸۰)



نقشه شماره ۲: عبور شبکه مادی ها از میان محلات در شمال شهر (منبع: نگارنده برگرفته از اهری ۱۳۸۰)

که به آب داشتند پیرامون مادی ها شکل می گرفتند. به طور مثال چهارباغ صدر از یک طرف منتهی به مادی نیاصرم و از طرف دیگر به رودخانه منتهی می شد (اصفهانی ۱۳۳۸). مکانیابی عناصر شهری نیز در طرح توسعه شهر نیز مستلزم حضور آب بود و جانمایی دولتخانه صفوی از این امر مستثنی نبود به همین منظور این میدان در مکان باغ تاریخی نقش جهان که دو مادی فرشادی و فدین و شاخه ای از جوی شاه از شمال و جنوب آن عبور می کرد ساخته شد به طوریکه نامداریان و دیگران (۱۳۹۵) یکی از مؤلفه های تأثیر گذار در اندازه میدان را فاصله میان دو مادی عنوان کرده است.

نقش مادی های در شگل گیری محلات مسکونی و حضور آن در محلات مسکونی در اسناد تاریخی مشخص است (شاردن، کمپفر، تاورنیه)، ولی آنچه که متفاوت است حضور آب در محلات مسکونی نسبت به باغ ها و کاخ ها می باشد در محلات خانه ها

از دیگر جلوه های کالبدی آب که نقش بسیار پررنگی در ساختار کالبدی شهر اصفهان داشته است می بایست به شبکه مادی ها اشاره نمود.

مادی ها در طرح شهر صفوی دستمایه طراحی دولتخانه و اتصال آن با بازار و قسمت قدیمی شهر قرار می گیرد به شکلی که شاخه ای از مادی فدین به عنوان اتصال دهنده بازار قدیم و میدان نقش جهان عمل می کند، نحوه قرارگیری بخش قدیمی بازار در تبعیت کامل از مسیر مادی فدین است. مادی جوی شاه نیز از دیگر مادی هایی است که این بار نقش اتصال دهنده و نظم دهنده مجموعه باغ ها و کاخ های صفوی را بر عهده دارد که پس از گذشتن از باغ هشت بهشت، چهلستون، گلدسته و کاخ های حرمخانه وارد میدان نقش جهان می شود (اهری ۱۳۸۰). (نقشه ۱)

نقش دیگری که مادی ها و شبکه آبی در طرح شهر صفوی ایفا می نمود استفاده به عنوان مسیرهای هدایت توسعه بود که محلات و باغات جدید بر اساس نیازی

جدول شماره ۱: محلات، ارسن ها و بناهای مرتبط با مادی ها (جناب ۱۳۷۶، اهری ۱۳۸۰)

نام مادی	محل	ارسن شهری	بنا
باغ جنت مستهلك قزلباش باغ نسترن	فتح آباد باغ دریاچه خواجو شاهزادگان	مدرسه ستاره صبح قهوه خانه حاج امین الشریعه	مدرسه ستاره صبح قهوه خانه حاج امین الشریعه باغ عمارت میرزا علیخان
ناژنان لنباں قزلباش فتح آباد گلدسته دولت	شاهزادگان حسین آباد شیخ یوسف تلواسکان پای قلعه جی	مجموعه مدرسه چهارباغ و کاروانسرای بازارچه بلند جلوخان حاج رکن الملک قلعه طبرک	باغ عمارت ابراهیم خان کاشی یخچال حاج یدالله سلیمانی یخچال شیخ یوسف مسجد سیف الله خان مسجد سلاخان
ناژنان مستهلك شمس آباد دولت تیران احمد آباد	گلابگیرها باب همایون علیقلی آقا مهرآباد آهنگران دردشت	مسجد و حمام خسرو آقا سرای مخلص سرای ملک التجار مسجد، مدرسه، بازارچه و حمام محله علی قلی آقاس	مسجد لنباں مسجد صدرالعلماء حمام سرلت مدرسه ملاعبدهالله مدرسه جده بزرگ کاروانسرای طباطبائی
سه پله چهارسو قزلباش باغ تخت گلابار	هشت بهشت گلدسته توحید خانه لنباں یزدآباد	سقاخانه و مسجد حاج کاظم باغ هشت بهشت باغ چهلستون باغ گلدسته میدان نقش جهان	کاخ های حرمخانه

به دلیل رعایت اصل درون گرایی رو به مادی گشوده به آب مانند آسیابها بود (حقیقت بین، انصاری، و بمانیان ۱۳۸۶، ۲۴). از طرفی حاکمان نخستین صفوی، پایتخت‌های جدیدشان را با اتصال باغ شهرهایی به شهرهای موجود برپا می‌کردند که حول نوع خاصی از فضاهای باغ عمومی، میدان و خیابان سازماندهی شده بودند (عالمی، ۱۳۸۷: ۶۵). بنابراین مادی‌ها که عامل

زاینده رود و مادی‌های آن با شبکه‌های منسجم و یکپارچه خود در تمام شهر اصفهان نفوذ کرده و عامل پیوستگی اجزای شهر و کلیت بخشیدن به آن شده‌اند (آریانا ۱۳۹۲، ۱۱۴). همچنین مادی‌ها به واسطه تأمین آب، مهمترین عامل در توسعه باغ‌ها و فراهم آوردن امکان پراننده شدن شغل‌های وابسته

جدول شماره ۲: نقش آب در ساختار اصفهان صفوی

نقش	بروز کالبدی	مقیاس	نقش آب در ساختار اصفهان صفوی
شکل دهنده ساختار و شکل شهر	رودخانه زاینده رود شبکه مادی	شهر	
جانمایی و جهت گیری	مادی و جوی چاه فواره و آبنا حوض	مجموعه ها و ارسن های شهری (کاروانسرا، مسجد، مدرسه، حمام)	
شکل دهنده معابر و تاب بافت محلات هدایت توسعه محلات	مادی و جوی آسیاب و یخچال	محلات مسکونی	
جانمایی و جهت گیری	جوی چاه های کم عمق حوض	منازل مسکونی و باغات	

نظم را همچنین می توان در ساختار خیابان چهارباغ مشاهده نمود. «خیابانی به طرف جنوب تا زاینده رود که الحال موسوم به چهارباغ است مشتمل بر دو باغچه و دو کنار و میان آن راهی سنگ بست ساخته و راه میان وسیع و جوی سنگی در میان آن درست نمودند... و محاذی هر سر دری در میان چهارباغ حوضی بزرگ درست نمودند» (اصفهانی، ۱۳۳۸: ۴۱). هفت حوض که چهارتای آن ها بزرگ و سه تای دیگر کوچک بود خیابان چهارباغ پایین، خیابان میان خلوتگاه و زاینده رود را آراسته بود (بلیک، ۱۳۸۱: به نقل از شاردن). آنچه که از شرح میدان نقش جهان و خیابان چهارباغ به عنوان دوساختار اصلی اصفهان صفوی بر می آید استفاده از آب به صورت نهرهایی روان در امتداد مسیر حرکت عابرین که خود متضمن حرکت و پویایی فضا می گردید و همچنین آب به شکل حوض در مکان هایی خاص که نیاز به تأکید و مکث استفاده کنندگان داشت، استفاده شده است. همانطور که در شرح شاردن و مابقی تاریخ نویسان آمده است

در کاروانسرای بازارچه بلند و مدرسه شاهی چهارباغ تمام نهر فرشادی از میان آن عبور می کند. محله علی قلی آقا که جزء محلات بید آباد است بر سر شاخه بزرگ از نهر فدین قرار دارد و مادی با گذشتن از وسط محله ساختارهای شهری مسجد، مدرسه، حمام و بازارچه را پیرامون خود شکل داده است. به طور خلاصه می توان بیان نمود که شبکه مادی ها به عنوان اتصال دهنده در سه مقیاس محلات، مجموعه ها و ارسن های شهری و بناهای عمومی و شاخص عمل کرده و باعث انسجام و پیوستگی در بافت شهری می گشتند (جدول شماره ۱). علاوه بر نقش جانمایی، حضور آب در میدان بر اساس نقش و عملکردی که دارد جلوه های متفاوتی به خود می گیرد. شاردن در توصیف میدان نقش جهان آن را میدان مربعی می داند که دور تا دور آن نهر آبی قرار دارد به عرض شش قدم و در جلو خان مسجد شاه و بازار قیصریه که در دو انتهای میدان واقع هستند حوض آبی قرار می گیرد (جناب، ۱۳۷۶: ۲۸۰). استفاده از این

جدول شماره ۳: نقش آب در عملکرد اصفهان صفوی

نقش	اثرگذاری	بروز کالبدی	مقیاس
- آبرسانی غیر شرب شهر - آبیاری مزارع و باغات داخل و خارج شهر	مستقیم	رودخانه زاینده رود شبکه مادی	شهر
- تأمین آب‌های زیرزمینی - جلوگیری از فرونشست زمین - دفع روان آبها - جلوگیری از وقوع سیل	غیرمستقیم		
- آبرسانی شرب و غیر شرب شهر - تزیین فضای شهری	مستقیم	مادی و جوی چاه فواره و آبنا حوض	مجموعه‌های شهری (کاروانسرا، مسجد، مدرسه، حمام)
- تلطیف هوا	غیر مستقیم		
- تأمین آب شرب و غیر شرب - استفاده در آسیاب آبی - استفاده در یخچال	مستقیم	مادی و جوی آسیاب و یخچال سقاخانه	محلات مسکونی
- ایجاد مسیرهای جدید - ایجاد مسیرهای سبز	غیر مستقیم		
- تأمین آب شرب و غیر شرب - تزیین و تلطیف هوا - آبیاری	مستقیم	جوی چاه های کم عمق حوض	منازل مسکونی و باغات
- زیباسازی محیط	غیر مستقیم		

نقش آب در عملکرد شهر اصفهان صفوی

حوض‌ها در مقابل سردرهای ورودی باغات قرار می‌گیرد که گاه با فواره‌ای نیز مزین می‌گردد. استفاده از حوض به عنوان عاملی ایستا زمینه‌ای برای ایجاد

و شکل دهی نقاط ثقل و جلوخان به وجود می‌آورد و حتی گاه این مرکز ثقل محل برخورد دو نهر در ساختار باغات سلطنتی می‌گردد.

عنصر آب در ساختار اصفهان صفوی در چهار مقیاس شهر، مجموعه و ارسن‌های شهری، محلات مسکونی و منازل و باغات با جلوه‌های کالبدی متفاوتی بروز پیدا کرده و نقش‌های متفاوتی را در ایجاد انسجام،

پیوستگی، هماهنگی و ارتقاء کیفیت کالبدی و فضایی شهر ایفا نموده‌اند که در جدول (۲) نتایج آن به اختصار آورده شده است.

۱-۲-۲ مؤلفه عملکردی: حیات پایتخت صفوی هم به حیات زمین‌های زراعی پیرامون آن وابسته بود و هم به گردش آب در شهر (محمودیان و قیومی ۱۳۹۲). در طرح توسعه اصفهان صفوی، شبکه و وسیع آبیاری سنتی زاینده رود در همه سطوح مد نظر قرار گرفته بود. لذا تا حد امکان معابر جدید شهر در مسیر شبکه انهار موجود گسترده شد تا هم تعداد ۱۳۲ باغ وابسته به

جدول شماره ۴: سطوح ادراکی معنا از دیدگاه‌های مختلف

اجتماعی	کالبدی	فردی	نظریه پرداز
ارزشی - نمادین	آنی - کارکردی	عاطفی - احساسی	گیبسون
ارزشی	ارجاعی	ارزشی	موریس
فرهنگی	فیزیکی	شخصی	گیفورد
درجه سوم	درجه اول	درجه دوم	بارت
مفهومی	مصداقی - کارکردی - قضیه‌ای	رفتاری	رئیسی، نقره کار

یک قسم آسیابی می‌سازند که آنرا آسیاب تنوره گویند. اما آسیاب‌های اصفهان به جهت وفور آب زاینده رود قسم دیگر است که بر شاخ‌های نهر فدین و جوی طیران و غیر آن و در حوالی شهر بر سایر انهار از این قسم آسیاب بسیار است» (اصفهانی ۱۳۳۸، ۵۳). همچنین وی به وجود یخچال‌های بسیاری در داخل و خارج شهر اشاره می‌کند که آب را در زمستان برای روزهای گرم تابستان به صورت یخ ذخیره می‌نمودند. همانطور که اشاره شد مردم اصفهان به علت سهولت دسترسی و زلالی و پاک بودن آب شرب خود را از طریق چاه‌های کم عمقی که در داخل منازل حفر می‌شده تأمین می‌نمودند. در هر خانه معمولاً یک تا دو چاه وجود داشت که اصفهانی (۱۳۳۸) آن را بر حسب مصارف آن بر دو قسم می‌داند یکی عرض دهانه کم برای مصارف خانگی و دیگری با دهانه بزرگتر برای حمام، مسجد، مدرسه و آبیاری باغچه‌های خانه‌های بزرگ که آب آن را با گاو می‌کشند و به چاه گاو معروف است. و نوع دیگر در نواحی نزدیک به رودخانه که عمق چاه بسیار کم است چرخ‌ی بر سر چاه قرار داده و به آن چرخ‌آب گویند که محله ای نیز بدین نام موجود است. همین طور برای آب حمام و سقاخانه‌ها نیز از آب چاه استفاده می‌کردند که این می‌تواند به خاطر مسائل شرعی و اطمینان از تمیز بودن

دارالحکومه آبیاری شود و هم چشم انداز مطلوبی برای معابر شهر ایجاد گردد (حسینی ابری ۱۳۸۷). در زمان صفویه تعداد ۱۵۸ باغ، مزرعه و محله حقایه دار اضافه بر باغ‌ها و باغچه‌ها بدون حقایه وجود داشت (سمیعی ۱۳۰۷). در نظام مدیریتی آب، مادی‌ها را بنا به قواعدی در شهر می‌گرداندند که هم بهره مصرفی از آن گرفته شود و هم بهره در فضا سازی شهری و در نهایت به کفایت به مزارع می‌رساندند (محمودیان و قیومی ۱۳۹۲، ۱۴۱).

نقش‌ها و عملکردهایی را که مادی‌ها در شهر داشته اند را می‌توان در قالب واژگان مکتب اصفهان جستجو نمود از آن جمله: استفاده از مادی در طراحی فضای شهری، استفاده برای آبیاری باغات شاهی، استفاده به شکل روان یا ایستا در طراحی فضاهای داخلی، استفاده از مادی برای ایجاد مسیرهای عبوری پر درخت و سایه دار و استفاده از مادی برای آبیاری باغ‌ها و تبدیل شهر به باغ-شهر (اهری ۱۳۸۰). همچنین می‌توان عملکرد مادی‌ها را در سه عامل آبرسانی، اتصال دهنده، پالایش روانی جستجو نمود (ماجدی و احمدی ۱۳۸۷).

از دیگر عملکردهای آب در شهر را می‌توان به استفاده آن در آسیاب‌های آبی اشاره نمود که اصفهانی (۱۳۳۸) آن آب را طاحونه می‌نامد: «طاحونه آبیست که آنرا آسیاب می‌نامند و در دیگر شهرها به علت قلت آب

آب باشد (اصفهانى ۱۳۶۸، ۵۴-۵۵).

مفاهيم غير فضايى عنوان مى‌کند. که اين سطوح شامل معانى آنى و ابتدايى (مبين و يژگى‌هاى آشکار فزيکى)، معنای کارکردی (مبين عملکرد و سودمندی پدیده)، معنای ابزاری (پاسخگو به اهداف و کاربردهای ویژه)، معنای ارزشی و عاطفی (مبين جنبه‌های احساسی قابل درک از پدیده)، معنای نشانه‌ای و معنای نمادین می‌گردد (حبیب ۱۳۸۵ به نقل از Gibson 1950).

حبیب (۱۳۸۵) این مراحل را به صورت یک نمودار پنج قسمتی (نمودار ۱) آورده و بیان می‌دارد که هر کدام از نظریه پردازان بر جنبه ای از مراحل حصول معنی توجه داشته‌اند. لنگرونهايم بر مرتبه ادراک تأکید داشته در صورتیکه کالم و گوسلینگ علاوه بر ادراک به شناسایی نیز توجه داشته‌اند. لينچ نیز بر مرحله شناسایی و پیوند با رویدادهای مکان و زمان، اشتينز و راپاپورت بر لایه ارتباط با مفاهيم و ارزش‌های غير فضايی و پيپر و اسمیت بر جنبه‌های نمادین تأکید داشته‌اند (حبیب ۱۳۸۵).



نمودار شماره ۱: سلسله مراتب معنا (برگرفته از حبیب، ۱۳۸۵)

با بررسی متون تاریخی و همچنین تحقیقات صورت گرفته که در بالا بدان اشاره شد، عنصر آب را در شهر اصفهان صفوی می‌توان دارای عملکرد مستقیم و غیرمستقیم دانست. عملکرد مستقیم شامل استفاده و بهره‌مندی از آب به طور مستقیم در کارکردهای اصلی شهر مانند استفاده برای شرب، آبیاری باغات و مزارع، استفاده در سازه‌های آبی مانند آسیاب، استفاده در یخچال، همچنین استفاده از آب و جلوه‌های گوناگون آن در زیباسازی محیط اشاره نمود. در درجه دوم اثرگذاری می‌توان حیطه عملکرد آب را در فضاهای شهری گسترش داد تا آنجا که حضور آب در شهر باعث تأمین آب‌ها و سفره‌های زیرزمینی شده که خود از فرونشست زمین جلوگیری می‌نمود. از سویی دیگر وجود رودخانه و شبکه مادی‌ها در سرتاسر شهر باعث به وجود آمدن مسیرهای سبز شهری گشته بود که هم باعث جذابیت منظر شهری گشته و هم باعث تلطیف هوا و تأثیرات اکولوژیکی در شهر می‌گشت. از دیگر عملکردهای غیر مستقیم میتوان به استفاده از رودخانه و شبکه‌های آبی موجود به عنوان تأسیسات و زیرساخت‌های شهری اشاره نمود که به عنوان کانال‌هایی برای دفع رواناب‌ها و آب‌های سطحی مورد استفاده قرار می‌گرفت. از دیگر عملکردهایی که شاید کمتر بدان توجه شده باشد ایجاد مسیرهای جدید در امتداد مسیرهای مادی است که نقش و عملکرد حرکت و جابه‌جایی را به خود اختصاص می‌داد.

۱-۲-۳ مؤلفه معنایی: دیدگاه‌ها و نظرات گوناگونی در رابطه با سطوح معنا و طبقه‌بندی‌های سطوح مختلف تعامل میان انسان و محیط ارائه شده است. گیسون شش سطح از معنا را به صورت سلسله مراتب افزایش یابنده از مرحله ادراک را ارتباط با ارزش‌ها و

از دیگر طبقه بندی‌ها می‌توان به درجه بندی درک معنا توسط رولان بارت (۱۹۸۲) اشاره نمود که در نخستین درجه اطلاعات دریافت گردیده و معنایی که ارائه می‌شود توسط نشانه‌شناسی تعبیر می‌گردد. در دومین درجه معنای نمادین به وجود می‌آید که با علوم نشانه‌شناختی یعنی روانکاوی، اقتصاد و غیره دانسته می‌شود و در سومین درجه معنای بی‌حس و کند شکل می‌گیرد. چارلز موریس (۱۹۷۱) نیز معنا را واجد دو سطح می‌داند یکی سطح ارجاعی که در آن معنا به مصداق اشاره داشته و بیشتر به عامل خارجی تکیه دارد و دوم سطح ارزشی که مبتنی بر دستگاه ارزشی ذهن ناظر است. گیفورد عوامل مؤثر بر درک معنا را در سه عامل شخصی، فیزیکی و فرهنگی تقسیم می‌کند که عامل شخصی بر انسان و معانی موجود در ذهن او، عامل فیزیکی بر مکان و ویژگی‌های معنایی محیط و عامل فرهنگی به عقاید و ارزش‌های موجود در جامعه اشاره دارد (کلالی و مدیری ۱۳۹۱ به نقل از گیفورد). از دیگر نظریه‌هایی که در تعریف خاستگاه معنای اثر و دامنه معنایی آن وجود دارد می‌توان به طبقه بندی که رئیسی و نقره کار (۱۳۹۴) انجام داده اند اشاره نمود. در این پژوهش نظریه‌های مختلف در قالب دسته‌های مصداقی، رفتاری، قضیه‌ای، مفهومی و کارکردی عنوان شده است. بر اساس این دیدگاه اصل درک معنای اثر برآیند مؤثر، مخاطب و عوامل ثابت و نسبی در رمزپردازی و رمزگشایی از اثر است، که مجموع شرایط متغیر مکانی و زمانی از آن جمله به شمار می‌رود. بر اساس این نظریه در فرآیند تکوین معنا دو دسته عامل تأثیر گذار هستند، یکی عوامل ثابت (مشخصاً فطرت) و عوامل متغیر، نسبی و اعتباری مانند ذهنیات، زمینه و بستری که معنا در آن شکل می‌گیرد (رئیسی و نقره کار ۱۳۹۴). با توجه به

دسته بندی‌های مختلفی که بیان شد می‌توان آن‌ها را به سه عامل فردی، کالبدی و فرهنگی - اجتماعی تقسیم نمود که در جدول (۴) نشان داده شده است. نظر به تاریخی بودن موضوع پژوهش حاضر دستیابی به تمامی عوامل مذکور امکانپذیر نبوده و بنابراین تنها به بررسی برخی از آن‌ها با ارجاع به متون به جا مانده و نظام ارزشی، فرهنگی و مذهبی آن دوران پرداخته می‌شود. در این میان می‌توان به بررسی باورهای عامیانه و عقاید مذهبی، نمادها و مفاهیم در نظام اجتماعی و کارکردهای موجود برای استفاده از آب در نظام کالبدی اشاره داشت. باورها بیانگر شیوه زندگی و چگونگی تفکر و مهمترین منشأ باورها و نیایدهای انسان است. آب می‌تواند به معنای روشنایی، برکت، سلامت، خوشی و مراد در باورهای عامیانه مردم باشد. به تقریب در همه جا آب وسیله طهارت آیینی است (ذوالفقاری ۱۳۹۴). آب مبدأ جهان آفرینش و مبنای تجلی کاینات است زیرا در برگزیده صور بالقوه بوده و پیوند با آب متضمن تجدید حیات است (الیاده ۱۳۸۹). جایگاه آب در عقاید مذهبی و آیات قرآن را می‌توان در قالب دو جنبه مادی و معنوی مورد بررسی قرار داد. آب در وهله اول ماده اصلی زندگی است علامه طباطبایی آب را مایه حیات دانسته که همگی موجودات از آن به وجود آمده اند پس می‌توان گفت آب در درجه اول عامل حیات و زندگی می‌باشد (طباطبایی ۱۳۷۶). در درجه بعدی آب نماد و مایه پاکی و طهارت است. در آیه ۱۱ سوره انفال آمده است « و برای شما از آسمان آب فرو می‌فرستد تا به وسیله آن شما را طاهر و پاکیزه گرداند». تعالیم اسلامی اصولاً آب را به صفت طهور (پاک و پاک کننده) و مبارک و خجسته یاد می‌کند (نقی زاده ۱۳۸۲). از دیگر نقش‌های که در قرآن

جدول شماره ۵: معنای آب در نظام شهری و فرهنگی اصفهان صفوی

نقش	سطوح معنا	معنا	معنای آب در نظام شهری و فرهنگی اصفهان صفوی
-عامل آبادانی	کارکردی	کالبدی	
-نمادی از باغ‌های بهشتی	ارجاعی - مصداقی		
-نماد زیبایی و پاکی	ارزشی	فردی	
- عامل پاکی و طهارت	رفتاری		
- از جانب خداوند -رحمت و نعمت	ارزشی		
- نماد پاکی و مبارکی - نماد بهشت -نماد حیات و زندگی - نماد خلوص	نمادین		
-مفهوم آسمان - مفهوم آینه - عامل تذکر - همراهی با گیاه	مفهومی	اجتماعی	

و رودخانه زاینده رود و جوی های کوثر مثال که از این رودخانه منشعب شده به هر طرف جاری است» (اسکندر منشی ۱۳۷۷، ۴۵) که می توان نتیجه گرفت آب رودخانه و نه‌های جاری در شهر نه تنها باعث عامل آبادانی و حتی ایجاد شهر گشته بلکه تمثیلی از بهشت را در نظر بیننده تداعی می نمود. همچنین جنابادی (۱۳۷۸) در روضه الصفا علت انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت را وجود نه‌ها، استعداد شهریت و تعداد بسیار جمعیت و به خاطر بنیاد بهشت گونه اش عنوان می کند.

در مقیاس کوچکتر، استفاده از آب در عناصر شهری مانند خیابان چهارباغ، کاخ‌ها و باغ‌های سلطنتی بیشتر به جنبه نمادگونه آب به عنوان عنصری بهشتی و آسمانی اشاره شده است که بیشتر به صورت فواره، حوض های تزئینی و نه‌های آب در چهارباغ‌ها استفاده می شده که خود اشاره به توصیف باغ‌های

برای آب آمده است عامل آبادانی و زیبایی های زمین و رویش گیاه می باشد(بقره: ۲۱ و ۹۹ و ۱۶۴، کهف: ۴۵، قمر: ۱۱). از جنبه‌های معنوی و غیر مادی می توان به آب به عنوان نشانه و عنصری از عناصر بهشتی اشاره کرد که در معماری و شهرسازی بسیار بر این جنبه تأکید شده است. همچنین از دیگر جنبه‌ها می توان به نقش آب به عنوان عامل تذکر برای انسان نام برد(نقی زاده ۱۳۸۲).

نظم آب در تفکر مکتب شهرسازی اصفهان، نماد حیات و سرزندگی، نشانه ای مألوف و عاملی برای زیبایی و سرور باطنی است آنچه که گونه ای از بازتاب نظم عالم مثال در زمین برشمرده می شود(اهری ۱۳۸۰، ۲۶۵). اسکندر بیگ منشی در انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت از سوی شاه عباس از تمثیل آن شهر به بهشت و تشبیه نه‌های شهر به آب کوثر استفاده نموده است : « و خصوصیات آن بلده جنت نشان از استعداد مکان

بهشتی در قرآن دارد که از میان هر باغ دو نهر عبور میکنند (سوره الرحمن).

بهره گیری از آب در مسجد شاه را می توان به عنوان کمال معنا تعبیر کرد آنگونه که حوض های آبی که برای شستشو و طهارت هستند در ورودی مسجد قرار گرفته و سپس در مرکز حیاط مسجد حوضی قرار می گیرد که آب آن همیشه جاری و تازه است. این حوض آینه آب است که تصویر گنبد آسمان را که طاق واقعی پرستشگاه مثالی است در خود منعکس می کند و از طریق این آینه آسمان و زمین به یکدیگر متصل می شوند گویی آینه آب نماد و مظهر مرکزیت را در خود متجلی کرده است (استیرلن ۱۳۷۷).

اما در خانه آب معنای دیگری دارد وجود آب در خانه های دوره صفوی با توجه به فراوانی و سیستم شبکه آبیاری جزء ضروریات محسوب می شد یکی آبی که از نهر گرفته و برای آبیاری باغ خانه استفاده می گردید که عامل آبادانی و حیات خانه بود دیگری آبی که نماد طهارت و پاکیزگی برای اهل خانه محسوب می شد و تمام نیازهای روزمره وابسته به آن بود. عناصر اصلی خانه های اصفهان صفوی چنین بود: دیوار، اتاق های جداگانه ویژه مردان و زنان، باغ های گل و میوه، حوض و مهمتر از همه آب جاری (استیرلن ۱۳۷۷). در میان وجود آب جاری در یک خانه به دلایل شرعی و مذهبی مزیت بزرگی محسوب می گردید (یزدی ۱۳۶۶).

با توجه به مطالب گفته شده می توان مؤلفه های معنایی آب را در مقیاس های مختلف در جدول (۵) به طور خلاصه بیان نمود.

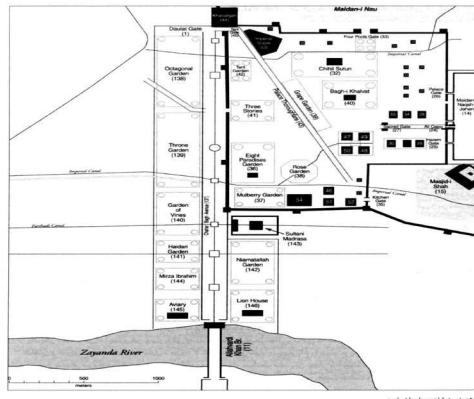
۱-۲-۴ مؤلفه زیست محیطی: از جمله اهداف توسعه پایدار می توان به حفاظت از محیط زیست که شامل آب، خاک اشاره نمود. همچنین یکی از ابعادی که

در ارزیابی زیست محیطی مورد بررسی قرار می گیرد بررسی منابع آب می باشد. گلکار (۱۳۷۹) در تبیین مؤلفه زیست محیطی مدل مکان پایدار آن را در برگیرنده مقولاتی همچون تنظیم اقلیم خرد فضاها شهر (آفتاب، جریان هوا، سایه گیری و ...) و در بعد کلان دغدغه پایداری زیست محیطی را داشته و با کیفیت تعادل مبتنی بر بوم شناسی محیط شهری و چگونگی استفاده از منابع طبیعی اعم از زمین، آب و ... در رابطه با طرح های شهری می داند.

از مهمترین تأثیراتی که وجود آب در محیط زیست شهری می گذارد به وجود آوردن فضاها سبز می باشد که این فضاها سبز یا طبیعی هستند یا انسان ساخت و در هر صورت باعث تلطیف هوا، تعدیل درجه حرارت، کاهش میزان آلودگی هوا، حفظ تعادل اکولوژیک و هیدرولوژیک و تنوع زیستی گیاهی و جانوری می شوند.

با توجه به مطالب عنوان شده آب رکنی اساسی و تأثیرگذار در ایجاد یک مکان پایدار به لحاظ زیست محیطی است و شیوه برخورد، مدیریت و استفاده از آن در اصفهان صفوی نشان دهنده اهمیت این موضوع در آن دوران بوده است. رودخانه زاینده رود همراه با مادی هایی که زمین های اطراف رودخانه را در بر می گرفت باعث ایجاد پیوستگی میان عناصر طبیعی داخل و خارج شهر می گردید.

جریان یافتن آب مادی در شهر و استفاده های متنوع آن به صورت راکد و مانایش، نقش بسزایی در تلطیف هوا بویژه در خرد اقلیم ها دارد (اهری، ۱۳۸۰). شبکه آبی موجود در شهر شبکه سبزی را به وجود آورده بود که علاوه بر ایجاد فضاها گذران اوقات فراغت و مناظر زیبا، زیستگاهی برای جانوران، دفع آب های سطحی، کنترل سیلاب ها و انسجام جوامع محلی را تأمین



تصویر شماره ۱: جانمایی باغ وحش و باغ پرندگان در حاشیه زاینده رود اصفهان صفوی (بلیک ۱۳۸۱)

عباس در کنار رودخانه پی انداخت باغ پرندگان و همچنین باغ وحش بوده که در برخی از متون تاریخی بدان اشاره شده است: «پرنده خانه شاهی در کناره‌های غربی رود و در کرانه‌های شرقی نیز شیرخانه سلطنتی قرار داشت که در آن خرس، پلنگ، گوره خر، کرگدن و شیر نگهداری می‌شد. باغ پرندگان شکاری نیز در آن سوی کرانه‌های شرقی رود قرار داشت» (همان، ص ۱۰۶). (تصویر شماره ۱)

وجود شبکه آبی در شهر اصفهان صفوی علاوه بر تبدیل اصفهان به یک باغ-شهر باعث ارتقاء هر سه جنبه اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی کیفیت زیست فضای شهری می‌گردید. به منظور بررسی جنبه‌های مختلف کیفیت زیست محیطی می‌بایست به ارزیابی اثرات زیست محیطی که عنصر آب در ساختار شهر اصفهان به جای گذاشته است پرداخت. ارزیابی اثرات زیست محیطی یک ابزار تحلیلی کارآمد برای استفاده انسان از محیط زیست از طریق یک فرایند مشخص می‌باشد که برای شناسایی و ارزیابی پروژه‌های توسعه پایدار زیست محیطی، برنامه‌ها و طرح‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در اینجا با توجه به

می‌کرد. آنچه‌آن که تاورنیه (۱۳۶۹) در وصف اصفهان می‌آورد: «از هر سمت که وارد اصفهان شویم نخست برج‌های مساجد و سپس درختان پیرامون خانه‌ها را می‌بینیم به گونه‌ای که اصفهان از دور بیشتر به جنگلی شبیه است تا به شهری» (تاورنیه ۱۳۶۹، ۳۷۹).

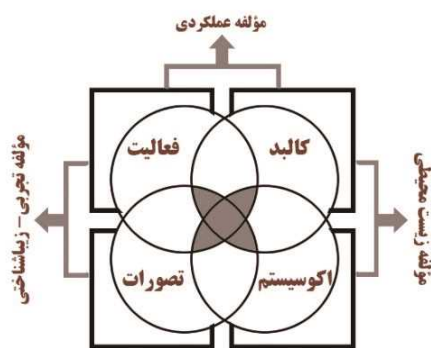
از دیگر جنبه‌هایی که می‌توان در اثر حضور گسترده آب در شهر بدان اشاره نمود وجود تنوع گونه‌های گیاهی و جانوری و همچنین تراکم آن در تمامی شهر به صورت مسیرهای سبز و همچنین محوطه وسیع باغات اشاره نمود. شاردن (۱۳۴۵) در توصیف میدان نقش جهان به وجود درخت‌های چنار وسیع در کنار نهر دور میدان اشاره دارد که شاخه‌های مرتفع این درختان جلو اطراف‌های اطراف را مانند چتر می‌پوشاند و ضمن ایجاد منظری سبز، آسایش اقلیمی را برای استفاده کنندگان از فضا به وجود می‌آورد. همچنین شاردن راجع به پوشش گیاهی خیابان چهارباغ اینگونه می‌نویسد: «دو نهر ریزه دیگر در کناره‌های غربی و شرقی خیابان درختان سرو، عذار، زرفون (سرو کوهی)، چنار و کاج را که در جای جای باغ روییده بود آبیاری می‌کرد» (بلیک ۱۳۸۱ به نقل از شاردن، ۱۰۳). از دیگر مجموعه‌هایی که شاه

جدول شماره ۶: نقش آب در پایداری زیست محیطی اصفهان صفوی

عوامل زیست محیطی	شاخص ها	نقش
محیط فیزیکی - شیمیایی	کیفیت و کمیت آب‌های زیرزمینی	مناسب
	کیفیت آب‌های سطحی	مناسب برای مصارف غیر آشامیدنی و آبیاری
	کیفیت خاک	مناسب
	عدم فرسایش خاک	مناسب
	کیفیت هوا	مناسب
	کیفیت صدا	مناسب
محیط اکولوژیکی - بیولوژیکی	تنوع گونه‌های گیاهی	بالا
	تنوع گونه‌های جانوری	مناسب
	تراکم گیاهان	بالا
	تراکم جانوران	مناسب
محیط اجتماعی - اقتصادی	جمعیت	بالا
	اشتغال	مناسب
	افزایش قیمت مستغلات	مناسب
	خدمات	متوسط
	پسماند	نامطلوب
	پس‌اب	نامطلوب
	اوقات فراغت	مناسب
	کاربری اراضی	مناسب
	طرح‌های توسعه آتی	مناسب
	پذیرش اجتماعی	مناسب
محیط فرهنگی	شاخص‌های بهداشتی	نامطلوب
	تسهیلات و خدمات	متوسط
	خدمات آموزشی	متوسط
	ویژگی‌های فرهنگی	مناسب
	میراث فرهنگی	بالا
	چشم اندازها و مناظر	بالا

نقش آب در پایداری زیست محیطی اصفهان صفوی

فعالیتی و ادراکی جنبه زیست محیطی در آن نقش ایفا می‌کند، شکل می‌گیرد. این مدل به عنوان مبانی نظری بازشناسی مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری یا به عبارت دیگر بازنمایی مؤلفه‌های سازنده کیفیت فضاهای شهری تعریف می‌گردد و از ترکیب آن «کیفیت عملکردی»، «تجربی-زیباشناختی» و «زیست محیطی» به دست می‌آید (تصویر شماره ۲) (گلکار، ۱۳۹۰، ۱۲۶).



تصویر شماره ۲: مدل مکان پایدار (گلکار، ۱۳۹۰)

از سویی دیگر مکتب شهرسازی اصفهان با داشتن دستورزبان طراحی شهری، دارای واژگان و نظم‌های خاص خود بوده که نظم آب در این مکتب در تمامی نظام‌های شهری و مقیاس‌های متفاوتی از ساختار کل شهر تا یک سقاخانه کوچک را در بر گرفته است. بعد از بررسی و تحلیل نقش عنصر آب در ایجاد وجوه چهارگانه مدل مکان پایدار در این قسمت برای جمع بندی به بررسی تطبیقی آن با شاخص‌های ارائه شده برای مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری که از مدل مکان پایدار استخراج شده است پرداخته می‌شود. در این بررسی به تأثیر عنصر آب در ایجاد هر یک از این کیفیت‌ها بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته پرداخته شده و نتایج آن در انتها در جدول (۷) به

اینکه بررسی مربوط به دوره ای تاریخی است امکان تحلیل دقیق و کمی وجود ندارد به همین خاطر با استفاده از شاخص‌های ارزیابی زیست محیطی لئوپولد و با رجوع به متون تاریخی به بررسی مؤلفه زیست محیطی آب در پایداری شهر اصفهان صفوی پرداخته شده است و نتایج آن در دامنه بالا، مناسب، متوسط و نامطلوب در جدول (۶) ذکر گردیده است.

نتایج به دست آمده در جدول ۶ نشان‌دهنده امتیاز مناسب رو به بالای نقش آب در میزان پایداری زیست محیطی می‌باشد. آنچه که در اینجا به عنوان نامطلوب آورده شده است غالباً مربوط به وضعیت بهداشت و سلامت محیط است که با توجه به نبود امکانات بهداشتی و خدماتی در آن زمان، در پژوهش حاضر مورد نظر نمی‌باشد.

۲- تحلیل تطبیقی

پایداری در ساده ترین و جامع ترین مفهوم خود، به معنای پایداری در جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی به شکلی که آسیبی به محیط زیست و منابع طبیعی موجود برای آیندگان وارد نکند، است. بیشتر مطالعاتی که پیرامون پایداری صورت گرفته مربوط به تحلیل وضعیت کنونی و یا توسعه‌های آینده بوده است و کمتر به بررسی عوامل پایداری در برهه‌ای از تاریخ پرداخته شده است. شاخص‌های مربوط به ارزیابی نیز مانند تعاریف آن بسیار گسترده بوده و بنا به هدف پژوهش و موضع مورد مطالعه متغیر هستند تا آنجا که هر شهر را بهترین مکان برای مشخص کردن شاخص‌های کلیدی پایداری می‌دانند (امین زاده ۱۳۸۷ به نقل از منوچهر طبیبیان).

در این میان مکان به عنوان جزء سازنده شهر، در فرایند توسعه پایدار اهمیت ویژه ای می‌یابد و مدلی با نام مدل مکان پایدار که به غیر از مؤلفه‌های کالبدی،

اختصار آمده است.

۱-۲ مؤلفه تجربی - زیبا شناختی

در مؤلفه تجربی - زیباشناختی اولین کیفیتی که مورد بررسی قرار می‌گیرد کیفیت محیط کالبدی - فضایی است. در طرح جدید پایتخت صفوی، نظم آب با جلوه‌های گوناگون خود نقش‌های بسیاری را در نظام کالبدی و فضایی شهر ایفا نموده است. در عین حال که رودخانه زاینده رود و شبکه مادی‌ها به عنوان عوامل هدایت توسعه و استخوان بندی شهر به کار می‌رفتند، در ارتقاء کیفیت‌های محیط کالبدی و فضایی شهر نیز تأثیرگذار بودند. آنچنان که رودخانه و در موازات آن مادی‌ها با عبور از محلات و ارسن‌های شهری مختلف، اجزای شهر را مانند دانه‌های تسبیح به هم متصل نموده و ضمن ایجاد پیوستگی و انسجام بافت، مسیر توسعه‌های آتی را نیز مشخص نمودند و از پراکندگی و از هم گسیختگی بافت جلوگیری کرده تا آنجا که آثار این شبکه به هم پیوسته در وضعیت کنونی شهر اصفهان کاملاً مشهود است.

دو کیفیت دیگری که در این مؤلفه مطرح می‌شوند، کیفیت محیط ادراکی حسی یا منظر عینی و کیفیت محیط ادراکی ذهنی یا منظر ذهنی است. رودخانه زاینده رود و شبکه مادی‌ها با طی کردن شهر مناظر عینی بی بدیلی را ایجاد نموده اند. حضور آب در شهر و کاشت درختان و گیاهان مختلف و طراحی آب در عرصه‌های مختلف شهری و معماری منظر سبز و با طراوتی را ایجاد نموده که اصفهان را تبدیل به باغ شهری در دل کویر می‌کند.

آب در ذهنیت افراد آن دوران دارای معنای مختلفی بوده است، معنای کارکردی، ارجاعی، ارزشی، رفتاری، نمادین و مفهومی. آب علاوه بر معنای کارکردی آن که آبادانی و حیات است به عنوان تمثیلی از عناصر

باغ‌های بهشتی در ساختار شهری به کار رفته است. تا آنجا که جوی‌های اصفهان را به نهرهای کوثر تشبیه می‌کنند. علاوه بر این در سطح رفتاری معنا آب را به عنوان عامل پاکی و طهارت می‌دانسته و سعی در پاک نگه داشتن و آلوده نکردن آن می‌کردند. آب در بناهای مذهبی مانند مسجد جامع عباسی معنای دیگری می‌یابد. آب در حوض میان مسجد آینه ای می‌شود برای اتصال زمین و آسمان و در بناهای حکومتی مانند چهل ستون انعکاسی از عظمت و شکوه آن دوران.

۲-۲ مؤلفه عملکردی

عملکرد اصلی آب همانا ایجاد آبادانی و رفع نیاز معیشت ساکنان شهر است که در غالب آبرسانی شرب و غیر شرب صورت گرفته است. آنچه که این شهر را با سایر شهرها متفاوت می‌کند نظام آبرسانی و پراکندگی آن است به طوریکه از آب های جاری که شامل رودخانه و شبکه مادی‌ها بوده برای کاربری‌های غیر شرب و از آب چاه که به راحتی در دسترس بوده برای مصرف آشامیدنی استفاده می‌کردند. به همین نسبت با داشتن چنین نظامی ضمن بالا بردن کیفیت آب شرب از هدر رفت آن تا حد زیادی جلوگیری شده به طوریکه سیستم مدیریتی قوی و نظامندی برای تقسیم آب رودخانه و مادی‌ها وجود داشته است.

در مؤلفه عملکردی علاوه بر کارکرد آب در سیستم شهری کیفیت‌های دیگری نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند از جمله این کیفیت ها، کیفیت قرارگاه‌های رفتاری است. آب با حضور خود شکل‌ها و کارکردهای مختلف اثرات مختلفی را بر ایجاد بستری مطلوب برای تعامل اجتماعی و حضور آب در فضاها شهری ایجاد نموده است. به طور مثال جاری بودن آب در امتداد خیابان چهارباغ و یا دور تا دور میدان نقش جهان علاوه بر ایجاد آسایش اقلیمی و حس حرکت

جدول شماره ۷: بررسی تطبیقی مؤلفه های مکان پایدار و نقش آب در نظام های شهری

مؤلفه های سازنده طراحی شهری	شاخص ها و کیفیت های فضای شهری	مؤلفه های مکان پایدار	نقش عنصر آب	
مؤلفه عملکردی	کیفیت قرارگاه های رفتاری	زیست محیطی	فراهم کردن زمینه ای برای ایجاد اوقات فراغت	
		معنا	نماد پاکی و مبارکی	
		عملکرد	تزیین فضای شهری و تلطیف هوا ایجاد فضاهای سبز	
	سازگاری فرم با کاربری	کالبد	کالبد	استفاده به صورت ساکن و جاری مطابق با کاربری جانمایی و جهت گیری مطابق با کاربری
		کیفیت شبکه پیاده	کالبد	ایجاد مسیرهای جدید
	عملکرد		ایجاد فضاهای سبز در امتداد مسیر تلطیف و تزیین فضا	
	معنا		نماد حیات و زندگی	
	زیست محیطی		کیفیت صدا و هوا تراکم گیاهان	
	کیفیت ایمنی و امنیت معابر	زیست محیطی	زیست محیطی	پذیرش اجتماعی
		معنا	معنا	عامل آبادانی
مؤلفه تجربی - زیباشناختی	کیفیت محیط کالبدی- فضایی	کالبد	جانمایی و جهت گیری	
		زیست محیطی	ایجاد تراکم گیاهی	
		عملکرد	تلطیف هوا	
	کیفیت محیط ادراکی حسی (منظر عینی)	زیست محیطی	زیست محیطی	ایجاد چشم اندازها و مناظر ایجاد تراکم گیاهی و جانوری
		عملکرد	عملکرد	تزیین فضای شهری
	کیفیت محیط ادراکی ذهنی (منظر ذهنی)	معنا	معنا	نماد باغ های بهشتی نماد زیبایی و پاکی
		معنا	معنا	مفهوم آسمان و آیینه عامل تذکر رحمتی از جانب خدا عامل آبادانی و حیات

نقش عنصر آب	مؤلفه های مکان پایدار	شاخص ها و کیفیت های فضای شهری	مؤلفه های سازنده طراحی شهری
ایجاد تراکم گیاهان تنوع گونه های گیاهی سایه اندازی بالا بردن رطوبت هوا	زیست محیطی	کیفیت اقلیم خرد فضاهای شهری	مؤلفه زیست محیطی
کیفیت هوا و صدا	زیست محیطی	کیفیت اصوات، بو و رایحه محیط	
کیفیت آب های سطحی و زیرزمینی	زیست محیطی	تقلیل آلودگی ها	
نظام مدیریت آب کارآمد	عملکرد		
عامل پاکی و طهارت	معنا		
بالا بردن رطوبت هوا ایجاد تراکم گیاهان کاهش درجه حرارت در تابستان ایجاد تراکم جانوری تنوع گونه های جانوری	زیست محیطی	تعادل اکوسیستم ها	
نظام مدیریتی آب	عملکرد		

آن گشته و زمینه را برای حضور بیشتر افراد و بالا رفتن امنیت و کیفیت فضای شهری را فراهم می آورد.

۲-۳ مؤلفه زیست محیطی

مؤلفه آخر که وجه تمایز مدل مکان با مدل مکان پایدار است، مؤلفه ای که توجه به محیط زیست موجود در شهر، هدف اصلی آن است. شهر به عنوان یک اکوسیستم می بایست دارای تعادل باشد و از هر گونه دخالت و تصرفی که منجر به برهم خوردن نظم آن شود اجتناب ورزید. حال سوال اصلی این است که آب در شهر صفوی چه نقشی را در ایجاد این تعادل ایفا نموده است. عنصر آب خود به عنوان یکی از مهمترین و اصلی ترین منابع زیست محیطی بستری برای ایجاد تنوع زیستگاه های گیاهی و جانوری فراهم

و پویایی باعث سرزندگی و طراوت فضای شهری می گردید و در مکان هایی که فضا برای مکث و تأکید طراحی شده بود آب به صورت ایستا با حوضی بزرگ و فواره ای میان آن جلوه می کند که این خود متضمن کیفیت سازگاری فرم با عملکرد فضا نیز هست.

جنبه دیگر تأثیر حضور آب ارتقاء کیفیت شبکه معابر است. همانطور که در بررسی اسناد تاریخی بیان گردید مادی ها به عنوان مسیرهای سبز هدایت توسعه شهر نیز مورد استفاده قرار می گرفتند و مسیرها و معابر جدید پیرامون مادی ها شکل می گرفت و شبکه مادی ها علاوه بر نقش اتصال دهنده اجزاء شهری دارای نقش عبور و مروری نیز بوده اند. همچنین حضور آب و همراهی آن با گیاه باعث ارتقاء کیفیت محیطی شبکه معابر پیرامون

نموده است. رودخانه زاینده رود به همراه شبکه مادی با گسترش شهر علاوه بر آبیاری، مسیرها و لکه های سبزی را در سرتاسر شهر به وجود آورده اند که با تقویت و توسعه این شبکه در دوره صفویه اصفهان تبدیل به باغ شهر می شود.

وجود شبکه آبی علاوه بر تبدیل اصفهان به یک باغ شهر باعث ارتقاء کیفیت خرد اقلیم های شهری شده و با ایجاد فضای سبز و تلطیف هوا آسایش اقلیمی را برای مردم شهر به همراه آورده و باعث تعادل اکوسیستم های موجود در شهر می گردید. در کل می توان عنوان نمود عنصر آب و جلوه های بروز و ظهور آن در شهر صفویه طبیعت را با ساختار شهری پیوند زده و حتی طبیعت را به عنوان عنصری از عناصر اصلی ساختار شهری مطرح کرده است.

نتیجه گیری

عنصر آب، عنصری مقدس از عناصر چهارگانه به عنوان یکی از نظم های موجود در مکتب شهرسازی اصفهان شناخته می شود. نظم آب با جلوه های گوناگون بصری، کالبدی، عملکردی و معنایی خود در سرتاسر شهر دوران صفوی، باعث به وجود آمدن کیفیت های بسیاری در فضاهای شهری آن دوران گردیده بود. عنصر آب در قالب رودخانه و شبکه مادی ها به عنوان عنصری تأثیر گذار در شکل دهی و جانمایی عناصر شهری و هدایت توسعه شهر نقش بسزایی را ایفا نموده است. از سویی دیگر در نظام عملکردی با تأثیرات مستقیم و غیر مستقیمی که در ساز و کار شهر داشت در درجه اول با هدف آبرسانی و در درجه دوم به عنوان یک زیر ساخت شهری در دفع سیلاب ها و نشست زمین ایفای نقش می نمود. معنای آب در ذهنیت و تصورات ساکنان شهر به کمال خود رسیده و تمثیلی از بهشت را در ذهن تداعی می کند. اما در مورد

مؤلفه زیست محیطی، وجود آب با پهنه های سبزی که در شهر به وجود آورده باعث تعادل اکوسیستم شهری گردیده و علاوه بر تأمین زیستگاه های گیاهی و جانوری باعث ارتقاء کیفیت خرد فضاهای شهری شده است. با توجه به بررسی های صورت گرفته می توان عنوان داشت که عنصر آب و چگونگی به کارگیری آن در نظام های مختلف شهری در بوجود آوردن بستری جهت شکل گیری مکان پایدار بسیار مؤثر بوده است. اما اینکه بتوان بطور یقین بیان داشت که شهر اصفهان صفوی نمونه ای کامل از یک مکان پایدار به معنای امروزی بوده است به چند دلیل امکان پذیر نمی باشد. اول اینکه در این پژوهش صرفاً به بررسی نقش آب در پایداری فضاهای شهری با استفاده از مدل مکان پایدار پرداخته و بقیه موارد و عوامل در نظر گرفته نشد. دوم اینکه برخی از شاخص های پایداری که امروزه به کار می روند در آن دوران مطرح نبوده است و امکان ارزیابی وجود ندارد. سومین دلیل به علت در دسترس نبودن مدارک کافی و عدم تطابق زمانی امکان ارزیابی محیط به صورت برداشت موضعی فراهم نیست و تنها مستندات موجود، اسناد تاریخی، سفرنامه ها و بناهای به جا مانده از آن دوران است. با این وجود می توان از مطالعات و تحلیل های صورت گرفته و بررسی تطبیقی مؤلفه های مکان پایدار این نتیجه را برداشت نمود که طراحی و به کارگیری عنصر آب در مکتب شهرسازی اصفهان باعث بالا رفتن برخی شاخص های پایداری و همین طور ارتقاء کیفیت های سازنده فضاهای شهری و ایجاد مکانی پایدار گردیده است.

منابع و مآخذ

- آریانا، اندیشه. ۱۳۹۲. اصفهان، شهر آب و آینه. ماهنامه دانش نما (۲۳): ۱۰۲-۱۱۸.
- استیرلن، هانری. ۱۳۷۷. اصفهان تصویر بهشت.

- ترجمه جمشیدارجمند. تهران: نشر و پژوهش فروزان روز.
- اسکندریک، منشی. ۱۳۷۷. تاریخ عالم آرای عباسی. تصحیح محمداسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- اصفهانی، محمد مهدی بن محمدرضا. ۱۳۳۸. نصف جهان فی التعریف الاصفهان. تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده. تهران: امیرکبیر.
- الیاده، میرچا. ۱۳۷۲. رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- امین زاده، بهناز. ۱۳۸۷. مجموعه مقالات توسعه شهری پایدار. تهران: دانشگاه تهران.
- اهری، زهرا. ۱۳۸۰. مکتب اصفهان در شهرسازی. تهران: دانشگاه هنر.
- بحرینی، سید حسین، مکنون، رضا. ۱۳۸۰. توسعه شهری پایدار: از فکر تا عمل. نشریه محیط شناسی ۲۷ (۲۷): ۶۰-۴۱.
- بلیک، استیون پی. ۱۳۸۱. نصف جهان: معمای اجتماعی اصفهان صفوی، ترجمه محمد احمدی نژاد. اصفهان: نشر خاک.
- تاورنیه، ژان باتیست. ۱۳۶۹. سفرنامه تاورنیه. ترجمه ابوتراب نوری. تهران: سنایی.
- جمشیدی، مژده. ۱۳۸۹. راهی به سوی ایجاد محیط زیست شهری پایدارتر (طراحی مادی نیاصرم). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان.
- جناب، علی. ۱۳۷۶. الاصفهان. ترجمه محمدرضا ریاضی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- جنابادی، میرزا بیگ بن الحسن الحسینی. ۱۳۷۸. روضه الصفویه. به کوشش غلام رضا طباطبایی مجد. تهران: دانشگاه تهران.
- حبیب، فرح. ۱۳۸۵. کندوکاوی در معنای شکل شهر. نشریه هنرهای زیبا (۲۵): ۵-۱۴.
- حبیبی، سید محسن. ۱۳۷۷. مکتب اصفهان در شهرسازی. هنرهای زیبا (۳): ۵۳-۴۸.
- حسینی ابری، سید حسین. ۱۳۷۹. زاینده رود از سرچشمه تا مرداب. اصفهان: گلها.
- حسینی ابری، سید حسین. ۱۳۸۷. اصفهان، ره آورد زاینده رود. سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان. اصفهان: طوبی نصف جهان.
- حقیقت بین، مهدی و انصاری، مجتبی و پورجعفر، محمدرضا. ۱۳۸۶. طراحی پایدار در فضای سبز شهری اصفهان در دوران صفویه و تخریب آن در دوران معاصر. دوفصلنامه مدرس هنر ۲ (۱): ۱۹-۲۷.
- دلاواله، پیترو. ۱۳۷۰. سفرنامه. ترجمه شعا خالدین شفا. تهران: علمی و فرهنگی.
- ذوالفقاری، حسن. ۱۳۹۴. باورهای عامیانه مردم. تهران: نشر چشمه.
- رئیسی، محمدمنمان و نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۹۴. هستی‌شناسی معنا در آثار معماری. هویت شهر ۹ (۲۴): ۵-۱۶.
- شاردن، ژان. ۱۳۴۵. سیاحتنامه شاردن. ترجمه محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.
- طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۷۶. تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. چاپ نهم. تهران: دفتر اشارات اسلامی.
- عالمی، مهوش. ۱۳۸۷. باغ‌های شاهمی صفوی. ترجمه مریم رضایی پور و حمیدرضا جیحانی. گلستان هنر (۱۲): ۴۷-۶۸.
- عباس زادگان، مصطفی. ۱۳۸۶. استراتژی پژوهش در طراحی شهری. فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی (۵۶): ۴۷-۳۸.

- کاتر، دیوید. ۱۳۹۲. روانشناسی مکان. ترجمه مریم امیری خواه. تهران.
- کلالی، پریسا، مدیری، آتوسا. ۱۳۹۱. تبیین نقش مؤلفه معنا در فرایند شکل گیری حس مکان. نشریه هنرهای زیبا ۱۷ (۲): ۴۳-۵۱.
- کمپفر، انگلبرت. ۱۳۶۰. سفرنامه کمپفر. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: انتشارات خوارزمی.
- گلکار، کوروش. ۱۳۷۹. مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری. نشریه صفا (۳۲): ۶۵-۳۸.
- گلکار، کوروش. ۱۳۹۰. آفرینش مکان پایدار، تأملاتی در باب نظریه طراحی شهری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ماجدی، حمید، احمدی، فرشته. ۱۳۸۷. نقش مادی ها در شکل گیری ساختار فضایی شهر اصفهان. نشریه هویت شهر ۲ (۳): ۳۹-۵۰.
- ماجدی، حمید، زبردست، اسفندیار و بهاره مجربی کرمانی. ۱۳۹۱. تحلیل عوامل مؤثر بر الگوی رشد کالبدی شهرهای بزرگ ایران. نشریه معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا). ۱۷ (۳): ۴۹-۶۰.
- محمودیان، صفا، قیومی بیدهندی، مهرداد. ۱۳۹۲. هنجار مادی: نظام مدیریت آب در اصفهان صفوی. دو فصلنامه دانشگاه هنر (۱۰): ۱۴۱-۱۵۳.
- مدنی پور، علی. ۱۳۷۹. طراحی فضای شهری نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی. ترجمه فرهاد مرتضایی. تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی.
- مدیری، آتوسا. ۱۳۸۷. مکان. نشریه هویت شهر ۲ (۱۲): ۶۹-۷۹.
- نامداریان، احمدعلی، بهزادفر، مصطفی و سمیمه خانی. ۱۳۹۵. نقش شبکه مادی ها در سازمان فضایی اصفهان تاریخی: از آغاز تا پایان دوره صفویه. دو فصلنامه مطالعات معماری ایران ۵ (۱۰): ۲۰۷-۲۲۸.
- نقی زاده، محمد. ۱۳۸۲. مشخصه های آب در فرهنگ ایرانی و تأثیر آن بر شکل گیری فضای زیست. نشریه محیط شناسی ۲۹ (۳۲): ۷۱-۹۲.
- یزدی، جلال الدین محمد. ۱۳۶۶. تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال. به کوشش سیف الله وحیدنیا. تهران: انتشارات وحید.
- Barthes, R. 1982. L'Obvie et L'obtus, Paris.
- Gibson, J. 1950. The perception of the visual world. Houghton Mifflin. Boston.
- Morris, C.W. 1971. Writings on the General Theory of Signs. Mouton, Den Haag.

تأثیر عوامل کالبدی و غیر کالبدی بر هویت محله‌ای^۱ (نمونه مورد مطالعه: محله ستار، منطقه ۱۵ شهر اصفهان)

مریم کریمی آذر

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، پژوهشگر جهاد دانشگاهی، اصفهان، ایران

مهری شاه‌زیدی^۲

دکتری جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی و مربی جهاد دانشگاهی، اصفهان، ایران

فصلنامه پژوهش‌های مکانی فضایی، دوره ششم، پیاپی ۲۵، زمستان ۱۴۰۱، صص ۱۰۹ - ۱۲۹

چکیده

هویت محله‌ای را می‌توان تحت تأثیر دو نوع عامل دانست: عوامل کالبدی و عوامل غیرکالبدی یا اجتماعی. هر یک از این عوامل، تأثیر منحصر به فرد خود را بر هویت یک مکان یا یک محله دارند. درک ارتباط این عناصر و میزان تأثیر آن‌ها می‌تواند به برنامه‌ریزی مؤثرتری در جهت ارتقای هویت یک محله بیانجامد. هدف اصلی این پژوهش فراهم کردن درکی عمیق‌تر از تأثیر عوامل کالبدی و غیرکالبدی بر هویت محله است. با این حال، امکان مطالعه تمامی عوامل تأثیرگذار در این پژوهش وجود ندارد. از این رو، عواملی در پژوهش وارد شدند که در طی کاوش‌های میدانی مشخص شد که عواملی چالش‌برانگیز در محله هستند. این عوامل عبارت‌اند از: «روابط همسایگی و امنیت به عنوان عوامل غیرکالبدی، منظر محله، ایمنی و دسترسی به خدمات به عنوان عوامل کالبدی». این پژوهش بر مبنای تحلیل کمی ۱۰۰ پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS انجام شده است. تعداد نمونه نیز بر مبنای فرمول کوکران تعیین شده است. در نهایت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد همه این عوامل، به جز عامل ایمنی، تأثیر معناداری بر هویت محله‌ای دارند.

واژگان کلیدی: محله، هویت محله‌ای، هویت کالبدی، هویت اجتماعی.

۱ مقاله حاضر، مستخرج از طرح «ارتقای کیفی محله ستار، منطقه ۱۵ شهرداری اصفهان» تهیه شده توسط گروه مطالعات کالبدی شهر (research.technology.jdisf@gmail.com) در معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد اصفهان و به کارفرمایی معاونت شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان می‌باشد.

۲. نویسنده مسئول: mehrishahzeidi@gmail.com

در این بین، مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، محلّه را ملاک عمل قرار داده و برنامه‌های محلّه محور را در دستور کار خود قرار داده است. طرح‌های ارتقای کیفی محلات شهر اصفهان، طرح شناسنامه فرهنگی-اجتماعی محلات، طرح‌های مرتبط با گردشگری محلّه محور و طرح‌های نیازسنجی شهر تنها تعداد محدودی از طرح‌هایی است که بر مبنای محلّه انجام می‌شود؛ اما سؤال مهم این است که در حال حاضر و در دوران شهرگرایی مدرن در شهرهای ایرانی، چه عواملی در به وجود آمدن هویت محلّه‌ای مؤثر هستند؟ هویت محلّه‌ای یک محلّه را چطور و به وسیله چه عواملی می‌توان بهبود بخشید؟ پاسخ به این سؤالات می‌تواند باعث بهبود وضعیت هویت محلّه‌ای و به تبع آن هویت شهری گردد.

در این راستا، پژوهش حاضر در این دوره زمانی که نظام محلّه‌ای در حال تغییر است عوامل تأثیرگذار بر هویت محلّه‌ای را مورد مطالعه قرار داده است. نکته قابل توجه آن است که تاکنون عوامل بسیاری به عنوان عوامل مؤثر بر هویت محلّه‌ای مطرح شده است؛ اما مطالعه همه این عوامل برای یک محلّه ممکن و شدنی نیست. از این رو، در ابتدا از خلال مطالعات اکتشافی میدانی و مصاحبه، عوامل کالبدی و اجتماعی که در محلّه چالش برانگیز تشخیص داده شد در پژوهش وارد گردید. این عوامل شامل روابط همسایگی، امنیت، ایمنی، منظر و دسترسی به خدمات می‌شود.

مبانی نظری

محلّه

محلّه تعریف مورد توافق دقیقی ندارد. این کلمه هم بر حالت فیزیکی مکان و هم بر گروه افرادی که در آن مکان زندگی می‌کنند، اشاره دارد (عبداللّهی و دیگران،

هویت‌های شهری و ملی محصول نقاط پیوندی هستند که هویت‌های فردی و خانوادگی را به آن‌های گره می‌زنند. به نظر می‌رسد که محلّه یکی از این نقاط پیوند است. در واقع محلّه‌ها اولین فضاهایی هستند که زمینه ارتباط فرد با افرادی غیر از دایره خانواده را فراهم می‌کنند و درکی اولیه از مفهوم اجتماع را برای فرد رقم می‌زنند. به همین دلیل، هویتی که فرد از خلال محلّه کسب می‌کند، یا همان هویت محلّه‌ای، در شکل‌گیری هویت‌های سطح بالاتر اهمیتی کلیدی دارند و در صورتی که شکل‌گیری هویت محلّه‌ای با مشکل مواجه شود می‌توان انتظار بحران‌های هویتی در سطوح بالاتر را نیز داشت. از این نظر، مهم است که بدانیم هویت محلّه‌ای تحت تأثیر چه عواملی قرار دارد. با این حال، باید در نظر داشت محلّه‌های امروزی با آنچه در گذشته با آن مواجه بودیم، متفاوت‌اند.

محلات به عنوان یکی از اجزای اصلی تشکیل دهنده سازمان فضایی شهرها، از گذشته‌های دور نقش ویژه‌ای در ساخت هویت شهرها بر عهده داشته‌اند. در گذشته محلات شهری، مکانی برای گردآمدن افراد با ویژگی‌های قومی-نژادی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و... مشترک بوده است که با تجمع بیشتر افراد با ویژگی‌های مشترک در یک محدوده، آن بخش از شهر دارای هویت خاص و شناخته‌شده‌ای می‌بود. هویتی که سبب ایجاد فضاهایی با کارکرد و عملکردهای خاص شده و بافت محلّه را از محدوده‌های اطراف آن متمایز می‌گرداند. امروزه به نظر می‌رسد محلات از نظر اجتماعی و کالبدی دگرگون شده و مختصات گذشته را ندارند. خبری از تفکیک‌های قومی، شغلی، فرهنگی و... در محلات نیست. اوقات فراغت، تفریح، تحصیل، اشتغال، اقتصاد و... محدود به محلات نیست و تعریف

۱۳۸۹). رابرت کوان نیز در دائره‌المعارف شهر^۱ خود محله را این‌گونه توصیف نموده است: منطقه یا موقعیت؛ منطقه‌ای در اطراف مکانی یا چیزی؛ بخش قابل تفکیکی از یک منطقه شهری منطقه‌ای مرکب از کاربری‌های مختلف که به صورت ساختار شهری به حالت یکپارچه درآمده است (Cowan 2005:256-257). شکویی محله را جایی می‌داند که از خانه‌های مجاور هم در یک مقیاس جغرافیایی تشکیل می‌شود و از تجمع، پیوستگی کم‌وزیاد، معاشرت نزدیک، روابط همسایگی محکم و اتحاد میان گروهی از مردم به وجود می‌آید که برای تشکیل آن، وجود این شرایط ضروری است: «دارا بودن یک حوزه جغرافیایی مشخص، پیدایش و تکوین یک اجتماع کوچک گروهی از مردم شهر و وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم» (شکویی، ۱۳۶۹: ۴۹).

لینچ محله را قسمت نسبتاً بزرگی از شهر می‌داند که واجد خصوصیات مشابه و یکدست باشد و ناظر بتواند به آن وارد شود. خصوصیتی که سیما و پیکر محله را مشخص می‌کند، عوامل خاص آن محله هستند که ممکن است اجزای بی‌شمار و متنوع داشته باشند. بافت محله، فضای آن، فرم و اجزای آن، نوع ساختمان‌ها و نوع استفاده از ساختمان‌ها، فعالیت‌ها، ساکنین و... عوامل خاص محله هستند (لینچ ۱۳۷۴، ۱۲۲-۱۲۶).

محله می‌تواند از ابعاد مختلف تعریف شود. برای مثال، محلات از نظر اداری با دیوار، راه و یا مرزهای تعیین شده و مشخص؛ از نظر اجتماعی، با ادراک ساکنین محلی؛ از نظر عملکردی با حوزه‌های خدمات محلی؛ از نظر زیست‌محیطی با خصوصیات ترافیکی، کیفیت و امنیت و بالاخره از نظر زیبایی با داشتن

ویژگی‌های مشخص یا عمر و سن توسعه می‌شوند (Barton, 2003: 16). به نقل از عزیز، (۱۳۸۵: ۳۵). محله می‌تواند به‌عنوان یک ناحیه یا حوزه سیاسی نیز تعریف شود و توأمان مؤلفه‌های فیزیکی (مکان محور) و اجتماعی (مردم محور) را در برمی‌گیرد (ماجدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۲-۴۱).

خصوصیات متمایز محلات مختلف کمک می‌کند تا به شهر به‌عنوان یک کل ساختار ببخشند. میزان همگنی و تفاوت‌های بارز محله از سایر قسمت‌های شهر، متغیر خواهد بود. خیلی از محلات به تدریج در محله دیگر ممزوج می‌شوند به صورتی که هیچ مرز مشخصی بین آن‌ها قابل تعریف نیست: در زمین و همچنین در مورد ادراکات ساکنان (چپ من، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

سازمان و استخوان‌بندی محله نیز می‌تواند یکی از محورهای کلیدی در تعریف محله باشد. وجود و تداوم محور اصلی محله همراه با گذرهای پیاده، شبکه‌های از مراکز فرعی محله و وحدت شکلی آن را باید چارچوب و استخوان‌بندی اصلی محله دانست (حیبی، ۱۳۸۲: ۳۴).

با در نظر گرفتن تعاریف مختلف محله از جمله تعاریف ایرانی و خارجی به‌طور کلی می‌توان گفت همان‌گونه که در مقیاس جهانی، شهرها برحسب اندازه، فرم، تراکم و سایر ویژگی‌های خود متفاوت هستند و قطعیت اندازه برای آن‌ها ارائه نشده است؛ برای محله نیز شاخص‌هایی نظیر جمعیت، سطح و شکل، معرف آن‌ها نیستند. در مقابل، عواملی نظیر هویت قابل تشخیص، ادراک ساکنین، نام و مرزهای کالبدی، معرف محله‌ها هستند (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۶).

هویت محله‌ای

ساخت یا شکل‌گیری هویت محله‌ای یک فرایند پیچیده مکانی-اجتماعی در حوزه شهرشناسی به شمار می‌رود

و در توضیح آن نیاز است بدانیم که مردم چگونه جایی را که در آن زندگی می‌کنند؛ درک و بازگو می‌نمایند (ماجدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۲). از آنجاکه شناخت «هویت محله‌ای» در محیط‌های شهری در ارتباط با «هویت شهری» قرار دارد (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹)؛

شناخت هویت شهری از منظر اندیشمندان مختلف نیز حائز اهمیت است. به‌عنوان مثال، گودرون منظر عینی را ارائه می‌دهد، برای کوین لینچ تحلیل منظر ذهنی مهم است و کارل کروفر ریخت‌شناسی شهر را عامل تشخیص و هویت شهر می‌یابد (جهانی دولت‌آباد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹۴). بهزادفر سه محیط طبیعی، مصنوع و انسانی را مؤلفه‌های سازنده هویت شهر ذکر می‌کند (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

از آنجایی‌که «هویت»، مجموعه‌ای از صفات و مشخصاتی است که باعث «تشخص» یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر می‌گردد؛ محله نیز به تبعیت از این معیار، شخصیت یافته و مستقل می‌گردد. به عبارت بهتر، محله با هویت محله‌ای است که از سایر مکان‌ها و محله‌ها قابل تمییز و تشخیص باشد (McMalain, D.W, and Chavis, 1986). هویت محله‌ای را احساس تعلق به یک محله مسکونی نیز تعریف می‌کنند (Foth, 2004: 8-9).

قاسمی، شرایط هویت‌مندی یک محله را به‌این ترتیب برمی‌شمرد: ۱- تعلق مکانی ساکنان محله به محیط زندگی‌شان ۲- خاطر‌های که در ذهن ساکنان از محله برجای مانده است. ۳- خاطرات جمعی که در حافظه جمعی ساکنان از محله برجای مانده ۴- حس تعلق خاطر افراد به محله خودشان. همچنین، توقعات موضوعی شامل حس آسایش، امنیت، آرامش، خودمانی بودن، دنجی، حس تعلق به مکان و امکان ایجاد تعاملات اجتماعی میان ساکنان از مکان سکونت

را برای هویت بخشی به محله مسکونی لازم می‌داند (قاسمی، ۱۳۸۳: ۶۹-۷۰).

افروغ، سیمای فیزیکی، فعالیت و معنا را مواد خام هویت مکانی بیان می‌کند که دیالکتیک میان این سه روابط ساختاری این هویت را می‌سازد. به اعتقاد او انسان با معنایی که به دو مؤلفه دیگر هویت مکان؛ یعنی کالبد و جسم فیزیکی و فعالیت‌هایی که در این کالبد رخ می‌دهد، می‌بخشد؛ هویت مکانی ویژه‌ای را برای هر مکان تعریف می‌کند (افروغ، ۱۳۷۷: ۵۲-۵۳).

هویت محله‌ای را می‌توان تحت تأثیر دو دسته عنصر دانست: عناصر کالبدی یا سیمای محله و عناصر کارکردی یا محتوای محله. مرور ادبیات نظری و تجربی نشان می‌دهد که تحقیقات انجام‌شده را در چند گروه عمده می‌توان تقسیم نمود: برخی از تحقیقات به موضوع هویت اجتماعی مکان پرداخته‌اند؛ برخی هویت کالبدی را مدنظر قرار داده‌اند؛ و گروهی دیگر به هویت محله‌ای (ترکیب ابعاد کالبدی و ابعاد اجتماعی) توجه نموده‌اند. جدول زیر خلاصه‌ای از ادبیات موجود را در قالب سه مورد ذکر شده ارائه کرده است:

پیشینه نظری و تجربی نشان می‌دهد که عوامل بسیاری در هویت مکان و به‌طور خاص هویت محله‌ای اثرگذار هستند. عواملی که می‌توان آن‌ها را در دو دسته کالبدی و اجتماعی دسته‌بندی نمود. با این حال، بررسی همه این عوامل در چهارچوب یک مقاله اگر ناممکن نباشد مطلوب نیست؛ چراکه مطالعه برخی از این عوامل در محله ستار محلی از اعراب ندارد و از سوی دیگر، وارد کردن تعداد زیادی متغیر به پژوهش از دقت آن به‌شدت می‌کاهد. از این رو، از میان معیارهای مؤثر بر هویت محله‌ای، پنج عامل «دسترسی به خدمات»، «منظر محله (مطلوبیت زیباشناختی)»، «ایمنی»،

جدول شماره (۱): دسته‌بندی و خلاصه پیشینه ادبیات نظری

هویت مکان		
نظر به پرداز	عوامل کالبدی	عوامل غیر کالبدی
دانشپور و دیگران (۱۳۸۸)	زمینه و بستر، وجود خدمات و تسهیلات، موقعیت قرارگیری مکان در زمینه شهری و نحوه ارتباط با پیرامون	حضور افراد با خصوصیات مشابه، جنسیت، طبقه، مذهب، قوم، فرهنگ و مذهب، گرایش‌های سیاسی افراد، قدرت، آزادی، علائق، نظام اجتماعی و علائق مشترک، خاطرات و تجارب، رضایت‌مندی از مکان، تسهیلات، تناسب مکان با عملکرد و زمینه، پایداری، مشخصات بصری، مدیریت، ارزش اقتصادی مکان، تجسم ساکنین از واحدهای مشابه و بافت اجتماعی مکان و ویژگی‌های شهرسازانه و معمارانه، ارتباطات اجتماعی و مشخصات زمینه‌ای مکان، عوامل فعالیتی و تعاملی، عامل زمان، مشارکت در طراحی مکان
میرمقتدایی (۱۳۸۸)	انواع فضاهای عمومی و پاتوق‌ها در مقیاس شهر و محلات، حفظ بناهای تاریخی و محلات شهر، احداث یادمان‌های شهری، حفظ نام‌ها و اسامی	امنیت اجتماعی و محیطی، تنوع قومی، طبقات اجتماعی، مهم‌ترین وقایع تاریخی شهر، برگزاری مراسم و آیین‌های ملی، مذهبی و باستانی، ثبات و تداوم سکونت در شهر، تعلق به مکان، جایگاه شهر در ادبیات و سینما
حبیبی (۱۳۸۲)	ایجاد، تقویت و تداوم محور اصلی، ایجاد شبکه‌ای از مراکز، ایجاد وحدت شکلی از طریق پیمون بندی، ایجاد نشانه‌های شهری، تنظیم سلسله‌مراتب فضایی، تقویت گذر اصلی پیاده	ترکیب عملکردها برای ایجاد وحدت فضایی ایجاد عرصه عمومی به‌عنوان بستر روابط اجتماعی
رحیم‌یون (۱۳۹۰)	توجه به عنصر خیابان، نفوذپذیر بودن بافت، انعطاف‌پذیر بودن فضاها، خوانایی، آزادی انتخاب، ایجاد انگیزش (کاربرد فرم‌های شهری متباین)، حفظ تسلسل حرکت‌ها، محصوریت فضاها، پیوستگی لب‌ها، کنترل محورها و پرسپکتیوها، توجه به ارزش‌های معمارانه محیط، مقیاس انسانی، آسایش پیاده‌ها، کاربری مختلط (سرزندگی و تنوع استفاده)، سازگاری، دسترسی، طراحی برای پیاده‌ها.	اختلاط اجتماعی، سرزندگی، معنی (حس)، امکان زندگی اجتماعی در مقابل زندگی خصوصی، به گوش رسیدن آوای گذشته، تنوع حضور عملکردها، فرم‌ها و اشخاص و گروه‌های اجتماعی در مکان، سازگاری بصری، غنا، قابلیت شخصی‌سازی، توجه و مشورت با تمام گروه‌های جامعه، شادابی‌بخش بودن و ایجاد خوشایندی بصری محیط، ملحوظ داشتن فعالیت‌های مناسب، کنترل و نظارت، کارایی و عدالت، لحاظ نمودن پیوندهای بومی - منطقی‌های، حفاظت تاریخی و مرمت شهری، ویژگی‌های بستر و محیط فرهنگی و طبیعی، پاکیزگی و نگهداری از اکوسیستم‌ها
قاسمی (۱۳۸۳)	درهم‌تنیدگی، نفوذپذیری، خوانایی، نظام پרוخالی، محصوریت معابر، تراکم ساخت‌وساز، خط آسمان، خط بام، سبک ساخت، رنگ و مصالح، قدمت دانه‌ها، نحوه جابه‌جایی افراد، عوارض طبیعی، پوشش گیاهی، وجود عناصر طبیعی خاص، تراکم ساخت‌وساز، ظاهر دانه‌ها، کیفیت ورودی، وضعیت گروه، ساختار محله، موقعیت استقرار و هم‌جواری‌های خاص، چشم‌اندازهای ویژه، عوارض خاص طبیعی، حضور ویژه عناصر طبیعی، وجود عناصر منحصربه‌فرد و نقش انگیز، قدمت محله، توسعه محله، استقرار و فاصله نسبت به نقاط شاخص، کاربری‌ها و نحوه استقرار آن‌ها، تفاوت کالبدی دانه‌ها، تفاوت کالبدی فضاها، وجود مجموعه‌های همسایگی خاص، وجود فعالیت‌های خاص، وجود کالدهای خاص، به‌کارگیری نشانه‌ها، حضور عناصر طبیعی به شکلی خاص، وجود عناصر طبیعی خاص	آسایش، امنیت، آرامش، خودمانی بودن، دنجی، میزان و نحوه حضور ساکنان، زندگی در شب، معنی‌دار بودن نام محله، معنی‌دار بودن اسامی فضاهای محله، انجام فعالیت‌های خاص، قشر اجتماعی خاص، نحوه و میزان حضور ساکنان، تراکم جمعیت، کاربری غیرمسکونی خاص، عناصر خاطره‌انگیز، حال و هوا و نقش خاص، داشتن نام خاص، محل زندگی شخصیت‌های خاص، وجود پاتوق‌ها
کوبین لینیچ (۱۹۶۰)	قابلیت زیست، انطباق فرم با عملکرد، دسترسی مناسب (خیابان‌های آرام، ایمن و خدمات روزانه)	قابلیت درک، قابلیت کنترل و مراقبت و نظارت، کارایی، عدالت
فریتز استیل (۱۹۸۱)	اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری	تاریخ، تخیل، توهم، رمز و راز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی، زیست‌پذیری و خاطره
پونتر و مونگومری (۱۹۹۸)	منظر شهری، چشم‌انداز، نفوذپذیری، شکل ساخت، میلمان، استفاده از مکان، روانی پیاده‌رو، روانی نقلیه، رفتار، الگوها، خوانایی، بو و صدا. فرم مکان: مقیاس، مرکزگرایی، نفوذپذیری، نشانه‌ها، فضاهای ساخته‌شده، نسبت‌ها، فضاهای عمومی.	همکاری فرهنگی، عملکردهای ادراکی، تشخیص و ارزیابی کیفی. تصویر ذهنی مکان: خاطره و نمادگرایی، خوانایی و نمایانی، تجربه‌های حسی، ارتباطات روانی، ادراک، شخصی و جهانی. فعالیت مکان: گوناگونی، سرزندگی، زنده‌بودن خیابان، نظاره‌کردن مردم، کافه فرهنگی، سرگرمی‌های محلی سستی، ساعت‌های فعالیت، فعالیت‌های جاذب، معامله و اقتصاد.

«امنیت» و «روابط همسایگی» بر اساس وضع موجود محله (با توجه به کاوش‌های میدانی) به‌عنوان عوامل بحث‌برانگیز انتخاب و سنجش شده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، عوامل موردبررسی در مشاهدات و کاوش‌های میدانی، وضعیتی متفاوت نسبت به پرسشنامه تکمیل‌شده در محله داشته و نیاز به بررسی بیشتر در زمینه تأثیر بر هویت محله‌ای محسوس بود. این عوامل در ادامه مختصراً توضیح داده خواهد شد:

روابط همسایگی

روابط همسایگی معیاری نیازمند بررسی در محله ستار بود. از یک‌سو، روابط همسایگی در محله به‌خوبی جریان داشت و از سوی دیگر گروهی از مردم محله ذکر می‌کردند که به دلیل نداشتن حریم خصوصی و دخالت همسایگان مایل به مهاجرت از محله هستند. به همین دلیل روابط همسایگی به‌عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار بر هویت محله‌ای انتخاب شد. در حوزه روابط همسایگی و تعاملات اجتماعی در محلات شهری و تأثیر آن بر هویت محله‌ای، ایده‌های نظری بسیاری مطرح است که برخی از آن‌ها بررسی می‌شوند.

هویت مکانی و احساس تعلق محله‌ای در میان افراد از طریق انواع ارتباطات و مراودات اجتماعی که همسایگان با یکدیگر خواهند داشت، شکل خواهد گرفت؛ به‌گونه‌ای که عامل اصلی هویت و شخصیت محله، نوع زندگی و مراودات اجتماعی ساکنان آن می‌باشد. هرچه همسایگان ساکن در یک محله بتوانند

با عناصر کالبدی محله (بعد عینی هویت محله‌ای) ارتباط برقرار کنند و از سوی دیگر، بتوانند فعالیت‌های جمعی و مراودت‌ها با یکدیگر را پررنگ نمایند (بعد ذهنی هویت محله‌ای)، در این صورت انتظار می‌رود که هویت محله‌ای در میان ساکنین محله از کیفیت و غنای بیشتری برخوردار گردد (کشتکار و دیگران،

۱۳۹۳؛ به نقل از رستگار خالد و دیگران، ۱۳۹۳). ارتباط مثبت بین فرد و مکان کالبدی و احساس رضایت روحی او، با ارتباطات اجتماعی موجود در مکان در رابطه است. چنانکه برقراری تعاملات اجتماعی که برای فرد در مکان اتفاق می‌افتد، امکان معنا بخشیدن به آن را برای وی میسر می‌نماید؛ بنابراین کیفیت کالبدی تنها یک بعد از تجربه مکان هستند و اهمیت ارتباطات اجتماعی که در مکان‌ها اتفاق می‌افتد نباید مورد غفلت قرار گیرند (دانشپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۲).

نحوه حضور فرد در مکان به همراه سایرین، عاملی قوی در تصمیم فرد برای ماندن در آن است. در این راستا حتی ممکن است افراد در جستجوی مکان‌هایی که در آن، افرادی با خصوصیات مشابه آن‌ها حضور دارند، باشند؛ اما با آنکه همگن بودن افراد، مشوق ملاقات و افزایش تعامل با محیط‌های فیزیکی و اجتماعی و در نتیجه ارتقای دل‌بستگی به آن مکان است؛ درعین‌حال مکان‌های اجتماعی غیر همگن نیز فرصتی است تا افراد با یکدیگر بودن و تعاملات اجتماعی غنی و آزاد را تجربه کنند. آنچه در این میان حائز اهمیت می‌باشد آن است که دریافت فضای اجتماعی مطلوب از سوی افراد، سبب افزایش رضایت و تشویق ارتباطات غیررسمی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و در نتیجه سبب توسعه و بهبود دل‌بستگی به مکان در آن‌ها می‌گردد (همان).

امنیت

امنیت نیز یکی از مشکلات چالش‌برانگیز در محله بود. بر مبنای استعلامی که از نیروی انتظامی در خصوص امنیت محله داشتیم این محله به دلایل وفور جرائمی مانند مصرف و فروش مواد مخدر و همچنین فساد اخلاقی محله‌ای ناامن معرفی شده و دو خیابان اصلی محله نیز به‌عنوان مناطق پرآسیب محله ذکر گردید.

با این حال، در بررسی‌های اولیه داده‌های پرسشنامه در نرم‌افزار SPSS امنیت محله در نظر ساکنان آن بالاتر از حد متوسط بود. میانگین متغیر امنیت ۳٫۶۱ بود که مقدار ۰٫۶۱ از میانگین کلی بالاتر بود و به دلیل گزارش سطح معناداری زیر ۰٫۰۵ (sig=0.000) این اختلاف با میانگین کلی معنادار است. به دلیل وجود چنین تناقضاتی متغیر امنیت به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل انتخاب گردید.

مروارید قاسمی اصفهانی در کتاب خود با نام «اهل کجا هستیم؟ (هویت بخشی به محلات مسکونی)» یکی از راهکارهای برقراری هویت را «امنیت» دانسته و این معیار را در کنار عواملی مانند آسایش، آرامش، خودمانی بودن و دنجی، در بازشناسی محله و سپس «برقراری شرایط هویت‌مندی» مؤثر می‌داند (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳).

در ادامه‌ی ارتباط عامل «امنیت» با هویت مکان، میرمقتدایی در مقاله «معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر» از عوامل شکل‌گیری و حفظ خاطرات جمعی به «امکان شکل‌گیری رویدادها و تعاملات اجتماعی» در آن مکان به‌عنوان معیار اصلی و از «ساختار اجتماعی و سیاسی شهر» به‌عنوان معیار فرعی آن یاد می‌کند. سپس عامل «امنیت اجتماعی و محیطی» را به‌عنوان عامل مؤثر آن نام می‌برد (میرمقتدایی، ۱۳۸۸).

منظر محله (مطلوبیت زیباشناختی)

منظر محله یکی دیگر از موارد چالش‌برانگیز در محله بود. بر طبق محدوده تعریف‌شده بافت فرسوده در طرح تفصیلی، محله ستار در محدوده بافت فرسوده قرار دارد. افزون بر این، نوسازی‌های صورت گرفته در این محله بسیار نامنظم هستند. جداره‌های محلی و همچنین مصالح به‌کاررفته در نمای ساختمان‌ها

ناهمگونی بسیاری دارند. از سوی دیگر، منطقه مسکونی محله، از سرسبزی اندکی برخوردار است. به سبب چنین چالش‌هایی، منظر محله به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل این پژوهش در نظر گرفته شد. این معیار در پرسشنامه، با گویه‌هایی مانند زیبایی و دل‌بازی محله، نمای ساختمان‌ها و آسفتگی آن‌ها سنجیده شده است. موضوعاتی که در ادبیات نظری موجود با مباحث زیباشناختی، منظر شهری و... شناخته می‌شوند. پونتر^۱ و مونگومری^۲ تحت تأثیر سه‌گانه رلف^۳ (ساختار فیزیکی، فعالیت، معنا) عوامل تأثیرگذار را در طراحی شهری یافتند که در به وجود آوردن حس مکان در فضاهای شهری مؤثر بودند. بر این اساس، یکی از عوامل اثرگذار بر حس مکان، ساختار فیزیکی است که منظر شهری یکی از ابعاد اصلی آن می‌باشد (Carmona, 2006، به نقل از حبیبی، ۱۳۸۷: ۴۴).

افزون بر این، کارل کروفر در مقاله «بافت شهری و ویژگی‌های شهر» اهمیت ریخت‌شناسی شهر را مطرح می‌کند. از نقطه‌نظر او ریخت‌شناسی، عامل تشخیص یک شهر از شهر دیگر است و همین عامل تشخیص هویت شهر را نشان می‌دهد (کربلایی نوری، ۱۳۸۵: ۳۷۳). از نظر سالواسن^۴ نیز حس مکان از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و درهم تنیدگی فردی به وجود می‌آید که هرکدام از آن‌ها به‌تنهایی برای خلق حس مکان کافی نیست (Salvesen, 2002، به نقل از فلاحت، ۱۳۸۵: ۶۳).

فرح حبیب در مقاله خود با عنوان «کندوکاوی در معنای شکل شهر» ادعان می‌دارد که «ایجاد یک تصویر ذهنی قوی از شهر مبانی تعامل مردم را با محیط فراهم می‌آورد، به عبارتی ذهن انسان تصویر ذهنی شهر را بر

1 John Panter
2 Montgomery
3 E. Relph
4 David Salvesen

مبنای عواملی مانند تأثیرات حسی، تجربیات شخصی، قضاوت زیبایی‌شناسی، تجربیات قومی، جمعی و گروهی، چارچوب فرهنگی، ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها، شکل می‌دهد» (حیب، ۱۳۸۵).

علاوه بر موارد مذکور، پژوهشگران داخلی نیز به اهمیت موضوع اشاره کرده‌اند. مرورید قاسمی اصفهانی در کتاب خود با نام «اهل کجا هستیم؟» از خط آسمان، کیفیت ورودی، چشم‌اندازهای ویژه و عوارض خاص طبیعی به‌عنوان معیارهای برخورداری از تشخیص برای محله نام می‌برد (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳).

میرمقتدایی نیز در مقاله «معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها» در رابطه با مهم‌ترین ابعاد موردتوجه در بخش هویت کالبدی به موارد بسیاری اشاره می‌کند که یکی از این عوامل «نمایش معماری و ساختمانی شهر» است که ذیل این عامل به مواردی مانند نماهای شهری، شیوه‌های ساخت‌وساز، مصالح، سبک معماری و مقیاس اشاره می‌نماید (میرمقتدایی، ۱۳۸۳).

ایمنی

ایمنی در محله نیز یکی از مواردی بود که در نگاه پژوهشگران در خصوص آن تناقض وجود دارد. از یک‌سو، محله به لحاظ ایمنی دچار مشکلات جدی بود. تقریباً در هیچ‌یک از معابر محله پیاده‌رو وجود نداشت؛ تقاطع‌های محله فاقد هرگونه علائم ترافیکی بودند، بسیاری از معابر پیچ‌های تند داشتند و عرض معابر در قسمت‌های مختلف، متغیر بود. با این حال، در فرایند انجام مطالعات اکتشافی ساکنان محله معتقد بودند که محله، ایمنی کافی دارد. از این رو، ایمنی به لیست متغیرهای مستقل اضافه گردید.

لینچ یکی از خصوصیات یک محله‌ی با هویت را «خیابان‌های آرام و ایمن و خدمات روزانه» می‌داند (لینچ، ۱۳۸۴، به نقل از قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

علاوه بر این، یکی از کیفیت‌هایی که کوین لینچ از آن‌ها به‌عنوان کیفیت‌های شکل‌دهنده هویت یک محیط یاد می‌کند، «سرزندگی» می‌باشد و بر این مبنا سه خصوصیت اصلی برای حصول سرزندگی را میان تمام انسان‌ها مشترک می‌داند که عبارت‌اند از: ادامه بقای انسان، «برخورداری وی از ایمنی» و برقراری سازگاری فیزیکی میان وی و محیط زندگی (لینچ، ۱۳۷۳). لذا بر اساس نظر لینچ، برخورداری از ایمنی یکی از شرایط اصلی حصول سرزندگی و به دنبال آن هویت‌مندی یک محیط می‌باشد.

دسترسی به خدمات

عامل دسترسی به خدمات، به‌عنوان عاملی مؤثر در هویت محله، در محله ستار از شرایط ویژه‌ای برخوردار بود. طبق تحقیقات میدانی و مصاحبه‌های صورت گرفته با مردم، مشخص شد که ساکنین، محدوده محله را متشکل از سه یا چهار محله دانسته و به همین سبب از خدمات و امکانات بخش دیگر استفاده نمی‌کنند. به عبارتی مرزهای ذهنی مردم، به حدی قوی بود که کیفیت بهره‌گیری آن‌ها از خدمات را تحت تأثیر قرار می‌داد. به همین دلیل، این عامل به‌عنوان عاملی چالش‌برانگیز در هویت محله و حس تعلق به آن موردبررسی قرار گرفت.

«دسترسی» یکی از کیفیت‌هایی است که کوین لینچ از آن‌ها به‌عنوان کیفیت‌های شکل‌دهنده هویت یک محیط یاد می‌کند. دسترسی شامل کیفیت و تنوع عناصری است که می‌توان به آن دسترسی پیدا کرد. این عناصر می‌توانند غیرمتمرکز و پویا باشند مثل افراد، اطلاعات، فعالیت‌ها و... (لینچ، ۱۳۷۳).

«وجود انواع فعالیت‌ها در مجاورت استخوان‌بندی محله و دسترسی‌های اصلی محله، فعالیت‌های اجتماعی را در سطح محله افزایش داده و جمعیت را به عرصه

عمومی می‌کشاند، امری که منجر به بروز تعامل‌های اجتماعی گشته و خیابان محلی را به خیابانی برای مردم تبدیل می‌سازد و بدین ترتیب خیابانی مملو از فعالیت و جمعیت، خاطره‌ای دیرپا بر جای می‌گذارد». در مبحث دسترسی به خدمات، نقش گذرها از اهمیت اساسی برخوردار است؛ «نقش گذر و خیابان در محله باید با توجه به تقسیمات کالبدی و نیازهای آن مورد توجه قرار گیرد. خیابان‌های محلی، خیابان‌های آرام، ایمن با دسترسی به خدمات عمومی محله هستند که نظارت محلی در آن ضامن امنیت آن است. در این گونه خیابان‌ها، شایسته‌ترین گروه برای بهره‌مندی از فضا، عابران پیاده و دوچرخه‌سواران هستند و لازم است تمامی جزئیات اجرایی با توجه به ویژگی فعالیت‌ها در مقیاس محله، علایق و تناسبات انسانی طراحی گردند (حبیبی، ۱۳۸۲: ۳۷-۳۳). به‌زعم استدمن^۱ نیز، «وجود خدمات و تسهیلات» در ارتباط با عوامل دیگر، نقش مستقیم در رضایتمندی و نقش غیرمستقیم در دل‌بستگی به مکان دارد (دانشپور و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۲).

جدول شماره (۲): ضرایب آلفای کرونباخ برای متغیرهای

پرسشنامه

متغیر	آلفای کرونباخ (پایلوت اول)	آلفای کرونباخ (پایلوت دوم)
منظر محله	۰,۴۶	۰,۷۹
بهداشت	۰,۶۲	۰,۷۳
ایمنی	۰,۶۲	۰,۶۵
دسترسی	۰,۷۹	۰,۹۱
امنیت	۰,۷۹	۰,۸۳
هویت محله‌ای	۰,۵۱	۰,۹۳

پس از تأیید روایی و پایایی پرسشنامه، این پرسشنامه به تعداد ۱۰۰ بر مبنای پراکندگی جمعیت در بلوک‌های محله توزیع گردید. جامعه آماری این پژوهش ساکنان محله ستار واقع در منطقه ۱۵ اصفهان در محدوده سنی ۱۵ تا ۶۵ سال بودند. تعداد نمونه بر اساس فرمول واریانس محور کوکران ۹۵ تعیین گردید که با توجه به احتمال پر شدن ناقص برخی از پرسشنامه‌ها تعداد

فرصیه‌های پژوهش

میزان دسترسی خدمات در محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

منظر محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

میزان ایمنی در بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

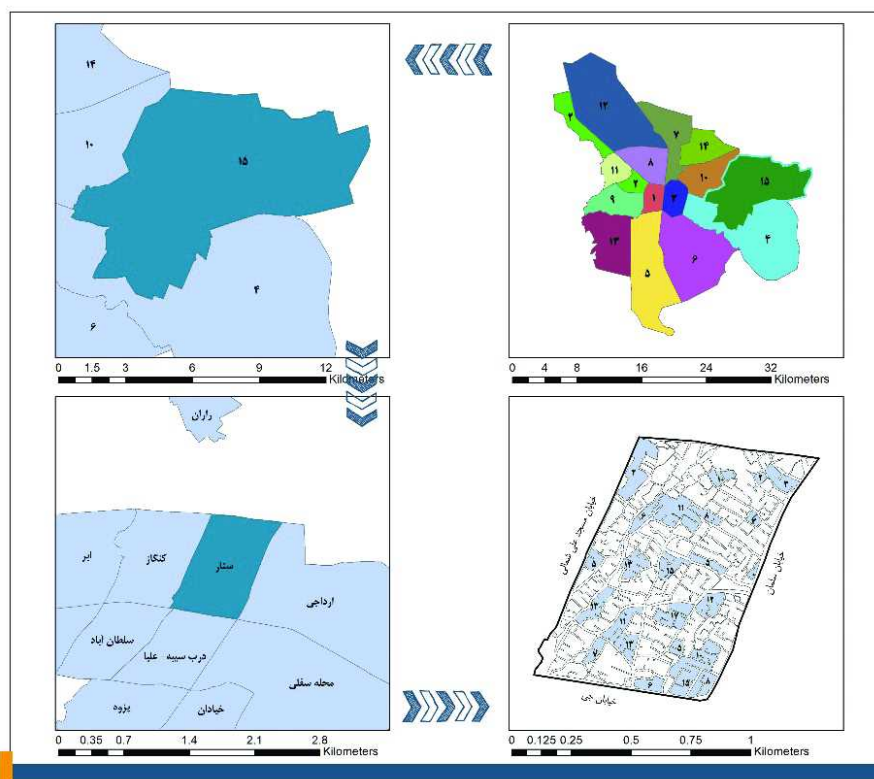
میزان امنیت محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

میزان روابط همسایگی در محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی کمی به مطالعه عوامل مؤثر بر

1 R. C. Stedman



شکل شماره (۱): جانمایی محله مورد مطالعه در شهر اصفهان و منطقه پانزده و نحوه توزیع پرسشنامه‌ها در محله

بر مبنای جمعیت هر بلوک تعداد پرسشنامه مشخص گردید. سپس با محاسبه عدد فاصله، پرسشنامه‌ها توزیع شد. لازم به ذکر است که شیوه پر کردن پرسشنامه‌ها شیوه پرسشگر محور بوده است.

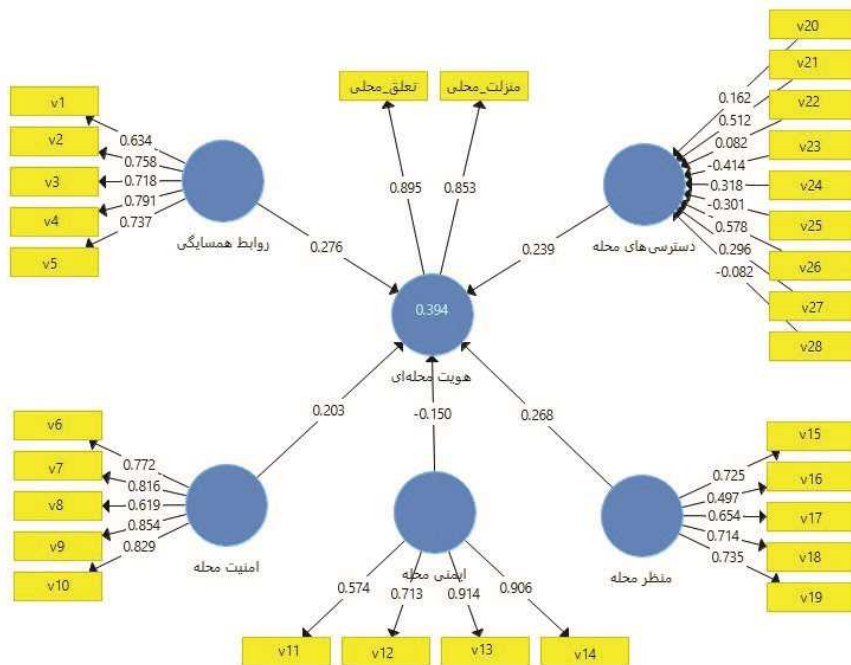
معرفی محله مورد مطالعه

محله ستار، یکی از محلات منطقه ۱۵ شهر اصفهان می‌باشد. این منطقه وسیع که در شرق اصفهان واقع شده؛ از سال ۱۳۹۲ به شهر اصفهان الحاق می‌گردد. محله ستار با جمعیتی در حدود ۹۰۴۳ نفر (آمارنامه شهر اصفهان، ۱۳۹۴) یکی از محلات پرجمعیت خوراسگان سابق و منطقه ۱۵ فعلی شهر اصفهان به شمار می‌رود. محله‌ای با بافتی ناهمگون، متشکل از

۱۰۰ به‌عنوان نمونه مشخص شد. جهت تعیین عدد واریانس، واریانس همه متغیرهای کلیدی استخراج گردید و بزرگ‌ترین واریانس، یعنی واریانس متغیر امنیت، مبنای تعیین حجم نمونه قرار گرفت.

$$n = \frac{N \cdot t^2 \cdot S^2}{N(d)^2 \cdot t^2 S^2 + (1.96)^2 \cdot 0.25} = \frac{8663 \cdot (1.96)^2 \cdot 0.25}{8663 \cdot (0.1)^2 + (1.96)^2 \cdot 0.25} = 95$$

شیوه توزیع پرسشنامه‌ها به شیوه تصادفی صورت گرفت. در ابتدا از میان بلوک‌های دارای جمعیت (بخشی از بلوک‌های شمال محله فاقد جمعیت و صرفاً زمین‌های کشاورزی بودند) محله توسط سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و نرم‌افزار ArcMap تعدادی بلوک به‌صورت تصادفی انتخاب شد. سپس



شکل شماره (۳): مدل معادله ساختاری پژوهش

بودن را ندارد و امکان پیش‌بینی را نیز فراهم می‌سازد. افزون‌براین، یکی از مهم‌ترین دلایل بهره‌گیری از این نرم‌افزار توان مدل‌سازی با مدل‌های انعکاسی و ساختی است. در این پژوهش متغیرهای امنیت، هویت، ایمنی، روابط همسایگی مبنایی انعکاسی داشتند درحالی‌که متغیر دسترسی مبنایی ساختی داشت. به همین دلیل امکان بهره‌گیری از نرم‌افزار Amos فراهم نبود؛ چراکه این نرم‌افزار صرفاً برای مدل‌های انعکاسی قابل استفاده است.

یافته‌ها

در این پژوهش محله ستار واقع در منطقه ۱۵ اصفهان به لحاظ عوامل تأثیرگذار بر هویت محله‌ای مورد مطالعه قرار گرفت. پیش از ورود به میدان پژوهشگران نظریات متعددی که در خصوص هویت محله‌ای وجود دارد

خانه‌های نوساز در کنار خانه‌های قدیمی، کوچه‌هایی بدون سبزی‌نگی در کنار زمین‌های کشاورزی، معابر ارگانیک و بدون پیاده‌رو، ساکنان قدیمی در کنار بافت مهاجر همواره در حال تغییر که همه و همه نشان از محله‌ای با مسائل و ویژگی‌های پیچیده دارد. نقشه زیر مکان قرارگیری محله ستار را در شهر اصفهان و منطقه ۱۵ شهرداری و بلوک‌های منتخب محله را جهت نمونه‌گیری و تکمیل پرسشنامه نشان می‌دهد.

داده‌های به‌دست‌آمده از پرسشنامه از طریق نرم‌افزار Smart PLS و همچنین SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. نرم‌افزار PLS به چند دلیل انتخاب شد؛ این روش امکان مدل‌سازی را برای پژوهشگران فراهم می‌کند؛ توانایی کار با تعداد نمونه‌های اندک را دارد، فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها و همچنین خطی

را مورد مطالعه قرار دادند و با این مسئله مواجه شدند که تعداد متغیرهای مطرح شده در این نظریه‌ها بسیار زیاد است. از این رو، در طی مطالعات اکتشافی از طریق مشاهده و مصاحبه چند متغیر محدود که همگی در محله ستار چالش برانگیز بودند انتخاب شد. دلایل انتخاب این متغیرها (امنیت، روابط همسایگی، ایمنی، منظر محله و دسترسی) در بخش‌های قبل به تفصیل توضیح داده شده است. خصوصیات افراد پاسخگو به لحاظ سن و جنس در جدول زیر آمده است.

جدول شماره (۳): جدول توزیع نمونه بر اساس سن و جنس

جنس		
زن	مرد	گروه‌های سنی
۱۳	۱۰	۲۴-۱۵
۱۵	۱۵	۳۴-۲۵
۹	۱۲	۴۴-۳۵
۷	۹	۵۴-۴۵
۵	۵	۶۴-۵۵
۴۹	۵۱	جمع

برازش مدل

شاخص‌های برازش مدل را می‌توان در سه دسته کلی ساختار عاملی، شاخص‌های روایی و شاخص‌های پایایی قرار داد. در ابتدا شاخص‌های عاملی مدل مورد بحث قرار می‌گیرد. در واقع، در یک مدل ساختاری روابط میان سازه‌ها به لحاظ علی بررسی می‌شود. در این راستا، ضریب تعیین، ضرایب مسیر، بارهای عاملی، وزن‌های رگرسیونی و شاخص Q^2 از اهمیت برخوردارند.

ضریب تعیین متغیر هویت محله‌ای در مدل پژوهش مقدار ۰,۴۲۴ گزارش شده است. این مقدار نشان‌دهنده

آن است که منبع ۴۲ درصد از تغییرات متغیر هویت محله‌ای منشعب از متغیرهای روابط همسایگی، امنیت محله، ایمنی محله، دسترسی به خدمات و منظر محله است. به این دلیل که ممکن است تعداد زیاد متغیرهای مستقل ضریب تعیین را به صورت غیر واقعی افزایش دهند ضریب تعیین تعدیل شده ملاک ارزیابی قرار می‌گیرد. در مدل حاضر ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰,۳۹۴ است. در خصوص تفسیر این ضریب باید گفت که مقدار بالاتر از ۰,۲۶ بیانگر یک اندازه اثر بزرگ است و به این دلیل که ضریب تعیین تعدیل شده مدل بالاتر از این مقدار است می‌توان گفت که ضریب تعیین مدل قابل قبول است.

شاخص Q^2 برای بررسی توان پیش‌بینی‌کنندگی مدل کاربرد دارد. در واقع، این شاخص به ما می‌گوید که متغیرهای روابط همسایگی، امنیت محله، ایمنی محله، دسترسی به خدمات و منظر محله تا چه اندازه توان پیش‌بینی هویت محله‌ای را دارند. مقدار ۰,۰۲ تا ۰,۱۵ توان پیش‌بینی ضعیف، مقدار ۰,۱۵ تا ۰,۳۵ توان پیش‌بینی متوسط و ۰,۳۵ به بالا توان پیش‌بینی بالا را نشان می‌دهند. مقدار Q^2 برای این مدل عدد ۰,۲۴۷ گزارش شده است که نشان از یک توان پیش‌بینی متوسط رو به بالا دارد.

در جدول زیر بارهای عاملی برای سازه‌های انعکاسی متغیرهای روابط همسایگی، امنیت محله، ایمنی محله و منظر محله ذکر شده است. نقطه برش برای بارهای عاملی عدد ۰,۴ و بهترین مقدار بین ۰,۷ تا ۰,۹ است. از این رو، تمامی بارهای عاملی بالاتر از نقطه برش قرار دارند و قابل قبول هستند.

برای سازه ساختاری دسترسی، بار عاملی فاقد معناست و برای سازه‌های ساختاری وزن رگرسیونی گزارش می‌شود. نکته مهم در خصوص وزن‌های

جدول شماره (۴): بارهای عاملی

متغیر پنهان	معرفها	بار عاملی
روابط همسایگی	مردم محله به همسایه‌هایشان کمک می‌کنند	۰,۶۳۴
	مردم محله مراقب بچه‌های همسایه در کوچه هستند	۰,۷۵۸
	در صورت نیاز می‌توانم از همسایه‌هایم کمک بگیرم	۰,۷۱۸
	اگر مدتی همسایه‌ام را نبینم نگران می‌شوم	۰,۷۹۱
	به نظرم بعضی همسایه‌ها از فامیل به آدم نزدیک‌تر هستند	۰,۷۳۷
امنیت محله	من در محله احساس امنیت می‌کنم	۰,۷۷۲
	نزاع و درگیری در محله زیاد است	۰,۸۱۶
	در این محله زیاد دزدی می‌شود	۰,۶۱۹
	کودکان و نوجوانان بدون نگرانی در محله رفت‌وآمد می‌کنند	۰,۸۵۴
	زنان خانواده من از امنیت کافی برخوردارند	۰,۸۲۹
منظر محله	این محله از نظر ظاهری زیباست	۰,۷۲۵
	ساختمان‌های نامنظم در محله من را آشفته می‌کند	۰,۴۹۷
	زمانی که در کوچه و خیابان‌های محله راه می‌روم حس خوبی دارم	۰,۶۵۴
	برای تفریح افراد فامیل را به این محله می‌آورم	۰,۷۱۴
	فضای محله باصفا و دل‌باز است	۰,۷۳۵
ایمنی محله	برخی از ساختمان‌های محله به خاطر فرسودگی خطر ریزش دارند	۰,۵۷۴
	کودکان و نوجوانان در این محله در معرض خیر تصادف قرار دارند	۰,۷۱۳
	کوچه‌ها و معابر محله برای عابران پیاده ایمن‌اند	۰,۹۱۴
	معلولین و سالمندان می‌توانند به راحتی در معابر و کوچه‌ها تردد کنند	۰,۹۰۶
هویت محله‌ای (تعلق به محله)	از زندگی در این محله راضی هستم	۰,۸۹۵
	دوست دارم از این محله مهاجرت کنم	
	معمولاً افرادی که در کوچه و خیابان‌های محله می‌بینم را می‌شناسم	
	از این محله خاطرات خوشی دارم	
هویت محله‌ای (منزلت محله)	دوست ندارم به دیگران بگویم در این محله زندگی می‌کنم	۰,۸۵۳
	مردم محلات دیگر به این محله نگاه مثبتی دارند	
	بیشتر کسانی که در این محله زندگی می‌کنند دوست دارند اینجا را ترک کنند	
	در مقایسه با سایر محله‌ها این محله وجه پایین‌تری دارد	

رگرسیون‌های این مدل را نمی‌توان با وزن‌های رگرسیونی برآورد کرد. در واقع، هرچه این وزن‌ها به صفر نزدیک‌تر باشند توجه‌شان برای حضور در مدل کمتر است ولی به استناد وزن‌ها نمی‌توان نتیجه‌گیری قطعی کرد. از این رو، از شاخص VIF یا تورم واریانس برای ارزیابی این وزن‌ها استفاده می‌شود. حداقل مقدار شاخص VIF صفر است و نقطه برش آن عدد ۲,۵ است. در این مدل VIF تمامی معرف‌های متغیر

جدول شماره (۵): وزن‌های رگرسیونی

مقدار VIF	وزن‌های رگرسیونی	معرف‌ها	متغیر پنهان
۱,۲	۰,۱۶۲	فروشگاه‌هایی برای خرید روزانه	دسترسی به خدمات محلی
۱,۶	۰,۵۱۲	کتابخانه و سالن مطالعه	
۱,۶	۰,۰۸۲	خانه کودک	
۱,۷	-۰,۴۱۴	پارک و فضای سبز	
۲	۰,۳۱۸	زمین بازی بزرگسالان	
۱,۵	۰,۳۰۱	مجموعه ورزشی چندمنظوره	
۱,۶	۰,۵۷۸	مدرسه (دبستان)	
۱,۳	۰,۲۹۶	وسایل حمل و نقل عمومی	
۱,۴	-۰,۰۸۲	مساجد و اماکن مذهبی	

جدول شماره (۶): مقدار شاخص AVE برای عامل‌ها

مقدار AVE	عامل
۰,۵۳۲	روابط همسایگی
۰,۶۱۲	امنیت محله
۰,۴۵۰	منظر محله
۰,۶۲۴	ایمنی محله
۰,۷۶۴	هویت محله‌ای

دسترسی کمتر از ۲,۵ و قابل قبول است. پس از شاخص‌های مرتبط با ساختار عاملی مدل به سراغ شاخص‌های روایی مدل می‌رویم. اعتبار همگرا در سطح معرف‌ها از طریق بارهای عاملی و در سطح عامل از طریق شاخص AVE یا متوسط واریانس استخراج‌شده مورد مذاقه قرار می‌گیرد. این شاخص بین ۰ و ۱ گزارش می‌شود و مقادیر بالای ۰,۵ قابل قبول است. در برخی از منابع نیز مقدار ۰,۴ نیز قابل قبول دانسته شده است. این مقادیر برای عامل‌های مدل در جدول زیر گزارش شده است. نکته قابل توجه اینکه این شاخص صرفاً برای سازه‌های انعکاسی کاربرد دارد و برای سازه‌های ساختاری مانند دسترسی گزارش نمی‌شود. این مقدار برای عامل منظر محله مقدار کمی از نقطه برش پایین تر است. با این حال، با اندکی تسامح این مقدار قابل قبول است. اعتبار واگرایی بخشی از روایی مدل را به خود اختصاص می‌دهد. در واقع انتظار می‌رود که معرف‌های یک متغیر پنهان آن متغیر پنهان را اندازه‌گیری کنند و نه متغیر

جدول شماره (۸): جدول شاخص Larcker & Fornell

متغیر	امنیت محله	ایمنی محله	دسترسی به خدمات	روابط همسایگی	منظر محله	هویت محله‌ای
امنیت محله	۰.۷۸۲					
ایمنی محله	۰.۵۶۸	۰.۷۹۰				
دسترسی‌های محله	۰.۳۵۰	۰.۱۰۷				
روابط همسایگی	۰.۵۱۹	۰.۱۹۵	۰.۳۴۷	۰.۷۳۰		
منظر محله	۰.۴۳۷	۰.۴۵۹	۰.۱۷۲	۰.۲۸۹	۰.۶۷۱	
هویت محله‌ای	۰.۴۶۲	۰.۱۶۸	۰.۴۳۶	۰.۵۱۳	۰.۴۰۹	۰.۸۷۴

جدول شماره (۹): شاخص‌های پایایی مدل

متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی مرکب
امنیت محله	۰.۸۳۹	۰.۸۸۶
ایمنی محله	۰.۸۰۸	۰.۸۶۵
روابط همسایگی	۰.۷۸۴	۰.۸۵۰
منظر محله	۰.۶۹۷	۰.۸۰۱
هویت محله‌ای	۰.۶۹۳	۰.۸۶۶

جدول شماره (۱۰): آزمون فرضیه اول

فرضیه	P value	t	f2	ضریب مسیر
تأثیر دسترسی بر هویت	۰,۰۰۸	۲,۶۶۴	۰,۰۸۳	۰,۲۳۹

کرونباخ و پایایی مرکب قابل ارزیابی است. نقطه برش این دو شاخص ۰,۷ است. تمامی متغیرها پایایی مرکب بالاتر از ۰,۷ دارند. در خصوص آلفای کرونباخ دو متغیر منظر محله و هویت محله‌ای مقادیری پایین‌تر از ۰,۷ دارند که به دلیل ناچیز بودن اختلاف این مقادیر نیز قابل قبول هستند. مقادیر مرتبط با پایایی مدل در جدول زیر گزارش شده است.

پنهان دیگری را. اعتبار و اگر به همراه اعتبار همگرا در ماتریس Lorcker & Fornell گزارش می‌شود. قطر ماتریس همبستگی بیانگر آن است که تا چه اندازه معرف‌های یک عامل آن عامل را سنجیده‌اند. اعداد زیر قطر ماتریس نیز نشانگر آن هستند که معرف‌های هر عامل تا چه اندازه عامل‌های دیگر را سنجیده‌اند. نقطه برش اعداد این جدول نیز ۰,۵ است. پایایی مدل با چند شاخص از جمله شاخص آلفای

جدول شماره (۱۱): آزمون فرضیه دوم

ضریب مسیر	f ²	t	P value	فرضیه
۰,۲۶۸	۰,۰۹	۲,۷	۰,۰۰۷	تأثیر منظر محله بر هویت

جدول شماره (۱۲): آزمون فرضیه سوم

ضریب مسیر	f ²	t	P value	فرضیه
-۰,۱۵	۰,۰۲۳	۱,۴۴۶	۰,۱۴۹	تأثیر ایمنی محله بر هویت

آزمون فرضیات

بر طبق تقسیمات شهری از نظر بافت فرسوده محله ستار در محدوده بافت فرسوده قرار دارد. افزون بر این، نوسازی‌های صورت گرفته در این محله بسیار نامنظم است. از این رو، جداره‌های محله و همچنین مصالح به‌کاررفته در منظر ساختمان‌ها اغلب نامنظم است. از سوی دیگر، منطقه مسکونی محله سرسبزی بسیار اندکی دارد. به خاطر چنین چالش‌هایی منظر محله به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل این پژوهش در نظر گرفته شد.

بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده در نرم‌افزار PLS مقدار P گزارش شده از ۰,۰۵ کوچک‌تر است و مقدار t نیز از ۱,۹۶ بیشتر است و این موارد حاکی از آن است که منظر محله تأثیر معناداری بر هویت محله‌ای دارد و این فرضیه تأیید می‌شود. مقدار f² نیز نشان می‌دهد که اندازه اثر متغیر منظر بر متغیر هویت محله‌ای اندازه‌ای متوسط است. ضریب مسیر نیز نشان از وجود یک اثر مثبت و مستقیم دارد، یعنی با بهبود منظر هویت محله‌ای نیز بهبود می‌یابد.

فرضیه سوم: میزان ایمنی بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری ندارد.

ایمنی در محله نیز یکی از مواردی بود که در نگاه پژوهشگران در خصوص آن تناقض وجود دارد. از یک‌سو، محله به لحاظ ایمنی دچار مشکلات جدی

ارزیابی برآزش مدل نشان از آن داشت که مدل از روایی، پایایی و ساختار عاملی قابل‌قبولی برخوردار است. از این رو، می‌توان به مبحث آزمون فرضیات وارد شد. در بررسی معناداری فرضیات پژوهش از دو شاخص مقدار P و همچنین آماره t استفاده می‌شود. شاخص f² نیز مقدار اثر را نشان می‌دهد. در این بخش معناداری پنج فرضیه پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فرضیه اول: میزان دسترسی به خدمات در محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

مقدار P گزارش شده از ۰,۰۵ کوچک‌تر است و مقدار t نیز از ۱,۹۶ بیشتر است و این موارد حاکی از آن است که دسترسی به خدمات تأثیر معناداری بر هویت محله‌ای دارد. مقدار f² نیز نشان می‌دهد که اندازه اثر متغیر منظر بر متغیر هویت محله‌ای اندازه‌ای تقریباً متوسط است؛ بنابراین، این فرضیه تأیید می‌شود. ضریب مسیر نیز نشان از وجود یک تأثیر مثبت و مستقیم دارد، یعنی با افزایش دسترسی به خدمات هویت نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه دوم: منظر محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

منظر محله یکی از موارد چالش‌برانگیز در محله بود.

بود. تقریباً در هیچ‌یک از معابر محله پیاده‌رو وجود نداشت؛ تقاطع‌های محله فاقد هرگونه علائم ترافیکی بودند، بسیاری از معابر پیچ‌های تند داشتند و عرض معابر در قسمت‌های مختلف متفاوت بود (به‌عنوان مثال قسمتی از یک خیابان عرضی برابر با ۱۳ متر داشت و قسمت دیگر آن عرضی برابر با ۸ متر). با این حال، در فرایند انجام مطالعات اکتشافی ساکنان محله معتقد بودند که محله ایمنی کافی دارد. از این رو، ایمنی به لیست متغیرهای مستقل اضافه گردید.

داده‌های به‌دست‌آمده حاکی از رد فرضیه تأثیر ایمنی بر هویت محله‌ای است. مقدار P به‌دست‌آمده به شکل معناداری از ۰,۰۵ بیشتر و مقدار آن برابر با ۰,۱۴۹ است. مقدار t نیز از ۱,۹۶ کمتر است. اندازه اثر نیز بسیار ناچیز است. ضریب مسیر این متغیر نیز ناچیز و منفی است. این یافته با چارچوب نظری همخوان نیست و تحلیل این عدم مطابقت در بخش بحث و نتیجه‌گیری مطرح خواهد شد.

فرضیه چهارم: میزان امنیت محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

امنیت نیز یکی از مشکلات چالش‌برانگیز در محله بود. بر مبنای استعلام‌هایی که از نیروی انتظامی در خصوص امنیت محله داشتیم این محله به دلایل وفور جرمی مانند مصرف و فروش مواد مخدر و همچنین فساد اخلاقی محله‌ای ناامن معرفی شد و دو خیابان اصلی محله نیز به‌عنوان مناطق پرآسیب محله ذکر گردید.

با این حال، در بررسی‌های اولیه داده‌های پرسشنامه در نرم‌افزار SPSS امنیت محله در نظر ساکنان آن بالاتر از حد متوسط بود. میانگین متغیر امنیت ۳,۶۱ بود که مقدار ۰,۶۱ از میانگین کلی بالاتر بود و به دلیل گزارش سطح معناداری زیر ۰,۰۵ ($\text{sig}=0.000$) این اختلاف با میانگین کلی معنادار است. به دلیل وجود

چنین تناقضاتی متغیر امنیت به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل انتخاب گردید.

مقدار P گزارش شده برای متغیر امنیت کمی بزرگ‌تر از مقدار ۰,۰۵ و مقدار t اندکی کوچک‌تر از ۱,۹۶ است. با این حال، می‌توان فرضیه تأثیر امنیت بر هویت محله‌ای را با سطح اطمینان ۹۳ درصد پذیرفت. اندازه اثر متغیر امنیت نیز تقریباً ضعیف است. ضریب مسیر نیز بیانگر یک اثر مثبت و مستقیم است؛ یعنی با افزایش امنیت هویت محله‌ای افزایش می‌یابد، ولی این افزایش احتمالاً ناچیز خواهد بود.

فرضیه پنجم: میزان روابط همسایگی در محله بر هویت محله‌ای تأثیر معناداری دارد.

روابط همسایگی موردی قابل بررسی در محله ستار بود. از یک‌سو، روابط همسایگی در محله به‌خوبی جریان داشت و از سوی دیگر گروهی از مردم محله ذکر می‌کردند که به دلیل نداشتن حریم خصوصی و دخالت همسایگان مایل به مهاجرت از محله هستند. به همین دلیل روابط همسایگی نیز به‌عنوان یکی از متغیرهای اثرگذار بر هویت محله‌ای انتخاب شد.

مقدار گزارش شده P برای متغیر روابط همسایگی از ۰,۰۵ کمتر و مقدار t از ۱,۹۶ بیشتر است. از این رو، می‌توان گفت که فرضیه تأثیر روابط همسایگی بر هویت محله‌ای تأیید می‌شود. ضریب مسیر گزارش شده نیز نشان از یک اثر مستقیم و مثبت دارد. در واقع، با افزایش روابط همسایگی هویت محله‌ای نیز افزایش می‌یابد و این افزایش مقداری رو به متوسط است چراکه مقدار f^2 مقداری متوسط گزارش شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

محله ستار یکی از محله‌های منطقه ۱۵ در اصفهان است که سال‌های زیادی از پیوستن آن به شهر اصفهان نمی‌گذرد و صبغه روستایی خود را در بسیاری از

جدول شماره (۱۳): آزمون فرضیه چهارم

ضریب مسیر	f ²	t	P value	فرضیه
۰,۲۰۳	۰,۰۳۴	۱,۷۶۷	۰,۰۷	تأثیر امنیت محله بر هویت

جدول شماره (۱۴): آزمون فرضیه پنجم

ضریب مسیر	f ²	t	P value	فرضیه
۰,۲۷۶	۰,۰۹	۲,۸۹۶	۰,۰۰۳	تأثیر روابط همسایگی محله بر هویت

مدل حذف شدند. در نهایت مدلی به دست آمد که در ارزیابی برازش مدل مشخص شد که از روایی، پایایی و ساختار عاملی قابل قبولی برخوردار است. پس از ارزیابی برازش مدل، آزمون فرضیات انجام شد. آزمون فرضیات نشان از آن داشت که دسترسی به خدمات در محله یکی از عوامل تأثیرگذار بر هویت محله‌ای است. منظر محله نیز یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر هویت محله‌ای در محله ستار بود. این یافته با مطالعات میدانی انجام شده نیز مطابقت دارد. بسیاری از خانه‌ها فاقد نما بود و جداره‌های محله نیز منظر مطلوبی نداشت. علاوه بر این، سبزی‌نگی محله نیز بسیار اندک بود. بسیاری از ساکنان مصاحبه شده نیز اعتقاد داشتند که محله‌شان زیبا نیست و به همین دلیل وجهه پایینی دارد. از این رو، به نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاری بر منظر محله شامل جداره‌ها و نماها تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر هویت محله‌ای ساکنان این محله داشته باشد.

در خصوص ایمنی، آزمون فرضیات نشان از آن داشت که ایمنی بر هویت محله‌ای تأثیرگذار نیست. همان‌گونه که قبلاً ذکر آن رفت پژوهشگران با محله‌ای مواجه بودند که معیارهای ایمن بودن در آن پایین است. برخی ساختمان‌های فرسوده احتمال ریزش داشتند و تقریباً هیچ معبری پیاده‌رو نداشت. این

وجوه حفظ کرده است. با این حال، اگرچه همچنان اکثریت ساکنان محله سابقه طولانی سکونتی در این محله دارند، روند مهاجرت از محله روندی رو به رشد است. در این میان، مفهوم هویت محله‌ای اهمیت می‌یابد و نیازمند مطالعه بیشتر است. هویت محله‌ای مفهومی چندوجهی است و پرداختن به آن در چهارچوب انحصاری عوامل کالبدی یا عوامل غیرکالبدی نظیر عوامل اجتماعی و فرهنگی نتیجه‌بخش نخواهد بود. از این رو، در این پژوهش تلاش شد که عوامل کالبدی و غیرکالبدی با هم مورد توجه قرار گیرند. با این حال، پرداختن به همه عوامل نه ممکن است و نه مطلوب. از این رو، تلاش شد تا از خلال مطالعات میدانی عوامل چالش برانگیز تأثیرگذار بر هویت محله‌ای شناسایی و انتخاب شوند. به دلیل ماهیت اکتشافی این پژوهش تصمیم بر آن شد که از نرم‌افزار PLS در تحلیل داده‌ها استفاده شود. این نرم‌افزار این امکان را فراهم می‌کند که انتخاب دقیق‌تری از میان عوامل صورت گیرد. در واقع، در آزمون مدل عواملی را معنادار نیستند را می‌توان حذف کرد. در این فرایند، ۵ عامل شامل ۳ عامل کالبدی دسترسی به خدمات، منظر محله و ایمنی و ۲ عامل غیرکالبدی شامل امنیت و روابط همسایگی در مدل معنادار شدند و سایر عوامل شامل بهداشت محله و کنشگری محله‌ای به دلیل معنادار نبودن از

امر با توجه به اینکه دو دبستان در این محله وجود داشت توجه پژوهشگران را بیشتر به خود جلب کرد. باین حال، ساکنان در گفتگوهای انجام شده در طی مطالعات میدانی ابراز می‌کردند که مشکل چندانی در این خصوص ندارند. آزمون فرضیات نیز نظر ساکنان را تأیید کرد. در واقع، این گونه می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً ساکنان محله به خاطر بومی بودن با وضعیت موجود خو گرفته‌اند و استراتژی‌های مشخصی را برای مقابله با نایمن بودن برخی از نقاط محله به کار برده‌اند و همین موجب شده است که محله را نایمن ارزیابی نکنند. دلیل دیگر می‌تواند این باشد که از بافت ارگانیک محله، نمی‌توان انتظار پیاده‌رو یا مسیرهای مجرای سواره و پیاده داشت. ضمن اینکه محله کمبودها و نیازهایی دارد که نسبت به این مسائل، از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و اثر بیشتری در دلبستگی مردم به محله‌شان دارد. به همین دلیل، ایمنی مسئله حال حاضر ساکنان این محله نیست و در زمان کنونی نیاز نیست که اولویت مدیریت شهری قرار گیرد.

در خصوص امنیت نیز داده‌های به دست آمده از پلیس با آنچه مردم به آن اعتقاد داشتند، متفاوت بود. با مراجعه به پلیس مشخص شد که دو خیابان اصلی این محله از نظر پلیس دو خیابان پرآسیب هستند و جرائم مربوط به مواد مخدر و جرائم اخلاقی در این دو خیابان قابل توجه است. باین حال، داده‌های آماری نشان از آن داشت که مردم مشکلات اخلاقی را در محله بسیار پایین می‌دانند. ولی میزان اعتیاد را قابل توجه ارزیابی می‌کنند. آزمون فرضیات نشان از داشت که امنیت بر هویت محله‌ای تأثیرگذار است ولی اندازه این اثر بسیار اندک است. در واقع، به نظر می‌رسد که ساکنان محله را امن می‌دانند و امنیت مسئله آن‌ها نیست. در

خصوص بحث جرائم اخلاقی می‌توان نتیجه گرفت که یا داده‌های پلیس همراه با خطاست و یا اینکه جرائم اخلاقی در لایه‌های زیرین محله در جریان است و ساکنان عادی از آن اطلاعی ندارند. احتمال دیگر آن است که ساکنان این جرائم را انکار کرده‌اند. در خصوص اعتیاد، ساکنان محله اعتقاد داشتند که اعتیاد در محله زیاد است. ولی یافته‌ها نشان از آن دارد که اعتقاد مردم بر آن نیست که اعتیاد ساکنان امنیت محله را با مشکل مواجه کرده است.

روابط همسایگی آخرین عامل تأثیرگذار بر هویت محله‌ای است. در مصاحبه‌ها ساکنان نسبت به شناسا بودن در محله و کمرنگ بودن مرزهای حریم خصوصی ناراضی بودند. باین حال، به نظر می‌رسد همچنان روابط همسایگی به دلیل کارکردهای مثبتی که در زندگی ساکنان محله دارد بر هویت محله‌ای تأثیر مثبتی می‌گذارد و تلاش مدیریت شهری برای تقویت روابط همسایگی در عین فرهنگ‌سازی در جهت رعایت حریم خصوصی همسایگان می‌تواند هویت محله‌ای را بهبود بخشد.

می‌توان در محله ستار با تعریف پروژه و یا اخذ سیاست‌هایی، وضعیت دسترسی به خدمات، روابط همسایگی (یا ارتباطات اجتماعی) و منظر محله را بهبود بخشیده و در نتیجه هویت محله‌ای بهتری را شاهد بود. به عنوان مثال، تقویت و طراحی مرکز محله که شامل فضای سبز و خدمات محلی باشد (که در طرح اصلی مقاله نیز به عنوان پروژه منتخب طراحی شده است)؛ می‌تواند فضایی را جهت برقراری ارتباطات اجتماعی و زمینه دسترسی بهتر به خدمات را فراهم آورد. مرکز محله ستار، در حال حاضر در میانه محله و در تلاقی دو محور اصلی آن قرار دارد. در صورت توجه به نیازهای مردم محله در بازطراحی

- آن می‌توان آن را به مرکزی پویاتر و مطلوب‌تر برای مردم بدل کرد. به‌عنوان مثال در طراحی این مرکز محله، بخش قابل توجهی به فضای سبز اختصاص یافت زیرا یکی از اصلی‌ترین نیازهای مردم بوده و وجود آن سبب مکان‌مند شدن ارتباطات اجتماعی می‌شود که در حال حاضر در محله جریان دارد ولی به گفته مردم، به دلیل نبودن پاتوق محلی، در مکان‌هایی شکل می‌گیرد که باعث ایجاد مشکل برای سایرین می‌گردد. با طراحی فضای سبز، پیش‌بینی فضاهای اجتماع‌پذیر و اختصاص کاربری‌های تجاری اطراف به خدمات محلی، وضعیت هر سه معیار دسترسی به خدمات، روابط اجتماعی و منظر محله بهبود خواهد یافت.
- فهرست منابع**
- افروغ، عماد. (۱۳۷۷)، «فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن»، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۶)، «هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران»، تهران، نشر شهر.
- جهانی دولت‌آباد، رحمان؛ شماعتی، علی؛ اسماعیل جهانی دولت‌آباد (۱۳۹۲)، «سنجش میزان هویت محله‌ای با تأکید بر نقش نهادهای مردمی در منطقه ۷ تهران»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم اجتماعی، ۱۳(۳۱).
- چپ من، دیوید. (۱۳۸۶)، «آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت»، ترجمه شهرزاد فریادی و منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- حبیب، فرح. (۱۳۸۵)، «کندوکاوی در معنای شکل شهر»، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران. ۲۵، ۱۴-۵
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۲)، «چگونگی الگوپذیری
- و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله»، نشریه هنرهای زیبا، ۱۳، ۳۹-۳۲، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- حبیبی، رعنا سادات. (۱۳۸۷)، «تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان»، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۳۵-۳۹.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور؛ چرخیان، مریم. (۱۳۸۸)، «تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۳۸، ۴۸-۳۷.
- رستگارخالد، امیر؛ سلمان‌بی‌دگلی، مسعود و سمیه آران دشتی. (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی همسایگی با احساس امنیت محله‌ای (مورد مطالعه: شهر آران و بیدگل)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۴ (۱۱).
- شکویی، حسین. (۱۳۷۲)، «جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی»، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- عبداللهی، مجید؛ صرافی، مظفر؛ توکلی‌نیا، جمیله. (۱۳۸۹)، «بررسی نظری مفهوم محله و بازتعریف آن با تأکید بر شرایط محله‌های شهری ایران»، نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۷۲، ۷۲-۱۰۲-۸۳.
- عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۸۵)، «محله مسکونی پایدار: نمونه موردی نارمک»، نشریه هنرهای زیبا، ۲۷، ۴۶-۳۵.
- فلاح، محمداصادق (۱۳۸۵)، «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن»، نشریه هنرهای زیبا، ۲۶، ۶۶-۵۷.
- قاسمی اصفهانی، مروارید. (۱۳۸۳)، «اهل کجا هستیم؟ (هویت بخشی به بافت‌های مسکونی)»،

- انتشارات روزنه، تهران.
- قاسمی، وحید؛ نگینی، سمیه. (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۲ (۷).
- کربلایی نوری، رضا. (۱۳۸۵)، «هویت؛ شهر، خاطره»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید، تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۷۳)، «سیمای شهر»، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۴)، «شکل خوب شهر»، ترجمه حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ماجدی، حمید؛ منصور رضایی، حمید؛ الهام منصوری. (۱۳۹۳)، تأویل کارکرد شناختی فضاهای عمومی محله‌ای از منظر هویت (نمونه موردی: محله نازی‌آباد و مهران تهران)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۷ (۴).
- معاونت برنامه‌ریزی، پژوهش و فناوری اطلاعات شهرداری اصفهان. (۱۳۹۴)، «آمارنامه شهر اصفهان»، اصفهان.
- میرمقتدایی، مهتا. (۱۳۸۳) «معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها»، نشریه هنرهای زیبا، ۱۰، ۲۹-۳۸.
- میرمقتدایی، مهتا. (۱۳۸۸)، «معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر (مطالعه موردی تهران)»، نشریه هنرهای زیبا، ۳۷، ۱۶-۵.
- وحید، فریدون؛ نگینی، سمیه. (۱۳۹۱)، ساخت و اعتباریابی مقیاس هویت محله‌ای، مطالعات شهری، ۲ (۲).
- هودسنی، هانیه. (۱۳۸۴)، «بهبود ساختاری، فضایی محلات شهری در چارچوب توسعه محله‌ای پایدار»، پایان‌نامه برای دریافت کارشناسی ارشد رشته شهرسازی دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
- Barton, Hugh, et al (2003), "Shaping Neighborhoods: A guide for health, sustainability and vitality", Spon press, London and New York.
- Cowan, Robert, 2005, "The Dictionary of Urbanism", London, Street Wise Press.
- Foth, Marcus (2004), "Designing networks for sustainable neighborhoods (A case study of a student apartment complex)", Creative Industries Research and Applications Centre, Queensland University of Technology, Brisbane QLD 4059, Australia.

The effect of physical and non-physical factors on neighborhood identity (Case Study: Sattar Neighborhood, District 15 of Isfahan City)

Maryam Karimi Azar

Researcher at Academic Center for Education, Culture and Research(ACECR), Isfahan, Iran

Mehri Shahzeidi

Ph.D in Sociology, Faculty member of Academic Center for Education, Culture and Research(ACECR), Isfahan, Iran

Abstract

Neighborhood identity can be affected by two types of factors: Physical and non-physical (social) factors. Each of these factors have their unique impact on the identity of a place or a neighborhood. Understanding the relationship between factors and their effect size might lead to a more effective planning in order to improve neighborhood identity. The main goal of this research is providing profound perception of physical and social factors effects on neighborhood identity. However, it is not possible to put all factors in a research. So, we have selected critical factors through field work, which includes neighbors' relationship and security as social factors and neighborhood landscape, safety, and accessibility as physical factors. This research is based on a quantitative analysis of 100 questioners by using SmartPLS software. Sample size was determined by employing a Cochran formula. It emerges that, all factors have significant effect on neighborhood identity except for safety.

Keywords: Neighborhood, Neighborhood Identity, Physical Identity, Social Identity.

The Role of Water Element in Formation and Making of Sustainable Place in Safavid Isfahan City

Forough Madani Esfahani

Ph.D Student of Islamic Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

Ahad Nejad Ebrahimi

Associate Professor of Architecture and Urbanism Faculty, Tabriz Islamic Art University,
Tabriz, Iran

Abstract

Natural factors are one of the most important and vital elements of the city, where water and its supply and use play an important role in the formation and prosperity of the city. Due to the large surface area of Iran in hot and dry climate, the presence of water and its various effects in Isfahan was one of the factors that persuaded Shah Abbas to choose this city as the capital. Zayandehrood and its water supply networks have had a significant impact on the physical, functional and semantic structure of the city. Besides its roles in agriculture and irrigation, it has improved the environmental qualities in the city and created a sustainable place in the urban structure. What is being studied in this article is the investigation of the role of water and its manifestations in physical, functional, environmental systems and especially semantic system of the Safavid city which has led to the formation of a garden city. For this purpose, the historical books and travelogues of the Safavid period and the theoretical foundations of Isfahan Urban School were first explored in order to achieve different features and roles of water in the structure of the city and its people's lives. Then, by a comparative study of the components of sustainable place, it was concluded that the design and application of water element in Safavid Isfahan increased some of the sustainability indices as well as enhancing the constructive qualities of urban spaces and ultimately provided a context for making the sustainable place.

Keywords: Water, Isfahan Urban School, Zayandehrood, Madi, Safavid era

Criteria for Determining the Boundaries of Isfahan's Historical Neighborhoods (Case Study: District 9 of Isfahan City)

Sima Khalegian

PhD Researcher in Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Shima Ghandehari

Master of Architecture Studies, Faculty of Architecture and Urbanism, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Abstract

Today, for various reasons, new criteria are used for the division of neighborhoods, which are significantly different from the historical divisions of these neighborhoods. In the meantime, it seems necessary to know the factors and elements that distinguish and determine these urban boundaries. In order to achieve the desired urban neighborhoods, it is necessary to observe the quantitative points of urban planning, but it is also important to observe the opinion of the people regarding their neighborhood and the boundaries of that. Historical neighborhoods in the past had specific boundaries, but these boundaries were not defined by physical barriers and modern fences; rather, various natural factors or passages, alley have shown its local signs. On the other hand, the awareness of the residents and their belonging to the neighborhood along with other social and environmental factors, not only formed the identity of the neighborhood; rather, it also determined its scope. The purpose of writing this article is to know the indicators and criteria for the division of historical neighborhoods in the city of Isfahan and to determine the influencing factors on the division of neighborhoods using documents and the statements of local residents. The results of face-to-face interviews with nineteen knowledgeable residents present in the neighborhoods led to the formulation of two general categories of natural and artificial factors (which were separated into environmental and social types); which will be explained in this article by mentioning a case example for each factor.

Keywords: Neighborhood criteria, Historical neighborhoods, Natural and artificial factors, Isfahan.

A comparative study of Takht Foulad cemetery and Golestan Shohada of Isfahan regarding the quality of "spirituality" in urban spaces

Elham Ghasemi

PhD. of Urbanism, ACECR, Iran.

Seyed Mahdi Khatami¹

Assistant Professor of Urban Design, Faculty of Art and Architecture, Department of Urban Design and Urban planning, Tarbiat Modares University (TMU), Tehran, Iran.

Mahdi Motia

Associate Professor of Quran and Hadith Sciences, University of Isfahan.

Mohammadreza Pourjafar

Professor of Urban Design, Faculty of Art and Architecture, Department of Urban Design and Urban planning, Tarbiat Modares University (TMU), Tehran, Iran.

Abstract

Modernism has played an important role in the development of human life in technological dimensions, but its materialistic view has made cities and urban spaces face basic challenges in social, cultural, environmental and spiritual fields. Therefore, paying attention to the quality of spirituality in the construction and measurement of urban spaces is an important step in dealing with these challenges. Therefore, the aim of this research is to understand the dimensions of the quality of spirituality in urban spaces and evaluate it in some urban spaces of Isfahan. In the qualitative part, the literature of the subject has been explained by a systematic review. In the quantitative part, the votes of two groups of elites (51 people) and citizens (400 people) in order to rank the perception of spirituality from 22 selected spaces of Isfahan city based on the Likert scale were analyzed using a questionnaire and using Friedman's test to rank the perception of spirituality. One-way analysis of variance has been used to compare the perception of the sense of spirituality in the respondent group. According to the scores of two groups of elites and citizens, regarding the level of spirituality in the urban spaces of Isfahan, Jame Mosque scored the highest and Bazarche Hassan Abad scored the lowest. Also, among the types of space, "Cemetery" has received the highest score in terms of spirituality. Therefore, the two important cemetery of Isfahan, Takht Foulad Cemetery (the public tomb and the tomb of religious and cultural celebrities) and Golestan Shohada were selected as case study to conduct in-depth interviews with citizens (21 people) and the interviews were analyzed by thematic analysis. The results indicate that silence, solitude, peace, Islamic architecture of buildings and monuments, the integration of nature and natural elements with the tomb, the visibility of the sky and the vastness of the area; Also, the mental dimensions of the space, including the sense of remembrance, the sense of separation from the world, the connection with divine saints and religious elders are among the most important factors in creating spirituality in these cemetery.

Keyword: Spirituality, Quality of urban space, Spiritual urban space, Takht Foulad Cemetery, Golestan Shohada, Isfahan

1. Correspondent Author: S.Khatami@modares.ac.ir

Analysis of the situation of using street pedestrian bridges in Isfahan (Case study: District 7)

Farshad Tahmasibizadeh

Lecture of Urbanism, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Azadeh Vasili¹

Master's student of Urban Planning, Daneshpajooan Pishro Higher Education Institute (DHEI), Isfahan, Iran

Abstract

In recent decades, the pedestrian bridge has been proposed and used as a serious option among the movement facilities in the transportation system of Iranian cities. This research aims to study the use status of pedestrian bridges from the point of view of the Isfahan 7th district citizens. This research is of applied type and in essence Based on the method is a descriptive-case and analytical method. For data collection, the field method in the form of a questionnaire and for data analysis, descriptive statistics and one-sample t-test, one right-tailed average and one left-tailed average test were used in the SPSS software. The findings of the research indicate that the Isfahan 7 district pedestrian bridges in terms of locating and location, design and urban landscape, geometry and function, aesthetics and a number of security indicators are in an unfavorable condition. In general, from the point of view of users, paying attention to human centeredness in the hardware and software dimensions of pedestrian bridges leads to the optimal use of this facility by pedestrians.

Keywords: Pedestrian bridges, Isfahan, pedestrianism, one-sample t-test

1. Corresponding author: vasili.mgh@gmail.com

Origins of Thought and Methods of Contextualism in Urbanism, Architecture and Fields Affecting the Two, From The 1960s to The Present

Mahmoud Ghalehnoee

Associate Professor, Department of Urbanism, Faculty of Architecture and Urbanism, Art
University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

Concepts such as historical rupture, functionalism, international style, and standardization are all features of modernism. In general, the built environments according to modernism are alien to the existing context, and this alienation led to a fundamental critique of modern architecture and urban planning. With the advent of postmodernism, the need to pay attention to the field in different dimensions was emphasized by thought from different fields such as history, culture, philosophy, linguistics, environment, psychology, and phenomenology. But contextualism needs to be more carefully recognized, especially in relation to fields such as semiotics, semantics, and structuralism, as well as approaches such as traditionalism and ecology, which are its theoretical frameworks. Due to its various origins, the return to contextualism has been accompanied by changes in attitudes, dimensions, principles, and methods since the 1960s. The present study, by reviewing the influential ideas on contextualism in urban planning and architecture, seeks to identify the impact of various movements, approaches and paradigms in various fields in the period from 1960 to the present. The method of the present study is descriptive and by describing the ideas of contextualists in architecture and urban planning as well as related and progressive disciplines such as philosophy that are the source of the ideas of these two mentioned disciplines, it categorizes three main and distinct groups. The notion of contextualism has been investigated in closed and related fields to architecture, urban planning, and urban design such as philosophy, linguistics, and social studies. Three distinct categories are identified, the first is most influenced by the philosophy and linguistics of French thinkers; The second category, focuses more on history, culture, traditionalism, and ecology, and the third category, according to history, tradition, indigenous culture, and ecology, strives to coexist with the environment and converge with the principles Sustainable development has tried.

Keywords: Urbanism, Architecture, Postmodernism, Contextualism, Complexity.

Index of articles

Origins of Thought and Methods of Contextualism in Urbanism, Architecture and Fields Affecting the Two, From The 1960s to The Present **5**

Mahmoud Ghalehnoee

Analysis of the situation of using street pedestrian bridges in Isfahan (Case study: District 7) **29**

Farshad Tahmasibizadeh. Azadeh Vasili

A comparative study of Takht Foulad cemetery and Golestan Shohada of Isfahan regarding the quality of 'spirituality' in urban spaces) **49**

Elham Ghasemi, Seyed Mahdi Khatami, Mahdi Motia. Mohammadreza Pourjafar

Criteria for Determining the Boundaries of Isfahan's Historical Neighborhoods (Case Study: District 9 of Isfahan City) **69**

Sima Khalegian, Shima Ghandehari

The Role of Water Element in Formation and Making of Sustainable Place in Safavid Isfahan City **87**

Forough Madani Esfahani, Ahad Nejad Ebrahimi

The effect of physical and non-physical factors on neighborhood identity (Case Study: Sattar Neighborhood, 15th district of Isfahan City) **109**

Maryam Karimi Azar, Mehri Shahzeidi

Journal of Space and Place Researches

Number 25, winter 2023



Concessionaire: Academic Center for Education Culture and Research

Director responsible: Mehdi Zhianpour

Chief editor: Mohamad Masoud

Specialized secretary: Ehsan Ranjbar

Editorial board:

Nematullah Akbari, Hamed Bakhshi, Frozandeh Jafarzadehpour, Ali Hassani, Nematullah Fazeli, Mahmoud Ghalenoei, Mohammad Masoud, Mehdi Montazer al-Hojjah, Morteza Mirgholami

Administration Manager: Khatere Amiri

Editorial director: Elham Ghasemi

Executive director: Reyhaneh Sajadi

Persian editor: Saeedeh Harandizadeh

English editor: Rezvan Zafari

Cover designer: Erfan Gholami

Sketch on the cover: Ziba Azar

Layout: Jafare Khoddady

Dedicated site: www.jspr.ac.ir

Email: jsprjdisf@gmail.com

License no. 78539 of the Ministry of Culture and Islamic Guidance

ISSN: 2538-6050

Quarterly articles will be displayed in the following databases:

www.noormags.com

www.magiran.com

www.Civilica.com

www.ensani.ir

Journal of Space and Place Researches

Volume 6, No 25, Winter 2023

- Origins of Thought and Methods of Contextualism in Urbanism, Architecture and Fields Affecting the Two, From The 1960s to The Present
- Analysis of the situation of using street pedestrian bridges in Isfahan (Case study: District 7)
- A comparative study of Takht Foulad cemetery and Golestan Shohada of Isfahan regarding the quality of "spirituality" in urban spaces
- Criteria for Determining the Boundaries of Isfahan's Historical Neighborhoods (Case Study: District 9 of Isfahan City)
- The Role of Water Element in Formation and Making of Sustainable Place in Safavid Isfahan City
- The effect of physical and non-physical factors on neighborhood identity (Case Study: Sattar Neighborhood, 15th district of Isfahan City)



ISSN: 2538-6050